۳

کتب طبی انتزاعی

- مبانی طب
- غذا شناسی
- مفردات داروی
- معدن شناسی
- بیماریها
- تاریخ پزشکی
- داروسازی و صنعت

بسم الله الرحمن الرحیم

کتب طبی انتزاعی

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

کتب طبی انتزاعی جلد ۳

مشخصات کتاب

نام کتاب: کتب طبی انتزاعی(فارسی)

نویسنده: جمعی از نویسندگان

موضوع: مبانی طب- مفردات دارویی- بیماریها- داروسازی و صنعت- غذا شناسی- معدن شناسی- تاریخ پزشکی

زبان: فارسی

تعداد جلد: ۸

نوبت چاپ: اول

ملاحظات: این عنوان کتاب تشکیل شده از مجموع بحث های گوناگون طبی که از لابلای کتابهای دیگر توسط آقایان مجیدی نظامی و رحیمی ثابت استخراج و آماده شده و در این مجموعه قرار گرفته است ٠

[کتاب گیلان

[جلد یکم

فصل یازدهم گلها و گیاهان داروئی گیلان

مقدمه

شرایط مساعد اقلیمی استان گیلان که یکی از مناطق پرباران ایران محسوب می گردد و نیز شرایط توپوگرافیك متنوع ساحلی- دشتی و جلگه‌ای- کوهستانی آن باعث گردیده تا این سرزمین از پوشش گیاهی بسیار غنی برخوردار باشد. اغلب مناطق دشتی و جلگه‌ای گیلان از گیاهان علفی اعم از یکساله یا چند ساله شامل چمنزارها، مزارع وسیع برنج و توتون و سایر گیاهان زراعی پوشیده شده و ارتفاعات میان‌بند و کوهستانی متوسط آن را جنگلهای غنی و متراکم با گونه‌های گیاهی متعدد دربر می گیرند. بعضی از ارتفاعات بالای استان که ماههای چندی از سال زیر پوشش برف قرار دارند دارای پوشش گیاهی خاص و اکثرا از گونه‌های انحصاری و گاهی کم‌زی هستند که در مدت کوتاهی از سال نشو و نما می‌نمایند. با مراجعه به اسناد و مدارك و کتابهای گیاه‌شناسی ایران به این حقیقت دست می‌یابیم که در استان گیلان حدود ۱۰۰۰ گونه گیاهی وجود دارد که بعضی از آنها همانطور که گفته شد دوران کوتاهی از سال نشو و نما کرده و پس از اندك زمانی از بین می‌روند.

برخی دیگر موجد جنگلهای زیبای استان هستند؛ گروهی به صورت علف هرز در میان گیاهان زراعی نشو و نما می کنند؛ برخی دارای گلهای زیبا و جذاب هستند و بسیاری از آنها دارای مصارف دارویی، تغذیه‌ای، صنعتی، علوفه‌ای و با اسم فارسی یا محلی شناخته شده می‌باشند و بالاخره عده دیگری فاقد هرگونه صفات مشخصه بوده پوشش قابل توجهی ایجاد نکرده‌اند.

آنچه در اینجا مورد توجه قرار گرفته گیاهانی هستند که درجه غلبه و چیرگی آنها زیاد بوده دوران درازی از فصل رویشی زنده هستند و غالبا دارای اسم فارسی یا محلی می‌باشند. گاهی نیز گیاهانی مورد توجه قرار گرفته‌اند که

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۳۷۴

اگرچه اسم فارسی ندارند و لیکن به عنوان یک گیاه چیره و غالب استان از نظر گیاه‌شناسی ارزش ویژه‌ای دارند؛ در ضمن ترتیب ارائه آنها براساس اسامی علمی گیاهان و روش الفبایی می‌باشد. گیاهان پست مانند سرخسها و دم‌اسبها در فصلی جداگانه و در انتها قرار گرفته‌اند. به لحاظ اهمیت ویژه تیره گندمیان زیر عنوان تیره کلیه جنسها و گونه‌ها آورده شده و در داخل اسم تیره، روش الفبایی رعایت شده است.

لازم به یادآوری است که تعدادی از گیاهان بومی گیلان و همچنین گلها و گیاهان پرارزشی که در گیاه‌درمانی جایگاه مهمی داشته و دارای خواص گوناگونی می‌باشند مورد توجه بیشتری قرار گرفته و خواص درمانی آنها با شرح و تفصیل زیادتری به رشته نگارش کشیده شده است.

ما خوانندگان عزیزی را که به مسائل گیاه‌شناسی چندان علاقه‌ای ندارند به مطالعه مشخصات این دسته از گیاهان دعوت می‌کنیم.

Abutilon theophrasti :Malvaceae گاوپنبه: تیره پنیرک

گیاهی است علفی یک ساله با ساقه‌ای برافراشته و راست و نسبتا ضخیم با شاخه‌های فراوان در بالا و غالبا پوشیده از کرکهای پتویی و برگهای تخم مرغی نسبتا بزرگ دمبرگدار، قاعده‌ای قلبی، نوکی دراز و لبه‌ای کنگره‌ای یا دندانه‌ای با کرکهای پتویی- ستاره‌ای فشرده و رگبرگهای پنجه‌ای، گلهای زردرنگ کوچک و میوه‌ای متشکل از برچه‌هایی به تعداد ۱۰ تا ۱۵ عدد.

گیاه فوق الذکر یکی از علفهای هرز مناطق شمالی ایران بوده و در استان گیلان نیز بیشتر در مزارع آیش، صیفی‌کاری و پنبه دیده می‌شود و گاهی در حاشیه مزارع برنج به چشم می‌خورد و با برگهای بزرگ خود که گاهی با بوته پنبه اشتباه می‌گردد شناخته می‌شوند.

Acacia dealbata :Leguminosae گیاه حساس: تیره نخود (حبوبات)

درختی است به بلندی ۹ تا ۲۰ متر با ساقه‌ای راست و پرشاخه در بالا و شاخه‌های گوشه‌دار و پوشیده از کرکهای نقره‌ای‌رنگ متراکم با برگهای همیشه سبز (احتمالا در شمال ایران خزان‌کننده) بطول ۷ تا ۱۲ سانتیمتر و تعداد ۳۰ تا ۵۰ جفت برگچه پوشیده از کرکهای خاکستری‌رنگ. گلهای زردرنگ آن‌که در کپه‌های کروی به صورت گروهی در خوشه‌های طویل قرار گرفته و دارای عطر دل‌انگیزی می‌باشند در اواخر اسفندماه و اوایل فروردین ظاهر می‌گردند در فصل بهار شاخه گل‌دار آن را برای آرایش سبدهای گل بکار می‌برند.

این درخت در استان گیلان و غرب مازندران کاشته شده است و در اولین روزهای بهار با چتر گل زردرنگ خود زیبایی خاصی به باغها، حیاط منازل، پارکها و بلوارها می‌دهد.

Acantholimon spp :Plumbaginaceae کلاه میرحسنها – گل گه‌ها: تیره کلاه میرحسن

گیاهانی هستند خشبی و کوتاه با ساقه‌های متعدد و غالبا پشته‌ای و کوسنی شکل فاقد ساقه‌های گلدار یا ساقه‌های طویل و بلند، برگهایی غالبا خطی، شکننده و خاردار و کم‌وبیش سه گوشه و بندرت شبه چمنی و تخت و نوک تیز، گلهای سفید یا قرمز

لوله‌ای با کاسبرگی قیفی یا لوله‌ای غشایی که مجموعا در سنبله‌های منفرد یا چندین گلی در سنبله‌های بدون دمگل و سریعا شکننده و ریزان توده‌ای یا کپه‌ای قرار گرفته. گلبرگها سریعا ریزان بوده و کاسبرگهای غشایی آن بیشتر جلب توجه می‌نمایند.
کلاه میرحسنها یکی از جنسهای بزرگ دارای پراکنش و گسترش زیاد در ایران بوده غالبا در مناطق دامنه‌ای کوهستانی و ارتفاعات بالا رشد می‌نمایند و با خارهای فراوان و فرم پشته‌ای خود قابل تشخیص می‌باشند. در استان گیلان نیز Acantholimon rudbaricum در اطراف رودبار و منجیل و گونه‌هایی مانند Acantholimon festucaceum در اطراف کلیشم و A .esfandiari در عمارلو و پاکوه می‌رویند.

Aceraceae: Acer spp افراها: تیره افرا

درختان یا درختچه‌هائی هستند خزان‌کننده و گاهی شیرا به دار با ساقه‌ای چوبی و ضخیم و راست و برافراشته با تاجی گسترده و برگهای دمبرگدار متقابل با لوبهای پنجه‌ای یا گاهی شانه‌ای. گلهای منظم نر ماده یا یک جنسی و
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۳۷۵
گلبرگهای عموما زردرنگ. میوه فندقه بالدار یک دانه‌ای.
افراها در جنگلهای شمال ایران (کیکم یا Acer monspessulonum در غالب نقاط) می‌رویند و از گروه درختان چوبده بوده ارزش صنعتی آنها در کاربردها و مصارف گوناگون چوب آنهاست.
رایج‌ترین گونه‌های افرا در استان گیلان که در غالب نقاط باز و پرنور، در حاشیه جاده‌ها و باغها و گاهی مزارع و جنگلهای جلگه‌ای و کناره‌های جاده‌های جنگلی می‌رویند عبارتند از:
پلت، سیاپلت، بلس Acer velutinum که با برگهای شبه چناری بزرگ و به رنگ سبز تیره از دیگر گونه‌ها متمایز می‌گردد.
شیردار Acer cappadocicum گونه دیگری است که صرفا در مناطق جنگلی رویش یافته با برگهای پنجه‌ای و لوبهای نوک دراز و به رنگ سبز روشن خود قابل تشخیص است و در مناطق مختلف استان از جمله دره سفیدرود، بین رودبار و رشت، اسالم، آستارا، ماسوله و فومن می‌روید.
افرای سیاه Acer negundo گونه‌ای است که در سالهای اخیر به ایران وارد شده و اغلب در کنار خیابانها و پارکها و مناطق جنگلکاری شده کشت می‌شود و دارای برگهای شانه‌ای یا سه برگچه‌ای به‌رنگ سبز روشن می‌باشد.
کیکم Acer monspessulanum بیشتر در بیشه‌زارهای استان و در ارتفاعات بالای منطقه در لابلای صخره‌ها و مناطق کوهستانی می‌روید.

Cruciferae: Aethionema grandiflorum تیره شب‌بو

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌های گل‌دهنده ساده یا منشعب و شاخه‌های فراوان به بلندی ۱۵ تا ۳۰ سانتیمتر و برگهای خطی- کشیده و باریک بدون دمبرگ و گلهای صورتی یا قرمزرنگ.
گیاه فوق الذکر در اغلب نقاط معتدله و معتدله سرد کشور می‌روید و در استان گیلان در دره سفیدرود روئیده و در اوایل بهار زیبائی خاصی دارد.

غافث یا دوای جگر: تیره گل سرخ Agrimonia eupatoria :Rosaceae

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌ای راست و برافراشته به بلندی ۲۰ تا ۱۲۰ سانتیمتر. برگهای اولیه عموما طوقه‌ای و برگهای شانه‌ای با ۴ تا ۱۳ جفت برگچه با حاشیه‌ای دندانه‌اره‌ای- کنگره‌ای و برگچه انتهائی بزرگتر.
گلهای زردرنگ این گیاه در گل‌آذینی سنبله‌ای- خوشه‌ای طویل در انتهای ساقه قرار گرفته و میوه آن عموما خاردار است.
این گیاه در استان گیلان بیشتر در مناطق مرطوب کف جنگل و حاشیه نهرها و نیز مناطقی که دارای خاکهای غنی و نور کافی هستند رشد می‌نماید.
غافث یکی از گیاهان داروئی ایران است که مواد مؤثره آن محتوی تاننها، اسید سیلیسیک، عصاره‌های تلخ و اسانسهای روغنی است. این مواد قابض بوده و در درمان ترشحات معده‌ای و روده‌ای و انواع اسهالها مورد استفاده قرار می‌گیرند. از ترکیبات موجود در غافث در رفع بیماریهای کبدی و رفع خونریزیها، اخلاط خونی، وجود خون در ادرار و بی‌اختیاری دفع ادرار در اطفال نیز استفاده می‌شود.

درخت عرعر: تیره عرعر Ailanthus altissima :Simaroubaceae

درختی است به بلندی ۲۰ متر با ساقه‌ای راست و تاجی منشعب و شاخه‌دار با برگهای معمولا متناوب و مرکب شانه‌ای بزرگ.
گلهای زرد متمایل به سبز کوچک آن غالبا یک جنسی بوده و پایه نر و ماده آن از یکدیگر جداست. میوه آن فندقه بالدار به رنگ ارغوانی یا زرد با دانه‌ای متورم است. مجموعه میوه‌ها به صورت گروهی و خوشه‌مانند می‌باشند.
اگرچه درخت عرعر بومی ایران نیست، لیکن در سالهای اخیر حالت درختی بومی را پیدا کرده و در اکثر نقاط ایران غرس گردیده یا به صورت خودرو یافت می‌شود. در استان گیلان در حاشیه ساحلی و جلگه‌های وسیع جنگلی به خصوص بین بندر انزلی و کپورچال و رضوانشهر به فراوانی می‌روید و گاهی نیز آن را در پارکها و حیات منازل می‌کارند.
اگرچه مصارف داروئی این گیاه برای ایرانیان ناشناخته است و لیکن در
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۳۷۶
برخی از کشورها پوست آن را برای دفع کرم کدو و جلوگیری از اسهال بکار می‌برند.

شب خسب (شب‌خوس، هزاربرگ، گل‌ابریشم، شاغوز، شغوز): تیره نخود Albizia julibrisin :Leguminosae

درختی است به بلندی حدود ۱۰ متر با تاجی گسترده و شاخه‌های فراوان و برگهای دو بار شانه‌ای و برگچه‌هائی به تعداد ۲۰ تا ۳۰ جفت. گلهای ارغوانی آن پرچمهائی به طول ۲ تا ۳ سانتیمتر با کرکهای فراوان دارد که به صورت توده‌ای و خوشه‌ای انتهائی قرار گرفته و زیبائی خاصی دارد.
این درخت در جنگلهای خزان‌کننده خزری در دشتها و جلگه‌های پست می‌روید و در اغلب مناطق معتدله سرد آن را در پارکها، حیاط منازل، کنار خیابانها و بلوارها به عنوان درختی زینتی می‌کارند و یکی از گیاهان زینتی رایج استان گیلان می‌باشد.

ختمی، خطمی: تیره ختمی Alcea lineariloba :Malvaceae

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌ای برافراشته و منشعب در بالا با برگهای پوشیده از کرکهای ستاره‌ای و پهنکی با ۳ تا ۵ بریدگی عمیق و دمبرگی بلند و مشخص، گلهای زرد یا سفیدرنگ آن در محور برگها یا به صورت خوشه‌ای در انتهای شاخه‌ها قرار گرفته‌اند.

ختمیها در ایران دارای تنوع رویشی زیادی بوده و اغلب به صورت علف هرز در مزارع و باغها، حاشیه جاده‌ها و مناطق دارای نور کافی رشد می‌نمایند و گلهای آنها به خاطر داشتن موسیلاژ در درمان سرماخوردگیها به عنوان خلط‌آور و رفع ناراحتیهای تنفسی مورد استفاده قرار می گیرند.

نمونه فوق الذکر در استان گیلان در دره سفیدرود در حاشیه جاده‌ها و مناطق با شیبهای تند و مراتع دامنه‌ای منطقه رشد می‌نماید، ختمی در ایران دارای گونه‌های زیادی است انواع اصلاح شده و پرپر آن در باغچه‌ها و پارکها کشت می‌شود و با رنگهای متنوع سفید، بنفش، قرمز ... زیبائی خاص می‌آفریند.

ختمیها جزء گیاهان داروئی شناخته شده‌اند قسمتهای مختلف به خصوص گلهای آن، محتوی لعاب، انتوسیانها و تاننهاست و به خاطر اثر نرم‌کننده خود مسکن و ضد سرفه است. در تمام عفونتهای مجاری تنفس که حتی توأم با تورم باشد و نیز در آبسه و دملهای دهان و حلق، تورم روده، همچنین وقتی که ادرار به سختی خارج می‌شود مصرف می گردد. لاروس مدیکال جوشانده آن را برای غرغره کردن در مورد آنژین و دمل لثه‌های دندان تجویز کرده است.

دم کرده گل و برگ ختمی، که در سایه خشک شده باشد، برای درمان انواع زکام، برونشیت، درد گلو، ورم حنجره بسیار مفید است و جوشانده آن به شکل محلول، برای سوختگیهای خفیف و رفع خارشهای کهیر، به صورت شستشو مورد استفاده قرار می گیرد.

ریشه گل ختمی شیرین است و موارد استعمال زیادی دارد. از دم‌کرده یا جوشانده آن می‌توان، جهت درمان اسهال خونی و اولسرهای معده سود برد.

Alisma plantago –aquatica :Alismaceae قاشق واش: تیره قاشقواش

گیاهی است علفی چندساله آبزی با ساقه‌ای برافراشته به ارتفاع ۱۵ تا ۱۰۰ سانتیمتر با برگهای قاعده‌ای دمبرگدار بسیار بلند با پهنکی بزرگ،

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۳۷۷

تخم‌مرغی یا بیضوی تا سرنیزه‌ای پهن کم‌وبیش نوک‌تیز و برگهای شناور سرنیزه‌ای پهن تا تخم‌مرغی با گلهای سفید تا صورتی‌رنگ.

قاشقواش یکی از گیاهان پایابی و رطوبت‌پسند است که در سواحل دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و نهرها و جویبارها و مناطق مرطوب و باتلاقی و در خاکهای مرطوب و آبهای راکد با جریان ملایم می‌روید و در استان گیلان از علفهای هرز بسیار مزاحم مزارع برنج بشمار می‌رود و در سراسر استان پراکنده است. علاوه بر گونه فوق الذکر گونه‌هایA .lanceolatum وA .gramineum نیز در مزارع و مردابهای استان گیلان می‌رویند.

Allium spp :Liliaceae پیاز: تیره لاله

پیازها گیاهانی هستند چندساله پیازدار و بدون ساقه، پیازها لایه‌لایه و پوشش‌دار یا به صورت گروهی متصل به ساقه‌های زیرزمینی می‌باشند. برگها در قاعده غلاف‌دار، نخی‌شکل، خطی یا تخت یا استوانه‌ای یا نیمه‌استوانه‌ای و اغلب لوله‌ای نائی‌شکل، گلها در انتهای دم گل‌آذین به صورت چتر و اغلب سفیدرنگ یا سفید متمایل به زرد می‌باشند، لازم به یادآوری است که پیاز نوعی ساقه زیرزمینی تغییر شکل یافته است که به صورت لایه‌لایه درآمده است.

پیازها در ایران دارای گسترش وسیعی بوده در نقاط مختلف ایران و در شرایط آب و هوائی بسیار متنوع رشد و نمو می‌نمایند. در استان گیلان به ویژه در مناطق خشک و کوهستانی گونه‌هائی از این گیاهان می‌رویند که عبارتند از:

Allium affine/ Allium rubellum

Allium atroviolaceum/ Allium scabriscapum

Allium aucheri/ Alium stamineum

Allium paradoxum/ Allium subvineale

و لیکن گونه‌هائی مانند پیاز خوراکی Allium cepa یکی از محصولات زراعی استان در منطقه منجیل و لوشان بوده و زراعت آن در سطح استان نیز گاهی رایج است.

پیاز خوراکی انواع و اقسام کوچک و بزرگ، تند و شیرین، پوست سفید و پوست قرمز دارد که به‌طور خام و پخته هردو مصرف می‌گردد. این گیاه دارای ویتامینهای «ب» و «ث» و سرشار از املاح سیترات، استات، فسفات، نیترات و ترکیبات گوگردی و املاح کلسیم، سدیم، پتاسیم، ید، سیلیس و چندین نوع قند است. به کسانی که کارهای فکری دارند، خوردن پیاز که دارای فسفر است توصیه می‌شود. پیاز هضم مواد نشاسته‌ای را آسان و خواب را راحت می‌کند.

پیاز از لخته شدن خون جلوگیری می‌کند و از زیان آلودگی هوا می‌کاهد.

همچنین پیاز دارای یک ماده میکرب کش نظیر پنی‌سیلین است که میکروبهای وبائی‌شکل را می‌کشد و باسیلهائی را که سبب مسمومیت غذا می‌شوند از بین می‌برد و زهرابه آنها را خنثی می‌کند. به همین جهت است که طباخان گوشت را همراه پیاز حفظ و نگهداری می‌کنند و هیچ غذای گوشتی را بدون آن نمی‌پزند.

خوردن پیاز به صورت خام یا پخته به رشد اطفال مخصوصا کودکان عقب‌افتاده کمک می‌کند. پیاز به علت داشتن مواد گوگردی، خون و مجاری تنفسی را ضدعفونی می‌کند و جهت درمان تنگی نفس، ورم گلو، برنشیت، گریپ و غیر آن مفید می‌باشد و نیز به علت داشتن گوگرد، موهای سر و صورت را تقویت و از ریزش آنها جلوگیری می‌کند. در درمان پروستات، بیماریهای کلیوی، ورم ساق پا و روماتیسم مفصلی و نظائر آنها مفید و مؤثر است. پیاز با آن‌که به هضم غذا کمک می‌کند و نفخ را از بین می‌برد خود کمی نفاخ است و برای جلوگیری از آن بایست از مواد قندی استفاده کرد. خوردن کمی قند، شکر و آب‌نبات، نفخ ناشی از آن را از بین می‌برد. برای تسکین درد دندان کافی است کمی آب پیاز را با پنبه آغشته کنند و آن را در حفره دندان کرم‌خورده بگذارند. در استعمال خارجی برای از بین بردن زگیل و لکه‌های سیاهی پوست مفید است.

پیاز دارای چندین گونه قند است و با کمک نیتراتهائی که دارد، ادرار را زیاد می‌کند. در طب سنتی برای جلوگیری از تشمّع کبدی و سرطان، معالجه ورم پرده خارجی قلب و ذات الریه تجویز می‌گردد.

پیاز بوی زهم گوشت را از بین می‌برد و گرفتگی دماغ را که در اثر تنفس در هوای متعفن پیدا شده باز می‌کند. پیاز دارای انسولین گیاهی و اینولین است و به همین جهت برای مبتلایان به مرض قند مفید می‌باشد.

در برگ پیاز آنزیمهای مختلف و مقدار زیادی سبزینه وجود دارد، ضمنا نیم‌پخته پیاز مسکن التهابات و ناراحتیهای مربوط به

سوختگی و بواسیر است. پیاز اشک‌آور است و چشم را ضدعفونی می‌کند و از فشار آن می‌کاهد و در عین حال ضرری به چشم نمی‌زند. پیاز پادزهر سموم است به همین سبب در گذشته خوردن آب پیاز به مقدار زیاد، برای کسانی که مورد حمله سگ هار قرار می‌گرفتند تجویز می‌شد. چکاندن آب پیاز در چشم جهت جلوگیری از آبریزش و خارش پلک چشم نافع است و با عسل جهت رفع لکه سفیدی و زخم چشم و ضعف بینائی تجویز شده است.

چکاندن آب پیاز در گوش جهت رفع سنگینی و صدا کردن گوش و پاک کردن چرک آن نافع است. ضماد کوبیده پیاز بر روی پوست بدن، خون را به سوی جلد می‌کشد و آن را خوش‌آب‌ورنگ می‌کند. برای برطرف ساختن بوی پیاز خوردن سبزیهای معطر، باقلای خام، گردوی بوداده و نان سوخته مؤثر است. مؤلف کتاب «مفردات پزشکی و گیاهان داروئی ایران» می‌نویسد:

جوشانده تخم پیاز با شکر و روغن نیز به عنوان مسهل در تبهای حصبه‌ای به کار می‌رود. در تحقیقاتی که بر روی پیاز انجام شده به این نتیجه رسیده‌اند که یکی از ترکیبات کم‌کننده قند خون که در پیاز موجود است دی‌فنیل‌آمین می‌باشد. دکتر لاکوفسکی که بر روی پیاز تحقیقات زیادی به‌عمل آورده عقیده دارد که پیاز برای پیشگیری از بروز سرطان مؤثر است. وی در اهمیت پیاز می‌گوید: ما همچنان روی پیاز مطالعه می‌کنیم و عقیده داریم که روزی این گیاه ناچیز مطمئن‌ترین وسیله برای درمان دردهای بشر از کار درآید. همچنین پزشک معروف دیگر روس دکتر توکین می‌گوید: از لحاظ میکروب‌کشی، پیاز در درجه اول و سیر در درجه دوم و ترب‌سیاه و فلفل قرمز در درجه سوم قرار دارند. دکتر توکین پژوهشهای خود را درباره ۱۵۰ نوع سبزی و گیاه منتشر ساخته و خاصیت میکروب‌کشی پیاز را در درجه اول اعلام داشته و آن را در نابودی میکروب تیفوئید (حصبه) و باکتریهای تک‌سلولی بسیار مؤثر توصیف کرده است. همچنین ادوارد کومن متخصص امور شیمیائی نیوجرسی

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۳۷۸

آمریکا و بسیاری از مهندسان کشاورزی عقیده دارند که کاشتن پیاز در مزرعه سبب ضدعفونی شدن محصولات دیگری گردیده آنها را از بسیاری آفات مصون می‌دارد. در گذشته با آب پیاز مرکب نامرئی می‌ساختند، زیرا جملاتی که با آب پیاز بر روی کاغذ نوشته شود خوانده نمی‌شود، اما هنگامی که حرارت داده شود نوشته آن ظاهر می‌گردد. رنگهای ظروف نیکلی و مسی با پیاز و لکه‌های مرکب و کلاههای حصیری با پوره پیاز پاک می‌شود. در ایران قدیم با پیاز چسبی درست می‌کردند که قطعات شیشه و چینی را به هم می‌چسبانید.

سیر: تیره لاله Allium sativum

سیر جزو یکی از پیازها محسوب می‌شود و از نظر مشخصات گیاهی شبیه پیاز است، اما از نظر خواص درمانی با آن متفاوت می‌باشد. سیر را می‌توان رایج‌ترین گیاه مورد استفاده مردم گیلان معرفی کرد که به صورت خام، پخته، سرخ کرده و ترشی مصرف می‌شود.

قسمتهای مورد استفاده این گیاه، برگ و مخصوصا قطعات پیاز آن است که سرشار از ویتامینهای ب و ث می‌باشد و مقدار ویتامین ث در نوع بیابانی آن بیشتر است.

ابو علی سینا در کتاب «قانون» در مورد سیر و خواص درمانی آن چنین می‌نویسد:

«خاکستر سیر (گرد سیر) را عسل مخلوط کنند بهک (لکه‌های سفید پوست) و لکه خونی زیر پلک را می‌زداید و داروی داء الثعلب است ... سیر بیابانی را تا تر است بر زخم بدخیم گذارند زخم را به هم آرد ... حقنه (تنقیه) سیر در علاج عرق النسا (سیاتیک) مفید است، زیرا خون و خلط مراری را ریزش دهد ... دید را ناتوان کند و سبب جوشهای داخل چشم شود. سیر پخته گلو را صاف کند و داروی سرفه مزمن است ...»

ابو بکر مطّهر جمالی یزدی در کتاب «فرخ‌نامه» در خواص درمانی سیر می‌نویسد:

«... اگر کسی را مار گزیده بود دانه سیر به دو نیمه کنند و بر زخم نهند درد بنشاند. خوردن سیر بلغم از معده پاک کند و لرزه دست و پای ببرد، و لقوه را نیک بود. و لیک صفرا انگیزد و درد شقیقه و خارش اندام و تاریکی چشم آرد ... از بهر آنک طبع او گرم و خشک است ... و اگر پوست او بسوزانند و با روغن زیت بیامیزند و بر جائی طلا کنند موی برآرد.»

در قدیم از سیر برای پیشگیری از آلوده شدن اماکن به میکرب بیماریهای وبا، تیفوس، حصبه و غیره استفاده می‌کردند و حتی به طوری که یکی از اطبای قدیم به نام دکتر ویگوروگس Vigouroux توصیه نموده بود، سیر را در موقع شیوع بیماریهای واگیردار، روزانه بر روی نان می‌مالیدند و یا آن را در سالاد وارد کرده مصرف می‌نمودند. از سیر به طوری که دکتر لوئپر Loepper و فورستیه Forestier در سال ۱۹۲۱ بررسی کرده‌اند نه تنها در معالجه غانقاریای ریوی نتایج خوب به دست آمده، بلکه در رفع بیماریهای دیگر ریه و درمان سل روده نیز مؤثر بوده است. سیر در دستگاه هضم نیز یک اثر ضدعفونی کننده قاطع ظاهر می‌کند. بررسیهای دکتر کروئبر L. Kroeber نشان داد که از سیر نتایج بسیار خوب در رفع اسهالهای ساده، دیسانتری، ورم روده با منشأ عصبی، قولنجها، سوء هضم و عوارض آن از قبیل احساس سنگینی و چنگ‌زدگی در معده و همچنین اتّساع معده به دست می‌آید. عده‌ای معتقدند که در سوءهضمهای زمان یائسگی نیز اثر مفید از آن ظاهر می‌گردد. در مقابل این همه اثرات مفید درمانی، گفته می‌شود هنوز هیچگونه دلیل علمی قانع‌کننده‌ای وجود ندارد تا اثرات درمانی مذکور را بدان نسبت دهند. فقط کرچمر Kretschmer در این مورد، اثرات هضمی سیر را مربوط به ترشح صفرا می‌داند که مواد ذکر شده: موجبات آن را در بدن فراهم می‌سازند.

سیر در پائین آوردن فشار خون تأثیر می‌نماید. زیرا مصرف آن موجب اتّساع شارئین و مویرگها می‌شود و به نظر می‌رسد که بر روی حرکات و انقباضات قلب نیز اثر مفید ظاهر کند. بررسیهای دانشمندی به نام ریپرژر W. Ripperger در سال ۱۹۳۷ نشان داد که بسیاری از سالخوردگان با خوردن سیر موفق به پائین آوردن فشار خون و رفع تصلب شرائین شده‌اند. یکی از محققان به نام لوران A. Lorand در سال ۱۹۳۳ اظهار داشت: سیر دارای اثر مفید در پیشگیری از بروز سرطان می‌باشد و با مصرف آن، ضد عفونی روده‌ها و زیاد شدن ترشّحات صفرا تأمین می‌شود. می‌گویند در چین سرطان بسیار کم است، زیرا مردم در آنجا به فراوانی سیر مصرف می‌کنند.

سیر به علت مدر بودن، در رفع آب آوردن انساج و معالجه استسقاء مؤثر است و از قدیم الایام از این خاصیت درمانی سیر استفاده شده است.

مایر Meyer در سال ۱۹۳۵ برای سیر اثر رفع مسمومیت نیکوتین قائل بود؛ زیرا معتقد بود که با مصرف آن تسکینی در ناراحتیهای ناشی از اثر نیکوتین در عروق و رفع اختلالات قلبی و هضمی در معتادین، ظاهر می‌شود.

سیر به سهولت کرمک را دفع می‌کند، عده‌ای آن را در دفع اسکاریس چندان مؤثر نمی‌دانند. اما برخی دیگر منجمله دکتر لکلر H. Leclerc ، آن را در دفع این کرم نیز بسیار مؤثر دانسته‌اند.

در استعمال خارج، سیر دارای اثر ضدعفونی‌کننده است و می‌تواند در پانسمان زخمهای غانقاریائی و رفع زخمهای چرکین و

همچنین التیام زخمها، مورد استفاده قرار گیرد. در استعمال خارج اگر کسی گوشش بر اثر عوارض روماتیسم کر شود و یک تکه پنبه را با آب سیر مرطوب کند و در گوش بگذارد ثقل سامعه وی برطرف می‌شود. سرانجام اگر در گونیهای برنج یا گندم و یا حبوبات دیگر، کیسه‌های کوچکی که محتوی حبه‌های سیر است بگذارند هیچوقت دچار حملات و صدمات شپشه نخواهد شد.

از معایب مصرف سیر، بوی ناپسند آن است که به سرعت از راه ریه دفع می گردد. بوی بد سیر را می‌توان با چند قطره اسانس آنژلیک رفع کرد و یا نیم ساعت پس از مصرف آن، یک عدد سیب رنده شده و یا یک قاشق عسل خورد و یا آنکه برگ جعفری جوید. در مواردی که تحریکی در دستگاه هاضمه وجود داشته باشد باید از مصرف سیر خودداری کرد.

طی سالهای اخیر قرصهائی از سیر درست شده که در داروخانه‌ها به فروش می‌رسد و مورد استفاده کسانی است که نمی‌توانند بوی سیر را تحمل کنند.

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۳۷۹

تره: تیره لاله Allium porrum

تره که در اغلب نقاط گیلان کوار نامیده می‌شود در شمار پیازهاست و از سبزیهای مورد مصرف در تمام نقاط ایران است. تره به صورت سبزی خوردن، سبزی آش، سبزی پلو و کوکو و غیره مصرف می‌شود.

مصرف آن برای مبتلایان به سوء هضم، چاقی، درد مفاصل، نقرس، تصلب شرائین و یبوست دائمی توصیه می گردد. تره از سبزیهای مدر و بسیار مفید است. اثر خلط‌آور و نرم‌کننده دارد؛ سوپ آن حبس البول، آب آوردن انساج و سنگ کلیه را درمان می کند در موارد گرفتگی صدا، گریپ، سرفه، ورم گلو و نای و تمام حالات التهابی حاد و مزمن دستگاه تنفس و سیاه‌سرفه مصرف می گردد.

توسکاها: تیره غان Alnus spp :Betulaceae

درختانی هستند به بلندی حدود ۳۰ متر با پوستی قهوه‌ای تیره و شیاردار و شاخه‌های جوان بدون کرک یا کرکدار و برگهای سبز تیره واژ تخم‌مرغی یا تخم‌مرغی با قاعده‌ای شبه قلبی. میوه و گل این درختان بصورت شاتونهائی است که توسط فلسهائی دانه را دربر می گیرند و عموما پس از رسیدن سیاهرنگ می‌شوند.

توسکاها عموما در مناطق جنگلی شمال ایران در کنار جاده‌ها و مناطقی که دارای نور کافی هستند، می‌رویند و به محض روشن شدن و قطع یکسره جنگل جایگزین سایر درختان صنعتی می گردند. چوب این درختان از نظر صنعتی با ارزش نبوده و بیشتر به مصرف کارهای غیرظریف و تهیه تراورس و تخته می‌رسد. دو گونه از آن با نامهای توسکا قشلاقی Alnus glutinosa در مناطق پست و توسکا ییلاقی Alnus subcordata در ارتفاعات استان گیلان می‌رویند.

اگرچه مصارف داروئی این درختان در طب سنتی ایران رایج نیست، اما برگهای جوان و پوست این درختان حاوی تاننها و آنتراکینین هستند و در نتیجه قابض و تلخ بوده در درمان کاتاره روده‌ای، اسهال مزمن و خونریزیهای داخلی مورد استفاده قرار می گیرند. برگهای تازه و سائیده شده آن برای درمان ترک‌خوردگی سینه و دملها تجویز می‌شود.

Amaranthus spp :Amaranthaceae تاج‌خروسها: تیره تاج‌خروس

گیاهانی هستند یکساله یا چند ساله علفی با برگهای متناوب و کامل و گلهای فاقد گلبرگ یک جنسی با دو برگک غشائی، درفشی‌شکل خاردار که به صورت محوری یا سنبله‌های انتهائی در محور برگها قرار گرفته‌اند و تولید دانه‌های سیاهرنگ فراوانی می‌نمایند.

غالب گونه‌هایAmaranthus در ایران به صورت علف هرز در مزارع، مراتع مزارع آیش باغها و کناره جاده‌ها و پیاده‌روها می‌رویند. در استان گیلان گونه‌های چندی از این جنس می‌رویند که مهمترین آنها عبارتند از: ترشه‌تره چواش، که به صورت علف هرز در غالب نقاط استان پراکنده شده‌اند.

برگ انواع تاج‌خروس در اوایل فصل بهار گاهی به صورت سبزی آش به همراه دیگر سبزیهای صحرائی توسط روستائیان مصرف می گردد.

Anagalis arvensis :Primulaceae آناغالیس: تیره پامچال

گیاهی است علفی یکساله با ساقه‌ای راست، برافراشته یا خوابیده روی سطح زمین به ارتفاع حدود ۲/۵ تا ۷۰ سانتیمتر با برگهای متقابل یا گاهی فراهم و پهنگی تخم‌مرغی تا تخم‌مرغی کشیده، و گلهای آبی تا قرمز با دم گلی نسبتا بلندتر از برگهائی که در کنارش قرار دارند.

آناغالیس گیاهی است که در غالب نقاط ایران از جنوب تا شمال به صورت علف هرز در زمینهای زراعی، حاشیه رودخانه‌ها، روی خاکهای رسی و شنی و در شیبهای صخره‌ای می‌روید. در استان گیلان نیز یکی از علفهای هرز مهم مزارع، باغچه‌ها و گلدانها و اراضی آیش می‌باشد.

اندامهای مختلف آناغالیس دارای اثرات درمانی گوناگونی هستند.

اعضای مختلف گیاه دارای دو نوع ساپونین می‌باشند. ساپونینها طعمی تلخ دارند و از راه خوردن، ایجاد مسمومیّت در انسان نمی کنند. ولی اگر حتی به حالت محلول بسیار رقیق به خون تزریق شوند موجب همولیز و از بین رفتن

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۳۸۰

گلبولهای قرمز خواهند شد. ساپونینهای موجود در گیاه، دارای اثری تحریک‌کننده بر روی پوست و مخاطها می‌باشند از این جهت مصرف آن نباید بی‌رویه صورت گیرد، زیرا ممکن است سبب مسمومیّت شخص گردد.

از نظر درمانی آناغالیس گیاهی خلط‌آور و مدر است و در بیماریهای سینه و دستگاه دفع ادرار می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. با مصرف این گیاه، اخلاط سینه حالت سیلان و روان پیدا می کند و به سهولت دفع می گردد. به علاوه سرفه و ناراحتیهای دیگر بیمار از میان می‌رود.

در استعمال خارج، له‌شده اعضای گیاه به صورت ضماد یا شیره و یا جوشانده‌های غلیظ آن بر روی زخمهای دردناک و اولسرها نتایج مفیدی در بردارد. همچنین جوشانده اعضای گیاه به صورت لوسیون، بر روی زخمهای ملتهب و محل گزیدگی حشرات دارای اثرات سودبخشی است و به صورت حمام موضعی پا (قرار دادن پا در جوشانده) نیز در بیماری نقرس مورد استفاده قرار می گیرد.

Anethum graveolens :Umbelliferae شوید: تیره جعفری

گیاهی است یکساله با ساقه‌ای بدون کرک با رنگ سبز کاهوئی و شاخه‌های فراوان در بخش فوقانی، برگهای قاعده‌ای ۳ تا ۵ بار شانه‌ای با قطعات طویل نخی‌شکل و بوئی خوش و گلهای زردرنگ در گل آذین چتری در انتهای شاخه‌ها.
اگرچه این گیاه به صورت خودرو دیده نمی‌شود، ولی در اغلب نقاط ایران کشت گردیده به عنوان سبزی پلوئی مصرف می‌شود. در استان گیلان نیز در غالب نقاط در مزارع و باغها و گاهی باغچه‌های منازل کشت می‌شود.
میوه آن اثر نیرودهنده، مقوی معده، هضم‌کننده غذا، بادشکن، مدر، ضد تشنج، رفع استفراغ، آرام‌کننده و زیادکننده ترشحات شیر دارد. اضافه کردن مقدار کمی از میوه این گیاه به جوشانده‌ها اشتهاآور و آرام‌کننده اعصاب است، امروزه مصرف سرشاخه و برگ شوید برای کم کردن چربی خون و کم کردن کلسترول خون توصیه می گردد.

Apium graveolens :Umbelliferae کرفس: تیره جعفری

گیاهی است دو ساله یا چندساله با برگهای قاعده و ساقه‌ای یکبار شانه‌ای و برگهای بالای ساقه سه بخشی با ساقه‌ای نسبتا راست و پرشاخه در بخش فوقانی و گلهای سفیدرنگ در گل آذین چتری در انتهای شاخه و یا محور برگها.
این گیاه در استان گیلان در دشتهای ساحلی و زمینهای مرطوب اطراف انزلی، لاهیجان و رشت می‌روید.
نوع اصلاح شده این گیاه به عنوان یکی از سبزیهای خورشتی با ساقه‌های ضخیم و سفیدرنگ در غالب سبزی‌فروشیها در فصل زمستان و بهار به فروش می‌رسد، با ترکیبات گوناگونی که دارد مدر، مقوی معده، ضد اسکوربوت، نیرودهنده، بادشکن، صفرابر و تب‌بر است. ریشه آن برای درمان آب آوردن انساج، بیماریهای نقرس، روماتیسم، حالات مربوط به زیادی اسید اوریک، خیز عمومی بدن، سنگ کلیه، یرقان، نزله‌های ششی، آسم مرطوب، ضعف‌های مربوط به سیستم عصبی، ضعف عمل معده و بیماریهای مثانه و آلبومینوری مورد استفاده قرار می گیرد.
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۳۸۱

Arachis hypogaea :Leguminosae بادام زمینی: تیره نخود

گیاهی است علفی یکساله با ساقه‌ای راست به بلندی حدود ۵۰ سانتیمتر و برگهای شانه‌ای زوج غالبا دو برگچه‌ای با برگچه‌های بزرگ بیضوی تا واژ تخم‌مرغی بدون کرک و گوشواره‌های بزرگ به طول ۴۰ سانتیمتر.
گلهای پروانه‌آسای زردرنگ با دمگل بلند و غالبا محوری و منفرد با میوه ناشکوفای زیرزمینی، استوانه‌ای مشبک با ۱ تا ۳ دانه که در فواصل دانه‌ها بهم آمده و دارای فرورفتگی می‌باشد از مشخصات این گیاه است.
بادام زمینی یکی از گیاهان زراعی استان گیلان است و مردم محلی آن را در باغها و باغچه‌های خود به خاطر دانه‌های لذیذ آن کشت می‌نمایند. بیشترین رویشگاه و محل زراعت آن در اطراف آستانه اشرفیه است.
بادام زمینی یا پسته زمینی که در خارج به آراشید معروف است بیشتر در گیلان و مخصوصا آستانه اشرفیه پرورش می‌یابد. بادام زمینی فقط در آب و هوای گرم و مرطوب رشد پیدا می کند. زمینهای شنی و آهکی بهترین محل برای کشت این محصول است. محل کشت مخصوصا باید به حدّ کافی مرطوب و نرم باشد تا ریشه گیاه بتواند به آسانی در آن فرو رود و

محصول دلخواه را حاصل نماید. شادروان استاد پورداود در مورد چگونگی آشنائی مردم گیلان با بادام زمینی و کشت آن در این منطقه در کتاب «هرمزدنامه» چنین می‌نویسد:

«پسته زمینی از گیاهانی است که از امریکا به ایران آمده و نام فارسی پسته زمینی به خود گرفته است، در یزد به پسته زمینی، بادام کوهی و در شهرهای مختلف ایران بادام زمینی و یا بادام شامی و در آذربایجان به آن پستخ [فستق می گویند. من نخستین بار آن را در بیروت دیدم و در تابستان ۱۲۸۹ هجری خورشیدی که به رشت، شهر زادگاهی خود برمی گشتم مقداری از آن را که در سوریه فستق العبید می گویند با خودم آوردم و به پدرم دادم. او دهی در یک فرسنگی شهر به نام آتشگاه داشت که در آنجا کاشته شد و پس از بیست و هفت سال که به ایران برگشتم یکی از محصولات بزرگ گیلان را پسته زمینی دیدم که در آستانه اشرفیه کشت آن زیاد شده است. حالا۔ نمی‌دانم که این محصول نتیجه همان مقداری است که من با خود به ایران آوردم و یا دیگری پس از من به ایران آورده و کشت آن را رواج داده است. چون این گیاه در زمینهای شنی خوب پرورش می‌یابد کرانه‌های دریای خزر بهترین محلّ کشت آن است و امید است که کشت و زراعت آن روزبروز زیادتر شود ...» از نظر ترکیبات شیمیایی در آراشید مقدار قابل ملاحظه‌ای گلوسید (آمیدن)، مواد چرب، مواد پروتئیک، کولین، بتائین، مواد ازته، و ویتامین‌هایF، B، A وD وجود دارد. مقدار مواد فوق برحسب آب و هوا در کشورها و مناطق مختلف فرق می کند. علاوه بر آن، آراشید دارای ماده‌ای است که خون افراد مبتلا به بیماری هموفیلی را بند می‌آورد. ضمنا وجود ویتامین‌های۱ B وD در پوسته‌های قرمز و در لپه‌های دانه محقّق گردیده است که اغلب این پوسته‌ها پس از بو دادن به آسانی از لپه‌ها جدا می گردند و یا تمایل سریع به جدایی دارند.

آراشید برای تغذیه در نقاط بومی گیاه به کار می‌رود و در بعضی نقاط دانه‌های سرخ کرده و بوداده آن را مصرف می کنند. در امریکا دانه‌های آراشید را کباب می کنند و به مصرف می‌رسانند و علاوه بر آن یک نوع چربی آراشید به نام کره آراشید نیز در این کشور مصرف می‌شود.

روغن آراشید مصارف صنعتی و غذائی فراوان دارد. روغن آراشید یک حلّال افیسنال است. از ریشه، برگ و دانه‌های یک نوع آراشید که بومی آفریقای استوائی است، بر ضد تب‌های صفراوی هماتوریک استفاده به عمل می‌آید و نیز در بعضی مناطق دانه‌های آن را بو می‌دهند و به نام قهوه سیاه به جای قهوه اصلی به مصرف می‌رسانند.

روغنی که از دانه‌های آراشید گرفته می‌شود بسیار خوشمزه است و با روغن زیتون برابری می کند. در سراسر اروپا روغن آراشید را همراه با سالاد و اغلب اغذیه به مصرف می‌رسانند. بدین سبب آراشید در اروپا به اسامی:

پسته زمینی، بادام زمینی، گردو زمینی، فندق زمینی، لوبیا زمینی، بلوط زمینی و فندق نخودی نیز نامیده می‌شود.

همچنین از نظر خواص درمانی، روغن آراشید به علّت دارا بودن ویتامینF (اسید آراشیدونیک) و فقدان کلسترول خالص، برای افرادی که چربی خونشان زیاد است مفید می‌باشد و از بروز بیماری آتروم (جمع شدن چربی در جدار شریانها) جلوگیری می کند.

در روغن بادام زمینی استرولی وجود دارد که اثر ضد کلسترول حقیقی دارد. برای افرادی که چربی خونشان (کلسترول) زیادتر از حدّ طبیعی باشد و یا افرادیکه دچار سکته قلبی شده‌اند نه تنها مفید است بلکه نقش دارویی و درمانی مؤثّر هم دارد. زیرا امروزه معلوم گردیده است که اگر مقدار مصرف این قبیل روغن‌های مایع زیاد شود کلسترول خون بالا نمی‌رود بلکه پایین هم می‌آید. بادام زمینی به علّت دارا بودن ویتامین‌های گروه(B) برای رفع بی‌قوتی ماهیچه‌ها، کمبود فشار خون، خستگی شدید، گیجی، بی‌حوصلگی، بهت‌زدگی، ترس و دلهره مفید است. همچنین مصرف بادام زمینی برای کودکان مبتلا۔ به

راشیتیسم مفید و مؤثّر است. نیز اخیرا به ثبوت رسیده که ویتامین(D) موجود در بادام زمینی مقدار اسید و ترشّحات معده را زیاد می‌کند و باعث افزایش اشتها می‌گردد؛ بنابراین در رشد و نموّ کودکان در حال رشد بی‌نهایت سودمند است.
برای رفع پوسته‌پوسته شدن کف دست می‌توان از روغن آراشید سود جست و با مالیدن آن روزی چند نوبت، به درمان این عارضه پرداخت. روغن آراشید برای درمان شوره سر و ریزش مو نیز مؤثّر است. برای این منظور لازم است روغن آراشید را روی پوست سر بمالند و پس از نیم ساعت آن را با سدر بشویند.
نظر به اینکه آراشید دارای اسیدهای آمینه (آرژی‌نین- هیستیدین- سیستین لیزین) می‌باشد که فاقد مواد سلولزی است در خوردن آن نباید افراط کرد، زیرا سبب یبوست شدید مزاج می‌گردد.

باباآدم: تیره کاسنی Arctium lappa :Compositae

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌ای ضخیم و کرکدار پنبه‌ای تار
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۳۸۲
عنکبوتی سفید و شیاردار و منشعب و شاخه‌دار از قاعده یا در بخش فوقانی با برگهائی با پهنک بزرگ قلبی‌شکل.
گلهای آن لوله‌ای قرمزرنگ مجتمع و کپه‌ای است که توسط برگهای تغییر شکل یافته‌ای به نام برگه‌های (گریبان) سرعصائی و قلاب‌مانند دربرگرفته شده‌اند.
باباآدم در مناطق مرطوب سایه، کنار نهرها و جویبارها، در حاشیه جاده‌ها و باغها و در حاشیه مزارع می‌روید و از برگهای بزرگ و کپه‌هائی که با برگه‌های قلاب‌مانند خود به لباس یا موی انسان و پوست چهارپایان می‌چسبند شناخته می‌شود و بخاطر داشتن برگهای بزرگ آن را باباآدم نامیده‌اند. البته در زبان فارسی باباآدم تقریبا به کلیه گیاهانی که برگهای بزرگ و پهن دارند اطلاق می‌گردد.
ریشه باباآدم دارای اثر تصفیه‌کننده خون، مدر و معرق بوده برای رفع نقرس، رماتیسم، رفع عوارض سیفلیس و در درمان بیماری قند بکار می‌رود.
ریشه باباآدم محتوی اینولین، اسانسهای روغنی، لعاب، تاننها و مواد ضدمیکروبی و ضدباکتری است. از ریشه باباآدم همچنین در دفع خیز عمومی بدن، سنگ کلیه، رفع جوشهای صورت، دانه‌های غرور و بیماریهای پوستی، رماتیسم و قولنجهای کبدی و نزله‌ای ششی استفاده می‌شود.

زردآلو: تیره گل سرخ Armeniaca vulgaris :Rosaceae

درخت یا درختچه‌ای است با تنه راست و پرشاخه با پوستی در جوانی قرمز متمایل به قهوه‌ای و در سنین بالاتر سیاه‌رنگ و غالبا شیاردار و گاهی خاردار. برگهای آن تخم‌مرغی پهن با حاشیه‌ای دندانه اره‌ای و بدون کرک به رنگ سبز روشن و خزان‌کننده است. گلهای سفیدرنگ آن به صورت منفرد یا دوتائی قبل از تولید برگ ظاهر گردیده و میوه آن آبدار به رنگ زرد روشن تا زرد تیره است.
زردآلو یکی از درختان میوه کاشته شده در ایران می‌باشد و نوع اصلاح شده آن قیسی نامیده می‌شود.
این درخت بیشتر در مناطق معتدله و معتدله سرد کشت می‌گردد و اگرچه ممکن است در استان گیلان کمتر غرس شود لیکن

میوه آن در فصل بهار جایگاه خاصی در میان میوه‌های مصرفی مردم دارد.

Artemisia absinthium :Compositae افسنطین: تیره کاسنی

گیاهی است علفی چندساله معطر با ساقه‌ای راست و پرشاخه در بالا پوشیده از کرکهای کوتاه- خاکستری و با ساقه‌های عقیم بسیار در کنار ساقه اصلی و ساقه بارور منفرد یا چندتائی راست و استوانه‌ای با شیارهای کم‌عمق به ارتفاع ۵۰ تا ۱۲۰ سانتیمتر پوشیده از برگ.

افسنطین یکی از گیاهان داروئی ایران بوده و اغلب در مناطق شمالی ایران در مناطق مرطوب و با خاك نسبتا خوب رشد می‌نماید در ارتفاعات کوهستانی گیلان در اطراف دیلمان و اسپیلی، اسالم و آستارا می‌روید و با برگهای نقره‌ای رنگ خود کاملا مشخص است.

سرشاخه برگدار این گیاه حاوی ماده مؤثره اسانس روغنی است که محتوی تویول و شیره تلخ، ابسین‌تین، اسیدهای آلی و تاننها است. قسمتهای محرکه آن تلخ بوده در درمانهای داخلی یا به صورت مخلوط برای تحریک اشتها، ترشح معده و صفرا، علیه قولنج‌های روده‌ای، به عنوان تقویت معده، مقوی قلب، تب‌بر، مدر، قاعده‌آور، ضد کرم و ضد عفونی‌کننده بکار می‌رود. در دفع اسهالهای مزمن، نفخ و تب نوبه اثر عالی دارد. سرعت جریان خون را زیاد و ترشح ادرار را افزایش می‌دهد.

گونه‌ای از آن‌که در سواحل دریای مازندران، از گیلان تا آستارا می‌روید، در رشت و اطراف آن به «واش» و «گندواش» معروف است.

ابو علی سینا در کتاب «قانون» می‌نویسد: افسنطین لباس را از بید و گزند حشرات نگاه می‌دارد و اگر با مرکب ترکیب شود رنگ مرکب ثابت می‌ماند و تغییر رنگ نمی‌دهد و کاغذ را از موش‌خوردگی محفوظ می‌دارد ... افسنطین رنگ و روی را زیبا می‌کند، برای داء الثعلب (موخوره) و داء الحیه (فلس‌فلس شدن پوست) مفید است. لکه‌های بنفش زیر چشم را می‌زداید و فوائد دیگری نیز دارد ... بخار پخته شده آن درد گوش را تسکین می‌دهد ... ضماد آن در مداوای ورمهای پشت گوش، درد گوش و رطوبتهای گوش اثر مثبت دارد.

تناول آن با عسل از سکته جلوگیری می‌نماید ... هرنوع افسنطین و به ویژه نوع نبطی آن اگر به صورت ضماد درآید و به زیر چشم ببندند برای معالجه هرنوع درد کهنه و تیرگی چشم مفید است و اگر آن را با می پخته ضماد کنند و بر چشم نهند ضربان چشم، ورم چشم و جوش چشم را از بین می‌برد ... اگر پخته و افشره افسنطین را به مدت ده روز و هرروز به اندازه سه بولوس (۱/۶ مثقال) سر بکشند در باز گردانیدن اشتها تأثیر عجیبی دارد. شربت افسنطین معده را تقویت می‌کند و در بسیاری از حالتها مفید است. اگر کسانی که یرقان دارند، افشره افسنطین را به مدت ده روز و هرروز به اندازه سه اوقیه (معادل هفت مثقال) تناول نمایند فایده می‌بینند. شربت نامبرده برای مداوای استسقاء نیز مفید است ... افسنطین را چنانچه با عدس یا برنج بپزند و بخورند کرمها را از بین می‌برد. افسنطین مخلوط با سنبل باد شکم و معده را چاره‌ساز است. اگر افسنطین را با روغن حنا مرهم کنند و بر کبد و بر تهیگاه بمالند درد کبد و تهیگاه تسکین می‌یابد و اگر آن را با روغن گل سوری (محمدی) مرهم کنند یا با گل سوری مخلوط کنند درد معده را از بین می‌برد و سفتی آن را برطرف می‌کند ... افسنطین در بیرون راندن بول و روان کردن حیض ... و مداوای تب کهنه نافع است. در گذشته که پنی‌سیلین و داروهای میکروب‌کش کشف نشده بود، افسنطین بهترین داروی ضد میکروب به حساب می‌آمد و در مواقع شیوع امراض مسری مانند طاعون تجویز می‌گردید.

همچنین افسنطین تب‌بر و ضـد یرقان و مانع آب آوردن انساج بـدن است و در درمان اسـهال مزمن مؤثر می‌باشد. ضـماد پخته نمک‌زده این گیاه، بر روی زخمهای عفونی و تاولهای چرکین، اثر ضد عفونی کننده، مفید و التیام‌بخش دارد. برای این کار از تنتور آن نیز می‌توان استفاده کرد. افسنطین سرعت جریان خون را زیاد کرده خون را

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۳۸۳

به سوی خود جذب می‌نماید و برای رفع ترشحات زنانه مفید و مؤثر است.

افراد مبتلا- به حساسیت و مبتلایـان به خونریزی و ناراحتیهای جهاز هاضـمه و زنان باردار بایـد از مـداوا توسط افسـنطین پرهیز نمایند و بیمارانی که آن را مصرف می‌کنند از مصرف پی‌درپی خودداری کنند، زیرا این گیاه دارای اسانسی با ترکیبات سمی است و مصرف مداوم آن ایجاد مسمومیت می‌نماید.

Artemisia annua :Compositae گندواش: تیره کاسنی

گیاهی است علفی یکساله با ساقه‌ای راست و در بالا منشعب و شاخه‌دار بـدون کرک یا کمی کرکـدار به ارتفاع حدود ۳۰ تا ۱۰۰ سـانتیمتر بـا برگهائی دارای دمبرگ بلنـد و پهنگی با بریـدگیهای زیاد سـرنیزه‌ای، کامل یا دنـدانه‌ای و اغلب به رنگ سبز روشن و برگهای فوقانی کوچکتر و تقلیل‌یافته، گلهای کپه‌ای در گل آذین پانیکول‌مانند و باز و با شاخه‌های فراوان.

گیاه مذکور یکی از نباتاتی است که در محدوده جنگلی شـمال ایران از آسـتارا تا آشـخانه می‌روید و به صورت علف هرز در غـالب نقـاط ماننـد حاشـیه جاده‌ها، مزارع، مزارع آیش، برنـجزارها، حاشـیه باغها و پارکها و خیابانها دیـده می‌شود. در اسـتان گیلان نیز کمتر جائی است که گندواش در آن وجود نداشته باشد.

Artemisia vulgaris :Compositae برنجاسف: تیره کاسنی

گیاهی است علفی چنـدساله کرکـدار با ساقه‌ای مشـخص و چنـدتائی و پرشاخه و منشـعب در بخش فوقانی کرکـدار یا بـدون کرک به ارتفاع ۳۰ تا ۲۰۰ سانتیمتر عموما قهوه‌ای خوشرنگ با گلهای قاعده شانه‌ای بخش با دمگل کوتاه و قطعات سرنیزه‌ای نوک تیز با شانه‌ای بریده به صورت نامنظم دندانه‌ای اره‌ای یا کامل و بدون دندانه به رنگ سبز تیره در سطح فوقانی و پوشیده از کرکهای پتوئی متراکم سفید رنگ در سطح زیرین.

گلهای کپه‌ای آن در گل آذین پانیکول باز با شاخه‌های بلند گسترده یا راست و با شاخه‌های کوچک کم قرار گرفته‌اند.

برنجاسف یکی از علفهای هرز حاشیه جاده‌ها و مناطق جنگلی شـمال ایران بوده در گیلان در اطراف بنـدر انزلی، اسالم، جاده اسـالم به خلخال، اطراف آسـتارا، لاهیجان و رودسر می‌رویـد. جنبه داروئی و مصارف داروئی برنجاسف عموما شـناخته شـده می‌باشد به‌عنوان داروی تلخ، معطر، مقوی معده، ضد تشـنج مدر، قاعده‌آور ضد کرم به کار می‌رود. دم‌کرده اعضای این گیاه مخصوصا ریشه آن مقوی دسـتگاه هاضمه بوده در رفع کم‌خونی و ضعف عمومی بدن، رفع اختلالات مربوط به سیستم عصبی ماننـد اسـتفراغها، دردهای عصبی، صـرع و هیستری به کار می‌رود، اثر نرم‌کننـده، ضـدعفونی‌کننده جهاز هاضـمه و ضد انگل بودن آن قابل توجه است. در گذشته مبتلایان به انگل از دم‌کرده این گیاه استفاده می‌کردند.

Asperugo procumbens :Boraginaceae تیره گل گاوزبان

گیاهی است علفی یکساله با ساقه‌ای گسترده روی سطح زمین به ارتفاع حدود ۴۰ سانتیمتر و برگهای پائینی متناوب و فوقانی متقابل تا دوتائی و غالبا با کرکهای بسیار و چسبنده و گلهای بدون دمگل به رنگ آبی ارغوانی یا بنفش شونده و میوه‌های فندقه‌ای گلابی‌شکل با سطحی دارای زگیلهای کوچک.

گیاه فوق الذکر یکی از علفهای هرز مزارع، مزارع آیش، حاشیه مزارع و باغها و مناطقی با خاکهای آهکی و میان صخره‌هاست. در استان گیلان نیز از علفهای هرزی است که در اکثر نقاط به چشم می‌خورد. در کتاب شلیمر پزشک مخصوص ناصر الدین شاه از آن به عنوان بادرنجبویه نام برده شده که غلط است و گیاه فوق الذکر هیچگونه ارزش داروئی شناخته شده‌ای ندارد.

نام بادرنجبویه برای گیاه Dracocephalum moldavica صحیح است که در قسمتهای وسیعی از آذربایجان کشت می‌شود و عرق آن به عنوان دارو به مصرف می‌رسد.

Compositae: Aster altaicus ستاره‌ای: تیره کاسنی

گیاهی است علفی دوساله یا چندساله با ساقه‌ای راست و منشعب و پرشاخه به رنگ سبز یا خاکستری و شاخه‌های کوچکی که در انتها به یک گل منتهی می‌شود. به ارتفاع حدود ۲۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر.

گلهای آن مجتمع کپه‌ای به رنگ آبی آسمانی بسیار خوشرنگ می‌باشد.

ستاره‌ای، یکی از گیاهانی است که در مناطق مختلف معتدله و معتدله سرد ایران رویش یافته بیشتر در کنار جویبارها و مناطق مرطوب و دامنه‌ای کوهستانی و در استان گیلان در دره سفیدرود و ... می‌روید.

نوعی از ستاره‌ای امروزه در باغچه‌ها و حیاط منازل و گاهی پارکها کشت می‌گردد که با گلهای بنفش یا آبی متمایل به بنفش فراوان خود و فرم رویشی پشته‌ای و کپه‌ای به نظر می‌رسد پارچه‌ای آبی‌رنگ را بر سر آن کشیده‌اند.

گونه دیگری از این جنس به نام Aster alpinus در ارتفاعات اسالم می‌روید.

Solanaceae: Atropa belladonna بلادون، شابیزک (شاهبیزک): تیره سیب‌زمینی

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌ای پرشاخه و منشعب در بالا به ارتفاع حدود ۵۰ تا ۲۰۰ سانتیمتر و برگهائی با دمبرگ کوتاه تخم‌مرغی- بیضوی، نوک‌دار، و گلهای بنفش متمایل به قهوه‌ای با رگه‌های قهوه‌ای‌رنگ، نسبتا درشت منفرد و محوری که کاسبرگ آن نیز به مرور زمان رشد کرده کم‌وبیش متورم به نظر می‌رسد. میوه آن بسته‌ای سیاهرنگ شفاف می‌باشد.

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۳۸۴

بلادون گیاهی است که رویشگاه اصلی آن جنگلهای شمال ایران است و در استان گیلان نیز در مناطق مختلف جنگلی وجود دارد.

بلادون دارای الکالوئیدهای آتروپین، هیوسیامین، بلادونین، آتروپامین، اسید کریزاتروپیک می‌باشد دارای مصارف داروئی بسیار است از جمله بر روی سلسله اعصاب تأثیر کرده اثر آرام‌کننده و ضد تشنج دارد. در درمان بیماریهای آسم، سیاه‌سرفه، صرع، بی‌اختیاری دفع ادرار، سرعت انزال، دردهای معدی قولنجهای ناشی از مسمومیت سرب، یبوستهای مقاوم، دردهای آپاندیسیت، ناراحتیهای بواسیر، دریاگرفتگی، سرگیجه، قولنجهای کبدی و کلیوی، اسپاسمهای ناحیه مقعد و مهبل، ترشح

عرق شبانه مسلولین به کار می‌رود.

Bellis perennis :Compositae مینای چمنی: تیره کاسنی

گیاهی است علفی چندساله با برگهای طوقه‌ای قاشقی‌شکل و بدون ساقه‌ای مشخص. گلهای سفید یا سفید متمایل به قرمزرنگ آن به صورت مجتمع و کپه‌ای روی دم گل آذین بلندی قرار گرفته است.
همانگونه که از نام آن برمی‌آید یکی از گیاهانی است که در چمن‌زارها و مناطق مرطوب رویش می‌یابد و در استان گیلان نیز در ارتفاعات اطراف عمارلو، رودبار، ماسوله و گردنه حیران رشد می‌نماید. نوع اصلاح شده آن به همین نام در فصل بهار به همراه بنفشه سه رنگ و همیشه‌بهار در باغچه‌ها و پارکها و حیاط منازل به عنوان گیاهی زینتی کشت می‌گردد.

Butomus umbellatus :Butomaceae هزار نی: تیره هزار نی

گیاهی است، علفی چندساله بدون کرک، آبزی یا رطوبت‌پسند و پایابی و ساقه‌های متعدد برافراشته به ارتفاع حدود ۴۰ تا ۱۵۰ سانتیمتر. با برگهای خطی عموما متناوب و غلافی مشخص در قاعده کمی پیچیده و نوک‌دراز.
گلهای زیبای سفید با رگه‌های ارغوانی آن در گل آذینی چتری و انتهائی قرار گرفته‌اند.
هزارنی در دریاچه‌ها، استخرها، نهرها و جویبارها، مناطق باتلاقی و مردابی و آبهای کم‌عمق می‌روید. در غالب نقاط مردابی استان گیلان مانند بندر انزلی، مرداب امیر کلایه و آبگیرهای اطراف صومعه‌سرا، رشت، فومن و لاهیجان دیده می‌شود.

Buxus hyrcanica –Buxus sempervirens :Buxaceae شمشاد خزری، کیش: تیره شمشاد

درخت یا درختچه‌ای است به ارتفاع حدود ۱۲ متر، غالبا به صورت درختچه‌ای همیشه سبز در جنگلهای شمال ایران در جلگه‌های پست می‌روید.
شاخه‌های جوان آن چهارگوشه و برگهای متقابل آن تخم‌مرغی- بیضوی با رنگ سبز تیره در سطح فوقانی و سبز روشن در سطح زیرین است. این درختچه در استان گیلان در غالب جلگه‌های جنگلی تا ارتفاع ۳۰۰ متر در اطراف جاده انزلی به آستارا، اسالم به خلخال و مناطق دیگر استان دیده می‌شود.
درختچه فوق الذکر با داشتن برگهای همیشه سبز، زیبائی خاصی داشته و
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۳۸۵
چوب بسیار خوشرنگ آن در کارهای دستی استفاده‌های گوناگونی دارد و از سرشاخه‌های بریده آن نیز برای گل‌آرائی در غالب گلفروشیها استفاده می‌شود.
برگ شمشاد دارای طعم تلخ بوده حاوی تاننها، الکالوئیدبوکسین و اسانسهای روغنی است. دم‌کرده آن در صورت بالا بودن درجه حرارت بدن یا ورم مجاری صفراوی و ادراری مؤثر بوده و تب‌بر نیز می‌باشد. در مصارف خارجی از برگهای این گیاه برای تهیه کمپرسها با حمامهای ضد درد روماتیسم، نقرس و بیماریهای پوستی استفاده می‌شود.

Caesalpinia gilliesii :Caesalpinaceae ابریشم مصری: تیره ارغوان

درختچه یا درختی است کوتاه به ارتفاع حدود ۳ متر با شاخه‌های نسبتا فراوان به رنگ قهوه‌ای متمایل به سیاه با لکه‌های سفید و برگهای مرکب شانه‌ای با حدود ۱۰ جفت برگچه بیضوی‌شکل.
گلهای زیبای درشت و زردرنگ آن در خوشه‌های انتهائی دارای پرچمهای بلندی به طول ۶ تا ۷ سانتیمتر و به رنگ قرمز است که از گلبرگها بلندتر بوده و زیبائی خاصی به آن می‌بخشد، میوه آن لوبیائی‌شکل است.
این درختچه بومی ایران نیست، لیکن در سالهای اخیر به صورت زینتی در اکثر نواحی معتدله و معتدله سرد کشت گردیده و در استان گیلان نیز گاهی در بلوارها و حاشیه خیابانها و پارکها دیده می‌شود.

Calendula officinalis :Compositae همیشه‌بهار: تیره کاسنی

گیاهی است علفی یکساله یا چندساله با ساقه‌ای برافراشته و پرشاخه در بالا و عموما معطر به ارتفاع حدود ۱۰ تا ۵۰ سانتیمتر با برگهای کامل یا دندانه سینوسی بدون دمبرگ با گل آذینی پرشاخه و گلهای مجتمع کپه‌ای با گلچه‌های کناری زبانه‌ای زرد مایل به نارنجی بسیار خوشرنگ و گلهای میانی طبق لوله‌ای. میوه آن فندقه‌ای است که در سطح پشتی دارای چروکهای عرضی و غده‌دار می‌باشد.
همیشه‌بهار یکی از گیاهانی است که در غالب نقاط ایران به عنوان زینتی در باغچه‌ها، پارکها و حیاط منازل به همراه بنفشه سه رنگ، مینای چمنی و امثال آنها کاشته می‌شود. در استان گیلان نیز در پارکها، باغچه‌ها و بلوارها کشت می گردد.
گل همیشه‌بهار تصفیه‌کننده خون، قاعده‌آور و التیام‌دهنده بوده و نیرودهنده و ضد تشنج می‌باشند، از آن برای تحریک فعالیت کبدی و خصوصا صفرا استفاده می‌شود. برای تسکین اسپاسمهای معده یا روده‌ای نیز به کار می‌رود.
در مصارف خارجی با اثر دادن بر روی زخمهای سطحی، سوختگی، سرمازدگی و رفع دانه‌های جلدی و اگزما اثر مفید دارد و در رفع جوشهای صورت، کورک، پینه بستن دست یا پا، میخچه و زگیل مفید می‌باشد. گل همیشه‌بهار در معالجه بیماریهای پوستی نیز به کار می‌رود.

Calligonum persicum :Polygonaceae اسکنبیل: تیره علف هفت بند

درختچه‌ای است پرشاخ و توده‌ای به بلندی حد اکثر ۲ متر با شاخه‌های خمیده و سفیدرنگ و شاخه‌های کوچک نازک و ظریف، با برگهای درفشی‌شکل و ریزان. گلپوش سفیدرنگ آن در انتهای شاخه به صورت خوشه‌ای و نسبتا متراکم قرار گرفته میوه‌های بالدار و غشائی آن در انتهای بالها دارای رگه‌های بسیار بوده به رنگ قرمز خوشرنگ و زیباست.
این درختچه در استان گیلان فقط در دره سفیدرود در حوالی منجیل و رودبار در دامنه‌های کوهستانی منطقه می‌روید و شاید بتوان آن را انحصاری این ناحیه دانست. انواع دیگر این درختچه در ایران که تعداد آنها به ۱۷ گونه می‌رسد بیشتر در خاکهای شنی و دشتها و بیابانهای ایران می‌رویند و غالبا در کارهای حفاظت خاك و تثبیت شن به کار می‌روند.

Calystegia silvatica :Convolvulaceae تیره پیچک

گیاهی است علفی با ساقه‌ای پیچنده و بالارونده به طول ۴ متر یا بیشتر با برگهای بزرگ کم‌وبیش پیکانی یا قلبی با لبه‌ای کامل و گلهای سفید درشت و قیفی‌شکل به طول ۵۵ تا ۷۵ میلیمتر.

گیاه فوق الذکر انحصاری شمال ایران بوده رویشگاه آن حاشیه جنگلها، بیشه‌زارها و پرچین حاشیه باغها و مزارع می‌باشد و شاید بتوان گفت یکی از معمولی‌ترین گیاهان جنگلهای شمال ایران است.

Camellia japonica :Theaceae کاملیا: تیره چای

درختچه‌ای است همیشه سبز با شاخه‌های فراوان به ارتفاع ۲ تا ۴ متر با برگهای پهن بیضوی یا تخم‌مرغی به طول ۵ تا ۸ سانتیمتر و با لبه‌ای دندانه اره‌ای و بدون کرک به رنگ سبز تیره و کاملا درخشان با گلهای پرپر (نوع کاشته در ایران) قرمز یا سفید و بسیار زیبا که عموما در ماههای فروردین تا اردیبهشت و اوایل خرداد گل داده و زیبائی خاصی دارد.
این گیاه در استان گیلان در پارکها، باغچه‌های منازل غالبا به خاطر جنبه زینتی آن کشت می‌شود.
میوه کاملیا به صورت پوشینه، سه قسمتی و محتوی یک یا دو دانه است.
کاملیا انواع مختلف دارد که هرکدام دارای اختصاصات معینی هستند.
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۳۸۶

Camellia sinensis or Thea sinensis :Theaceae چای: تیره چای

درختچه و یا گاهی درختی است همیشه سبز و با ساقه‌ای پرشاخه و غالبا درهم رفته، با برگهای چرمی دارای دمبرگ کوتاه، بیضوی تا بیضوی باریک و لبه‌ای دندانه‌دار به داخل خمیده.
گیلان مرکز تولید چای ایران است. در برخی از نقاط دیگر کشور ما نظیر مازندران نیز چای کشت می‌شود ولی محصول هیچ نقطه‌ای از نظر کیفیت با محصول چای گیلان- مخصوصا لاهیجان- قابل قیاس نیست.
استفاده از چای به عنوان آشامیدنی گرم با آنکه در ایران سابقه طولانی ندارد، ولی امروزه رایج‌ترین و اساسی‌ترین نوشیدنی مورد نیاز تمام طبقات مردم ایران است. این آشامیدنی رایج، مصرف درمانی قابل توجّهی نیز دارد که کمتر مورد توجّه مردم است.
قسمت مورد استفاده درختچه همیشه سبز چای، برگها و به ویژه جوانه‌های انتهائی آن است که در اصطلاح محلّی گیلان به آن ذپّهZappe می گویند. این برگها و جوانه‌ها پس از بو دادن و انجام یک رشته اعمال مخصوص به صورت چای سبز و سیاه درمی‌آیند و جهت مصرف به بازار فروش عرضه می گردند.
چای سبز از بو دادن برگهای تازه بدون دمبرگ، به عمل می‌آید که آنها را در طشتهای بزرگ می‌ریزند و بلافاصله حرارت می‌دهند. وقتی برگهای چای را مدّتی بگذارند تا تخمیر گردد، محصولی که از آنها فراهم می‌آید، چای سیاه نام دارد.
درباره چگونگی کشف چای افسانه‌های گوناگونی وجود دارد. همچنین در مورد آشنایی اروپائیان با این گیاه مفید و چگونگی انتقال آن به کشورهای اروپائی در کتابها آمده است که زادگاه چای، کشور چین بوده که از آنجا به هند رفت و مردم آسیا با چای از چند هزار سال پیش آشنائی داشتند، ولی اروپائیان از پانصد سال پیش با چای آشنا شدند. چای را نخستین بار انگلیسیها از مستعمره هند به انگلیس بردند، ولی راز آن را تا سیصد سال فقط برای خود نگه داشتند. تا اینکه از دویست سال پیش ناگهان بروز یک تصادف، پای چای را به آلمان و از آنجا به اروپای غربی و بعد به اروپای شرقی باز کرد.
ماجرای تصادف مزبور در «تاریخ چای از آسیا تا اروپا» ذکر گردیده که خلاصه آن به نقل از کتاب «نسخه‌های تندرستی از

طبّ طبیعی» چنین است:

«دویست سال قبل، یک کشتی بادبانی انگلیسی که از هندوستان به انگلستان می‌رفت و محموله چای با خود داشت، در نزدیکی سواحل دریای شمال دستخوش طوفان شد و امواج کوه‌پیکر، این کشتی را برداشته در ناحیه واسرکانت، از نواحی شرقی آلمان، به خشکی بردند و به گل نشاندند. اهالی واسرکانت، وقتی به سراغ کشتی رفتند آن را تهی از ملوان و ناخدا و در عوض مالامال از نوعی سبزی خشک و سیاه‌رنگ دیدند. آنها در طول عمر خود هرگز چای ندیده بودند. از عطر چای خوششان آمد و آن را به خانه بردند و با مقداری روغن در ماهی‌تابه ریخته، سرخ کردند و از آن غذائی ترتیب دادند.

لیکن مزه این غذا به مذاق آنان خوش نیامد. آنگاه نمونه گیاه مزبور را به پایتخت فرستادند و از افراد مطلّع و صاحب‌نظر برای شناسائی این مادّه کمک خواستند. تا شش ماه بعد، به دنبال یک سلسله اقدامات سیاسی و دولتی و جاسوسی دریافتند که آن مادّه خشک، گیاه چای نام دارد و به منظور تهیّه یک نوشیدنی مطبوع و آرام‌بخش به کار می‌آید.»

کشت و صنعت و رواج مصرف چای در ایران نیز سابقه طولانی ندارد.

اوّلین مزارع چای به همّت محمّد میرزا ملقّب به کاشف السّلطنه، بانی چایکاری در ایران، به سال ۱۲۷۹ شمسی، مقارن با ۱۹۰۱ میلادی در لاهیجان و سپس تنکابن (شهسوار) احداث شد.

زارعین شمال ابتدا از کشت چای استقبال نکردند، لذا بازرگانان کماکان به وارد کردن چای از هندوستان و سیلان ادامه دادند. لیکن موقعی که بر اثر مساعی کاشف السّلطنه پی‌بردند که بوته چای حدود ۹۰ تا ۱۰۰ سال عمر می‌کند و سالی چند بار محصول می‌دهد کم‌کم به کشت این گیاه پرسود رغبت پیدا کردند.

بطوری که می‌گویند کاشف السّلطنه برای نیل به این منظور مثل یک کارگر در مزارع چای کشور چین به کار پرداخت تا به رموز کشت آن آگاهی حاصل کرد؛ سپس در بازگشت به ایران، مقداری از نشاء چای را با خود به گیلان آورد و در لاهیجان به زمین نشاند و به توسعه آن پرداخت.

گفته شده است که کاشف السّلطنه بذر چای را (که تقریبا شبیه به فندق است ولی پوست آن نازکتر، شکننده‌تر و سیاهتر از فندق می‌باشد) با جاسازی و پنهان کردن آن در جوف عصای خویش به ایران آورد و به کشت آن پرداخت.

درخت چای اگر به حال خود رها شود به‌طور خودرو، به ارتفاع متجاوز از ۱۰ متر می‌رسد ولی در نمونه‌های پرورش‌یافته از ۲ متر تجاوز نمی‌کند.

معمولاـ از درختچه چای سه بار در هرسال برگ‌چینی می‌کنند و تا عمر درختچه به هشت سال یا ده سال برسد بهره‌برداری از آن همچنان ادامه می‌یابد و چون از این سنین بگذرد بهره‌برداری از آن را متوقّف می‌سازند و می‌گویند که پیر شده است و دیگر بهره‌برداری از آن صرفه ندارد.

بهترین زمین برای کشت چای، زمینی است که دارای سنگهای آتشفشانی باشد، زیرا گیاه چای احتیاج به شبه فلز (فلوئور) دارد و آن نیز در این نوع زمینها فراوان است. به این دلیل در ژاپن مزارع چای معمولا در مجمع الجزایر آتشفشانی قرار دارد و آب و زمین و هوای آن سرشار از شبه فلز فلوئور می‌باشد.

چای نواحی مختلف، کم‌وبیش دارای مواد زیر است:

آب- خاکستر حاصل از گیاه- مواد ازته- مواد چرب- تانن- تئین- اسانس- موادی نظیر رزین‌ها- پکتین- صمغ- سلولز و دکسترین.

همچنین در چای مواد مؤثّری چون پورین‌ها- گزانتین- تئوفیلین- آدنین و غیر آنها نیز یافت می‌شود. وجود مواد اخیر باعث

می‌گردد که بر اثر افراط در مصرف چای، موجبات ناراحتی مخصوص به نام تئیسم در انسان فراهم شود.
همچنین در چای مقدار زیادی اسید اکسالیک و املاح معدنی چون فسفاتها و اکسالاتهای پتاسیم، کلسیم، منیزیوم و منگنز وجود دارد.
مصرف دم‌کرده چای، باعث تسریع حرکات تنفّسی و گردش خون می‌گردد. با مصرف آن، احساس تجدید نیرو، همچنین تقویت قوای فکری می‌شود و اثر درمانی در تصلّب شرائین و ممانعت از بروز آن دارد. نیز در
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۳۸۷
بعضی از افراد، نوشیدن چای ایجاد بیخوابی می‌کند. مقدار زیاد آن، عوارضی نظیر سردرد، لرزش‌های عصبی، کرخ شدن و غیر آن پیش می‌آورد و اگر ادامه آن به صورت عادت تدریجی درآید، ایجاد یبوستهای سخت و مقاوم، سوء هضم، لاغر شدن تدریجی توأم با ناراحتیهای عصبی می‌کند. دم‌کرده چای را می‌توان برای شستشوی چشم (کولیر قابض) به کار برد. در مصارف داخلی دم‌کرده ۴ تا ۸ درصد آن، اثر مقوی، هضم‌کننده، مدر ملایم و معرّق دارد. بطور کلّی دم- کرده چای کمتر به مصارف درمانی می‌رسد و فقط از آن به عنوان نوشیدنی گرم برای رفع خستگی و هضم غذا استفاده می‌شود.
علاوه بر برگ چای، گل چای نیز دارای دو درصد کافئین و مقدار زیادی منگنز و آهن است. دم‌کرده گلبرگ چای برای درمان سوء هضم، اسهال، استسقاء و جلوگیری از پایین افتادن شکم مفید است و مصرف آن تجویز می‌گردد. ولی کسانی که مبتلا به اختلال اعصاب، طپش قلب، نقرس، سنگ کلیه از نوع او کسالات هستند نباید چای مصرف کنند.
تذکّر لازم: مصرف زیاد چای همانطور که گفته شد ایجاد بعضی عوارض فیزیولوژیک قابل اهمیّت می‌کند که به مجموع این عوارض نام تئیسم داده‌اند.
بر اثر ایجاد همین عوارض بود که در سال ۱۹۲۷ میلادی آکادمی پزشکی فرانسه اعلام کرد که باید با عارضه تئیسم که در تونس به علّت مصرف جوشانده چای سیاه حاصل شده مبارزه همگانی صورت گیرد. طبق آزمایشهایی که انجام گردید چای سیاه سمّی‌تر از چای سبز اعلام شد و نیز سمیّت چای سبز بیش از دم‌کرده آن معرّفی و اعلام گردید.

گلهای استکانی: تیره گل استکانی Campanula spp :Campanulaceae

گیاهانی هستند یکساله یا چندساله علفی با ساقه‌ای عموما برافراشته و راست منفرد یا چند شاخه و به ارتفاع ۱۰ تا ۱۲۰ سانتیمتر با برگهائی بسیار متنوع از نظر شکل و گلهائی عموما استکانی‌شکل به رنگهای متنوع سفید متمایل به آبی تا بنفش یا بنفش تیره که در گل آذین سنبله‌ای، خوشه‌ای یا مجتمع و گروهی قرار گرفته‌اند. گلهای عموما زنگوله‌ای آن زیبائی خاص دارد.
گلهای استکانی در سراسر ایران پراکنده بوده در استان گیلان نیز گونه‌های چندی به اسامی ذیل می‌رویند:

Campanula glonerata/ Campanula lactiflora

Campanula gilanensis/ Campanula odontosepala

Campanula patula/ Campanula rapunculoides

Campanula rapunculus/ Campanula involucrata

این گونه‌ها با گلهای استکانی و عموما بنفش‌رنگ خود شناخته می‌شوند.
اکثرا در جنگلها و مراتع پراکنده بوده هیچگونه ارزش کاربردی بجز مصرف تغذیه‌ای دام ندارند و گاهی از نظر زیبائی مورد

توجه قرار می‌گیرند.

Bignoniaceae: Campsis grandiflora پیچ‌اناری: تیره پیچ‌اناری

درختچه‌ای است بالارونده و پیچان با ساقه‌ای به طول ۳ تا ۱۰ متر با پوستی قهوه‌ای‌رنگ و برگهای مرکب شانه‌ای با برگچه‌هائی تخم‌مرغی- سر نیزه‌ای بدون کرک به تعداد ۷ تا ۹ عدد. گلهائی قیفی‌شکل درشت به رنگ قرمز- نارنجی و دندانه‌هائی به رنگ قرمز خونی و میوه کپسول لوبیائی‌شکل دوحجره‌ای.

پیچ‌اناری یکی از گیاهان بالارونده است که در غالب نقاط معتدله و معتدله سرد ایران در حیاط منازل، پرچین باغها و سردر منازل کشت می‌شود، در استان گیلان نیز گاهی در حیاط خانه‌ها و پارکها کشت می‌شود و با گلهای قیفی‌شکل درشت و خوشرنگ خود زیبائی خاصی دارد.

Cannaceae: Canna indica اختر: تیره اختر

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌های زیرزمینی و ساقه هوائی ناشی از تراکم غلاف برگها. به بلندی یک متر یا بیشتر با برگهای سبزرنگ بزرگ بیضوی تخم‌مرغی.

گلهائی قرمز تیره یا ارغوانی‌رنگ درشت دارد که در محور برگها یا انتهای ساقه قرار گرفته‌اند.

اختر گیاهی است زینتی که در مناطق معتدله و معتدله سرد ایران کشت می‌گردد. در استان گیلان نیز در بلوارها، پارکها و منازل و گاهی به صورت پرچین منازل و باغچه‌ها کشت می‌شود.

Cannabaceae: Cannabis sativa شاهدانه: تیره شاهدانه

گیاهی است علفی یکساله با برگهای متناوب و پنجه‌ای و برگچه‌های سرنیزه‌ای یا سرنیزه‌ای- خطی با لبه‌های شدیدا دندانه اره‌ای با ساقه‌های راست و غالبا در بخش فوقانی پرشاخه و شیاردار.

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۳۸۸

شاهدانه یکی از گیاهان زراعی است که دانه‌های آن به مصرف تغذیه انسان و گاهی طیور رسیده و به علاوه از ساقه و قسمتهای مختلف گیاه به خاطر داشتن فیبرهای بلند در صنایع بافندگی استفاده بعمل می‌آید، در بعضی از کشورها آن را برای تهیه مواد مخدر همچون حشیش و ماری‌جوانا کشت می‌نمایند.

گیاه شاهدانه برای تهیه داروهای آرام‌کننده سیستم اعصاب که در بیماریهائی از قبیل فشارهای عصبی، اضطراب بیش از حد، کار فکری زیاد، میگرن، سرفه‌های آسمی و برای بی‌حسی موضعی در دندانپزشکی به کار می‌رود. فرآورده‌های گیاه عموما موادی سمی و دارای آثار زیان‌بخش و غیرقابل جبران هستند.

Cruciferae: Caspella bursa –pastoris کیسه کشیش: تیره شب‌بو

گیاهی است علفی یکساله یا دو ساله پوشیده از کرکهای ساده، دو شاخه یا ستاره‌ای‌شکل با ساقه‌های برافراشته و منشعب و

پرشاخه در بالا- به ارتفاع ۴ تا ۵۰ سانتی‌متر و برگهای طوقه‌ای شانه‌ای یا ساده و گلهای سفید یا صورتی رنگ که در گل آذینی طویل و خوشه‌مانند در انتهای شاخه‌ها قرار گرفته‌اند.
میوه آن شبیه کیسه کشیشها سه گوشه با قاعده‌ای قلبی‌شکل است. دانه‌های این گیاه دارای موسیلاژ فراوان است. از زمره گیاهان داروئی بوده و سرشار از ویتامین ث می‌باشد.
کیسه کشیش یکی از علفهای هرز مزارع است در مزارع غلات و حبوبات و زمینهای رها شده، حاشیه جاده‌ها و باغها به فراوانی دیده می‌شود.
اگرچه این گیاه در طب سنتی ایران ناشناخته است لیکن کیسه کشیش دارای اثر بندآورنده خون می‌باشد و برای متوقف ساختن خونریزیهای معده، ریه، رحم و درمان کاتاره معده- روده‌ای از آن استفاده می‌شود.

Capsicum annum :Solanaceae فلفل سبز: تیره سیب‌زمینی

گیاهی است علفی یکساله با ساقه‌ای سبزرنگ به ارتفاع ۲۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر راست و پرشاخه با برگهای دمبرگدار. تخم‌مرغی تا سرنیزه‌ای و نوکی دراز و گلهای دمگل‌دار کوچک سفیدرنگ. میوه هسته‌ای گوشتی و خشک (بدون آب) و متنوع از نظر شکل و رنگ آن دارای دانه‌های متعدد می‌باشد.
میوه فلفل سبز در ایران غالبا به حالت سبز به مصرف می‌رسد و لیکن پس از رسیدن قرمزرنگ می‌گردد. و در سالهای اخیر به نام فلفل قرمز به صورت پودر به مصرف تغذیه می‌رسد. یکی از گیاهان زراعی رایج استان گیلان می‌باشد که عموما در اوایل فصل بهار محصول آن به ثمر می‌رسد. انواع سیاه آن نیز که از هندوستان و پاکستان وارد می‌شود از ادویه موجود در غذاهای ایرانی می‌باشد.
مصرف آن به مقدار کم اشتهاآور و محرک معده است و مصرف زیاد آن التهاب و ورم معده و مسمومیت ایجاد می‌کند. در داروسازی از آن همه نوع عصاره، تنتور، مرهم و ضماد با اثر تحریک‌کننده پوست و مخاط تهیه می‌گردد و در درمان دردهای روماتیسمی، سیاتیک یا سینه‌پهلو مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Carpinus betuls :Corylaceae ممرز: تیره فندق

درختی است به بلندی حد اکثر ۲۵ متر با پوستی خاکستری‌رنگ و ساقه‌ای عموما شیاردار در بخش پائینی و شاخه‌های جوان قهوه‌ای درخشان و گاهی کرکدار. برگها تخم‌مرغی، نوک‌تیز یا نوک‌دراز و لبه‌ای دو بار دندانه‌اره‌ای منظم و با قاعده‌ای قلبی‌شکل نامتقارن و بدون کرک.
درختی است خزان‌کننده که عموما همراه با بلوط، راش، نارون و کلهو در جنگلهای شمال می‌روید.
چوب این درخت ارزش صنعتی زیادی ندارد و عموما به عنوان گونه مهاجم هنگامی که راشستانها یا بلوطستانها قطع یکسره می‌گردند جایگزین می‌شود و بیشتر به مصرف تهیه تراورس می‌رسد. گونه دیگر از این جنس به نام کرکف Carpinus orientalis به همراه ممرز در جنگلهای گیلان و مازندران می‌روید.
پوست ممرز از نظر درمانی قابل استفاده است. برگ این درخت دارای اثر قابض قطعی است و جوشانده ۳۰ در ۱۰۰۰ آن به صورت غرغره جهت رفع درد گلو، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در طب سنتی گفته می‌شود که با مصرف

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۳۸۹

پوست و حتی برگ این درخت اثر مقوی و تب‌بر ظاهر می‌شود.

صرف‌نظر از خواص درمانی، برگ درخت ممرز، به جهت دارا بودن تانن فراوان قابل توجه است. همچنین در پوست آن یک ماده رنگی زرد وجود دارد.

دانه‌اش دارای نوعی ماده روغنی قابل استخراج اما باارزش اندك می‌باشد.

درخت ممرز که با نام محلی مازندرانی، در کتابهای گیاهان داروئی ایران ثبت و معرفی گردیده، در گیلان بیشتر در جنگلهای طالش (در ارتفاع ۴۰۰ تا ۵۰۰ متری) جنگلهای بین رشت و کهدم، جنگلهای رستم‌آباد و لاهیجان دیده می‌شود.

Celtis spp :Ulmaceae داغداغانها: تیره نارون

داغداغانها گیاهانی هستند درختی و یا درختچه‌ای با پوست صاف و ساقه‌ای منفرد و مستقیم و یا متعدد و اغلب درختچه‌مانند با برگهای سه رگبرگی به اشکال تخم‌مرغی پهن- تخم‌مرغی، تخم‌مرغی- سرنیزه‌ای با قاعده‌ای نامتقارن و مورب با سطح فوقانی زبر و کناره‌های دندانه اره‌ای و نوك تیز. میوه شفت گوشتی تقریبا کروی یا تخم‌مرغی شکل است.

داغداغانها در شمال ایران دارای دو گونه درختی به نامهای محلی تادار، ته‌دار، لوخ، تی، تی‌گیله، تادانه، تاغران، تایله Celtis australis و Celtis caucasica یا داغداغان می‌باشند. گونه اخیر درختچه‌ای است که در غالب نقاط ایران در لابلای صخره‌ها و مناطق دارای شیبهای تند و به‌ندرت در مناطق جنگلی می‌روید.

Celtis australis

درخت تناوری است که ارتفاع آن به ۳۰ متر نیز می‌رسد و چوب آن دارای ارزش صنعتی ویژه‌ای می‌باشد. این درختان در بعضی مناطق، در کنار امامزاده‌ها و قبرستانها به عنوان درختان مقدس مورد احترام عامه قرار دارند.

Centaurea spp :Compositae گل گندمها: تیره کاسنی

گیاهانی هستند یکساله، دو ساله یا چندساله، علفی و به‌ندرت در قاعده چوبی و شاخه‌های فراوان منتهی به کپه‌های فراوان اغلب خاردار در بالا به ارتفاع ۲۵ تا ۱۵۰ سانتیمتر، اغلب پوشیده از کرك با برگهای متناوب خیلی متنوع که هیچگاه خاردار نبوده به اشکال شانه‌ای بریده، شانه‌ای منقسم، تخم‌مرغی و سرنیزه‌ای دیده می‌شوند.

گلهای گیاهان مزبور به صورت لوله‌ای منظم یا نامنظم ناجور جنس هستند که به صورت مجتمع و کپه‌ای به رنگهای سفید، زرد، ارغوانی، قرمز و بنفش می‌باشند.

گل گندم به اعتبار نام Centaurea depressa که گلهای آبی متمایل به بنفش زیبائی دارد و یکی از علفهای هرز مزارع گندم می‌باشد به این جنس اطلاق شده اغلب گونه‌های آن، که در ایران متجاوز از ۸۰ گونه است اسم فارسی ندارند. این جنس در ایران دارای گسترش و پراکنش جغرافیائی قابل ملاحظه‌ای بوده و غالبا در مزارع، مراتع، کوهستانها، دشتهای دارای آب و هوای مدیترانه‌ای، سرد، معتدله و گرمسیری می‌رویند.

در استان گیلان نیز گونه‌های چندی از این گیاه به اسامی ذیل وجود دارد:

Centaurea aziziana/ Centaurea Kotschyi

Centaurea behen/ Centaurea ovina

Centaurea gilanica/ Centaurea sintenisiana

Centaurea hyrcanica/ Centaurea sosnovskyi

Centaurea iberica/ Centaurea urvillei

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۳۹۰

Centaurea zuvandica/ Centaurea Cyanus

دو گونه Centaurea zuvandica و Centaurea hyrcanica خاص مناطق جنگلی شمال ایران و C. ovina و C. aziziana در اطراف رودبار و منجیل و مراتع کوهستانی استان و C. iberica و C. cyanus به صورت علف هرز در اغلب نقاط استان در چمن‌زارها، حاشیه مزارع، باغها و جاده‌ها دیده می‌شود.

برای نوع اخیر خواص درمانی بسیاری ذکر شده است که ذیلا به آنها اشاره می‌شود. اما باید دانست که از نظر دارا بودن خواص درمانی انواع گل- گندمها تفاوت زیادی با یکدیگر ندارند.

گلهای «گل گندم» که در فاصله اردیبهشت تا مرداد باز می‌شوند دارای املاح پتاسیم، فسفر، منیزیم و مقداری منگنز و نیز یک ماده تب‌بر به نام سانتورین Centaurine است. همچنین گلهای این گیاه مدر بوده برای معالجه نسوج آب آورده و استسقاء به کار می‌رود. در درمان سرماخوردگی، سینه درد و سرفه نیز مفید و مؤثر است و همچنین شستشوی چشم با دم‌کرده گلهای گیاه مزبور باعث از بین رفتن التهاب پلکها می‌شود. دانه‌های گل گندم که به رنگ سفید است اثر مسهلی دارد. برگ و ساقه و ریشه این گیاه نیز که اثر تب‌بری دارد برای معالجه بیماریهای کبدی، یرقان و بیماریهای پوست تجویز می‌گردد.

از دم‌کرده گل گندم نیز امروز برای بهداشت پوست استفاده می‌شود بدین ترتیب که ۵۰ گرم از آن را در یک لیتر آب جوش دم می‌کنند و به صورت کمپرس بکار می‌برند تا پوست شاداب شود و از پیدایش چین و چروک جلوگیری نماید.

گیلاس Cerasus avium :Rosaceae: تیره گل سرخ

درخت یا درختچه‌ای است با ساقه‌ای راست و شاخه‌هائی غالبا افقی و کم و بیش متقابل در بالا. به رنگ قرمز روشن تا تیره، غالبا بدون کرک. برگها تخم‌مرغی یا واژ تخم‌مرغی کشیده تا بیضوی با لبه‌ای دندانه اره‌ای. گلها به رنگ سفید و به صورت چتری در انتهای شاخه‌چه‌ها قرار دارند.

گیلاس یکی از میوه‌های شناخته شده غالب نقاط ایران است که باغهای وسیعی از آن در نقاط مختلف غالبا مخلوط با سایر درختان میوه کشت گردیده است. میوه شیرین و خوشمزه‌ای به رنگهای صورتی تا قرمز و قرمز تیره می‌دهد. در استان گیلان نیز در باغها کشت می‌شود و جنبه داروئی دم گیلاس نیز بر عموم مردم شناخته شده است، برگهای درخت گیلاس در فصل پائیز به هنگام خزان قرمزرنگ شده و زیبائی خاصی دارد.

آلبالو Cerasus vulgaris :Rosaceae: تیره گل سرخ

درخت یا درختچه‌ای است به بلندی حد اکثر ۵ متر و پرشاخه با شاخه‌های جوان عاری از کرک و غالبا به رنگ قرمز روشن.

برگهای بیضوی پهن تا بیضوی- واژ تخم‌مرغی با لبه‌ای دندانه‌اره‌ای و گلهای سفیدرنگ این درخت به صورت دیهیم در انتهای شاخه‌های کوچک قرار گرفته‌اند و میوه شفت آبدار آن غالبا از قرمز روشن تا قرمز تیره و کمی ترش‌مزه است.

این درخت نیز در غالب نقاط ایران از جمله در استان گیلان در حاشیه باغها و مزارع غرس می‌گردد و میوه آن به مصرف تغذیه و تهیه مربا می‌رسد.

در ضمن Cerasus microcarpa نیز درختچه کوچکی است که در دره سفیدرود و اطراف رودبار به صورت خودرو و به نام آلبالوی کوهی رشد و نمو می‌نماید.

Ceratophyllum spp :Ceratophyllaceae رازم واش: تیره رازم واش

گیاهانی هستند آبزی، غوطه‌ور در آب و فاقد ریشه که غالبا توسط جریانهای آب جابجا می‌گردند و در آبهای راکد نیز رشد و نمو می‌نمایند. برگها در این گیاهان به صورت چرخه‌ای و تقسیمات دوشاخه‌ای است. این گیاهان جایگاه مناسبی برای تخم‌ریزی جانوران آبزی از جمله ماهیها می‌باشند.

دو گونه از این جنس با نامهای علمی Ceratophyllum demersum و Ceratophyllum submersum در استان گیلان به خصوص در مرداب انزلی و امیر کلایه و سایر برکه‌ها و باتلاقهای استان می‌رویند. آنچه باعث دائمی و پایا شدن این گیاهان می‌شود جوانه‌های انتهائی آنهاست که به حالت خواب باقی می‌مانند.

Cercis siliquastrum :Caesalpinaceae ارغوان: تیره ارغوان

درخت یا درختچه‌ای است خزان‌کننده با ساقه‌های منشعب یا منفرد از پائین و شاخه‌های فراوان با ارتفاع ۲ تا ۱۰ متر با برگهای ساده دمبرگدار شبه دایره‌ای یا قلبی‌شکل، گلهای خوشه‌ای یا گروهی ارغوانی‌رنگ در انتهای

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۳۹۱

شاخه‌ها یا در محور برگها. میوه نیام آن قهوه‌ای‌رنگ است و گلهای ارغوانی آن معمولا قبل از پیدا شدن برگها ظاهر می‌شود. و این خود عاملی برای جلب توجه دوستداران طبیعت و زیبائی است.

اگرچه ارغوان در جنگلهای شمال به صورت درختچه دیده می‌شود و لیکن امروزه آن را به خاطر زیبائی خاصی که دارد اغلب در پارکها، بلوارها و تفرجگاهها غرس نموده‌اند. در استان گیلان نیز بیشتر در بلوارها، حاشیه خیابانها و گاهی در حیاط منازل و باغچه‌ها دیده می‌شود. گل ارغوان در طب سنتی دارای مصارف ویژه‌ای است. برگهای جوان آن خوراکی است و پوست آن نیز که اثر قبض دارد برای درمان اسهال مورد استفاده قرار می‌گیرد.

طب سنتی و اعتقادات درمانی گذشته خواصی برای ارغوان قائل هستند که ذیلا به آنها اشاره می‌شود: این درخت که به بهار ارغوان معروف است و به صورت خوشه‌ائی قبل از پیدایش برگ ظاهر می‌شود شربتی می‌سازند که خوش‌مزه و خمارشکن است. اگر چوب ارغوان را بسوزانند و بر ابرو بمالند آن را سیاه و پرپشت می‌کند. بهار ارغوان که قدری شیرین است، صدا را صاف می‌کند و اخلاط لزج دهان، سینه، گلو و نیز ناراحتی معده و کلیه‌ها را از بین می‌برد. گلهای این گیاه دستگاه تنفس را زهکشی کرده برای مداوای سنگ کلیه و مثانه مؤثر است. نوشیدن جوشانده گلهای ارغوان قی‌آور است و سبب پاک کردن دستگاه تنفس و معده می‌گردد.

پاشیدن گرد سوخته گل و ریشه آن بر روی زخم، خون را بند می‌آورد.

ماميران (ماميران كبير، كوفواش، عنبرکواش): Chelidonium majus :Papaveraceae تیره خشخاش

گیاهی است دائمی با ارتفاع حد اکثر ۹۰ سانتیمتر و شیرابه‌ای به رنگ پرتقالی درخشان و برگهای شانه‌ای با ۵ تا ۷ برگچه که برگچه انتهائی آن غالبا سه‌پاره است با حاشیه که لبهای کنگره‌ای کاملا مشخص دارد. گلهای زردرنگ آن به صورت چتری در انتهای ساقه قرار گرفته‌اند.

این گیاه در گیلان بیشتر در مناطق مرطوب، کنار جویبارها و مردابها و گاهی به صورت علف هرز در مزارع زراعی می‌روید و در طب سنتی نیز دارای مصارف و کاربردهای ویژه‌ای می‌باشد.

موارد استفاده: کلیه قسمتهای مامیران در طب سنتی مصارف درمانی دارد، ولی ریشه گیاه مزبور مؤثرتر از سایر قسمتهاست.

مامیران دارای الکالوئیدهایی است که بعضی از آنها اثری سمی دارند. غیر از این الکالوئیدها، مواد دیگری نظیر موسیلاژ (لعاب گیاهی) مواد رزینی، پکتیکی، ماده رنگی، اسیدهای آلی، املاح معدنی، مخصوصا فسفاتهای کلسیم، منیزیم و آمونیوم نیز در مامیران وجود دارد. از نظر خواص درمانی، مامیران اثر مدر، مسهلی، آرام‌کننده، مخدر، ضد تشنج، پائین‌آورنده فشار خون، صفرابر، تصفیه‌کننده خون و دفع کرم در مصارف داخلی دارد. در استعمال خارج، قرمزکننده پوست بدن، تاول‌آور و بهبوددهنده زخمهای سطحی بدن است.

مقدار زیاد مامیران در مصارف داخلی، سمی و خطرناک است.

مؤلف «گیاهان داروئی» نوشته است که از مامیران، سابقا برای مداوای بیماریهای مختلف نظیر آب آوردن، نقرس، سنگ کلیه، ضعف مفرط، تبهای نوبه، زردی، التهاب کبد همراه با زیاد شدن حجم آن، انسداد کیسه صفرا و غدد لنفاوی استفاده به عمل می‌آمده است.

ابو علی سینا در خواص درمانی مامیران می‌نویسد: «... زداینده و پالاینده است. سفیدی ناخنها را از بین می‌برد. افشره‌اش رطوبتهای پرمایه را از مغز بیرون کشد و مغز را از زائده پاک کند. بیخش دوای درد دندان است. سپیدی چشم را تنقیه کند، دید را قوت دهد به شرطی در چشم کشند. مامیران و به ویژه افشره‌اش در برچیدن رطوبتهای غلیظ چشم مفید است. بیخش داروی یرقان است. بول را ریزش دهد و مسکن درد و پیچ روده است.» بررسیهای علمی نیز نشان داده است که مامیران در رفع تحریکات مغزی، در مبتلایان به هیستری و اشخاص مبتلا به ضعف قوای دماغی که از بی‌خوابی، اضطراب و ... رنج می‌برند، همچنین در مداوای تصلب شرائین مغزی بسیار مؤثر است.

کاپلاD .R .Capla در سال ۱۹۳۶ میلادی در موارد مذکور، مصرف گرد یا دم‌کرده ۲ تا ۳ گرم مامیران را، به هنگام شب توصیه کرده است. برای مامیران اثرات مفید دیگری نیز در درمان آنژین دوپواترین (خفقان صدری)، آسم، انقباضهای الیاف ماهیچه‌ای معده و اختلالات مربوط به تشنج ماهیچه‌های صاف، نیز ذکر شده است. مصرف آن اگر همراه با رازک باشد دردهای سرطانی معده را در حالات بحرانی تسکین می‌دهد.

در استعمال خارج، جوشانده برگ یا شیره تازه آن‌که به صورت بسیار رقیق در آب مقطر تهیه شده باشد، در رفع ورم مزمن کره چشم، اثرات مفید و خوب نشان داده است. از قدیم الایام مصرف آن برای رفع ورم پلک و بیماریهای دیگر چشم میان مردم معمول بوده است. با مالیدن شیره مامیران به صورت خالص یا مخلوط با آب، همچنین با قرار دادن ریشه تازه و له شده

آن بر روی زخمهای چرکین یا خنازیری و یا زخمهایی که بر اثر کمبود ویتامین ث حاصل می‌شود. التیام‌بخش است. شیره گیاه، اثر مفید در رفع بیماریهای جلدی نظیر سودا دارد. اگر شیره گیاه بر روی میخچه پا یا زگیل مالیده شود موجب از بین رفتن آنها می‌گردد.

در مصارف درمانی مامیران باید جانب احتیاط را رعایت کرد، زیرا مصرف بی‌رویه آن ایجاد مسمومیت می‌کند. قرار دادن مقدار زیاد شیره له‌شده گیاه بر روی زخمهای جلدی نیز مسمومیت به وجود می‌آورد.

Chenopodium album :Chenopodiaceae سلمک: تیره چغندر

گیاهی است علفی یکساله با ساقه‌ای راست و عموما منشعب و پرشاخه در بالا به ارتفاع ۲۰ تا ۲۰۰ سانتیمتر با برگهای لوزی‌شکل، دلتائی یا تخم‌مرغی- سرنیزه‌ای کامل یا دندانه‌دار و گلهای فاقد گلبرگ گروهی و دسته‌ای که به صورت سنبله‌ای، خوشه‌ای یا گرزنهای محوری یا انتهایی قرار گرفته‌اند.

سلمک یکی از علفهای هرزی است که در مزارع، باغها، باغچه‌ها، حاشیه جاده‌ها و به‌طور کلی در اغلب نقاط مرطوب می‌روید. از برگهای جوان آن در فصل بهار گاهی برای تهیه بورانی استفاده می‌شود. (نظیر اسفناج)

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۳۹۲

Chenopodium ambrosoides :Chenopodiaceae خاک سلیمه: تیره چغندر

گیاهی است علفی یکساله یا دو ساله و معطر با ساقه‌ای کم‌وبیش راست و ساده یا شاخه‌دار به ارتفاع ۲۵ تا ۱۲۰ سانتیمتر و پوشیده از کرکهای مخملی و غالبا قرمزرنگ با برگهای قاعده‌ای مستطیلی تا سرنیزه‌ای و برگهای ساقه‌ای فوقانی ساده و کامل با گلهای بدون گلبرگ دسته‌ای یا گروهی متراکم در گل آذینی سنبله‌ای طویل که در انتهای شاخه‌ها قرار گرفته‌اند.

این گیاه نیز به صورت علف هرز در غالب نقاط استان گیلان از جمله در جلگه‌های پست ساحلی، حاشیه مزارع و باغها و جاده‌ها و کنار جویبارها و نهرها می‌روید.

Chelidonium botrys :Chenopodiaceae درمنه ترکی: تیره چغندر

گیاهی است علفی یکساله و معطر به ارتفاع ۱۰ تا ۵۰ سانتیمتر با کرکهای غده‌دار و برگهای بیضوی یا کشیده شانه‌ای بریده با ۴ تا ۶ لوب در هرطرف، با گل آذین طویل انتهایی تقریبا بدون برگ. گیاه فوق الذکر عموما به صورت علف هرز در مناطق شنی ساحلی یا سنگلاخی، حاشیه جاده‌ها و بستر رودها و مزارع کشاورزی می‌روید و با عطر تند خود شناخته می‌شود. در استان گیلان اطراف بندر انزلی، رشت تا آستارا و هشتپر و اطراف رودبار و منجیل و در بستر رودخانه سفیدرود می‌روید.

Cichorium intybus :Compositae کاسنی (کاسنه، انگوپا): تیره کاسنی

گیاهی است علفی چندساله اغلب با ساقه‌ای نسبتا ضخیم شیاردار به ارتفاع ۲۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر و برگهای طوقه‌ای با دمبرگهای کوتاه و سرنیزه‌ای دندانه‌دار تا نیش‌بری (شیردندانی) و برگهای ساقه‌ای کوچکتر و مشابه با برگهای قاعده‌ای فاقد هرگونه

خار، گلهای آبی‌رنگ زبانه‌ای آن به صورت مجتمع و کپه‌ای در محور برگها یا در انتهای شاخه‌ها قرار گرفته‌اند.
کاسنی در ایران یکی از علفهای هرز مزارع کاشته شده، مزارع آیش، باغها، چمنزارها و گاهی مراتع می‌باشد و در استان گیلان نیز در غالب نقاط جلگه‌ای استان به ویژه اطراف رودبار، اطراف رشت و لاهیجان می‌روید.
کاسنی یکی از گیاهان باارزش داروئی بوده و در طب سنتی ایران جایگاهی خاص دارد. کلیه قسمتهای گیاه مخصوصا ریشه و برگ آن جهت مداوای انواع بیماریها مؤثر است. تاریخ استفاده درمانی از کاسنی به صدها سال قبل از میلاد مسیح می‌رسد. دانشمندانی نظیر جالینوس، پلینی و ابو علی سینا برای آن اثرات درمانی بسیار قائل بودند. پرورش کاسنی به سبب زیبایی گلهای آن نیز از قدیم الایام معمول بود.
برگ کاسنی دارای املاح مختلفی مانند سولفاتها و فسفاتهای سدیم، منیزیوم و پتاسیم و نیترات پتاسیم است و ریشه آن محتوی قندهای گوناگونی از جمله گلوکز، ساکاروز و لولز می‌باشد. مواد دیگری که در ریشه این گیاه یافت می‌شوند عبارتند از: موسیلاژ، تانن، اینولین، پکتین، لوولین و شیکورین است.
برای درمان بیماریهای مختلف از دم‌کرده ریشه و برگ کاسنی استفاده می‌کنند و در استعمال خارجی برگهای تازه و کوبیده شده آن را بر روی پوست قرار می‌دهند تا ناراحتیهای جلدی ناشی از التهاب و تحریکات سطحی را درمان نمایند.
دم‌کرده ریشه و برگ کاسنی، مقوی، مقوی جهاز هاضمه، مدر، ملیّن، صفرابر، تب‌بر، اشتهاآور و تصفیه‌کننده خون است. به علاوه برای مداوای یرقان و نارسایی اعمال کبد، هیستری و ناراحتیهای عصبی، قولنجهای کبدی، اخلاط خونی، وجود خون در ادرار، آب آوردن انساج، تبهای نوبه، تبهای مخاطی، بیماریهای جلدی، کم‌خونی، عفونت مجاری ادرار، نقرس و رماتیسم مورد استفاده قرار می‌گیرد.
در گذشته مردم گیلان و سایر نواحی شمالی ایران قسمتهای گوشتدار ریشه کاسنی را در آب خیسانده در اختیار مبتلایان به بیماری مالاریا می‌گذاشتند و معتقد بودند نوشیدن آن در هربامداد به صورت ناشتا مالاریا را درمان می‌کند.
پزشکان و گیاه‌شناسان هندی معتقدند که ریشه کاسنی ورمهای التهابی لثه دندان و خونریزیهای آن را مداوا می‌کند. اگر از ریشه این گیاه سودمند در تهیه خمیردندانها استفاده شود اثر ضد میکروبی آن به حفظ و مراقبت دندانها کمک مؤثر می‌نماید.
در این زمینه برخی از محققان عقیده دارند که اثر ضد میکروبی
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۳۹۳
ریشه کاسنی از برخی آنتی‌بیوتیکها مؤثرتر و قوی‌تر است.
شربتی که از شیره کاسنی تهیه می‌شود برای درمان یبوست به ویژه یبوست اطفال مؤثر است.
پودر ریشه این گیاه را مانند چای و قهوه دم می‌کنند. نوشیدن یک فنجان از آن (صبح و شب) دارای اثر مقوی روده، ملیّن ملایم و تحریک‌کننده اشتهاست و در مداوای تنبلی کبد و ناراحتیهای ناشی از آن تأثیر زیاد دارد.

Rutaceae.: Citrus spp مرکبات: تیره مرکبات

درختانی هستند کوتاه با ساقه‌ای راست و برافراشته و در بالا منشعب و پرشاخه. شاخه‌های جوان دارای خاری در محور برگها می‌باشند. برگها ساده، متناوب و غالبا چرمی، با حاشیه‌ای کامل به اشکال گوناگون خطی، سرنیزه‌ای تا تخم‌مرغی- سرنیزه‌ای و گاهی با دمبرگهای بالدار و معمولا- در قاعده گوشواره‌دار. دارای گلهای سفید معطر در محور برگها به صورت منفرد یا

خوشه‌ای کوتاه و میوه پرتقالی که دانه‌های زیادی دارد.

درختان مرکبات سطح وسیعی از باغهای استانهای شمالی ایران را اشغال کرده‌اند و میوه آنها با نامهای پرتقال، نارنج، لیمو شیرین، لیموترش، نارنگی، گریپ‌فروت، دارابی و بادرنگ به مصرف تغذیه می‌رسند و ارزش اقتصادی آنها بر کسی پوشیده نیست.

اینک اسامی علمی چند نوع از مرکبات را جهت اطلاع علاقمندان به همراه اسم انگلیسی و لاتین آنها ذکر کرده سپس به شرح چند نوع از آنها می‌پردازد:

نام فارسی/ نام انگلیسی/ نام لاتین

بادرنگ (بالنگ، تورنج)/Citron/ Citrus media

لیمو شیرین/Lemon/ Citrus lemon

نارنج/

The bitter or seville orange /Citrus aurantium

پرتقال/The sweet or dessert orange/ Citrus sinensis

نارنگی/

The mediterranean Satsuma tangerines /Citrus deliciosa

نارنگی/

The mediterranean Satsuma tangerines /Citrus unshiu

گریپ‌فروت/Grape fruit/ Citrus paradisi

لیموترش/Lime/ Citrus aurantifolia

توسرخ/The pomelo or Shaddock/ Citrus grandis

کشت مرکبات در مناطق شرقی استان گیلان اطراف لاهیجان، رودسر و لنگرود رایج‌تر از مناطق غربی اطراف آستارا و اسالم، هشتپر و طوالش و نیز رشت و صومعه‌سرا و فومن می‌باشد.

قسمتهای مختلف پرتقال خواص درمانی بسیار دارد. اسانس آن‌که از فشردن قسمت خارجی پوست به دست می‌آید خلط‌آور و ضدعفونی‌کننده است. پرتقال خون را رقیق می‌کند و اثر مدر و ملین دارد. برای درمان کم‌خونی، سوء هاضمه، التهاب مخاط لثه دندان و دهان مؤثر است و کمبود عناصر فلزی بدن را جبران می‌کند.

مؤلف گیاهان داروئی می‌نویسد: «با آن‌که پرتقال میوه‌ای است شیرین معهذا در کتب علمی جدید مصرف آن برای مبتلایان به چاقی به شرح زیر توصیه شده است: ۱ عدد پرتقال و ۳ عدد لیموترش را که به قطعات کوچک درآمده باشند به مدت ۱۰ دقیقه در نیم لیتر آب بجوشانند و سپس ۲ قاشق عسل بدان افزوده مجددا به مدت ۵ دقیقه بجوشانند و بعدا صاف کنند. مقدار مصرف محلول صاف شده پس از سرد شدن ۳ لیوان کوچک در روز است.»

استعمال خارجی پرتقال تأثیر زیادی در شادابی پوست دارد و از پیدایش چین و چروک صورت جلوگیری می‌کند. لیموترش که دارای مقادیر زیادی ویتامین ث است خواص درمانی بسیار دارد. فعالیت گلبولهای سفید خون را برای دفاع از بدن زیاد می‌کند و سیستم عصبی و سمپاتیک و قلب را تقویت می‌نماید. برای درمان بیماریهای رماتیسم، نقرس و اسکوربوت بکار می‌رود و اثر مدر، تصفیه‌کننده خون و ضدّ سم دارد.

پوست لیموترش بادشکن و مقوی است و دانه‌های آن تب‌بر و ضد کرم می‌باشد. در مداوای بیماریهای عفونی از جمله عفونتهای ریوی و روده‌ای و نیز مالاریا، بی‌اشتهائی، رماتیسم، نقرس، چاقی، واریس، یرقان، نارسائی اعمال کبد و لوزالمعده، اسهال، اسهال خونی، تیفوئید، فشار خون، یرقان، استفراغ و رفع رسوبهای مربوط به ادرار و صفرا تأثیر قابل توجهی دارد.

از نظر استعمال خارجی، آب لیموترش برای درمان گریپ، آنژین، ناراحتیهای مجرای گوش، سینوزیت، خونریزیهای بینی، التهاب مخاط دهان و زبان، ورم پلك و ضایعه ناشی از سرماخوردگی و رفع چربی صورت بکار می‌رود. چکاندن چند قطره آب لیموترش در بینی، خونریزی را بند می‌آورد.

ناراحتیهای حاصل از گزش حشرات را رفع می‌کند؛ لکه‌های صورت و کك‌ومك را از بین می‌برد؛ پوست دستها و صورت را شفاف و شاداب می‌نماید.

نارنگی دارای عناصر معدنی است، ولی این عناصر در نارنگی به مراتب کمتر از پرتقال است. به سبب دارا بودن برم اعصاب را تسکین می‌دهد.

لیمو شیرین مدر و مقوی است و در مداوای بیماران مبتلا به تبهای عفونی مؤثر است.

بالنگ خواص درمانی قابل توجهی دارد. در کتب طب سنتی از بالنگ با اسامی بادرنج، بادزنج و اترج کبیر یاد شده است.

از میوه درختچه بالنگ معمولاـ به صورت مربا استفاده می‌شود؛ مربای بالنگ در هضم غذا و درمان نفخ مؤثر است؛ پوست زرد آن برای تقویت حافظه و قلب تجویز شده است؛ دم‌کرده پوست زرد بالنگ استفراغهای شدید را تسکین می‌دهد. از شکوفه بالنگ و میوه آن و نیز برگهای درخت، روغن مخصوصی تهیه می‌کنند که برای درمان سیاتیک، دردهای مفصلی، بی‌حسّی‌های موضعی، لقوه و رعشه مؤثر است. در طبّ سنّتی به منظور معالجه این‌گونه دردها ضماد بالنگ نیز توصیه شده است. این ضماد از پختن میوه بالنگ با سرکه یا شراب قرمز به دست می‌آید.

در برخی از باغهای مرکبات گیلان تعدادی درخت بالنگ پرورش می‌یابد.

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۳۹۴

دغدغک: تیره نخود Colutea uniflora :Leguminosae

درختچه‌ای است با شاخه‌های ترکه‌ای و گاهی خاردار، پرشاخه و منشعب به ارتفاع حد اکثر ۲ متر و برگهای شانه‌ای ۲ تا ۳ جفت برگچه‌ای و گلهای منفرد پروانه‌آسای زردرنگ در محور برگها یا انتهای شاخکها.

میوه نیام متورم به شکل تخم‌مرغی پهن است به طوری که پس از رسیدن دانه‌ها از بدنه آن جدا شده با تکان دادن صدای خاصی ایجاد می‌نماید.

دغدغکها در ایران بیشتر در مناطق جنگلی و بیشه‌زارها و گاه به صورت پراکنده در مناطقی که نور کافی دارند رشد می‌نمایند و با گلهای زردرنگ و میوه‌های متورم و غالبا غشائی خود زیبائی خاصی دارند. گیاه مزبور در استان گیلان بیشتر در حوالی رودبار و منجیل و رستم‌آباد رشد می‌نماید.

شوکران: تیره جعفری Conium maculatum :Umbelliferae

گیاهی است یکساله یا دو ساله و معطر با ساقه‌ای به بلندی ۳۰ تا ۲۰۰ سانتیمتر، شیاردار و بدون کرك با لکه‌های بنفش در

پائین ساقه و برگهای قاعده‌ای مرکب تا ۴ بار شانه‌ای و دمبرگی بسیار بلند تا ارتفاع ۶۰ سانتیمتر و قطعات بیضوی. گلهای سفیدرنگ گیاه در گل آذین چتری با شعاعهائی به تعداد ۸ تا ۱۴ عدد قرار گرفته‌اند.
گیاه مذکور به خاطر سمی بودن شهرت بسزائی دارد و در گیلان در مناطق جنگلی، حاشیه نهرها و جویبارها می‌روید.
شوکران مسکن دردهای سرطانی است و از پیشرفت آن جلوگیری می‌کند.
مصرف شوکران برای درمان اختلالات اعصاب ماهیچه‌ها، تکانهای غیر ارادی عصبی، سیاه‌سرفه، آسم، برونشیت مزمن نیز توصیه شده است. مصرف زیاد آن باعث سردرد و سپس مسمومیتهای مرگ‌آور می‌شود.
ضماد موضعی شوکران در معالجه کچلی و بیماریهای جلدی، بادسرخ، زخمهائی که منشأ سیفلیسی دارند و سوداهای سرکش تأثیر بسزائی دارد.

Convolvulaceae: Convolvulus arvensis پیچک صحرائی: تیره پیچک

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌ای پیچیده و بالارونده و اغلب گسترده روی سطح زمین یا شاخه‌های بسیار کوتاه به بلندی حد اکثر ۳ متر و برگهای پیکانی یا پیکانی باز با اندازه‌های متفاوت و نیز گلهای سفید یا سفید متمایل به صورتی منفرد یا به‌ندرت ۱ تا ۳ تائی محوری و قیفی‌شکل.
پیچک صحرائی یکی از علفهای هرز ایران بوده، در مزارع آیش، مراتع، حاشیه نهرها، جویبارها، رودها و در سطح تپه‌های شنی و بیشه‌زارها و حاشیه جاده‌ها می‌روید.
این گیاه در اکثر نقاط گیلان به چشم می‌خورد. در معالجه برخی بیماریها تأثیر ناچیزی دارد و لذا به‌ندرت در طب سنتی از آنها استفاده می‌شود.

Convolvulaceae: Convolvulus cantabrica نوعی پیچک: تیره پیچک

گیاهی است علفی چندساله با قاعده‌ای چوبی و ساقه‌های راست، برافراشته یا خوابیده روی زمین به ارتفاع ۳۰ تا ۶۰ سانتیمتر با برگهای قاعده‌ای قاشقی کشیده و دمبرگدار و برگهای ساقه‌ای بدون دمبرگ و گلهای صورتی‌رنگ محوری با انتهائی قیفی‌شکل.
گیاهی است که در گیلان بر روی تپه‌های شنی بین رشت و انزلی و انزلی و آستارا و اطراف آب‌کنار دیده می‌شود.

Convolvulaceae: Convolvulus persicus پیچک ایرانی: تیره پیچک

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌ای برافراشته یا گسترده و خوابیده روی سطح زمین، با برگهای تخم‌مرغی تا بیضوی پهن و گلهای سفید قیفی‌شکل نسبتا درشت.
پیچک ایرانی یکی از گیاهان کناره‌های دریای خزر در گیلان و مازندران بوده و در گیلان بر روی تپه‌های شنی ساحلی بین رشت و انزلی و انزلی تا آستارا می‌روید.
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۳۹۵

Compositae: Conyzanthus squamatus تیره کاسنی

گیاهی است دو ساله یا چندساله علفی با ساقه‌ای نسبتا ضخیم به ارتفاع حد اکثر ۳۰ تا ۱۵۰ سانتیمتر پرشاخه و با گلهای فراوان و برگهای خطی- سر نیزه‌ای، بدون دمبرگ با دانه‌های کوچک و نوکی تیز و گلهای مجتمع و کپه‌ای.
گیاه مذکور یکی از علفهای هرز مزارع، مراتع، باغها، حاشیه مزارع و چمن‌زارهای مناطق مختلف گیلان می‌باشد.

Umbelliferae: Coriandrum sativum گشنیز: تیره جعفری

گیاهی است یکساله یا دوساله با ساقه‌ای توپر و استوانه‌ای به بلندی حد اکثر ۵۰ سانتیمتر و برگهای قاعده‌ای یا طوقه‌ای یک تا دو بار شانه‌ای با قطعات تخم‌مرغی دندانه‌دار و گاه شدیدا بریده، برگهای ساقه‌ای شانه‌ای یا شانه‌ای‌بخش با قطعات خطی، گلهای سفید تا سفید متمایل به صورتی در گل- آذینی چتری در انتهای شاخه‌ها و میوه‌ای دوقلو که دارای شکل خاصی است.
گشنیز در گیلان و اکثر مناطق ایران کاشته می‌شود در غذاهائی مانند کوکو، خورشت و سبزی پلو، مصرف می گردد.
میوه گشنیز نیرودهنده، هضم‌کننده غذا، بادشکن، مدر، ضد تشنج و به‌طور ملایم قاعده‌آور، ضد صرع و ضد کرم می‌باشد. از عصاره گیاه به عنوان مسکن دردهای روماتیسمی استفاده می‌شود.

Cornaceae: Cornus australis ال، فلفل درختی: تیره ال

درختچه‌ای است به بلندی ۲ تا ۴ متر و ساقه‌ای منشعب و شاخه‌هائی عموما متقابل در بالا با برگهای بیضوی پهن یا تخم‌مرغی و نوک‌تیز و گلهای سفید کوچک در گل آذینی دیهیم. در محور برگها یا انتهای شاخه‌ها و میوه‌ای شفت نسبتا بدون گوشت که پس از رسیدن سیاه‌رنگ شده و شبیه فلفل سیاه می‌باشد.
یکی از درختچه‌هائی است که در غالب نقاط معتدله و معتدله سرد ایران در حاشیه باغها، کنار نهرها، در بیشه‌زارهای شمال و مناطق جنگلی تنگ در دره‌های نسبتا مرطوب رشد می‌نماید و در استان گیلان بیشتر در اطراف اسالم و دره اسالم- خلخال و آستارا می‌روید.
گونه دیگری از این جنس به نام زغال‌اخته یاCornusmas در جنگلهای ارسباران و ندرتا در شمال ایران می‌روید. میوه‌های قرمزرنگ و ترش‌مزه آن در فصل بهار و تابستان در غالب شهرهای ایران به فروش می‌رسد.
از زغال اخته برای تهیه مربا استفاده می‌شود.

Leguminosae: Coronilla varia یونجه باغی (نسرین‌گول): تیره نخود

گیاهی است چندساله علفی با ساقه‌ای برافراشته یا گسترده روی سطح زمین به ارتفاع ۱۵ تا ۶۰ سانتیمتر و با برگهای شانه‌ای ۳ تا ۴ جفت برگچه‌ای و گلهای بنفش یا سفید یا صورتی‌رنگ، در گل‌آذینی کپه‌ای چترمانند در محور برگها یا انتهای شاخه‌ها و میوه نیام ناشکوفای بندبند که از محل بندها می‌شکافد.
این گیاه یکی از علفهای هرز مزارع و مراتع و باغهای استان بوده و در کنار جاده‌ها و مزارع و مناطق دارای رطوبت نسبتا کافی

و پرنور رشد می‌کند و گونه دیگری از آن به نامCoronilla orientalis با گلهای زرد غالبا در حاشیه جاده‌های جنگلی و مراتع گیلان در نواحی دیلمان و عمارلو و ماسوله و جاده اسالم- خلخال دیده می‌شود.
مصرف این گیاه در طب سنتی ایران ناشناخته است. گیاهی است سمی، خشک‌شده آن محتوی یک گلوکزید سمی محلول در آب کورونیلین، تاننها، مواد تلخ، نمکهای آلی و ویتامین ث می‌باشد. این مواد اضطراب قلبی را تسکین می‌دهند، اما در حال حاضر به علت سمی بودن کمتر از آن استفاده می‌شود.
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۳۹۶

فندق Corylus avellana :Corylaceae: تیره فندق

درختچه‌ای است با تاجی نسبتا بزرگ و گسترده به بلندی حد اکثر ۶ متر و ساقه‌های متعدد. برگهای تخم‌مرغی تا تخم‌مرغی پهن با نوکی دراز و قاعده‌ای قلبی و حاشیه‌ای دو بار دندانه‌اره‌ای.
درختچه‌ای است خزان‌کننده که در جنگلهای پهن‌برگ به همراه بلوط، ممرز و راش در کنار نهرها و بستر رود می‌روید. در عین حال درختچه‌ای است که وارد زراعت و باغبانی شده به خاطر محصول باارزش فندق در مناطق مختلف ایران به خصوص در استان گیلان در اطراف لاهیجان، رودسر، رودبار، عمارلو و پره‌سر و مناطق دیگر استان کشت می‌گردد و عموما به همراه خشکبارهای دیگری مثل، پسته و مغز گردو مصرف می‌گردد.
فندق سرشار از ویتامینهای آ، ب، مواد چربی و سفیده‌ای و دارای آهن و کلسیم می‌باشد. میوه درخت فندق دارای ۶۰ درصد روغن است و مایع چرب آن را در نقاشی و عطرسازی به کار می‌برند.
در طب سنتی فندق مثل گردو و بادام برای تغذیه اشخاص مسلول و کسانی که مبتلا به بیماری قند می‌باشند و نیز برای درمان بیماری سنگ کلیه و ناراحتیهای اعصاب تجویز شده است. همچنین روغن فندق از داروهای مؤثر برای از بین بردن کرم کدو است. جوشانده پوست شاخه‌های جوان و تازه درخت فندق در رفع ناراحتیهای ناشی از تب مفید است. مصرف جوشانده گلهای آن برای مبارزه با چاقی مؤثر است. ضماد سوخته فندق با پوست آن و پیه خوک جهت درمان طاسی سودمند است و باعث روئیدن موی صورت جوانان و اشخاص کوسه می‌گردد. مصرف دم‌کرده فندق، خون را تصفیه می‌کند و به شکل محلول برای التیام زخمها و جراحات واریسی و غیر آن مفید واقع می‌شود. گرد گل فندق را به عنوان داروی شفابخش در مورد بیماریهای حمله عصبی و صرع می‌توان به کار برد. چون فندق از مواد نشاسته‌ای عاری است استفاده از آن برای مبتلایان به مرض قند تجویز می‌شود.

زالزالکها (سرخه‌ولیک، کومار، مارخ، مرخ، ولک، بلک، ولیک) Crataegus spp .:Rosaceae: تیره گل سرخ

درختان یا درختچه‌هائی هستند خاردار با تاج گسترده و ارتفاع حد اکثر ۵ متر و برگهای متناوب ساده یا لوب‌دار کامل یا دندانه اره‌ای و گلهای سفید یا گاهی صورتی‌رنگ در گل آذینی دیهیم که بر روی شاخه‌های یکساله ظاهر می‌گردند. میوه زالزالکها به رنگهای مختلف زرد، قرمز روشن تا قرمز تیره و سیاه کروی کوچک با هسته‌های منفرد تا ۵ تائی دیده می‌شوند که در فصل پائیز زیبائی خاصی به این درختان می‌دهند.
زالزالکها در غالب نقاط ایران از جمله گیلان بیشتر در حاشیه جاده‌ها و بیشه‌زارها، و جنگلهای تخریب‌یافته و گاهی در کنار

باغها می‌رویند. از گونه‌های مهم آن در گیلان می‌توان سیاه‌ولیک (سیاکوتیل، سیاکوتی)Crataegus melanocarpa و زالزالک زردCrataegus azarolus subsp. aronia و سرخه‌ولیک یاCrataegus microphylla را نام برد که در مناطق اسپیلی، عمارلو، دیلمان، امامزاده هاشم- بین رشت و رودبار- آستارا، هشتپر و اطراف لاهیجان و دره سفیدرود می‌رویند.

قسمتهای قابل استفاده سرخه‌ولیک، پوست، میوه و مخصوصا گلهای آن است. میوه و گلهای این درختچه بدون این‌که هیچ اثر سمی داشته باشند برای قلب بسیار مفید و مقوی هستند.

به علاوه ضد تشنّج و تب‌بر نیز می‌باشند. هسته‌های خشک‌شده این گیاه را برای درمان اسهال مصرف می‌کنند و همچنین گیاه مزبور برای معالجه بیماران مبتلا به سنگ کلیه و مثانه مؤثر است. طب سنتی معتقد است که دمکرده سرخه‌ولیک آثار معجزه‌آسایی در فشار خون دارد. دمکرده آن با کمی عسل برای درمان و معالجه تورّم و جراحات مخاط دهان و گلو مصرف می‌شود.

برای تقویت قلب اثر قطعی دارد، زیرا ضربان‌های قلب را متعادل و مرتّب می‌کند و اعصاب فرسوده را آرام می‌سازد.

مبتلایان به بیماری‌های تپش قلب، تصلّب شرایین، زیادی فشار خون، تشنّج، غم و اندوه، آنژین دوپواترین (آنژین صدری)، ورم آئورت، لرزش اعضای بدن، صدا کردن گوش و اختلالات جریان خون (مخصوصا زنانی که در دوران یائسگی به سر می‌برند) اگر به‌طور مرتّب هرروز دمکرده گل سرخه ولیک را مصرف کنند پس از مدتی آثار بهبود نسبی را احساس خواهند کرد.

سرخه‌ولیک برعکس بعضی از گیاهان، دارای هیچگونه مواد سمّی نیست و

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۳۹۷

اگر مدّتهای متوالی مقدار زیادی از آن مصرف شود شخص را مسموم نمی‌سازد علاوه بر آنچه گفته شد در کتاب معروف «مفردات پزشکی و گیاهان دارویی ایران» اثر دکتر آیینه‌چی مطالبی نیز در مورد خواص درمانی سرخه‌ولیک و کاربرد آن ذکر گردیده که نمی‌توان آنها را نادیده انگاشت. در کتاب مذکور آمده است: «گیاه سرخه‌ولیک از دیرباز در طب سنّتی مورد استفاده بوده و امروزه عصاره تهیّه شده از گلها یا پودر میوه‌های آن به فراوانی در اروپا و ایران به کار می‌رود. فراورده‌های حاصل از این گیاه بر روی قلب یا سیستم جریان خون بتدریج اثر کرده و در نتیجه، باعث اتساع عروق و بخصوص شریان‌های قلبی شده و تا اندازه‌ای نیز سبب پایین آمدن فشار خون می‌گردد. این دارو را جهت پیشگیری در آنژین صدری به کار می‌برند و ادّعای مشابهت اثر دارو با ترکیبات دیژیتال یا سایر داروهای تقویت‌کننده قلب صحیح نیست.

مسمومیت‌های ناشی از مصرف سرخه‌ولیک تاکنون دیده نشده است.

سرخه‌ولیک حاوی مقدار قابل ملاحظه‌ای گلوکزیدهای فلاونی است. به نظر می‌رسد که عامل مؤثر این دارو همین گلوکزیدهای فلاونی موجود در آن باشند.

به علّت اهمیّت این دارو از نظر خاصیّت کاهش فشار خون و کاربرد آن در پیشگیری آنژین صدری توصیه می‌شود که مصرف آن تحت نظر پزشک صورت گیرد.»

همچنین عرق سرخه‌ولیک که به عرق کیالک نیز مشهور است برای درمان بیماری‌های قلبی بخصوص آنژین پکتوریس مؤثّر می‌باشد.

آنژین پکتوریس: درد گهگیر سینه، یا حمله شدید امّا موقتی درد قلبی است که ممکن است به بازوها نیز تیر بکشد. این حالت

ناشی از کم‌خونی موضعی قلب می‌باشد.

Anacardiaceae: Cotinus coggygria درخت پر: تیره پسته

درختچه‌ای است خزان‌کننده به ارتفاع حد اکثر ۵ متر با تاجی گسترده و باز و پرشاخه و برگهای دمبرگدار واژ تخم‌مرغی تا بیضوی پهن تا شبه- دایره‌ای به رنگ روشن که در فصل پائیز قرمزرنگ می گردد.
گلهای سفید متمایل به سبز آن در گل آذینی خوشه‌ای یا پانیکول قرار گرفته و دمگلهای حاوی گلهای عقیم طویل شده پوشیده از کرکهای بلند پرمرغی شبیه پر به نظر می‌رسند.
این درختچه در ایران به صورت وحشی و خودرو در جنگلهای ارسباران می‌روید ولی نوع پرورش یافته آن در غالب نقاط ایران در پارکها، بلوارها، حیاط منازل و باغچه‌های سازمانهای دولتی کشت می گردد. تاج چتری و پر شاخه آن‌که حامل گلهای بسیار و دم گلهای پرمرغی می‌باشد در زمان گلدهی زیبائی خاصی دارد، در گیلان نیز در پارکها و بلوارها دیده می‌شود.
در کتابهای مختلف گیاهان داروئی و همچنین در طب سنتی برای درخت پر، خواص درمانی و داروئی قائل نشده‌اند.

Compositae: .Cousinia spp تیره کاسنی

گیاهانی هستند یکساله تا چندساله علفی خاردار با ساقه‌ای در قاعده چوبی و اغلب پرشاخه و منشعب دیهیم‌مانند و دارای کپه‌های متعدد و اغلب پوشیده از کرکهای تارعنکبوتی پشمالو یا کرکهای پتوئی و گاهی بدون کرک با برگهای چرمی و خاردار به اشکال گوناگون دندانه‌دار، لوب‌دار، شانه‌ای بریده، شانه‌ای منقسم و ممتد به طرف دمبرگ و روی ساقه به طوری که ساقه بالدار و خاردار بنظر می‌رسد. گلهای لوله‌ای نر و ماده و منظم یا به‌ندرت نامنظم مجتمع و کپه‌ای توسط برگهای تغییر شکل یافته‌ای به نام برگه‌های عموما خاردار با زواید خارمانند دربرگرفته می‌شوند و به رنگهای متنوع زرد، سفید، ارغوانی، صورتی یا به‌ندرت بنفش‌رنگ دیده می‌شوند.
این گیاهان در ایران دارای گسترش و پراکندگی زیاد هستند به طوری که قریب به ۲۱۰ گونه از آنها در مناطق معمولا خشک و بیابانی و ارتفاعات کوهستانی می‌رویند و عموما در مناطق مرطوب در حاشیه دریاچه‌ها و رودها و چمن‌زارها کمتر دیده می‌شوند. در استان گیلان چندین گونه از این گیاهان می‌رویند که اغلب کوهستانی و ارتفاع‌پسند بوده و در مراتع استان دیده می‌شوند از جمله آنها می‌توان گونه‌های زیر را نام برد:

Cousinia gilanica/ Cousinia hypochionea

Cousinia erinacea/ Cousinia pinarocephalus

Cousinia pterocaulos

Rosaceae: Cydonia oblonga به: تیره گل سرخ

درخت یا درختچه‌ای است به بلندی ۴ تا ۶ متر، بدون خار و خزان‌کننده با شاخه‌های جوان کرکدار، برگهای تخم‌مرغی تا مستطیلی یا گاهی شبه دایره‌ای کامل، با کرکهای خاکستری متمایل به سفید در سطح زیرین و بدون کرک در سطح فوقانی به

طوری که در سطح فوقانی سبز تیره و در سطح زیرین خاکستری‌رنگ به نظر می‌رسد. گلهای منفرد، درشت و سفید یا صورتی‌رنگ آن در انتهای شاخه‌ها قرار گرفته و میوه درشت آن گلابی‌شکل تا شبه کروی و پوشیده از کرکهای متراکم و غالبا زردرنگ و دارای عطر و بوی خوش می‌باشد.
به درختی است که در جنگلها و بیشه‌زارها می‌روید لیکن نژادهای کشت شده آن بسیار است و در غالب نقاط ایران که دارای آب و هوای معتدله و معتدله سرد می‌باشد کشت می گردد.
میوه آن ارزش تغذیه‌ای دارد و از آن در تهیه مربا، کمپوت، ژله و شربت استفاده می‌شود و دانه‌های آن به علت داشتن موسیلاژ جنبه‌های داروئی با ارزشی دارند و اثر ضد سرفه آن کاملا شناخته شده است، پخته آن در رفع گلودرد و اسهال مؤثر است.
میوه به دارای مواد قندی، پکتین، اسید مالیک، ویتامینهای ب. ث، پ، پرو
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۳۹۸
ویتامین آ، تانن، اسانسهای روغنی و اسیدهای آلی می‌باشد.
جوشانده و پخته این میوه به علت داشتن پکتین اسهالهای ساده و دیسانتری را متوقف می‌سازد. در طب سنتی پوست به را مدت ۱۵ روز در الکل خیس کرده محلول مزبور را روی پوست صورت ماساژ می‌دادند تا چین و چروک زائل شود.
شربت به در مداوای ورم حاد روده و سل ریوی و دیر هضمی مؤثر است.
دم‌کرده برگ درخت به اگر با بهار نارنج و عسل مخلوط شود برای درمان سیاه‌سرفه و بی‌خوابی بسیار مفید بوده اثر آرام‌کننده و مسکن دارد.
در استعمال خارجی، خیسانده دانه‌های به برای سرمازدگی، شکاف و ترک پستان و لب، سوختگی و تحریکات جلدی مختلف مورد استفاده قرار می گیرد.
در طب سنتی به برای حفظ جنین: از بین بردن بوی بد دهان، برطرف ساختن حالتهای خماری و مستی، درمان یرقان، میگرن و تقویت کبد و معده مورد استفاده قرار می گیرد.

Crocus caspius :Iridaceae زعفران خزری، زعفران وحشی: تیره زنبق

گیاهی است علفی چندساله دارای بنه‌ای با پوست غشائی شفاف و بریدگیها و رشته‌های طولی، با گلهائی به رنگ سفید یا بنفش کم‌رنگ با لکه‌های آجری زرد در قاعده که در فصل پائیز ظاهر می گردد.
زعفران وحشی یا جنگلی در استان گیلان دارای گونه‌های چندی است که با گلهای زیبای خود در فصل پائیز زیبائی خاصی به مناطق مختلف استان می‌دهند و علاوه بر گونه فوق الذکر دو گونه Crocus speciosus و Crocus gilanicus نیز در مناطق مختلف استان گیلان در ارتفاعات مرتعی و یا چمن‌زارهای جلگه‌ای رشد می‌نمایند.
زعفران خوراکی یا Crocus sativus اگرچه در مناطق مختلف استان گیلان نمی‌روید و لیکن کلاله‌های آن در اغلب نقاط ایران به عنوان ادویه و ماده رنگی مصرف می‌شود.
قسمتهای مورد استفاده زعفران خوراکی ناحیه انتهائی خامه و کلاله آن یا همان تارهای گل می‌باشد که تحت عنوان زعفران وارد بازار تجارت می گردد.

کلاله و ناحیه انتهایی خامه گل به صورت الیافی، به رنگ قرمز نارنجی تیره (در ناحیه کلاله) می‌باشد. همراه بودن این تارها با خامه، اگرچه به منظور تقلب در امر عرضه و فروش نیست با این همه از قیمت و اعتبار آن می‌کاهد.

بوی زعفران قوی، معطّر و طعمش تلخ و کمی تند است.

زعفران وحشی یا جنگلی که دارای مواد چربی، املاح معدنی، صمغی، یک نوع ماده رنگی، یک نوع اسانس و عطر مخصوصی می‌باشد از نظر درمانی خواص مشترکی با زعفران خوراکی دارد.

ابو علی سینا و سید اسماعیل جرجانی این خواص را شرح داده‌اند که خلاصه آن چنین است:

عفونت را می‌زداید و درون را تقویت کند. خوردن آن رنگ رو را صفا دهد. ورم را می‌گدازد. خواب‌آور و مایه تیرگی حواس است. شراب با زعفران، مستی‌آوری است که حرکت را سلب می‌نماید. داروی ورم گرم داخل گوش است. دیده را جلا دهد. اشک‌ریزی را منع کند. تیرگی چشم را برطرف کند.

شادی‌افزا و توانبخش قلب است. بیمارانی که از التهاب حجاب حاجز و پیچش شکم رنج می‌برند زعفران یا روغن آن را بوی کنند به خواب روند و نفس روان شود و ابزار تنفسی را نیرو بخشد. مخالف ترشی است که اشتها را در معده برانگیزد و ازاین‌رو زعفران اشتها را از بین می‌برد. و لیکن با حرارتی که دارد کبد و معده را تقویت کند. بعضی گویند زعفران برای طحال خوب است. شهوت‌انگیز است. در کتاب «زبان خوراکیها» و «گیاهان داروئی» موضوع سمّیت زعفران نادرست و اغراق‌آمیز تلقّی و توصیف گردیده و در کتاب اخیر (گیاهان داروئی) ذکر شده که در بررسیهای دانشمندان مختلف و آزمایشهائی که بر روی حیوانات به عمل آمده خلاف آن ثابت گردیده است.

زیرا با خوراندن ۳۶ گرم عصاره زعفران در طی ۳۶ روز به یک سگ، هیچگونه عارضه مسمومیّت در جانور ظاهر نشده است. همچنین در این کتاب آمده است که زعفران به علّت دارا بودن مواد تلخ، از جهتی موجبات سهولت هضم را فراهم می‌سازد و از طرف دیگر به علّت داشتن اسانس، اثر محرّک بر روی سلسله اعصاب دارد. از نظر درمانی دارای اثر مسکّن بر روی اعصاب سطحی بدن است. در طبّ عوام برای آن اثر قاعده‌آور قائل‌اند و معتقدند که با مصرف آن، موجبات خونروی در فواصل قاعدگی و حتّی سقط جنین فراهم می‌شود. علاوه بر آن زعفران اثر مسکّن سرفه در برونشیت‌های مزمن دارد و آن نیز به علّت اثر بیحس‌کننده آن بر روی انتهای اعصاب حبابهای ریوی است. از زعفران می‌توان جهت رفع بی‌خوابیهایی که منشأ تحریکات مغزی و حالات تشنجی دارند و نیز تسکین و درد دندان استفاده به عمل آورد.

Cucurbitaceae: Cucurbita spp کدوها: تیره کدو

گیاهانی هستند رونده یا بالارونده و گاهی کاملا گسترده روی زمین با پیچکهای ۳ تا ۷ شاخه‌ای و گاهی فاقد پیچک با برگهای بزرگ تخم‌مرغی یا قلبی‌شکل و دمبرگ توخالی و کرکهای غده‌مانند و زبر. گلهای درشت، منفرد زردرنگ و یک جنسی با گلبرگهای لوله‌ای و به هم پیوسته شبیه قیف دارند.

میوه کدوها اغلب درشت با دیواره‌های سخت و گوشتی هستند.

کدوها در غالب نقاط ایران به خصوص گیلان و مازندران کشت می‌شوند و فضای زیادی از مزارع استان زیر کشت کدو می‌رود و گاهی نیز در حاشیه مزارع و باغها به همراه دیگر محصولات کشاورزی کشت می‌گردند.

انواعی هم‌چون کدو تنبل(Cucurbita pepo) ، کدو حلوائی یا قلیائی(Cucurbita maxima) و کدو مسمائی در

استان کشت می‌گردد و رایجترین نوع آن کدوی حلوائی است.
دانه کدو در ایران به صورت آجیل و خشکبار مصرف می‌گردد. دانه انواع آن دفع‌کننده انگلهای روده‌ای (کرم کدو) می‌باشند. کدو دارای موادی از قبیل آلبومینها، قندها، چربیها، ویتامینها و مقدار زیادی مواد معدنی است. گاهی پخته کدو را در رفع سرماخوردگیها و جهت نرم کردن سینه به کار می‌برند.
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۳۹۹

Cupressus sempervirens :Cupressaceae زربین: تیره سرو

درختی است همیشه سبز از گروه بازدانگان به ارتفاع حد اکثر ۳۰ متر با تاجی مخروطی‌شکل و شاخه‌های عموما افقی و برگهای فلسی‌شکل به هم فشرده و هم‌پوش. گسترشگاه این گیاه در دره چالوس و اطراف حسن‌آباد است. در استان گیلان در منطقه رودبار و منجیل و منطقه هرزویل به فراوانی دیده می‌شود که سرو معروف و تاریخی هرزویل نمونه بارز آن می‌باشد.
چوب این گیاه که دارای خاصیت رنده‌خوری بسیار است از چوبهای باارزش در صنایع نجاری می‌باشد و به علت رزین موجود در آن و عطری که متصاعد می‌نماید در برابر آفات و امراض انباری و انواع بیدها دوام قابل توجهی دارد.

Cyclamen persicum :Primulaceae نگونسار، سیکلامن: تیره پامچال

گیاهی است علفی چندساله بدون ساقه‌ای مشخص و غده‌دار با برگهای چرمی طوقه‌ای با دمبرگ بلند بدون کرک، تخم‌مرغی یا شبه قلبی یا کلیوی- شکل با قاعده‌ای قلبی و لبه‌ای کامل یا دندانه‌دار و گاهی لوب‌دار. گلهائی قرمزرنگ گاهی متمایل به سفید، منفرد واژگون با دمگلی بلند و بدون برگ دارد که عموما در فصل پائیز یا بهار ظاهر می‌گردند.
نگونسار یکی از گیاهانی است که در جنگلهای گیلان و مازندران و عموما در مناطق صخره‌ای آهکی با نور نسبتا کافی رشد کرده و با گلهای قرمز واژگون خود شناخته می‌شود.
نژادهای اصلاح شده آن با نام سیکلامن به رنگهای زیبای قرمز، سفید یا سفید متمایل به قرمز در فصل بهار در گلفروشیها به عنوان گیاهی زینتی به فروش می‌رسد.

Cyperaceae تیره جگن

گیاهانی هستند علفی یکساله، دو ساله یا چندساله با ساقه‌های استوانه‌ای یا سه گوشه، توپر یا توخالی، گاهی دارای ساقه‌های زیرزمینی گسترده و اغلب با ساقه‌های هوائی کاملا- مشخص برگدار یا بدون برگ با برگهای چمنی یا کاملا تحلیل‌رفته و تقلیل‌یافته؛ گل آذین متشکل از سنبلچه‌های یک تا چندین گلی که به صورت پانیکول، چتر، خوشه، سنبله، گروه و دسته یا یک سنبلچه انتهائی قرار گرفته حامل گلهای بدون گلپوش رنگی نر و ماده یا یک جنسی است که در محور یک پوشه قرار دارند.
گیاهان این تیره اغلب رطوبت‌پسند و آبزی بوده عموما در مناطق مرطوب حاشیه مردابها و باتلاقها، کنار نهرها و جویبارها، سواحل گل‌آلود رودها و سواحل دریاها و جنگلهای متراکم و نقاط مرطوب و چمن‌زارهای کوهستانی می‌رویند. چون در گیلان چنین محیطهائی فراوان است لذا جگنیها نیز مانند گندمیان جزء چهره‌های غالب پوشش گیاهی استان می‌باشند و لیکن

به علت نداشتن صفات مشخصه چشمگیر و بیانگر ارائه و معرفی گونه‌های آنها بسیار دشوار است. در اینجا از ارائه شرح جنسها و گونه‌ها خودداری گردیده اشاره می‌نمائیم که جنس Cyperus و Carex و Scirpus دارای گونه‌های متعدد و زیاد بوده و در اکثر نقاط مرطوب و ساحلی و جلگه‌ای استان دیده می‌شوند.

Liliaceae: Danae racemosa همیشک: تیره لاله

درختچه‌ای است همیشه سبز به ارتفاع ۵۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر با ساقه‌های کمانی‌شکل. برگهای ساقه‌ای کوچک و فلس‌مانند و غشائی و ساقه‌های برگ‌نمای سرنیزه‌ای، نوک‌تیز که غالبا تصور می‌گردد که برگ گیاه است.

گلهای کوچک نر ماده سبز متمایل به سفید آن بر روی گل‌آذین خوشه‌ای انتهائی قرار گرفته. میوه سته‌ای نسبتا بزرگ آن به رنگ قرمز و معمولا یک دانه‌ای است.

همیشک فقط در جنگلهای شمال ایران در استانهای گیلان و مازندران می‌روید و عموما توسط گل‌فروشیها همراه شاخه‌های گل به علت سرسبزی و زیبائی آن به مشتریان عرضه می‌شود و جنبه تزئینی دارد.

Solanaceae: Daturea stramonium تاتوره (تاتوله، داتوره): تیره سیب‌زمینی

گیاهی است علفی یکساله با ساقه‌ای منشعب و پرشاخه به ارتفاع ۴۰ تا ۲۰۰ سانتیمتر با برگهای دمبرگدار تخم‌مرغی و دندانه‌های عمیق سینوسی.

گلهای سفیدرنگ و درشت قیفی‌شکل آن به صورت منفرد و محوری همراه کاسه‌ای لوله‌ای و بلند میوه‌ای کپسولی خاردار و پروانه‌ای می‌دهد.

تاتوره گیاهی است که به صورت علف هرز در مزارع، مناطق و اراضی رها

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۰۰

شده و متروکه و حاشیه جاده‌ها می‌روید. در استان گیلان در حاشیه جاده‌ها و اراضی دارای خاکهای دست دوم و جابجا شده به خصوص در اطراف بندر انزلی رویش یافته و با گلهای سفید درشت و برگهای سبز روشن خود قابل تشخیص است. تاتوره یکی از گیاهان سمی است و مصرف داروئی آن در مقیاس و میزان بسیار کم برای درمان بعضی از بیماریها توصیه می‌گردد.

گونه دیگری از تاتوره به نام Daturea innoxia با مشخصات عمومی فوق و تفاوت برگهای تخم‌مرغی کامل به رنگ سبز تیره و کرکدار و گلهای سفید قیفی درشت‌تر در استان گیلان در بین رشت و انزلی به فراوانی می‌روید.

تاتوره گیاهی است سمی و دارای الکالوئیدهای هیوسیامین، آتروپین، هیوسین، اسید داتوریک و اسکوپولامین. برای درمان تشنج، آسم و نقرس و دردهای عصبی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اثر آرام‌بخش داشته ترشح غدد را کاهش می‌دهد و برونشها را متسع می‌نماید. از این گیاه تنها در صنعت داروسازی استفاده می‌شود و داروهای تهیه شده از آن باید تحت نظر پزشک مصرف گردد.

Umbelliferae: Daucus littoralis subsp .hyrcanicus هویج وحشی: تیره جعفری

گیاهی است علفی یکساله یا چندساله با ارتفاع ۳۰ تا ۱۱۰ سانتیمتر با ساقه‌ای راست منشعب و شاخه‌دار در بالا و گاهی

چندساقه‌ای و گسترده روی سطح زمین با برگهای قاعده‌ای مرکب دو بار شانه‌ای عموما معطر و کرکدار با گلهای سفیدرنگ و گل‌آذینی چتری که دارای برگهای تغییر شکل یافته شانه‌ای بریده (گریبان) در کنار چترها و چترکها بوده و میوه خاردار آن به مقدار زیاد در انتهای چترکها ایجاد می گردد.

هویج وحشی یکی از علفهای هرز مناطق مختلف گیلان بوده بر روی شنهای ساحلی و دشتهای جلگه‌ای منطقه و گاهی در کنار جاده‌ها و مزارع می‌روید. انواع اصلاح‌شده هویج Daucus sativa به نامهای هویج فرنگی و هویج ایرانی که گاهی در مناطق مختلف استان، در باغچه‌ها و حیاط منازل و مزارع کشت می‌شود از سبزیهایی است که ریشه غده‌ای آنها سرشار از ویتامینهای آ و ث و ترکیبات ویتامین ب، قند و پکتین و مواد رنگی است. هویج تازه خصوصا کاروتنهای موجود در آن دید چشم را بهبود بخشیده و آنرا تقویت می‌نماید. اثرات دیگری مثل دفع انگلهای روده‌ای، آسکاریس و کرمک دارد.

ناراحتیهای روده‌ای را تنظیم می‌نماید و خصوصا از آن در تغذیه کودکان استفاده می‌شود.

میوه هویج وحشی برای علاج بیماریهای مختلف مانند آب آوردن انساج، قولنجهای کلیوی، هیستری بکار می‌رود و به عنوان مقوی معده، بادشکن، دفع نفخ و پادزهر سم مار مورد استفاده قرار می گیرد.

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۰۱

Caryophyllaceae: Dianthus orientalis میخک: تیره میخک

گیاهی است علفی چندساله، توده‌ای با ساقه‌های متعدد به ارتفاع ۱۵ تا ۴۰ سانتی‌متر و برگهای متقابل خطی، نوک‌تیز یا نوک‌دراز، گلهای قرمز یا صورتی‌رنگ با گلبرگهائی ریش‌دار و در حاشیه شرابه‌ای منفرد که در انتهای شاخه‌ها قرار گرفته و شبیه کوسنی از گلهای قرمز به نظر می‌رسد.

میخك غالبا در نقاط صخره‌ای در لابلای شیار صخره‌ها و شیبهای تند می‌روید. در گیلان بیشتر در ارتفاعات منطقه دیده می‌شود. گونه‌های دیگری از میخک در ارتفاعات و مناطق مختلف گیلان در اطراف گردنه الماس، ماسوله، بین فومن و ماسوله، دره سفیدرود، اطراف رودبار و منجیل می‌رویند که اسامی علمی آنها بدین قرار است:

Dianthus armeria/ Dianthus agrostolepis

Dianthus strictus/ Dianthus gilanicus

Dianthus cretaceus/ Dianthus crossopetalus

Dianthus hyrcanicus

انواع پرورش‌یافته میخك با گلهای پرپر و زیبای خود به رنگهای سفید، قرمز تیره یا صورتی در اغلب گلفروشیها به فروش می‌رسد.

Scrophulariaceae: Digitalis nervosa گل انگشتانه، دیژیتال: تیره گل میمونی

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌ای راست و برافراشته به ارتفاع ۳۰ تا ۱۱۰ سانتیمتر، پوشیده از برگ در تمام طول ساقه، با برگهای سرنیزه‌ای- کشیده با لبه‌ای کامل که به تدریج به طرف انتهای ساقه کوچکتر و کوچکتر می‌شوند، گلهای زردرنگ نسبتا درشت و استکانی‌شکل آن در انتهای ساقه به صورت گل‌آذین خوشه‌ای متراکم قرار گرفته است.

گل انگشتانه یکی از گیاهان رطوبت‌پسند مناطق جنگلی و بیشه‌زارهای ایران بوده در غالب نقاط جنگلی با نور کافی و بیشه‌زارهای تنک در ارتفاعات کوهستانی می‌روید. رویشگاه آن در گیلان اطراف جاده اسالم- خلخال، بین رشت و لاهیجان و سایر جاده‌های جنگلی و مناطق مرتعی کوهستانی است.

این گیاه در طب سنتی ایران جایگاه مهمی ندارد و لیکن انواع آن در عین سمی بودن از جمله داروهای مقوی قلب بوده برای تقویت و تنظیم انقباضات قلب مورد استفاده قرار می گیرد. چون تنگ‌کننده مجاری عروق سطحی است باعث بالا رفتن فشار شریانی می گردد و در مصرف آن باید دقت کافی بعمل آید.

گل انگشتانه از جمله داروهای مهم مقوی قلب است و عمل ملایم‌کننده، تقویت و تنظیم‌کننده انقباضات قلب را در بر دارد. به علاوه چون تنگ‌کننده مجاری عروق سطحی می‌باشد، باعث بالا رفتن فشار شریانی می گردد. دیژیتال اثر مدر نیز دارد، ولی این عمل، با آن‌که در اشخاص سالم به نحو ضعیف بروز می کند، در مبتلایان به استسقاء و خیرانداماها به نحو مؤثر ظاهر می‌شود. اثر مدر گل انگشتانه معمولا ۲۴ تا ۳۶ ساعت پس از مصرف آن ظاهر می گردد و ۳ تا ۷ روز نیز ادامه پیدا می کند.[۱]

کتب طبی انتزاعی (فارسی) ؛ ج۳ ؛ ص۴۰۱

ن گیاه در بیماریهای مختلف قلب، نظیر بی‌نظمی و نارسائی ضربان، ورم ماهیچه قلب و نیز ضعف قلب مورد استفاده قرار می گیرد. آن را در ذات الریه، ذات الجنب، روماتیسمهای حاد، سل و جز آنها به کار می‌برند. با مصرف دیژیتال، چون ضمن دفع ادرار، کلرورها نیز دفع می گردد، حالت عمومی بیمار، وضع رضایت‌بخش پیدا می کند.

کلهو، خرمندی: تیره کلهو Diospyrus lotus :Ebenaceae

درخت یا درختچه‌ای است خزان‌کننده با پوست خاکستری‌رنگ و شیاردار در ساقه‌های مسن و منشعب و پرشاخه در بالا با شاخه‌های جوان کرکدار. برگهای بدون کرک کامل بیضوی تا بیضوی کشیده، گلهای نریک تا سه‌تائی و گلهای ماده منفرد به رنگ زرد یا ارغوانی یا قرمز متمایل به قهوه‌ای با میوه‌های سته‌ای ۲] آبدار کروی زردرنگ که پس از رسیدن، سیاه یا بنفش متمایل به سیاه می گردد.

خرمندی یکی از درختان جنگلی شمال ایران است که چوب آن فاقد ارزش صنعتی بوده و عموما در جنگلهای متروکه و با نور کافی در حاشیه جاده‌ها و بیشه‌زارها می‌روید.

درخت خرمندی را در برخی نقاط گیلان اربه‌دار می گویند. از چوب ان برای تصفیه خون استفاده می‌شود. میوه‌اش اثر آرام‌کننده دارد.

نوعی از آن به نام خرمالو Diospyrus KaKi امروزه در نقاط مختلف ایران کشت شده و میوه درشت و نارنجی متمایل به قرمزرنگ آن به مصرف تغذیه می‌رسد. از تخم خرمالو به عنوان مسکن استفاده می‌شود، میوه آن ضد تب بوده برای ازدیاد اسیدهای بدن بکار می‌رود.

تیره کاسنی Dittrichia graveolens :Composite

گیاهی است علفی یکساله با شاخه‌های متعدد و معطر به ارتفاع حد اکثر یک متر پوشیده از کرکهای بلند همراه کرکهای

غده‌دار و برگهای خطی- سرنیزه‌ای، گلهای زبانه‌ای و لوله‌ای مجتمع و کپه‌ای آن در گل‌آذینی خوشه‌ای تنک در انتهای شاخه‌ها قرار دارند.
گیاه مذکور عموما بر روی خاکهای شنی و سنگلاخی، در حاشیه مزارع و نهرها و مزارع آیش و دشتهای جلگه‌ای مناطق مختلف استانهای گیلان و مازندران به صورت علف هرز در مزارع و باغها دیده می‌شود.
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۰۲

Boraginaceae: Echium amoenum گل گاوزبان: تیره گل گاوزبان

گیاهی است دو ساله یا چندساله علفی با ساقه‌ای ساده یا منشعب و بر- افراشته به ارتفاع ۲۰ تا ۸۰ سانتیمتر، پوشیده از کرکهای ریش‌مانند، برگهای قاعده‌ای سرنیزه‌ای و برگهای ساقه‌ای سرنیزه‌ای و کرکدار.
گلهای نامنظم لوله‌ای و درشت به رنگهای ارغوانی تیره یا ارغوانی متمایل به بنفش دارد.
گل گاوزبان گیاهی است که در ایران ارزش داروئی آن بر همگان شناخته شده است و مصرف عمومی دارد. در کشورهای اروپائی از Borago officinalis به نام گل گاوزبان استفاده می‌شود و لیکن گیاه فوق در ایران کاملا شناخته شده و به همراه سنبل الطیب به عنوان آرام‌بخش مصرف می‌گردد.
گل گاوزبان در گیلان در مناطق نسبتا مرطوب دامنه‌های جنگلی و مرتعی در اطراف رودبار و منجیل و رستم‌آباد، عمارلو، پره‌سر و اطراف گردنه حیران و مناطق ییلاقی طالش در فصل بهار می‌روید و با گلهای زیبای خود جلوه‌ای خاص به طبیعت زیبای استان می‌بخشد. در سالهای اخیر کشت آن نیز به لحاظ مصارف داروئی رایج گشته و در ارتفاعات مناطق مختلف استان روستائیان به پرورش و تکثیر آن می‌پردازند.
ابو علی سینا در کتاب «قانون» می‌نویسد: «... به منظور درمانی، گاوزبان خراسانی که برگش ستبر و بر روی برگش نقطه‌هائی هست که از آنها خارمانندهائی یا کرك و پرزهائی جدا شده است خوب است. امّا آنچه را که در مملکت ما گاوزبان می‌پندارند و طبیبان از آن استفاده داروئی می‌نمایند گاوزبان راستین نیست و اکثرا تیره‌ای از گیاه مرو (مرماخوز) را به نام گاوزبان بکار می‌برند و فایده‌اش به فایده گاوزبان نمی‌رسد ...»
تمام داروشناسان در خاصیت ادرارآوری این گیاه طبی متّفق القولند. ساقه و برگ گل گاوزبان برای درمان ناراحتیهای کلیه مخصوصا التهاب و ضایعه کلیوی و سرماخوردگی مثانه تجویز می‌گردد. زیرا برگها و ساقه گل گاوزبان دارای مقدار زیادی نیترات دوپتاس است و این ماده ادرارآور می‌باشد.
همچنین گل گاوزبان معرّق بوده در مداوای تبهای مختلف بیماریهائی چون سرخک، آبله، مخملك، تبخال، تب با کهیر و رماتیسم بکار می‌رود. برگهای تازه گل گاوزبان را اگر له کنند و با شیر بپزند برای ضماد روی آبسه و تسکین درد اعضای خارجی بدن و سوختگی مفید واقع می‌شود. ابو علی سینا سوخته گل گاوزبان را داروی زخم دهان کودکان و فرونشاننده التهابات درون دهان می‌داند و می‌گوید البته ناسوخته این گیاه نیز برای علاج زخم و التهابات درون دهان خوب است، اما سوخته‌اش بهتر و مؤثرتر است. ابن سینا همچنین مصرف دم‌کرده گل گاوزبان را نشاط‌آور، مقوی قلب، علاج بیماری ترس (توحّش)، طپش قلب و بیماریهای سودائی معرفی کرده است. عرق گل گاوزبان جهت رفع امراض سودائی، وسواس و خفقان مفید یاد شده و به سبب داشتن منیزیم بازدارنده سرطان معرفی گردیده است.

دم‌کرده گل گاوزبان همراه با لیمو عمانی از مطبوعترین نوشیدنیهای گرم است.

Erigeron canadensis –Conyza canadensis (Compositae) پیرمرد باغ: تیره کاسنی

گیاهی است علفی یکساله و به‌ندرت دو ساله با ساقه‌ای نسبتا ضخیم پوشیده از کرکهای ریش‌مانند و زبر و برگهای مژه‌دار، به ارتفاع ۳۰ تا ۱۵۰ سانتیمتر، در بالا منشعب و شاخه‌دار و پر گل با برگهای واژ سرنیزه‌ای باریک که در بخش فوقانی باریک‌تر می‌شوند.
گلهای مجتمع و کپه‌ای با گلچه‌های کناری زبانه‌ای ارغوانی و گلچه‌های طبقی زردرنگ دارد.
گیاه مذکور یکی از علفهای هرز رایج باغها، مزارع، مزارع آیش، کنار جاده‌ها و پیاده‌روهای مناطق مختلف گیلان بوده و با گلهای زیاد و دانه‌های فراوانی که تولید می‌کند از قدرت پراکنش و رشد و توسعه بسیار زیادی برخوردار است. گونه‌ای دیگر از این جنس به نام Erigeron acer با گلهای کناری آبی خوشرنگ خاص چمن‌زارها و مناطق مرطوب می‌باشد که در ارتفاعات دیلمان، ... رشد می‌کند و گونه Erigeron bonariensis نیز مانند گونه فوق الذکر از علفهای هرز استان گیلان می‌باشد. کاربرد داروئی گیاهان فوق در ایران کاملا ناشناخته است و لیکن کلیه اندامهای Erigeron canadensis مقوی، قابض، بندآورنده خون و مدر می‌باشد، مصرف فرآورده‌های آن نتایج مفید در رفع اسهالهای ساده، آب آوردن انساج، روماتیسم مزمن، نقرس، ورم مثانه و نزله‌های ششی دارد.
برای درمان رماتیسم و نقرس بسیار مؤثر است و اسید اوریک خون را به میزان زیادی پائین می‌آورد. درمان مرحله پیشرفته حصبه بوده و در دفع سنگ کلیه و معالجه و خونریزیها در فواصل قاعدگی مؤثر است، در رفع خونریزیهای سینه و بیماریهای کلیه و مثانه بسیار مفید است.

Eriobotrya japonica :Rosaceae ازگیل ژاپنی: تیره گل سرخ

درخت یا درختچه‌ای است بدون خار با برگهای همیشه سبز ساده و بزرگ به ارتفاع حد اکثر ۵ متر با ساقه‌ای در بالا منشعب و پرشاخه و شاخه‌های جوان پوشیده از کرکهای فراوان، برگها سرنیزه‌ای کشیده تا واژ تخم‌مرغی با سطح فوقانی بدون کرک و سبز شفاف و گلهای معطر و سفیدرنگ و میوه گلابی‌شکل یا بیضوی‌شکل زردرنگ با دانه‌های متعدد قهوه‌ای.
ازگیل ژاپنی اگرچه بومی ایران نمی‌باشد و لیکن در سالهای اخیر به ایران وارد شده از جمله در گیلان در پارکها و بلوارها و حیاط خانه‌ها و باغچه‌ها به خاطر همیشه سبز بودن آن کشت می‌گردد و برگهای آنرا به همراه شاخه‌های گل در گلفروشیها به فروش می‌رسانند. میوه آن نیز در فصل تابستان با نام گلابی جنگلی فروخته می‌شود. در ایران مورد استفاده درمانی نیست، اما بطور کلی در ازدیاد اشتها، تسکین درد، رفع استفراغ، درمان سوء هاضمه، امتلاء معده، اسهال و سرفه مؤثر است.
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۰۳

Erodium spp :Geraniaceae سوزن چوپانها: تیره شمعدانی

گیاهانی هستند یکساله، دو ساله یا چندساله علفی با برگهای اغلب قاعده‌ای و برگهای ساقه‌ای با پهنک درازتر از پهنا و شانه‌ای لوب‌دار یا بریده بریده و با ساقه‌ای برافراشته یا گسترده روی زمین. گلهای منظم یا نامنظم سوزن چوپانها به رنگهای

مختلف سفید متمایل به آبی، قرمز روشن تا تیره و بنفش تا آبی هستند.
این گیاهـان اغلب گیاهـانی رطوبت‌دوست و نورپسـند بوده و در دشـتها و جلگه‌هـای ساحلی در حاشـیه جاده‌های جنگلی، در منـاطق صـخره‌ای آهکی شیـب‌دار مزارع زراعی و باغهـا می‌روینـد. در بیشتر نقـاط گیلان گونه‌های متعـددی از این گیاهان به شرح زیر پراکنده‌اند:

Erodium ciconium/ Erodium malacoides

Erodium cicutarum/ Erodium oxyrrhynchum

Erodium laciniatum/ Erodium pulverulentum

مندابEruca sativa :Cruciferae : تیره شب‌بو

گیـاهی است علفی یکساله با ساقه‌ای راست بـدون شاخه یا در بالا منشـعب و شاخه‌دار به بلنـدی ۱۰ تا ۵۰ سانتیمتر با برگهای طوقه‌ای شانه‌ای بریـده و دمبرگدار و برگهای ساقه بدون دمبرگ، گلهای منداب سـفید یا زرد با رگه‌های قهوه‌ای یا قرمزرنگ بوده میوه آن خرجین با ساقه فشرده نسبتا پهن و کوتاه با کفه‌های بدون کرک یا کرکدار است.
منـداب یکی از علفهـای هرز مزارع گنـدم، حبوبـات و زمینهـای آیش و رهـا شـده می‌باشـد. در گیلاـن نیز در غـالب نقـاط به خصوص در مزارع دره سـفیدرود، اطراف رودبار، اسپیلی و دیلمان رشد می‌نماید. منداب یکی از دانه‌های روغنی است که در بعضی مناطق کشت می‌شود.
قسمتهای مختلف گیاه اثر ضد اسکوربوت، درد، نیرودهنده، مقوی قوه باه داشته مقوی معده و دفع‌کننده آب انساج می‌باشد.

چوچاغ، چوچاخEryngium caeruleum :Umbelliferae : تیره جعفری

گیاهی است دو ساله یا چندساله با ساقه‌ای به ارتفاع ۱۰ تا ۵۰ سانتیمتر و عموما آبی‌رنگ با برگهای قاعده‌ای تخم‌مرغی- قلبی پهن یـا سه لوبه و خـاردار که در زمـان گلـدهی می‌ریزنـد و نیز برگهای ساقه‌ای بـدون دمبرگ با بریـدگیهای عمیق پنجه‌ای تا شانه‌ای بریده خاردار.
چوچـاغ از گیاهانی است که در غالب نقاط اسـتان در دشـتهای باز، چمن‌زارها و نقاط دارای رطوبت کافی و گاهی خشک و روی شـنهای ساحلی می‌روید و مردم محلی به عنوان سبزی صـحرایی از آن اسـتفاده کرده و ترشـی مخصوصـی با آن درسـت می‌کنند.

شیرسگهاEuphorbia spp :Euphorbiaceae : تیره فرفیون

گیاهـانی هسـتند یکسـاله، دوسـاله یـا چنـدساله بـا شیرابه‌ای سـفیدرنگ و برگهـای سـاقه‌ای متناوب و گاهی متقابل و ساقه‌ای برافراشـته و راست، خوابیده و گاهی گسترده روی سطح زمین. برگهای کنار گل‌آذین به صورت چرخه‌ای یا فراهم و برگهای کنارCyathium گل‌آذین ویژه این جنس به صورت چرخه‌ای یا متقابل قرار گرفته‌اند.
مشـخصه عمومی این گیاهان داشـتن شـیرابه و گلهایی با غدد شـهدی زردرنگ است. شیرسگها از جمله گیاهان مهاجم هستند که موجبات تخریب مراتع و چراگاهها را فراهم می‌سازند. در گیلان تعداد ۱۹ تا ۲۵ گونه از این

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۰۴

گیاهان می‌رویند که همگی شیرابه‌دار هستند، و لیکن از مشهورترین آنها گیاه یکساله Euphorbia helioscopia است که در اکثر مناطق استان در میان مزارع، حاشیه مزارع و باغها و مراتع می‌روید، همچنین دو گونه دائمی و چندساله Euphorbia squamosa و Euphorbia amygdaloides که در جنگلهای گیلان می‌رویند. گونه‌های دیگری از شیرسگها در مناطق مختلف استان از جمله در اطراف رودبار و لاهیجان، رشت، بندر انزلی، امامزاده هاشم به چشم می‌خورند.

Evonymus latifolius :Celasteraceae گوشوارک: تیره شمشاد

درختچه‌ای است خزان‌کننده به ارتفاع حد اکثر ۳ متر با ساقه‌ای از پائین منشعب و با پاجوشهای فراوان و شاخه‌های جوان چهارگوشه، با برگهای بیضوی تا واژ تخم‌مرغی بدون کرک و به رنگ سبز تیره و نوک‌تیز با لبه‌ای دندانه اره‌ای و گاهی اوقات بسیار بزرگ. گلهای سفید متمایل به سبز آن در گل‌آذینی گرزن محوری یا انتهایی قرار گرفته میوه‌های کپسول گوشتی ۴ تا ۵ برچه‌ای آن بالدار و آویزان بوده پس از رسیدن به رنگ قرمز خوشرنگ درمی‌آید.
درختچه‌ای است که در جنگلهای شمال ایران در بیشه‌زارها می‌روید و در گیلان در مناطق جنگلی گسترش دارد. گونه‌ای از این جنس به نام شمشاد Euonymus japonicus با نژادهای گوناگون درختچه‌ای است همیشه سبز با برگهایی به رنگهای گوناگون سبز یا ابلق که در مناطق معتدله و معتدله سرد ایران به عنوان پرچین در حاشیه باغچه‌ها، پارکها و بلوارها کشت می‌شود و به دلیل همیشه سبز بودن زیبایی خاصی دارد.

Fagus orientalis :Fagaceae راش: تیره بلوط

درختی است خزان‌کننده با تنه‌ای راست به بلندی حد اکثر ۴۰ متر با پوستی به رنگ خاکستری روشن و صاف و با تاجی گسترده در بالا- و برگهای بیضوی پهن تا واژ تخم‌مرغی یا واژ تخم‌مرغی- مستطیلی با انتهایی نوک‌تیز یا نوک دراز و لبه‌ای کامل یا کمی مواج و بدون کرک.
راش یکی از درختان باارزش جنگلهای شمال ایران (گیلان و مازندران) می‌باشد که از ارتفاع حدود ۸۰۰ متر به بالا (از سطح دریا) همراه ممرز Carpinus betulus، افراها Acer spp. بلوطها Quercus spp. و نارونها Ulmus spp. رشد می‌نماید. چوب آن از چوبهای مناسب برای کارهای ظریفه و روکش و صنایع نجاری از قبیل میز و مبل و صندلی و تراورس می‌باشد.
نهالهای جوان راش سایه‌پسند و بطئی الرشد است به‌طوری که یک دختر ۲۰ ساله راش ارتفاعی بیش از ۴ تا ۵ متر ندارد و لیکن از این سن به بالا- رشد آن سریع‌تر می‌گردد. عمر فیزیکی این درخت به ۲۵۰ سال هم می‌رسد و مناسبترین سن برای برداشت و قطع و استحصال آن ۱۲۰ سال است.
راش در مناطق مختلف گیلان فقط در جنگلها می‌روید و با نامهای محلی چلر، مرس، راج، قزل آغاج، قول گز و آلش شناخته می‌شود. راش در طب سنتی ایران جایگاه مهمی ندارد و لیکن پوست آن اثر قابض و تب‌بر دارد و به عنوان اشتهاآور مصرف می‌گردد. گرد درخت راش به عنوان مسهل، قی‌آور و جهت درمان روماتیسم، نقرس و بیماریهای پوستی دیرعلاج مصرف

می گردد.
چوب راش در تهیه زغال گیاهی بکار می‌رود که جاذب گازهای آزاد شده می‌باشد. برای درمان سوء هضمهای ناشی از نفخ و التهاب و ورم معده و روده، پیدایش قند در ادرار به علت اختلالات کبدی و معدی، دفع نفخ و جلوگیری از پیدا شدن گاز در دستگاه هضم و در تمام موارد تخمیرات معدی یا روده‌ای بکار می‌رود.

Moraceae: Ficus carica انجیر (سیاانجیل، سیاه‌انجیل): تیره توت

درخت یا درختچه‌ای است شیرابه‌دار به ارتفاع حد اکثر ۱۰ متر و پرشاخه با برگهایی بزرگ با پهنگی کامل و بدون تقسیم که در غالب نقاط جنگلی استان در بیشه‌زارها، حاشیه جاده‌ها و باغها می‌روید.
میوه انجیر به عنوان میوه تابستانی برای عموم مردم شناخته شده است و نوع خشک شده آن نیز به صورت خشکبار و در غالب نقاط کشور مصرف می گردد. انجیر در استان گیلان به فراوانی و به‌طور خودرو و وحشی می‌روید.
ارزشهای دارویی و غذایی انجیر بر همگان شناخته شده است. شیرابه درخت انجیر طعم تلخ و تند و اثر مسهلی دارد و شبیه شیره لوزالمعده می‌باشد.
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۰۵
در استعمال خارجی، شیرابه درخت انجیر بر روی زگیل و میخچه اثر داشته و تدریجا آن را برطرف می کند. مصرف جوشانده ساقه‌های جوان درخت انجیر برای رفع آب آوردن انساج و جوشانده پوست تازه درخت برای رفع اسهالهای ساده و خونی توصیه می گردد. برگ پخته انجیر اثر ملین دارد و له‌شده آن را به صورت ضماد جهت درمان بواسیر به کار می‌برند.
میوه انجیر ملیّن و نرم‌کننده است. جوشانده انجیر خشک جهت درمان التهاب مجاری تنفسی و کلیه بیماریهای التهابی ذات الریه، ذات الجنب، نزله‌های مربوط به شش و مثانه، ورم کلیه، سرخک، مخملک و آبله مورد استفاده قرار می گیرد. جوشانده غلیظ انجیر خشک اثر مفید در سرماخوردگیهای مداوم ظاهر می کند.
مصرف گرد انجیر بو داده با قهوه برای درمان سیاه‌سرفه، برونشیت، ذات الریه و دفع نزله توصیه می گردد، انجیر خشک فعالیت معده و روده را زیاد می کند و از این جهت در رفع سوء هضمها و بعضی یبوستهای دیرعلاج به کار می‌رود. جوشانده انجیر خشک در شیر به صورت غرغره جهت رفع تحریکات گلو و دهان در موارد آنژین، ورم لثه، ورم مخاط دهان اثرات شفابخش دارد.

Oleaceae: Forsytia x intermedia یاس زرد: تیره زیتون

درختچه‌ای است با ساقه‌های متعدد و منشعب و شاخه‌های ترکه‌ای فراوان و شاخه‌های کوچک کوتاه به رنگ قهوه‌ای روشن و لکه‌های سفیدرنگ بر روی شاخه‌های مسن‌تر، به ارتفاع حد اکثر ۳ متر با برگهای متقابل خزان‌کننده و پهنک ساده یا ۳ قسمتی یا ۳ برگچه‌ای. گلهای زردرنگ نسبتا درشت آن‌که غالبا در اواخر اسفند تا اوایل فروردین و قبل از شکوفائی برگها ظاهر می‌گردد به صورت منفرد یا گروههای ۱ تا ۶ تائی در محل جوانه‌های جانبی یا شاخه‌های سال گذشته ظاهر می گردد.
این درختچه در سالهای اخیر به ایران وارد شده و به سبب پیش‌رس بودن گل آن در غالب نقاط معتدله و معتدله سرد کشت گردیده است. در گیلان نیز این گیاه در بلوارها، باغچه‌های منازل و پارکها کشت شده و در فصل بهار زیبایی خاصی دارد.

Rosaceae: Fragaria vesca توت‌فرنگی وحشی: تیره گل سرخ

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌های رونده و ساقه گل‌دهنده فاقد برگ، برگهای برگچه‌ای تخم‌مرغی، واژ تخم‌مرغی یا بیضوی‌شکل با لبه‌ای دندانه اره‌ای که غالبا به حالت طوقه‌ای قرار گرفته‌اند، ساقه گل‌دهنده آن عموما بلندتر از برگها و دارای ۲ تا ۷ گل نر و ماده سفیدرنگ می‌باشد. میوه آن عبارت از فندقه‌هایی چند است که به صورت متراکم و توت‌مانند در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند.

توت‌فرنگی وحشی غالبا در مناطق جنگلی و در نقاط مرطوب استان گیلان می‌روید و لیکن نوع اصلاح شده و پرورش‌یافته آن‌که دارای میوه‌های درشت‌تر و بسیار خوشمزه است در مناطق مختلف استان کشت می‌گردد و یکی از میوه‌های پیشرس بهاره محسوب می‌شود.

اگرچه توت‌فرنگی به عنوان دارو مصرف ندارد امّا میوه توت‌فرنگی سرشار از ویتامین ث بوده کم‌خونی را درمان می‌کند ضمنا اشتهاآور و آرام‌کننده است. برگ و ریزوم توت‌فرنگی اثر قابض و مدر دارد و برگهای آن به صورت چای به عنوان مدر مصرف می‌گردد. مایع غلیظ شده جوشانده برگ آن اثر قابض داشته تصفیه‌کننده خون و آرام‌کننده اعصاب است و برای درمان اسهالهای ساده، خونرویهای عادی، وجود خون در ادرار نیز به کار می‌رود.

مصرف آن در بیماریهای مختلف نظیر سنگ کلیه و مجاری ادرار، بواسیر، ضعف اعمال معده، تنگی نفس، ضعف اعصاب، نقرس، روماتیسم، آب آوردن انساج، بروز دانه‌های جلدی توصیه می‌شود.

Rhamnaceae: Frangula alnus سیاه‌توسه، سیاتوسکا: تیره کنار

درختچه‌ای است بدون خار با برگهای خزان‌کننده و ساقه‌ای به ارتفاع ۲ تا ۵۰ متر با پوستی تیره و سیاه‌رنگ و برگهای واژ تخم‌مرغی- بیضوی یا سرنیزه‌ای مستطیلی دمبرگدار، به رنگ سبز تیره و گلهای گروهی یا دسته‌ای و میوه‌ای شفت و آبدار که پس از رسیدن رنگ آن سیاه می‌شود.

سیاه‌توسه از درختانی است که در جنگلهای مناطق شمالی ایران، گیلان و مازندران و غالبا همراه با توسکای قشلاقی در کنار نهرها می‌روید.

پوست درخت سیاه‌توسه جمع‌آوری شده از روی شاخه‌های جوان حاوی آنترانول- گلوکوزید، فرانگولاروزید می‌باشد که در اثر ماندن و کهنه شدن تبدیل به گلوکوزیدهای آنتراکینونیک، فرانگولامودین و گلوکز می‌شود.

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۰۶

عصاره این پوست ملیّن بسیار قوی است و در اکثر موارد می‌توان از آن برای مداوای یبوست مزمن استفاده کرد؛ در عین حال حرکات دودی معده را نیز تقویت می‌کند؛ همچنین برای درمان ناراحتیهای کبد، کیسه صفرا و طحال مورد استفاده است. این گیاه را در ترکیب جوشانده‌های لاغرکننده و همچنین علیه انگلهای روده‌ای به کار می‌برند.

Oleaceae: Fraxinus rotundifolia زبان‌گنجشک: تیره زیتون

درختچه یا درختی است خزان‌کننده با ساقه‌های مشخص و پوستی خاکستری‌رنگ و گاهی شیاردار به بلندی ۲ تا ۷ متر با

برگهای مرکب ۳ تا ۵ برگچه‌ای و گلهای فاقد گلبرگ خوشه‌ای. میوه آن فندقه بالدار یک دانه‌ای به شکل زبانکی است که به صورت انبوه و متراکم در محور شاخه‌ها یا انتهای آنها قرار گرفته است.
زبان‌گنجشک درختچه‌ای است که در مناطق جنگلی در کنار نهرها و مناطق مرطوب و گاهی خشک رشد می‌کند و امروزه از بعضی از گونه‌های آن به عنوان گیاهان مقاوم در مقابل خشکی برای احیای مناطق خشک در جنگلکاریها استفاده می‌شود.
گونه فوق الذکر در استان گیلان در دره سفیدرود، اطراف رشت، لاهیجان، انزلی تا آستارا گسترش دارد.
گونه دیگری از این جنس به نام Fraxinus excelsior در اطراف اسالم و آستارا می‌روید.
زبان‌گنجشک گل یا Fraxinus ornus نیز به عنوان گیاهی زینتی در پارکها و باغهای گیاهشناسی و تفرجگاهها کشت می‌شود.

Froriepia subpinnata :Umbelliferae زلنگ: تیره جعفری

گیاهی است دو ساله و بدون کرک با ساقه‌ای استوانه و گرد به ارتفاع حد اکثر ۱۸۰ سانتیمتر به رنگ قرمز و برگهای عموما قاعده‌ای شانه‌ای بخش خطی و قطعات تخم‌مرغی بدون دمبرگچه و لبه‌ای دندانه‌ای- بریده و برگهای فوقانی بسیار تحلیل رفته، به طوری که در فصل تابستان و پائیز گیاه بدون برگ به نظر می‌رسد.
گلهای سفید یا سفید متمایل به قرمز آن در گل آذین چتری محوری یا انتهایی با شعاعهای نامساوی قرار گرفته‌اند.
زلنگ یکی از علفهای هرز دشتها و جلگه‌های ساحلی مناطق شمالی ایران می‌باشد و با ساقه‌های استوانه‌ای و غالبا قرمزرنگ و بدون برگ خود شناخته می‌شود. این گیاه در اطراف لاهیجان، رودسر و لنگرود تا رشت و انزلی و آستارا در حاشیه جاده‌ها و مناطق دارای نور کافی دیده می‌شود. برگهای آن در اوایل بهار و قبل از دوران گلدهی عطری خوش دارد و بعضی از مردم محلی آن را به عنوان سبزی صحرائی مصرف می‌نمایند.

Fumaria parviflora :Fumariaceae شاه‌تره: تیره شاه‌تره

گیاهی است علفی یکساله به ارتفاع حد اکثر ۲۵ سانتیمتر و غالبا گسترده روی زمین به رنگ سبز روشن و برگهای مرکب شانه‌ای و گل آذین خوشه‌ای با گلهای متعدد و غالبا بدون دمگل و عموما بنفش متمایل به سفید یا صورتی رنگ.
این گیاه بیشتر به صورت علف هرز در مزارع و باغها و حاشیه جاده‌ها در فصل بهار رویش می‌یابد.
ارزش داروئی عرق شاه‌تره برای همگان شناخته شده است.
این گیاه محتوی الکالوئیدها و خصوصا فومارین و تاننهاست. روی عضلات صاف اثر گذارده و حرکات دودی معده و روده را شدت می‌بخشد و به همین دلیل اشتهاآور است؛ همچنین دارای اثرات مدر و مسهل صفرا بوده در مصارف خارجی ناراحتیهای پوست را درمان می‌نماید و همراه با برگ گردو برای معالجه بواسیر بکار می‌رود. شاه‌تره خون را تصفیه می‌کند و تصلب شرائین را از بین می‌برد. اثر آن بیشتر روی کبد و دستگاه ترشح ادرار است.

Geranium spp . شمعدانیهای وحشی: تیره شمعدانی

شمعدانیهای وحشی گیاهانی هستند یکساله، دو ساله یا چندساله علفی با برگهای عموما طوقه‌ای و ساقه‌ای با پهنای بیشتر از

طول، پنجه‌ای‌شکل.
گلهای منظم جدا گلبرگ سفید متمایل به آبی، بنفش یا قرمزرنگ آنها عموما به
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۰۷
صورت منفرد در محور برگها یا انتهای شاخه‌ها قرار گرفته‌اند. میوه آن دارای نوکی طویل است که هنگام شکوفایی به چند بخش تقسیم می‌شود.
شمعدانیهای وحشی در ایران بیشتر به صورت علفهای هرز در مزارع و باغها، مزارع آیش، جنگلها و شیبهای تند، حاشیه جاده‌ها و مکانهای دارای نور کافی و گاهی مرطوب رشد می‌نمایند. گونه‌های چندی از این گیاهان در مناطق جلگه‌ای و ساحلی و جنگلهای گیلان رشد می‌نمایند و با گلهای زیبا و برگهای عموما معطر خود شناخته می‌شوند. این گونه‌ها عبارتند از:

Geranium albanum/ Geranium montanum

Geranium columbinum/ Geranium platyetalm

Geranium dissectum/ Geranium purpureum

Geranium divaricatum/ Geranium pyrenaicum

Geranium lucidum/ Geranium rotundifolium

نوعی شمعدانی خودرو به نام Geranium robestianum وجود دارد که برخی به آن شمعدانی بدبو می‌گویند و در عربی به عطر و همچنین ابرة الراهب شهرت دارد.
این گیاه در اماکن سایه‌دار و مرطوب برخی از نواحی ایران و از جمله شمال لوشان، اطراف رشت و لاهیجان به عمل می‌آید. برگ گیاه مزبور، برخلاف شمعدانی عطری، بوی ناپسندی دارد و گل آن‌که به‌رنگ ارغوانی یا گلی‌رنگ است مقوی معده و مدر است. همچنین به عنوان رفع خونریزی و درمان بیماری قند به کار می‌رود. شمعدانی خودرو به علت دارا بودن تانن در معالجه اسهال اثری قاطع دارد. غرغره جوشانده این گل، برای درمان گلودرد، ورم مخاط دهان و لوزه‌ها مؤثر است. مصرف این گیاه برای رفع اخلاط خونی و خونروی در فواصل قاعدگی توصیه شده است. بررسیهای علمی نشان داده است که گیاه مزبور در تقویت قلب و کم کردن فشار خون تأثیر زیادی دارد.

Iridaceae: Gladiolus segetum گلایول وحشی: تیره زنبق

گیاهی است چندساله علفی با بنه‌های متقارن تخم‌مرغی تا شبه کروی که به وسیله چندین لایه از تارهای رشته‌ای قهوه‌ای‌رنگ پوشیده شده، با ساقه‌ای به بلندی ۴۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر، دارای برگهای ساقه‌ای چندتائی شمشیری‌شکل با رگبرگهای موازی، گلهای قرمز یا ارغوانی‌رنگ تنک یا متراکم در طول ساقه و در گل‌آذینی گرزن.
این گیاه همراه گونه دیگری به نام Gladiolus atroviolaceus عموما در مزارع غلات و مزارع آیش می‌روید و در گیلان نیز در مزارع گندم دیم و در مناطقی که زراعت دیم یا آبی گندم رایج است دیده می‌شود.
گونه‌ها و نژادهای پرورش‌یافته گلایول امروزه در غالب نقاط ایران کشت شده و با رنگهای گوناگون، سفید، زرد، قرمز، و غیره در گلفروشیها به فروش می‌رسد.

Leguminosae: Glycyrrhiza echinata شیرین‌بیان خاردار: تیره نخود

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌ای برافراشته و منشعب و پرشاخه به بلندی حد اکثر ۲ متر و برگهای شانه‌ای با ۴ تا ۸ جفت برگچه سرنیزه‌ای تا بیضوی پهن، گلهای سفید تا پنیرکی‌رنگ با گل آذینی کروی متراکم و میوه‌های نیام به رنگ قرمز قهوه‌ای با ۱ تا ۳ دانه و پوشیده از خارهای تیغالی.
این گیاه در استان گیلان بیشتر در مناطق مرطوب و حاشیه نهرها و جویبارها می‌روید و آن را می‌توان به فراوانی در بین رشت و رستم‌آباد در کنار جاده مشاهده کرد. شیرین‌بیان Glycyrrhiza glabra اغلب به صورت علف هرز
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۰۸
در مزارع آیش، حاشیه مزارع و کنار جاده می‌روید و ریشه آن دارای مصارف طبی بوده در طب سنتی جایگاهی خاص دارد و در استان گیلان دره سفیدرود، رویشگاه آن است. ریشه شیرین‌بیان محتوی گلوکزیدهای گروه فلاونها، ساپونینها، اسانس روغنی، تاننها و آنزیمهاست. ریشه شیرین‌بیان به صورت پودر در داروها مصرف می گردد و دارای خواص خلط‌آور، ملین ضعیف و آرام‌بخش می‌باشد. از این گیاه علیه زخمهای معده- روده‌ای استفاده می‌شود.
عصاره آن به صورت تبخیر تصفیه و تغلیظ شده به خاطر طعم و قدرت انعطاف‌پذیری آن در داروسازی بکار می‌رود. پودر شیرین‌بیان همراه دیگر گیاهان داروئی مثل رازیانه و برگ سناملین بسیار خوبی را تشکیل می‌دهند.
توضیح این نکته لازم به نظر می‌رسد که شیرین‌بیان بر چند نوع است.
نوعی که بیشتر در داروسازی مورد استفاده قرار می گیرد به نام لاتینی Glycyrrhiza glabra معروف است. شیرین‌بیان خاردار که در گیلان به فراوانی می‌روید کم‌وبیش دارای خواص نوع اصلی است.

Gossypium herbaceum :Malvaceae پنبه: تیره پنیرک

گیاهی است علفی یکساله یا درختچه‌ای و چندساله (درختچه‌ای آن بیشتر به حالت زینتی کشت می‌شود) با برگهای عموما پنجه‌ای یا به‌ندرت کامل با گلهای زردرنگ درشت در محور برگها. میوه کپسول شکوفای آن دارای دانه‌های متعدد با کرکهای بلند می‌باشد و طول تارهای آن در نمونه‌های اصلاح شده به ۴۰ تا ۴۵ میلیمتر می‌رسد که در واقع همان پنبه است.
گیاهی است صنعتی و باارزش که تارهای آن برای تهیه پارچه بکار می‌رود و دانه‌های آن نیز برای تهیه روغنهای خوراکی نباتی استفاده می‌شود. پنبه در غالب نقاط شمالی ایران کشت می‌شود. امروزه نوعی پنبه زینتی درختچه‌ای به نام Gossypium fruticosum هم در بعضی مناطق کشور به ویژه در پارکها کشت شده است.

Gramineae تیره گندمیان، غلات

گیاهانی هستند یکساله یا چندساله علفی به ارتفاع ۵ سانتیمتر تا ۳ متر و گاهی بیشتر با ساقه‌هائی استوانه‌ای بندبند، راست یا گسترده و خزنده روی سطح زمین که گاهی از محل گره‌ها ایجاد ریشه‌های نابجا می کنند؛ در میان بندها توخالی و در محل گره‌ها توپر و گاهی در تمام طول ساقه توپر می‌باشند.
سیستم ریشه‌ای افشان و گاهی در انواع چندساله ریشه‌های زیرزمینی به خوبی گسترش یافته تا مسافت قابل توجهی می‌خزند.
برگها متناوب و دارای پهنک، زبانک، و غلافی است که ساقه را در بر می گیرد. پهنک معمولا باریک و بلند تسمه‌ای‌شکل با رگبرگهای موازی و به ندرت دمبرگدار می‌باشد.

گل آذین به اشکال گوناگون به‌ندرت متشکل از یک سنبلچه، اغلب سنبله، پانیکول خوشه یا خوشه‌ای کاذب بوده، گلها اکثرا نر و ماده، گاهی مواقع یک جنسی و معمولا- دارای پرچمها و مادگی و دو یا سه فلس غشائی کوچک هستند که نمایانگر گلپوس بوده و در میان دو برگه به نام پوشینه و پوشینک قرار گرفته‌اند و به همگی گلچه گفته می‌شود. گلچه‌ها به صورت متناوب بر روی محور محکمی به نام محور سنبلچه واقع شده و دارای دو برگه (پوشه) در قاعده سنبلچه می‌باشند به‌ندرت دیده شده است که یکی از دو پوشه یا هردو وجود نداشته باشند.

تیره گندم در جهان بیشتر از ششصد جنس و ۱۰ هزار گونه دارد و بیشترین گسترش و پراکنش جغرافیائی را در میان گیاهان گلدار داشته در اکثر مناطق چهره غالب پوشش گیاهی را به وجود می‌آورد.

گندمیان یکی از تیره‌های موفق گیاهان عالی است و بسیاری از جنسهای آن دارای گسترش و پراکنش جغرافیائی بسیار وسیع هستند. بعضی از گونه‌های آن جهان وطنی بوده و در ساوانها، چمن‌زارها، مرغزارها، در استپها و مراتع کوهستانی پوشش غالب قطعات بزرگی از سرزمینها را تشکیل می‌دهند.

گندمیان دارای ارزش اقتصادی قابل توجهی بوده از نظر غذائی برای انسان و حیوانات در درجه اول اهمیت قرار دارند. غلات شامل برنج(Oryza sp.) ، گندم(Triticum spp.) ، جو(Hordeum spp.) ، ذرت(Zea meys) ، ارزن(Panicum cpp.) ، چاودار(Secale spp.) ، یولاف(Avena spp.) در نقاط مختلف جهان قوت غالب مردم را تشکیل می‌دهند. بسیاری از گندمیان هم چراگاه و چمن‌زارهای وسیعی را برای تعلیف حیواناتی مانند گوسفند، گاو، شتر، اسب و سایر حیوانات اهلی یا وحشی به وجود می‌آورند.

گندمیان در گیلان متجاوز از ۷۰ گونه داشته و به علت شرایط خاص اقلیمی در اغلب مناطق جلگه‌ای و مراتع کوهستانی چهره غالب پوشش گیاهی منطقه را به وجود می‌آورند. لیکن اغلب آنها بسیار شبیه یکدیگر بوده به علت نداشتن اسامی فارسی شناخته شده و نیز بی‌بهره بودن از گلهای زیبا که یکی از عوامل مهم شناسائی گیاهان است از یکدیگر به آسانی قابل تشخیص نمی‌باشند.

بنابراین در اینجا فقط چند گونه که اهمیت ویژه‌ای دارند (پوشش گیاهی، علفهای هرز، تغذیه‌ای، علوفه‌ای) به‌طور خلاصه معرفی می‌گردند.

قمیش Arundo donax

گیاهی است علفی چندساله با ریشه‌ها و ساقه‌ای ضخیم و پرگره، به ارتفاع حد اکثر ۵ متر، ساده و بدون شاخه یا دارای شاخه‌های کوتاه در گره‌های بالائی. برگها پهن خطی (تسمه‌ای‌شکل) بزرگ با غلافی بزرگ که غلاف برگهای بعدی را می‌پوشاند. گل آذین آن بزرگ و با شاخه‌های فراوان خوشه‌ای و کرک‌دار (پشمالو) است.

قمیش عموما در کنار آب، بستر رودها و مناطق دامنه‌ای کوهستانی می‌روید؛ بیشترین پراکنش آن در استان گیلان در دره سفیدرود می‌باشد. قمیش

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۰۹

در سالهای گذشته برای ایجاد سقفهای منازل به خصوص شیروانیها بکار می‌رفته و امروزه نیز در بعضی نقاط به عنوان پرچین یا بادشکن کاشته می‌شود و از ساقه طویل آن نیز گاهی به عنوان وسیله‌ای می‌شود.

Avena spp . جو دوسر، یولاف (گندم واش)

گیاهانی هستند علفی یکساله با ساقه‌ای برافراشته و چند شاخه در بالا به ارتفاع ۳۰ تا ۱۵۰ سانتیمتر با برگهای تسمه‌ای نوک‌تیز تا نوک‌دراز و گل‌آذین پانیکول باز با سنبلچه‌هائی بزرگ و پوشینه‌ای پشمالو و سیخک‌دار.
یولافها در غالب نقاط ایران به صورت علف هرز به خصوص در مزارع گندم و علوفه و گاهی حاشیه مزارع و باغها می‌رویند. از مشهورترین گونه‌های آنها Avena barbata، Avena fatua است که در غالب نقاط ایران می‌رویند و در بعضی نقاط نیز Avena sativa با نام فارسی یولاف کشت می‌گردد در استان گیلان نیز می‌توان آنها را در مزارع گندم، حبوبات، انواع صیفیها و حاشیه مزارع برنج مشاهده کرد.

Catabrosa aquatica

گیاهی است علفی چمنی با ساقه‌های زیرزمینی خزنده و ساقه هوائی به بلندی ۱۵ تا ۱۲۰ سانتیمتر، رطوبت‌پسند و گاهی پایابی دارای برگهائی با پهنک نوک‌تیز یا نوک‌کند با گل‌آذین پانیکول.
این گیاه بیشتر در مناطق مرطوب، باتلاقها و مردابها، در کنار نهرها و استخرها می‌روید. در گیلان نیز در غالب نقاط به خصوص در مزارع برنج، حاشیه باغها و سایر زمینهای زراعی در کنار مردابها و باتلاقها و آبگیرها به چشم می‌خورد.

Coix lacyryma –jobi شال تسبیح

گیاهی است علفی چمنی یکساله با ساقه‌هائی به بلندی حد اکثر ۲ متر بدون کرک و برگهائی با پهنک بزرگ و نسبتا پهن و گل‌آذین پانیکول با شاخه‌های راست، سنبله‌ای خوشه‌ای و سنبلچه‌هائی انتهائی که در بالای زائده‌ای تخم‌مرغی یا کروی سفید یا آبی‌رنگ که از رشد و تغییر شکل غلاف برگها بوجود آمده قرار گرفته‌اند.
شال تسبیح بیشتر در مناطق مرطوب رشد کرده در گیلان یکی از علفهای هرز مزارع برنج محسوب می‌شود و با داشتن زائده‌های کروی یا تخم‌مرغی بر روی ساقه شبیه دانه‌های تسبیح مشخص می گردد.

Cynodon dactylon مرغ

گیاهی است علفی چمنی با ساقه‌های زیرزمینی خزنده، ساقه‌های هوائی رونده و خزنده و گسترده بر روی سطح زمین و پربند به بلندی حد اکثر ۳۰ سانتیمتر بدون کرک و اغلب به رنگ زرد کاهی با برگهائی خطی- سرنیزه‌ای با گل آذینی انتهائی پنجه‌ای و حامل سنبلچه‌هائی دو ردیفی در امتداد محور گل آذین.
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۱۰
مرغ عموما در شیبهای تپه‌های سنگی، در کنار نهرها، مردابها و باتلاقهای آب شیرین، تپه‌های شنی سواحل دریا و دریاچه‌ها، استپها و اراضی آیش، مناطق مخروبه و کنار جاده‌ها و در استان گیلان نیز به صورت علف هرز در غالب نقاط می‌روید.
از نظر خواص درمانی، دانه گیاه طعمی تلخ و اثری مفید در کم کردن وزن بدن دارد. همچنین به عنوان مقوّی و مدّر نیز مصرف می گردد. از ریشه این گیاه به تفاوت در نواحی مختلف جهت رفع عوارض یائسگی و ناراحتی دفع ادرار استفاده

می‌گردد. در چین، مالایا و فیلیپین از آن نوعی مشروب برای معلولین و افراد ضعیف و ناتوان تهیه می‌کنند که درعین‌حال مدّر و ضدّ نزله است.

Digitaria sanguinalis

گیاهی است علفی چمنی یکساله با ساقه‌های برافراشته یا گسترده و خوابیده روی سطح زمین و اغلب به بلندی ۲۰ تا ۶۰ سانتیمتر با برگهائی خطی- نوک‌دراز و گل‌آذینی خوشه‌ای پنجه‌ای حامل سنبلچه‌های فراوان.
گیاه مذکور یکی از رایج‌ترین علفهای هرز ایران بوده در استان گیلان نیز در غالب نقاط می‌روید.

Graminae: Echinochloa crus –gali سورف

گیاهی است علفی چمنی یک ساله بدون کرک با ساقه‌ای برافراشته و راست به ارتفاع حد اکثر ۱۵۰ سانتیمتر و برگهائی بلند و پهن با لبه‌ای زبر و گل‌آذینی خوشه‌ای برافراشته و راست یا سر به زیر با سنبلچه‌های یک طرفه، سیخک‌دار یا بدون سیخک.
سورف رطوبت‌پسند است و عموما در مناطق مرطوب، کنار نهرها، رودخانه‌ها، جویبارها و در مزارع برنج و باغها می‌روید.
این گیاه از علفهای هرز مزارع برنج استان بوده و اغلب به هنگام وجین مزارع برنج با بوته آن اشتباه می‌گردد و لیکن وجه تمایز آن با برنج مربوط به زبانکی است که در قاعده برگها و محل اتصال آنها به غلاف و ساقه در گیاه برنج و جو دارد، در صورتی که سورف فاقد آنست. علاوه بر مزارع برنج در کناره‌های آبگیرها، مردابها و باتلاقهای استان نیز سورف به فراوانی می‌روید.

Hordeum spp. جو وحشی

گیاهی است یکساله علفی و چمنی با ساقه‌ای برافراشته و به ارتفاع ۲۰ تا ۱۲۰ سانتیمتر، گاهی پیازدار با برگهائی خطی- سرنیزه‌ای و گل‌آذینی سنبله‌ای حاوی سنبلچه‌های یک تا دو گلچه‌ای که به صورت دسته‌های سه‌تائی در محل گره‌های محور سنبله قرار گرفته‌اند. عموما سنبلچه میانی بارور و بدون پایک است و سنبلچه‌های کناری پایک‌دار و عقیم (در نمونه‌های خودرو) می‌باشد.
انواع جوهای وحشی در اغلب نقاط ایران در حاشیه جاده‌ها، چمنزارها، جنگلهای خشک و استپها می‌رویند. در استان گیلان گونه Hordeum violaceum بیشتر در چمن‌زارهای کوهستانی و حاشیه جویبارها و چشمه‌های کوهستانی وجود دارد و انواع دیگر مانند
Hordeum geniculatum
و Hordeum glaucum و Hordeum marinum به صورت علف هرز در حاشیه جاده‌ها دیده می‌شوند. گونه Hordeum bulbosum بیشتر در مزارع گندم دیم، حاشیه جنگلهای مخروبه و بیشه‌زارها و شیبهائی که دارای سنگهای آهکی هستند می‌روید. گونه‌هائی از جو به نامهای H. vulgare یا H. sativum و H. distichon در مناطق مختلف ایران از جمله گیلان کشت می‌شوند و در شمار علفهای مهم جهت تغذیه چهارپایان قرار دارند. گاهی نیز در نقاط مختلف به صورت وحشی می‌رویند.

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۱۱

LOlium spp . چچمها

گیاهانی هستند علفی چمنی یکساله، دو ساله یا چندساله با ساقه‌ای بر افراشته و راست یا گسترده و خوابیده روی سطح زمین با برگهائی خطی- سرنیزه‌ای و گل‌آذینی سنبله‌ای با سنبلچه‌های دو ردیفی متناوب که در دو طرف محور سنبله قرار گرفته‌اند. گلچه‌ها سیخک‌دار یا بدون سیخک می‌باشند.

چچمها در ایران غالبا به صورت علف هرز در مزارع، مراتع، چمن‌زارها، تپه‌های شنی و مناطق متروکه یا در کناره‌های جاده‌ها و پیاده‌روها و داخل باغچه‌ها و گلدانها می‌رویند.

در گیلان نیز گونه‌هائی چندی از چچمها به صورت علف هرز می‌رویند که عبارتند از:

Lolium loliaceum/ Lolium perenne

Lolium multiflorum/ Lolium persicum

Oplismenus undulatifolius :Gramineae

گیاهی است علفی چمنی یکساله یا چندساله با ساقه‌های خزنده و شاخه‌های بارور و گل‌دهنده، راست و برافراشته که در محل گره‌ها ایجاد ریشه‌های نابجا و شاخه‌های فراوان می‌نماید. طول ساقه‌ها گاهی به ۲ متر می‌رسد و دارای برگهای پهن بیضوی- سرنیزه‌ای می‌باشد.

گل‌آذین خوشه‌ای پوشیده از کرکهای متراکم و سنبلچه‌های آن اغلب دسته‌ای می‌باشد.

گیاه فوق الذکر یکی از چمنهای خاص جنگلهای شمال ایران بوده بیشتر در جنگلهای مرطوب و متراکم می‌روید. گاهی در کناره‌های مزارع و زمینهای زراعی و باغها نیز دیده می‌شود و تنها چمنی است که برگهای پهن بیضوی دارد.

Oryza sativa برنج (بج)

گیاهی است یکساله علفی چمنی با ساقه‌ای راست و بدون کرک به بلندی حد اکثر ۱ تا ۱/۵ متر و برگهای سبز تیره خطی- سرنیزه‌ای با لبه‌ای زبر و بدون کرک و گل آذین منشعب و پرشاخه سنبله‌ای (پانیکول) و راست یا سربه زیر و واژگون با سنبلچه‌های بدون سیخک یا سیخکی کوتاه.

برنج یکی از محصولات مهم زراعی ایران است که در قسمتهای شمالی ایران و بخشهائی از استانهای فارس، بلوچستان، خوزستان، اصفهان و آذربایجان کشت می‌شود.

برنج ابتدا در کشورهای آسیائی شناخته شد، سپس آفریقائیها آن را به عنوان غذا مورد استفاده قرار دادند و بعدها آمریکائیها و اروپائیان با آن آشنائی یافتند.

گیلان به علت رطوبت زیاد از مناسبترین مناطق کشت برنج است. در

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۱۲

مازندران، گرگان، خوزستان و نواحی گرمسیر فارس و اصفهان نیز کشت برنج مرسوم است. امّا برنج گیلان از نظر کیفیت نه

تنها نسبت به محصولی که در سایر نقاط کشور تولید می‌شود برتری دارد بلکه در دنیا نیز بی‌رقیب می‌باشد.
اکنون در بسیاری از کشورهای جهان نظیر ممالك خاور دور، خاورمیانه و کشورهای آفریقائی، برنج غذای دائمی مردم می‌باشد. دانه‌های برنج دارای مواد مغذّی مختلفی از قبیل پروتئین، چربی و قند است؛ همچنین انواع ویتامینها از قبیل ویتامین آ، ب کمپلکس، ویتامین د و ای در برنج یافت می‌شود. در خاکستر گیاه برنج و نیز دانه‌های آن مواد معدنی و شیمیائی فراوانی نظیر کلسیم، منیزیم، پتاسیم، کولین، فسفر، آهن، سدیم، تیامین، رایبوفلاوین و نیاسین وجود دارد. هر ۱۰۰ گرم برنج معمولی به‌طور متوسط دارای ۳۶۰ کالری انرژی است.
برنج در مرور زمان ویتامینهای خود را از دست می‌دهد، بدین جهت برنج تازه مقدار بیشتری ویتامین در خود ذخیره دارد؛ همچنین در پوست دانه‌های برنج مقدار قابل توجهی ویتامینهای مختلف یافت می‌شود که در جریان سفید کردن برنج از دست می‌رود.
مواد غذائی و آب موجود در برنج تحریکات معده و روده را آرام می‌سازد به همین جهت بهترین غذا برای مبتلایان به اسهال و استفراغ و دردها و بیماریهای دستگاه گوارش به شمار می‌رود. از دم‌کرده پوست برنج برای درمان اسهالهای خونی شدید و روماتیسم و نقرس و جلوگیری از سفید شدن موی سر استفاده می‌شود.
برنج به سبب دارا بودن نشاسته فراوان چاق‌کننده است. پزشکان قدیم معتقد بودند که برنج خواب‌آور است و تولید اسپرم را افزایش می‌دهد، رنگ صورت را درخشان می‌سازد و استنشاق گرد آن خونریزی بینی را بند می‌آورد.
آرد برنج در شیرینی‌پزی مصرف فراوان دارد.

ارزن (چینا، چبور) Panicum miliaceum

گیاهی است علفی چمنی یکساله توده‌ای و انبوه با ساقه‌ای راست به ارتفاع ۵۰ تا ۱۲۰ سانتیمتر با برگهائی بزرگ با سطح فوقانی کرك‌دار و لبه‌ای زبر و مودار با گل آذین پانیکول. حامل سنبلچه‌های فراوان بدون سیخك.
ارزن در ایران گونه‌های چندی دارد که به‌طور خودرو و اغلب به صورت علف هرز در مزارع، باغها و مناطق متروکه می‌رویند. گونه فوق الذکر و یا P .capillare نیز کشت می‌شود و از علفها و دانه‌های باارزش برای تغذیه چهارپایان و طیور محسوب می‌شود. در بعضی از نقاط گیلان نیز گونه وحشی و کشت شده آن وجود دارد.

Paspalum dilatatum

گیاهی است علفی چمنی چندساله با ساقه‌های فراوان برافراشته یا گسترده و خوابیده روی سطح زمین، اغلب رطوبت‌پسند و گاهی پایابی بدون کرك یا کرکدار با برگهای سرنیزه‌ای- خطی و گل آذین متشکل از ۳ تا ۵ خوشه پراکنده با سنبلچه‌های یك طرفه بدون سیخك.
گیاه فوق الذکر از علفهای هرز گیلان بوده و در کنار مردابها، باتلاقها، چمن‌زارها و حاشیه جویبارها و نهرها و کانالهای آبرسانی در مزارع برنج و باغها می‌روید.

نی Phragmites australis

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌های زیرزمینی فراوان و ساقه هوائی ضخیم و پر گره و اغلب ساده و بدون شاخه به ارتفاع حد اکثر ۳ متر با برگهائی دارای پهنک بزرگ و لبه‌ای سلیسی و زبر و برنده با گل‌آذین پانیکول به طول حد اکثر ۴۰ سانتیمتر گاهی پرشاخه و متراکم و سنبلچه‌هائی کرکدار.

نی در ایران در کنار دریاچه‌ها، نهرها، مردابها، باتلاقها و کانالهای هدایت آب و سواحل دریا می‌روید. مهمترین رویشگاه آن در استان گیلان مرداب انزلی است که مملو از نی بوده و امروزه در نتیجه عدم توجه و روشهای نادرست مدیریت به صورت گیاه مهاجم در تحلیل و از بین بردن این اکوسیستم آبی مهم نقشی اساسی دارد.

Setaria glauca گاورس

گیاهی است علفی یکساله چمنی با ساقه‌ای راست یا زانودار، گاهی گسترده روی سطح زمین به ارتفاع ۵ تا ۱۰۰ سانتیمتر با برگهائی خطی پوشیده از کرکهای تنک و پراکنده، با گل‌آذینی سنبله‌ای پانیکول‌مانند. حامل سنبلچه‌های متراکم که در قاعده دارای کرکهای فراوان ریش‌مانند زبر است.

گاورسها عموما به صورت علف هرز در مزارع، باغها، مراتع، حاشیه جاده‌ها و خیابانها، باغچه‌ها و حیاط منازل و گلدانها می‌رویند. در گیلان نیز گونه‌های چندی از جمله گونه فوق الذکر همراهSetaria viridis در سراسر

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۱۳

استان می‌رویند.

Sorghum halepense چائیر

گیاهی است علفی چمنی چندساله با ساقه‌های زیرزمینی فراوان بندبند که یکی از عوامل تکثیر و گسترش آن بوده به همراه ساقه‌های هوائی فراوان به ارتفاع ۳۰ تا ۱۵۰ سانتیمتر بدون کرک یا در محل گره‌ها کرکدار و در جوانی قرمزرنگ با برگهائی خطی- نوک‌دراز بدون کرک یا در قاعده کرکدار و حاشیه‌ای زبر و برنده.

این گیاه دارای گل آذین پانیکول راست و گسترده با شاخه‌های فراهم و سنبلچه‌های سیخک‌دار یا بدون سیخک است.

چائیر یکی از علفهای هرز مزارع، باغها، مزارع آیش، حاشیه نهرها، مزارع غلات و بقولات و گاهی تپه‌های شنی است، در گیلان نیز به عنوان یک علف هرز مهم شناخته می‌شود. گونه‌ای ازsorghum امروزه در استان گیلان و قسمتهائی از آذربایجان کشت می‌گردد که از آن برای تهیه جارو استفاده می‌کنند و به نام جاروی رشتی شهرت دارد.

Triticum aestivum گندم

گیاهی است علفی چمنی یکساله با ساقه‌ای برافراشته و راست منفرد یا توده‌ای و بدون کرک به ارتفاع ۳۰ تا ۱۵۰ سانتیمتر با برگهائی دارای پهنک بدون کرک به اشکال مختلف خطی تا سرنیزه‌ای و گل‌آذینی سنبله‌ای متراکم یا تنک.

گونه‌های چندی از گندمها در سراسر ایران و سایر کشورهای جهان کشت می‌شوند که ارزش غذائی آنها بر کسی پوشیده نیست. گندم از غذاهای مهم مردم سراسر جهان می‌باشد و در گیلان نیز در بعضی نقاط کوهستانی مزارع وسیع گندم وجود دارد. گونه‌های مهم این گیاه که مصرف غذائی دارند عبارتند از:

Triticum carthicum/ Triticum polonicum
Triticum dicoccon/ Triticum turgidum
.Triticum durum/ Triticum spp

Zea mays بلال، ذرت

گیاهی است علفی یکساله چمنی با ساقه‌ای ضخیم و برافراشته و راست و توپر به ارتفاع حد اکثر ۴ متر با برگهائی بلند و پهن، خطی- نوک‌تیز با لبه‌ای زبر و برنده، گل آذینی با گلهای نر و ماده جدا بر روی یک پایه، گل‌آذین نر انتهائی سنبله‌مانند خوشه‌ای و گل‌آذین ماده محوری سنبله‌مانند چندین ردیفی متراکم که بر روی محوری ضخیم قرار گرفته و توسط غلافهائی چند در بر گرفته می‌شوند در انتها دارای تارهای فراوان به نام کاکل می‌باشند.
ذرت در ایران گیاهی زراعی است و در بعضی نقاط از جمله در استان گیلان کشت می‌گردد و دانه‌های آن به حالت تازه، سرخ شده و خشک برای تهیه نان و آرد قنادی و ساقه انواع علوفه‌ای آن نیز برای تغذیه چهارپایان مورد
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۱۴
استفاده قرار می‌گیرد. ارزش داروئی بعضی قسمتهای آن از جمله کاکل ذرت در طب سنتی شناخته شده است.
کلاله و دمگلهای گل ماده ذرت حاوی ساپونین، اسانس روغنی، تاننها، قندها و یک ماده لیپیدی و نمکهای آلی می‌باشند.
این مواد مقوی قلب و پائین آورنده فشار خون هستند و از آنها به عنوان ماده‌ای مدر و مسهل صفرا استفاده می‌شود و اغلب در رژیمهای لاغرکننده بکار برده می‌شوند.

Araliaceae: Hedera pastuchovii داردوست (دوردوس، پاپیتال، تبج، لی‌چک- بالو، لبلاب) تیره عشقه

درختچه‌ای است بالارونده با ساقه‌هائی که توسط ریشه‌های هوائی و چسبنده به درختان جنگلی چسبیده و از آنها بالا می‌رود و طول آن گاهی به ۳۰ متر می‌رسد، این درختچه همیشه سبز برگهائی به رنگ سبز تیره به اشکال گوناگون قلبی گرد، تخم‌مرغی پهن، تخم‌مرغی کشیده یا سرنیزه‌ای با قاعده‌ای قلبی‌شکل، یا پیکانی و لبه‌ای کامل دارد.
داردوست یکی از گیاهان زیبای جنگلهای شمال ایران است و در غالب مناطق جنگلی استان گیلان وجود دارد.
انواع اصلاح شده و زینتی آن با نام پاپیتال Hedera helix در سردر اغلب منازل و نیز در باغچه‌ها و حیاط منازل کشت شده و با رنگهای سبز تا ابلق، به عنوان یک زمین‌پوش مانع رشد و نمو دیگر علفهای هرز و مزاحم می‌گردد.

Compositae: Helianthus annus آفتاب‌گردان: تیره کاسنی

گیاهی است یکساله با ساقه‌ای ضخیم و گاهی نیمه چوبی بدون شاخه یا در بالا منشعب و شاخه‌دار به ارتفاع ۷۰ تا ۳۰۰ سانتیمتر.
آفتاب‌گردان دارای برگهای قاعده‌ای متقابل و ساقه‌ای متناوب بزرگ قلبی‌شکل یا تخم‌مرغی با دمبرگ بلند و غالبا کرکدار است. گلهای زبانه‌ای زردرنگ آن در کناره، طبقی پوشیده از گلهای لوله‌ای قرار گرفته‌اند که ایجاد میوه فندقه آفتاب‌گردان می‌نمایند.

آفتاب‌گردان گیاهی است که به علت داشتن دانه‌های روغنی یکی از نباتات مهم صنعتی بشمار می‌رود و در استان گیلان نیز در غالب نقاط کشت می‌گردد و دانه‌های آن علاوه بر مصارف صنعتی در غالب آجیل‌فروشیها عرضه می‌شود.
روغن دانه آفتاب‌گردان ارزش غذائی قابل توجهی دارد. از این روغن در داروسازی برای تهیه مرهم و ضماد علیه دردهای روماتیسمی استفاده می‌شود، عصاره حاصل از گلهای تازه و قطعات ساقه گیاه تب‌بر بوده معالج بیماری مالاریا می‌باشد.

سیب‌زمینی ترشی: تیره کاسنی Helianthus tuberosus :Compositae

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌های زیرزمینی غده‌دار به ارتفاع ۱ تا ۲/۸ متر و معمولاً در قسمت بالا شاخه‌دار با برگهای تخم‌مرغی تا سرنیزه‌ای- مستطیلی. گلهای آن در کپه‌ای حاوی گلهای زبانه‌ای زردرنگ در کنار و گلهای لوله‌ای بسیار بر روی طبقی نسبتا بزرگ قرار گرفته‌اند.
سیب‌زمینی ترشی گیاهی است کاشته شده و غده‌های زیرزمینی آن در تغذیه و تهیه ترشی بکار می‌رود و حاوی مقدار زیادی نشاسته است. سیب زمینی ترشی معالج مناسبی برای بیماران مبتلا به قند خون بوده و اوره خون را نیز پائین می‌آورد.

زنبق رشتی: تیره لاله Hemerocallis fulva :Liliaceae

گیاهی است چندساله علفی با ساقه‌های زیرزمینی غده‌ای متورم و برگهای فراوان قاعده‌ای خطی بدون کرک و دم گل‌آذینی بلند کاملا عاری از کرک حامل تعدادی گل لوله‌ای شیپوری دمگل‌دار و بدون بو و زردرنگ و انتهایی به‌شکل قیفی با لبهای کوچک.
زنبق رشتی در غالب نقاط معتدله و معتدله سرد ایران به عنوان گیاهی زینتی کشت می‌شود و با گلهای زیبای خود جلوه‌ای خاص دارد. ظاهرا در استان گیلان بومی شده و به صورت خودرو در غالب نقاط به ویژه در باغها و باغچه‌ها می‌روید.
زنبق دارای انواع مختلف می‌باشد که تاکنون ۳ نوع آن وارد کتب طبی و داروئی شده و هرسه دارای خواص یکسان هستند. قسمت مورد استفاده زنبق، برگ و ساقه زیرزمینی است که به فارسی به آن بیخ زنبق گویند. مقدار ویتامین «ث» در برگ این گیاه زیاد است به طوری که در بعضی از کارخانه‌های داروسازی آن را از همین منبع استخراج می‌کنند.
ساقه زیرزمینی زنبق دارای تانن، صمغ، نشاسته و چند عامل داروئی است.
مقدار کم آن ملیّن و مقدار زیاد آن مسهل است.
مؤلف کتاب «نسخه‌های تندرستی از طب طبیعی» در این مورد می‌نویسد:
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۱۵
در کوهپایه‌های فرانسه اغلب مادران روستائی برای رشد سریع دندانهای کودکانشان از ساقه زیرزمینی زنبق استفاده می‌کنند.
زنبق به علت خواص داروئی مؤثر که از آن بهره‌مند است در درمان بیماریهای آسم، برونشیت، سوختگی، یبوست، سیاه‌سرفه، میخچه پا، پاک کردن دندانها، بحرانهای کبدی، استسقاء، زخمهای جلدی، زکام و اختلالات کیسه مثانه نقش برجسته‌ای دارد. همچنین در عطرسازی، از زنبق نوعی عطر و ماده‌ای به نام «یونون»Ionone می‌گیرند. یونون ماده‌ای شیمیائی با بوی تند عطر بنفشه است که به آن بنفشه مصنوعی هم می‌گویند و در عطرسازی مصرف فراوانی دارد.

Gleditsia caspica :Leguminosae لیلکی: تیره نخود

درختی است خاردار با خارهای ساده یا منشعب و چندشاخه به بلندی ۴ تا ۶ متر و ساقه‌ای کاملا مشخص و تاجی پرشاخه با خارهای فراوان و برگهای مرکب یک تا دو بار شانه‌ای و برگچه‌های بیضوی کشیده. گلهای سبزرنگ خوشه‌ای در محور برگها و میوه نیام به اشکال راست، خمیده یا پیچیده به رنگ قهوه‌ای سیر اغلب واژگون.
این درخت، همانگونه که از نام آن پیداست بومی منطقه خزر بوده در استانهای گیلان و مازندران در دشتهای باز و بیشه‌زارها و جنگلهای متروکه می‌روید، میوه آن به مصرف تغذیه دام می‌رسد.

Heracleum persicum :Umbelliferae گلپر: تیره جعفری

گیاهی است علفی چندساله معطر با ساقه‌ای توخالی به ارتفاع ۱/۵ متر کم و بیش کرکدار، برگهای قاعده‌ای یک بار شانه‌ای و بزرگ.
گلهای سفید گیاه در گل‌آذینی چتری بزرگ با شعاعهای نامساوی قرار گرفته و طبق بزرگی را ایجاد می‌نماید، میوه معطر این گیاه به شکل واژ- تخم‌مرغی- گوه‌ای و کاملا تخت و فشرده و با لبه‌ای نسبتا ضخیم است.
گلپر گیاهی رطوبت‌پسند بوده بیشتر در کنار نهرها، دره‌هائی با آبهای جاری و مراتع مرطوب کوهستانی در مناطق با نور کافی و در جنگلها در حاشیه جاده‌ها، پیاده‌روها و بیشه‌زارها می‌روید. میوه گلپر به صورت چاشنی مصرف می‌شود و به علت داشتن اسانس جهت رفع نفخ و ناراحتیهای سوء هاضمه به کار می‌رود.

Hesperis hyrcanica :Cruciferae شب‌بوی خزری: تیره شب‌بو

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌ای برافراشته و راست به بلندی ۳۰ تا ۸۰ سانتیمتر، برگهای قاعده و ساقه‌ای ربابی‌شکل و به‌ندرت مستطیلی با دمبرگی بلند، برگهای بالائی تخم‌مرغی یا تخم‌مرغی- باریک. گلهای بنفش، یا بنفش متمایل به قرمز.
شب‌بوی خزری یکی از گیاهان زیبای مناطق جنگلی و مرتعی شمال ایران بوده در مناطق جنگلی و بیشه‌زارهای دارای نور فراوان گیلان و گاهی در مراتع کوهستانی مناطق رودبار، منجیل، عمارلو، دیلمان، ماسوله، جاده اسالم- خلخال و گردنه حیران رشد می‌نماید.

Hibiscus syriacus –Althaea syriaca Malvaceae ختمی درختی: تیره پنیرک

درختچه‌ای است خزان‌کننده به ارتفاع حد اکثر ۳ متر و گاهی بیشتر و پرشاخه با تاجی نسبتا گسترده و شاخه‌های فراوان عموما خاکستری‌رنگ و برگهای سه گوشه یا بیضوی- تخم‌مرغی نسبتا بزرگ و گلهای نسبتا درشت استکانی‌شکل منفرد با رنگهای متنوع سفید تا قرمز.
این درختچه در غالب نقاط معتدله و معتدله سرد ایران کشت می‌شود. در گیلان نیز در پارکها و بلوارها و گاهی در حاشیه خیابانها و حیاط منازل غرس می‌گردد. گلهای آن‌که دارای دوام نسبتا زیادی نیز می‌باشد زیبائی خاصی دارد.
نوعی دیگر از این درختچه با نام ختمی چینی Hibiscus rosa -sinensis با گلهای قیفی‌شکل و درشت به رنگ قرمز

بسیار خوشرنگ، امروزه در غالب گلفروشیها به فروش می‌رسد. این گیاه در مناطق جنوبی کشور در فضای باز کشت می‌گردد.

رازک: تیره شاهدانه Humulus lupulus :Cannabaceae

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌ای بالارونده به بلندی حد اکثر ۶ متر و برگهای متقابل تخم‌مرغی- قلبی‌شکل ساده یا کم‌وبیش لوب‌دار و گلهای سنبله‌ای واژگون که مخروطی به نظر می‌رسند.
رازک به علت داشتن عصاره لوپولن که در صنایع نوشابه‌سازی مورد استفاده قرار می‌گیرد در نقاط مختلف جهان کشت می‌گردد. در استان گیلان به صورت خودرو در حاشیه مزارع و مناطق دارای نور کافی بیشتر در اطراف بندر انزلی تا آستارا و لاهیجان و سیاهکل می‌روید.
دانش پزشکی برای ماده موجود در رازک که لوپولن نام دارد خاصیّت خواب‌آور و مسکّن قائل است و جهت دفع بی‌اشتهائی و ضعفهای قلبی عصبی هم تجویز می‌شود. این گیاه از خانواده شاهدانه‌هاست. گل خمل و ککی‌مور نیز از نامهای دیگر این گیاه است.
کتاب «گیاهان داروئی» در خواص درمانی رازک نوشته است که: مخروط ماده رازک، اثر مقوّی معده، آرام‌کننده (اثر اسانس) و ضد تشنج دارد و به‌علاوه مدرّ، معرّق، تصفیه‌کننده خون، ضد کرم، تب‌بر، خواب‌آور و برطرف‌کننده التهاب است.
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۱۶
خواص درمانی رازک از قدیم الایام مورد شناسائی اطبای قدیم بوده از جمله دکتر کازنCazin آن را داروئی اشتهاآور و محرّک دستگاه هضم و تقویت‌کننده کلیّه دستگاههای بدن می‌دانسته است. مصرف مداوم آن مشروط بر این‌که به مدّت طولانی به کار نرود و به علاوه بی‌رویه صورت نگیرد، فعالیت دستگاه گردش خون و ترشح ادرار را زیاد می‌کند و موجب می‌گردد که در موقع ضعف مفرط، کلیّه عوارض آن از بین برود و بیمار احساس سلامتی کامل کند. با توجه به این اختصاصات است که از این گیاه می‌توان در مداوای بیماریهای زیر استفاده کرد: ضعف مفرط، ضعف عمل دستگاه هضم، لنفاتیسم، کم‌خونی، کم‌خونی دختران جوان، نرمی استخوان، آب آوردن انساج، اسهال، اسکوربوت، حالت زردی مشروط بر آن‌که با تحریک مجاری صفراوی همراه نباشد، نقرس، ترشح مخاط، بیماریهای جلدی مزمن مخصوصا سودا، وجود کرم و غیره ...
اطبای قدیم کشور انگلستان جوشانده آن را به عنوان خواب‌آور تجویز می‌کردند؛ همچنین برای مداوای بیماریهای روماتیسمی و ریوی از این جوشانده استفاده می‌نمودند.
رازک اثر تسکین‌دهنده تحریکات شهوانی دارد و این اثر ضمن یک رشته آزمایشهای دقیق توسط W .Ripperger در سال ۱۹۲۷ میلادی به اثبات رسیده است. در این مورد عقاید مختلفی توسط اطباء ابراز شده که خود قضاوت را مشکل می‌سازد.
طب سنتی مخروطهای ماده رازک را برای درمان سردردهای یکطرفه (میگرن)، قاعدگیهای دردناک، فلج مثانه و عدم تعادل عصبی تجویز می‌کند.
دکتر کروبر L .Kroeber در سال ۱۹۳۴ میلادی از مخلوط رازک و سنبل- الطیب، نتایج مفیدی در تعدیل بازتابها (رفلکسها) به دست آورده و آن را داروئی ضد تشنج، خواب‌آور و رفع‌کننده اختلالات جنسی دارای منشأ عصبی ذکر کرده

است. به‌علاوه آن را در بی‌خوابیها و ناراحتیهای قلبی ناشی از اختلالات عصبی و اختلالات هضمی که از بهم خوردن تعادل عمل اعصاب نتیجه شده باشد، مؤثر دانسته است.

اطبای قدیم در استعمال خارجی، برای آن اثر آرام‌کننده درد مفاصل، تومورهای سرد و اولسرهای غانقرایائی قائل شده‌اند. از این نظر برگ و سرشاخه‌های جوان گیاه را پس از آن‌که در آبجو می‌جوشاندند، بر روی محل دردناک قرار می‌دادند. پماد حاصل از لوپولن در بواسیر و حتی برخی سرطانها اثر تسکین‌دهنده دارد.

برخی از اطبای قدیم رازک را به عنوان مسکن تجویز می‌کردند. علی‌رغم نبودن دلائل علمی کافی دائر بر اثر تسکین‌دهنده رازک بر روی سیستم اعصاب مرکزی، عصاره رازک به فراوانی برای این منظور به کار می‌رود.

چون رازک از نظر خانواده گیاهی بسیار نزدیک به حشیش است می‌گویند که مصرف آن به صورت سیگار حالت افوریا به وجود می‌آورد. البته باید توجه داشت مصرف رازک بدین منظور به مدت طولانی سبب ایجاد عوارض نامطلوبی مانند گیجی، مسمومیت و یرقان می‌گردد.

این گیاه علفی در نواحی مختلف گیلان مخصوصا بین رشت و لاهیجان و رشت و آستارا می‌روید.

Hydrocharis morsus –ranae :Hyrocharitaceae تخت قورباغه

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌ای رونده و شناور در آب با برگهای دمبرگدار کم‌وبیش دایره‌ای عموما شناور و گلهای کوچک سفید که در فصل تابستان ظاهر می‌شوند.

این گیاه با برگهای کم‌وبیش دایره‌ای‌شکل خود که در سطح آب به‌حالت شناور و با تراکم زیاد می‌روید مانند لایه سبزی سطح آب را می‌پوشاند و خاستگاه آن نیز معمولاـ مردابها و باتلاقهای دارای آب نسبتا راکد و با جریان ملایم است و مانند تختی است که قورباغه‌ها می‌توانند بر روی آن نشسته و استراحت کنند، رویشگاه آن در استان گیلان بیشتر در مرداب انزلی، مرداب امیر کلایه، آبگیرها و برکه‌های اطراف رشت، صومعه‌سرا و فومن می‌باشد.

Hydrocotyle ranunculoides :Umbelliferae هیدروکوتیل: تیره جعفری

گیاهی است علفی چندساله آبزی به رنگ سبز تیره و بدون کرک با ساقه‌ای رونده که در محل گره‌ها ایجاد ریشه‌های نابجای فراوان می‌نماید و برگهائی با دمبرگ بلند و برافراشته و راست کلیوی‌شکل پهن یا قلبی- سه گوشه و به‌ندرت دایره‌ای و گرد و غالبا لوب‌دار.

رویشگاه آن در استان گیلان در مردابها و باتلاقهائی با آب راکد یا با جریان بسیار ملایم مانند مرداب انزلی، امیر کلایه، مرداب عینک و نظایر آنها می‌باشد.

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۱۷

گونه دیگری از این جنس با نام علمی Hydrocotyle vulgaris در گیلان می‌روید که از فراوانی و تراکم گونه فوق الذکر برخوردار نبوده و بیشتر در حاشیه مردابها و باتلاقها دیده می‌شود.

Hyoscyamus niger :Solanaceae بذر البنج، بذر البنگ: تیره سیب‌زمینی

گیاهی است علفی یکساله یا دوساله با ساقه‌ای به ارتفاع ۲۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر، پوشیده از کرکهای کوتاه و منشعب و پرشاخه در بالا و برگهای قاعده‌ای تخم‌مرغی کشیده تا سرنیزه‌ای کشیده و با لوبهای سرنیزه‌ای- سه گوشه و نوک‌تیز، و برگهای ساقه‌ای ساقه‌آغوش با گلهای استکانی‌شکل زرد یا زرد متمایل به بنفش که توسط رگه‌های مشبک ارغوانی و گلوئی ارغوانی تیره میوه‌های کپسولی و پربذر می‌دهد.

بذر البنج در مناطق سنگی و صخره‌ای و مزارع غلات و حاشیه جاده‌ها و مناطق متروکه می‌روید. در استان گیلان نیز در حاشیه جاده‌ها و مزارع و کنار جاده‌های جنگلی دارای نور کافی به فراوانی دیده می‌شود. گیاهی است سمی و بااحتیاط فراوان در طب سنتی مصرف می‌گردد.

برگها و ساقه‌ها و دانه‌های گیاه محتوی الکالوئیدهای سمی از قبیل هیوسیامین، آتروپین و اسکوپولامین هستند و روی سیستم اعصاب مرکزی اثر می‌کنند. به علت سمی بودن شدید در طب سنتی کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و در صنایع داروسازی برای تهیه داروهای ضد آسم، آرام‌بخش، ترمیم‌کننده سیستم اعصاب و مسکن ناراحتیهای مربوط به ضعف پیری از آن استفاده می‌شود.

Hypericum androsaemum :Hypericaceae هورفاریقون، هوفاریون: تیره گل راعی

درختچه‌ای است با ساقه‌ای منشعب و پرشاخه به ارتفاع ۳۰ تا ۹۰ سانتیمتر با برگهای متقابل تخم‌مرغی یا تخم‌مرغی کشیده بدون دمبرگ یا ساقه‌آغوش به رنگ سبز روشن و در جوانی متمایل به قرمز، گلهای زردرنگ پرپرچم آن عموما به صورت منفرد در محور برگها یا در انتهای شاخه‌ها قرار گرفته میوه سته‌ای آن پس از رسیدن سیاه‌رنگ می‌گردد.

هوفاریون یکی از درختچه‌های جنگلهای شمال ایران بوده و غالبا در حاشیه جنگلها، کنار نهرها و بیشه‌زارها و مناطق دارای نور نسبتا کافی رشد می‌نماید. ارزش داروئی کمی داشته و گاهی در طب سنتی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

میوه این گیاه دارای اثر مسهلی است و از اعضاء مختلف آن مانند گل راعی استفاده می‌شود، در موارد سختی قاعدگی، هیستری و بیماریهای کلیه و مثانه و نیز به عنوان التیام‌دهنده زخمها توصیه می‌گردد.

Hypericum perforatum :Hypericaceae گل راعی، گل چای، گل هزارچشم، علف چای: تیره گل راعی

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌ای راست و برافراشته و پرشاخه در انتها به بلندی ۱۰ تا ۱۱۰ سانتیمتر با برگهای متقابل تخم‌مرغی باریک یا سرنیزه‌ای تا بیضوی- کشیده یا خطی بدون دمبرگ یا ساقه‌آغوش تخت که به سبب داشتن نقاط روشن در صفحه پهنک به هنگام قرار گرفتن در برابر نور آن را گل هزارچشم نامیده‌اند. گلهای زردرنگ و پرپرچم آن عموما در انتهای شاخه‌ها در گل‌آذینی دیهیم‌مانند قرار گرفته‌اند.

گیاهی است که در مناطق مرطوب، حاشیه جویبارها و چمن‌زارهای دارای آب دائمی و کف جنگلها و بیشه‌زارهای گهگاه خشک می‌روید.

در استان گیلان عموما در اطراف رشت، لاهیجان، انزلی، فومن و صومعه‌سرا تا آستارا در حاشیه جاده‌ها، کف جنگلهای تنک و کنار جویبارها دیده می‌شود، گل راعی دارای ارزش داروئی بسیار است؛ سرشاخه گلدار آن نیرودهنده، هضم‌کننده، صفرابر، مسکن اعصاب، ضدعفونی کننده مجاری ادرار، مدر، ضد نزله، قابض و تقویت‌کننده دستگاه تنفس و رحم می‌باشد.

اثر تب‌بری و ضد کرم و التیام‌دهنده زخم نیز دارد.
در موارد کمی اشتها، اسهالهای ساده، قولنجهای کبدی و کلیوی، زردی، آب آوردن، سنگ کلیه، نزله‌های ششی، آغاز بیماری سل، آسم مرطوب، کم‌خونی دختران جوان، هیستری، صرع، حالات تشنج، عدم تعادل عصبی، سردردهای عصبی، میگرن، سیاتیک، دردهای عصبی چهره، بواسیر، کرم روده، تب‌نوبه و اختلالات زنانگی بسیار مفید است.

زوفا: Hyssopus officinalis subsp .angustifolia :Labiatae تیره نعناع

گیاهی است علفی چندساله با زمینه خشبی و شاخه‌های متعدد و ترکه‌ای به ارتفاع ۱۲ تا ۴۰ سانتیمتر و برگهای دسته‌ای، خطی و باریک بدون دمبرگ
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۱۸
معطر و گلهای بنفش متمایل به آبی در چرخه‌های ۶ تا ۱۵ تائی که به صورت یکطرفه روی محور گل آذین قرار گرفته‌اند.
در استان گیلان بیشتر در مراتع ییلاقی و مناطق صخره‌ای می‌روید و در مناطق جنگلی روشن و تنک نیز دیده می‌شود.
زوفا از گیاهان داروئی مهمی است که در طب سنتی جایگاهی شناخته شده دارد. از آن به عنوان نیرودهنده، آرام‌کننده سرفه، خلط‌آور، کم‌وبیش مدر، مقوی معده و ضد کرم استفاده می‌شود. در استعمال خارجی نیز اثر التیام‌دهنده دارد. در بیماریهای سینه جهت رفع عوارض برونشها مخصوصا آسم مرطوب افراد مسن مورد مصرف واقع می‌شود. در ضعف معده و دستگاه هضم، کم‌اشتهائی ناشی از آن، درد معده و دل‌پیچه‌های ناشی از نفخ اثر معالج دارد.
زوفا در رفع کم‌خونی دختران جوان، ترشحات زنانگی و تأخیر در عادت ماهانه ناشی از ضعف عمومی، روماتیسم کهنه، عوارض ناشی از وجود کرم در امعاء و برخی بیماریهای ناشی از وجود سنگ در کلیه و ضعف عمل آن، عرق شبانه مسلولین، احساس چنگ‌زدگی در سینه، خنازیر، زردی و آب آوردن انساج مورد استفاده قرار می‌گیرد.

خاس (چخ): Ilex spinigera :Aquifoliaceae تیره خاس

درختچه‌ای است همیشه سبز به ارتفاع ۱ تا ۳ متر منشعب و پرشاخه با پوستی خاکستری و برگهای همیشه سبز، شفاف با دندانه‌های خاردار و با گلهای یک جنسی منظم کوچک که به صورت گرزنهای محوری یا خوشه‌ای و گروهی قرار گرفته‌اند و میوه شفت آن پس از رسیدن قرمزرنگ می‌شود.
خاس درختچه‌ای خاردار با برگهای همیشه سبز است که فقط در جنگلهای شمال ایران در بیشه‌زارها و جنگلهای تنک در کنار دره‌ها در جنگلهای راش و ممرز می‌روید.

نیلوفر: Ipomea purpurea :Convolvulaceae تیره پیچک

گیاهی است علفی یکساله یا چندساله با ساقه‌ای بالارونده و پیچان به طول حد اکثر ۱۰ متر و گاهی گسترده بر روی بوته‌ها و درختچه‌های اطراف، با برگهای دمبرگدار تخم‌مرغی و قاعده‌ای قلبی و لبه‌ای کامل و بدون دندانه و گلهای قیفی‌شکل درشت صورتی- ارغوانی یا ارغوانی متمایل به بنفش.
در استان گیلان نیز یکی از گیاهان پیچنده‌ای است که غالبا در کنار دیوارهای منازل، سر در حیاطها و پرچین باغها و گاهی

باغچه‌های منازل کاشته می‌شود و با گلهای بنفش خود که غالبا شبها بسته و روزها همراه آفتاب باز می‌شود زیبائی خاصی دارد.
در ایران مصرف درمانی ندارد ولی ریشه آن دارای ۵ درصد ماده رزینی است که اثر مسهلی دارد.

Iris germanica :Iridaceae زنبق: تیره زنبق

گیاهی است به ارتفاع ۶۰ تا ۱۲۰ سانتیمتر با برگهای شمشیری کم‌وبیش راست سبز- خاکستری‌رنگ با ساقه‌های شاخه‌دار حامل ۴ تا ۵ گل و با گلهای زیبا به رنگ آبی، بنفش یا آبی با رگه‌های قهوه‌ای و اغلب خوشبو.
زنبق در ایران دارای پراکنش جغرافیائی زیادی بوده و اغلب در ارتفاعات کوهستانی با خاک خوب و مرطوب و گاهی نیز در باتلاقها و چمن‌زارها می‌روید.
گیاه فوق الذکر دارای نژادهائی است که اغلب به صورت زینتی کشت شده و در حاشیه باغچه‌ها، پارکها و تفرجگاهها دیده می‌شود.

Iris pseudacorus :Iridaceae زنبق زرد: تیره زنبق

گیاهی است چندساله به بلندی ۷۰ تا ۱۵۰ سانتیمتر با ساقه‌های زیرزمینی ضخیم و برگهای شمشیری رگه‌دار مساوی اندازه گل‌آذین و ساقه‌ای دوشاخه که هرشاخه حامل ۱ تا ۳ گل زردرنگ قیفی‌شکل درشت می‌باشد.
زنبق زرد گیاهی است رطوبت‌پسند و در استان گیلان و در کنار نهرها، استخرها، جویبارها و باتلاقهائی با آب شیرین می‌روید.
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۱۹

Jasminum fruticans :Oleaceae یاس زرد وحشی: تیره زیتون

درختچه‌ای است همیشه سبز یا نیمه خزان‌کننده به ارتفاع ۵۰ سانتیمتر تا ۲ متر با ساقه‌هائی از پائین منشعب و پرشاخه، با شاخه‌های سبز تیره‌رنگ و بدون کرک و برگهای متناوب سه برگچه‌ای به‌ندرت یک برگچه‌ای واژ تخم‌مرغی، مستطیلی یا مستطیلی- قاشقی‌شکل، گلهای زردرنگ فراوان و میوه سته آبدار کروی‌شکل که پس از رسیدن به رنگ سیاه تیره درمی‌آید.
این درختچه فقط در قسمتهای شمالی ایران در مناطق صخره‌ای خشک و بیشه‌زارهای خزان‌کننده و حاشیه مزارع و مراتع رشد می‌نماید. در استان گیلان در دره سفیدرود حوالی رودبار و منجیل در ارتفاعات دامنه‌ای کوهستانی می‌روید.

Jasminum officinale :Oleaceae یاس رازقی: تیره زیتون

درختچه‌ای است تقریبا بالارونده و پیچان با برگهای متقابل مرکب ۳ تا ۷ برگچه‌ای با برگچه‌های تخم‌مرغی- سرنیزه‌ای نوک‌دار و گلهای سفیدرنگ بسیار معطر و زیبا در گل آذین دیهیم انتهائی.
این درختچه در ایران در مناطق جنگلی شمال در مناطق جلگه‌ای می‌روید در استان گیلان نیز در حوالی لاهیجان، رشت تا

آستارا رشد و نمو و گسترش دارد. انواع پرورش‌یافته آن به نام یاس رازقی با گلهای سفید و بسیار معطر غالبا در منازل نگهداری می‌شود.

Juglandaceae: Juglans regia گردو: تیره گردو

درختی است به ارتفاع حد اکثر ۳۰ متر و تنه‌ای که گاه قطر آن به ۲/۵ متر نیز می‌رسد با تاجی کاملا گسترده و پرشاخ و برگ و برگهای شانه‌ای مرکب با تعداد ۵ تا ۹ برگچه، گلهای نر سنبله‌ای آویزان و گلهای ماده که به صورت خوشه‌های انتهائی کم‌گل غالبا بر روی شاخه‌های دوساله ظاهر می‌گردد. میوه گردو شفت ناشکوفا می‌باشد.
علاوه بر مصارف صنعتی چوب گردو که غالبا به علت داشتن رنگ تیره و نقشهای زیبای خود در صنایع نجاری و غالبا به صورت روکش مصرف می‌گردد، میوه آن نیز به مصرف تغذیه رسیده و پوست میوه آن نیز به علت داشتن ماده‌ای به نام Juglans در صنایع رنگرزی مورد استفاده قرار می‌گیرد.
این درخت در جنگلهای شمال ایران به صورت خودرو می‌روید و در باغها و منازل و سایر مناطق به خاطر محصول باارزش چوب و میوه آن غرس می‌شود.
قسمت مورد استفاده درخت گردو، برگ، قسمت گوشتدار میوه سبز، پوست ثانوی و چوب آن است.
از برگ و ریشه و میوه و پوست درخت گردو به طوری که اطبای قدیم گفته‌اند استفاده‌های درمانی مختلف به عمل می‌آمده است. مانند آن‌که از پوست این درخت برای دفع کرم و از مغز میوه آن (مغز گردو) جهت رفع مسمومیتها، آبسه کبدی، بیماریهای پوستی و همچنین دفع کرم و از پوشش میوه‌های نارس، جهت رفع آب‌ریزش چشم و از برگ درخت گردو برای دفع کرم کدو، درمان نقرس و جذام استفاده می‌شده است. در سال ۱۵۵۴ میلادی، «ماتیول» دانشمند گیاه‌شناس اغلب مداواهای قبلی را ناصحیح دانست و مغز گردوی تازه را تقریبا، بی‌ضرر اعلام داشت و مصرف قسمت گوشتدار گردوی نارس را برای تقویت معده و خیسانده گل‌آذین درخت را در شراب، برای رفع اسپاسمهای رحمی توصیه کرد. در اوائل قرن نوزدهم تدریجا مصرف برگ درخت گردو برای درمان خنازیر معمول و از سوی پزشکان توصیه شد. نیز در سال ۱۸۷۶ میلادی پروفسور Lutton ، برگ درخت گردو را داروی اختصاصی درمان سل و همچنین مننژیت سلی معرفی کرد. دکتر لکلرH Leclerc. که از اطبای بنام بود اعلام کرد که اثر درمانی برگ گردو را به علت دارا بودن تانن، نمی‌توان برای درمان سل انکار کرد. زیرا برگ درخت گردو با دارا بودن تانن و مواد مؤثر دیگر، بر روی دستگاه هضم و ماهیچه‌ها اثر مفید و تقویت‌کننده دارد.
علاوه بر خواص یاد شده، برگ درخت گردو در درمان ترشحات زنانگی و
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۲۰
پائین آوردن مقدار قند خون، ورم مفاصل، بیماریهای پوستی چون داء الصدف و اگزما نیز مفید و مؤثر است. در طب سنتی از برگ درخت گردو به عنوان تصفیه‌کننده خون و رفع نزله‌های مزمن دستگاه هضم استفاده می‌شود.
همچنین از برگ گردو و قسمت گوشتدار میوه سبز آن، به صورت دم‌کرده یا جوشانده می‌توان در لنفاتیسم، خنازیر و عوارض مختلف آن مانند عوارض استخوانی، مفصلی- استخوانی، ضایعات و چرکین شدن مجرای بینی و حلق، ورم غدد لنفاوی ناحیه گردن، اگزما، سل استخوانی و مفصلی، اولسرهای چرکین، فساد بافت استخوانی، آفت، ورم لوزه و غیره سود

جست. مقدار مصرف به صورت دم‌کرده ۱۵ تا ۲۰ گرم از برگ یا قسمت گوشتدار میوه در یک لیتر آب به میزان ۲ تا ۵ فنجان در روز و به صورت جوشانده ۱۵ تا ۳۰ برگ تازه در یک لیتر آب به مقدار ۲ تا ۵ فنجان در روز می‌باشد.

در استعمال خارج، جوشانده برگ درخت گردو اثر قاطع در رفع اولسرها، سردرد، سرمازدگی، بیماریهای پوستی و به صورت شستشو در رفع ترشحات زنانگی ظاهر می‌کند. به علاوه از برگ گیاه، لوسیونهائی جهت ورم ملتحمه چشم و به صورت غرغره برای رفع ورم لوزتین و درمان آنژین تهیه می‌شود.

گل‌آذین درخت گردو اثر قابض دارد و سابقا مصرف ۴ گرم گرد آن در شراب، برای رفع اسهال خونی و خونریزیهای رحمی، معمول بوده است. شیره قسمت سبز میوه گوشتدار گردو، در رفع زگیل و مداوای کچلی اثرات مفید ظاهر می‌کند. اگر چهارپایان مانند گاو، برگ درخت گردو را بخورند، شیر آنها خشک می‌شود.

جوشانده سرد حاصل از قطعات سبز و تازه میوه، رنگ قهوه‌ای به موی سر می‌دهد. اگر ماده رنگی برگ گردو و همچنین قسمت گوشتدار میوه سبز گردو و یا پوست شاخه‌های جوان درخت، به پارچه یا چرم و یا چوب اثر داده شود، رنگ قهوه‌ای مخصوص به آنها می‌بخشد. برگ تازه درخت گردو حشرات موذی مخصوصا بید و ساس را از بین می‌برد و دم‌کرده برگ این درخت مورچه‌ها را معدوم می‌سازد و اگر بر روی پوست دامها مالیده شود حشراتی مانند مگس را از آنها دور می‌کند.

ابو علی سینا نیز خواص علاوه بر خواص یاد شده، برای گردو قائل است.

وی می‌گوید: گردو گرم است و کسانی که معده‌ئی ضعیف دارند باید گردو را در سرکه پرورش دهند. مغز گردو را بخایند و بر دمل سودائی چرکین گذارند، داروی خوبی است. افشره برگ گردو را اگر به حالت نیمگرم در گوش چکانند چرک و ریم گوش را پاک می‌کند. روغن گردو داروی خوره و سرخی و ناسورهای گوشه چشم است. روغن گردوی کهنه درد گلو به بار آورد. گردو دیرهضم است و برای معده خوب نیست ... گردوی تازه و پوست‌کنده اگر با انجیر خورده شود پادزهر هرنوع سمی است.

سازوها: تیره سازو Juncus spp :Juncaceae

گیاهانی هستند چندساله علفی و غالبا دارای ساقه‌های زیرزمینی فراوان یا یکساله، با ساقه‌های متعدد و استوانه‌ای و عموما توده‌ای با برگهای همیشه سبز استوانه‌ای لوله‌ای توپر یا توخالی که در قاعده دارای غلافهای باز عموما قهوه‌ای روشن یا شاه‌بلوطی می‌باشند، برگهای عموما قاعده‌ای و در بعضی از گونه‌ها ساقه‌ای می‌باشند. گل‌آذین عموما انتهائی و گرزن غالبا متراکم و سرسان حامل گلهائی با گلپوشهای غشائی قهوه‌ای روشن یا تیره یا سبز علفی است. میوه‌های کپسول شکوفای آن حاوی دانه‌های بسیار می‌باشد.

سازوها گیاهانی هستند رطوبت‌پسند و آبدوست که عموما بر روی شنهای ساحلی، مردابها یا باتلاقهای آب شور یا شیرین، چمن‌زارهای مخروبه، حاشیه رودها یا چشمه‌سارهای کوهستانی می‌رویند. در استان گیلان نیز گونه‌های چندساله‌ای مثل J. littoralis ,J. inflexus ,Juncus acutus بیشتر در سواحل دریا در بندر انزلی و مردابهای پراکنده در سطح استان و گونه یکساله Juncus bufonius بیشتر بر روی شنهای ساحلی اطراف مرداب انزلی به فراوانی می‌رویند. سازوها گاهی توسط مردم محلی در صنایع دستی برای تهیه بعضی از لوازم منزل بکار می‌روند.

ارس (آربس): تیره سرو Juniperus excelsa :Cupressaceae

درختچه یا درختی است همیشه سبز به بلندی ۱۰ تا ۲۰ متر با تاجی گسترده و پهن که از نظر رنگ پوست و ضخامت شاخه‌ها و طرز قرار گرفتن آنها و اندازه میوه بسیار متنوع است، برگها عموما فلسی‌شکل متراکم و هم‌پوش و میوه‌ها مخروطی شبه‌کروی است.

ارس یکی از درختچه‌های همیشه سبز مناطق صخره‌ای و کوهستانی نیمه مرطوب تا نیمه خشک ایران است که با عطر و بوی خوش برگهای خود و همیشه سبز بودنش کاملا مشخص می‌باشد. در گیلان در دره سفیدرود (ناحیه رودبار و منجیل) همراه زربین به فراوانی دیده می‌شود.

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۲۱

Compositae: Lactuca scarioloides کاهوی وحشی (کاهو علف، کاهوی زبر): تیره کاسنی

گیاهی است علفی دوساله با ساقه‌ای راست، سفیدرنگ، صاف و بدون کرک به ارتفاع ۶۰ تا ۱۲۰ سانتیمتر، منشعب و شاخه‌دار در بخش فوقانی با برگهائی واژ سرنیزه‌ای، بدون بریدگی یا شانه‌ای بخش- نیش‌بری با ۴ تا ۶ لوب جانبی بدون کرک در سطح فوقانی و دارای خارهای کوچک در طول رگبرگهای سطح زیرین. گلهای زبانه‌ای زردرنگ آن به صورت مجتمع و کپه‌ای در گل‌آذینی پانیکول و پرشاخه و تقریبا دیهیم‌مانند قرار گرفته‌اند.

کاهوی وحشی در ایران در شیبهای صخره‌ای دامنه‌ای، حاشیه مزارع کشت شده یا آیش، کنار جاده‌ها، و باغها می‌روید. در استان گیلان در کنار جاده‌ها، بیشه‌زارهای مخروبه در دره سفیدرود، اطراف رشت، لاهیجان، انزلی تا آستارا و گاهی در کنار جاده‌های جنگلی می‌روید.

کاهوی خوراکی Lactuca sativa یکی از سبزیهای مهم غذائی است که به صورت روزمره تقریبا در غالب خانواده‌های شهرنشین به عنوان کاهوی سالادی مصرف داشته در غالب نقاط ایران از جمله در استانهای گیلان و مازندران کشت می‌گردد.

Labiatae: Lamium album گزنه سفید: تیره نعناع

گیاهی است علفی چندساله و غالبا دارای ساقه زیرزمینی و ساقه هوائی به بلندی ۱۷ تا ۶۰ سانتیمتر، راست یا برافراشته و چهارگوشه و غالبا ارغوانی رنگ. برگها تخم‌مرغی و عموما کرکدار یا بدون کرک. گلها به صورت چندتائی به تعداد ۲ تا ۱۰ عدد در محل گره‌ها قرار گرفته و سفیدرنگ می‌باشند.

گیاه فوق الذکر در استان گیلان با نام محلی کره گزنه شناخته شده است و بیشتر در مراتع و جنگلهائی که نور نسبتا فراوان دارند رویش می‌یابد. گزنه سفید در اطراف رودبار نیز به فراوانی دیده می‌شود و از گیاهان نیمه‌بومی گیلان است. از این جنس گونه یکساله Lamium purpureum در اطراف عمارلو و داماش و گونه Lamium amplexicaule با گلهای ارغوانی و برگهای ساقه‌آغوش خود عموما در اوایل بهار در غالب نقاط گیلان رویش می‌یابد.

گزنه سفید دارای اثر درمانی بوده در طب سنتی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

گزنه سفید گیاهی است خلط آور، مقوی و قابض. گزنه سفید، داروی شفابخشی در معالجه ترشحات سفید غیر طبیعی در زنان می‌باشد. همچنین در خونریزیهای مربوط به رحم مصرف گزنه سفید فوق العاده مفید و مؤثّر است دم‌کرده برگ گزنه سفید

در نارساییهای کبدی مخصوصا برای دختران جوانی که در قاعدگیهای سخت و دردناك مبتلا به ضایعات رحم می‌شوند، همچنین در مورد اسهالهای مزمن فوق العاده مفید و مؤثّر است. در فرانسه برگهای گزنه سفید را کوبیده، با غذای مرغان خانگی مخلوط می‌کنند و عقیده دارند که به این وسیله گوشت و تخم آنها تقویت می‌شود و درعین‌حال آنها از ابتلا به بعضی از امراض عفونی، مصون می‌مانند و نیز به گاوهای شیرده می‌دهند تا شیر آنها زیاد شود. دکتر تروسو در مورد حمله‌های نزله مختنق که با سرفه همراه باشد دستور می‌دهد یک دسته گیاه گزنه سفید را مثل تازیانه به بدن بزنند زیرا این عمل در معالجه بیمار مفید و سودمند است. در قدیم نیز به همین نحو رفتار می‌کردند و به آن «گزنه مالی» یا اورتیکاسیون Ortication می‌گفتند.

گزنه سفید شبیه به گزنه‌های معمولی است. منتها بین دمبرگ و ساقه آن گلهای سفیدی دارد و برگها و ساقه آن برخلاف گزنه‌های معمولی گزنده نیست. گذشته از آنچه که ذکر شد در کتاب زبان خوراکیها به‌طور کلّی در مورد گزنه آمده است که: ... گزنه معالج غانغرایا (گانگرن- مردگی اعضاء در اثر عفونتهای مزمن) می‌باشد. همچنین از جمله گیاهانی است که در گذشته پزشکان قدیم ایران در معالجه سرطان از آن سود فراوان می‌جسته‌اند. روی این

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۲۲

اصل در کتب طبّی قدیم فصولی فراوان از خواص گزنه جهت معالجه زخمهای چرکی و عفونی، زخمهای سرطانی و زخمهای خوره‌ای و عفونت رحم، مشاهده می‌گردد. نیز از خواص دیگر گزنه این است که ادرار را زیاد می‌کند و قند خون را پائین می‌آورد. در صنعت گونی‌بافی و بافتن طناب نیز از الیاف این گیاه استفاده می‌گردد. گزنه، سینه را باز می‌کند و لیزابه و خلط را از بین می‌برد، همچنین حیض را باز و شهوت را زیاد می‌کنند. گزنه سفید تنگی نفس را تسکین می‌دهد و خوردن برگ پخته آن با ماء الشعیر (جوشانده جو) جهت امراض سینه و تنگی نفس مفید و مؤثّر است. گذاشتن برگ کوبیده گزنه در سوراخ بینی، خون دماغ را بند می‌آورد. ضماد برگ آن جهت باز شدن دمل و قطع زگیل مخصوصا با عسل تجویز می‌گردد. این ضماد را جهت باز شدن پیچیدگی عصب نیز توصیه کرده‌اند. همچنین ضماد برگ گزنه با نمک جهت درمان گزیدن سگ هار قبل از رسیدن طبیب نافع است. پخته برگ این گیاه با روغن زیتون جهت ورم بناگوش توصیه شده است. مضمضه جوشانده گزنه جهت تقویت لثه و غرغره آن جهت ورم لوزه و ورم زبان کوچک نافع است. با خیساندن ریشه گزنه در الکل ۶۰ درجه و قرار دادن آن به مدّت ۱۵ روز در آفتاب، مایعی به دست می‌آید که مالیدن آن به سر از ریزش مو جلوگیری می‌کند.

سرشاخه گلدار و گل گزنه سفید اثر قابض، تصفیه‌کننده خون، مدر، صفرابر، مخدر، مفرح و التیام‌دهنده دارد و برای درمان بیماریهای مختلف مانند اسهالهای ساده، خونریها، اخلاط خونی، دفع دانه‌های جلدی اطفال، خنازیر، کم‌خونی، آب آوردن انساج، بیماریهای دستگاه تنفس و طحال، عدم دفع ادرار و ترشحات زنانگی مصرف می‌گردد.

مصرف شیره گیاه در دختران جوان مبتلا به کم‌خونی و خونریهای خارج از موعد قاعدگی و ترشحات زنانگی نتیجه مطلوبی داشته و در حبس البول و عدم دفع ادرار افراد مسن نیز مؤثّر است، در استعمال خارجی اثر دادن جوشانده آن بر روی عضو سبب دفع آماسها، تومورها، واریس و دردهای نقرس و بواسیر می‌گردد. پاشیدن گرد خشک گیاه بر روی زخمهای ملتهب به سرعت بهبودی کمک مؤثر می‌کند.

Lathyrus spp .:Leguminosae خلرها: تیره نخود

گیاهانی هستند یکساله یا چندساله با ساقه‌های بالارونده و برگهای شانه‌ای زوج، منتهی به پیچک یا بدون پیچک با برگچه‌هائی به تعداد ۱ تا ۵ جفت و غالبا یک جفتی، کامل و به اشکال سرنیزه‌ای، خطی یا تخم‌مرغی؛ با گلهای پروانه‌آسای سفید یا زرد یا بنفش منفرد یا خوشه‌ای محوری و میوه نیام باریک و خطی.
خلرها نیز به جز گونه کاشته شده خلر Lathyrus sativa همگی جزء علفهای هرز مزارع، زمینهای آیش، تاکستانها، مراتع و مناطق جنگلی دارای نور کافی می‌باشند.
در گیلان نیز چند گونه زیبای Lathyrus laxiflorus با گلهای بنفش، Lathyrus vernus با گلهای ارغوانی آبی‌شونده و Lathyrus roseus با گلهای ارغوانی متمایل به بنفش در مناطق جنگلی می‌رویند و گونه‌های چندی نیز در مزارع و باغها رویش می‌یابند که از آنجمله‌اند:

Lathyrus annus/ Lathyrus pratensis

Lathyrus aphaca/ Lathyrus rotundifolius

Lathyrus inconspicuus/ Lathyrus sphaericus

Lathyrus laxiflorus/ Lathyrus vernus

جل (چرم گیله، چرم لیوه، غارگیلاسی) Laurocerasus officinalis :Rosaceae: تیره گل سرخ

درخت یا درختچه‌ای است همیشه سبز به بلندی حد اکثر ۶ متر و برگهای بیضوی مستطیلی تا مستطیلی- واژ تخم‌مرغی چرمی بزرگ به رنگ سبز تیره و عطر بادام تلخ، گلهای خوشه‌ای محوری و میوه‌های شفت آبدار بنفش تیره یا کاملا سیاه‌رنگ.
این گیاه در استان گیلان عموما در جنگلهای انبوه با نور کم در زیر اشکوب درختان جنگلی رشد می‌نماید، اگرچه ارزش داروئی آن برای کشورهای اروپائی شناخته شده است لیکن در ایران مصرف داروئی چندانی ندارد و در سالهای اخیر در کنار خیابانها و پیاده‌روها به خاطر زیبائی خاص آن کشت می‌گردد. اگرچه در طب سنتی ایران ناشناخته است و لیکن در مداوای برخی از بیماریها نظیر تشنج، سرفه و تنگی نفس مؤثر می‌باشد. برگ آن حاوی اسید سیانیدریک بوده و سمی است.

برگ بو Laurus nobilis :Lauraceae: تیره برگ بو

درخت یا درختچه‌ای است همیشه سبز و معطر، گاه به ارتفاع ۲ تا ۱۵ متر با برگهای چرمی، مستطیلی- سرنیزه‌ای باریک تا تخم‌مرغی پهن با نوک تیز و لبه‌ای مواج.
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۲۳
اگرچه گیاه فوق الذکر بومی گیلان و سایر نقاط ایران نمی‌باشد و لیکن در سالهای اخیر به خاطر همیشه سبز بودن و بوی خوش و خواص داروئی متعددی که دارد مورد توجه قرار گرفته اغلب در پارکها و گاهی حاشیه پیاده‌روها و خیابانها کشت گردیده است.
برگ و میوه آن اثر داروئی داشته و از برگ آن به عنوان معرق و دفع نزله استفاده می کنند.
امروزه به عنوان چاشنی اغذیه و به‌منظور معطر ساختن برخی کنسروها و خیارشور به کار می‌رود. برگهای آن اثر بادشکن، قی‌آور، مدر، ضد تشنج و قاعده‌آور دارد. میوه آن به صورت خشک شده دارای اثر درمانی قوی‌تر از برگهاست و برای رفع

کم‌اشتهائی و ضعف معده به کار می‌رود، اسانس آن در صابون‌سازی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Lemna spp .:Lemnaceae عدسک آبی: تیره عدسک آبی

گیاهی است بسیار کوچک و شناور در آب با برگهای کوچک دایره‌ای یا مستطیلی تا تخم‌مرغی باریک فاقد ساقه و ریشه‌های ثابت که با جریانهای آبی حرکت کرده و نقل مکان می‌نماید. عدسکهای آبی عموما با تراکم زیاد در مردابها و باتلاقهائی با جریان ملایم آب یا راکد رشد می‌کنند. در استان گیلان در مرداب انزلی حد اقل دو گونه از آنها به نامهای L .trisulca و Lemna minor می‌رویند و مانند لایه‌ای سبزرنگ بر سطح آب شناورند.
علاوه بر عدسک آبی Spirodela polyrhiza با برگهای دایره‌ای تا تخم‌مرغی نامتقارن به رنگ سبز در سطح فوقانی و ارغوانی تیره در سطح زیرین و ریشه‌های فراوان سفیدرنگ در آبهای راکد و با جریان ملایم استان در مرداب انزلی و آبگیرهای اطراف رشت، فومن و صومعه‌سرا و کشتزارهای برنج می‌روید.
گیاه دیگری از این تیره به نام Wolfia arhiza مانند لکه‌های سبزرنگی با تراکم زیاد در سطح آبهای راکد استان رشد کرده و با جریانهای آب حرکت می‌کند.

Lepidium sativum :Cruciferae ترتیزک، تره‌تیزک: تیره شب‌بو

گیاهی است علفی یکساله با ساقه‌ای منفرد و راست به ارتفاع ۲۰ تا ۵۰ سانتی‌متر منشعب و پرشاخه در بالا با برگهای طوقه‌ای شانه‌ای- ربابی و دمبرگ بلند و برگهای ساقه‌ای یا دو بار شانه‌ای با طعمی تند. در رشت و اطراف آن به نام ککج شهرت دارد.
تره‌تیزک یکی از گیاهان کاشته شده در ایران است که برگ آن به مصرف تغذیه می‌رسد. این گیاه سریع الرشد که سرشار از ویتامین ث است در اغلب باغچه‌ها، و مزارع و گاهی در بشقابها و بر روی کوزه‌های گلی به عنوان زینتی در فصل بهار کشت می‌شود و در مغازه‌های سبزی‌فروشی به فروش می‌رسد.
تره‌تیزک ضد اسکوربوت، اشتهاآور، مدر، تصفیه‌کننده خون می‌باشد. به علت دارا بودن یک ماده میکروب‌کش (که در گونه دیگر مشهور آن یعنی بولاغ اوتی یا علف چشمه که در کنار چشمه‌ها و نهرها به‌طور خودرو می‌روید خیلی بیشتر است) در معالجه زخم روده و امراض داخلی و سرماخوردگی اثر معجزه‌آسائی دارد. همچنین به علت داشتن یک ترکیب گوگردی در اصلاح دستگاه تنفس تأثیر فراوان دارد و در مداوای سل ریوی، آسم، زکام و سیاه سرفه مورد استفاده قرار می‌گیرد. نوشیدن یک فنجان کوچک از آب تیره‌تیزک باعث دفع سموم بدن و انگلهای معده می‌شود. اطبای پیشین مخلوط آب این گیاه با روغن بادام شیرین یا روغن زیتون را برای درمان بندآمدن ادرار و درد کلیه و مثانه مؤثر می‌دانستند. تره‌تیزک ترشحات خارجی بدن، مثل شیر، عرق و ادرار را زیاد و به ترشحات داخلی نیز کمک می‌کند از این جهت مصرف این گیاه و گونه‌های دیگر آن را برای مداوای مرض قند، گواتر و بدبوئی عرق زیر بغل و تعفن رحم بانوان بیمار، توصیه و تجویز می‌کنند. تخم تره‌تیزک که به «حب الرشاد» معروف است اکثر خواص تره‌تیزک را دارا می‌باشد. جوشانده گرم آن قی‌آور است و بلغم را دفع می‌کند. ضماد آن جهت برطرف کردن کک- مک و جوشهای صورت توصیه شده است.
مؤلف «گیاهان داروئی» می‌نویسد: طبق بررسیهای جدید، چون مصرف تره‌تیزک، برقراری جریان خون را در شرائین قلب، به

علت اثر بازکننده مجاری عروقVaso -dilat که دارد همواره تأمین می‌نماید، مصرف آن در آنژین صدریAngine de poitrine مفید تشخیص داده شده است. به‌علاوه به عنوان اشتهاآور، مدر و تصفیه‌کننده خون بکار می‌رود. از شیره گیاه یا خیسانده آن در شراب، به عنوان مدر در آب آوردنHydropysie ، خیز عمومی بدن و غیر آن استفاده به عمل آمده و نتیجه مفید حاصل شده است. همچنین مصرف دانه آن به عنوان مقوی معده، خلط‌آور و قاعده‌آور توصیه شده است. از دانه تره‌تیزک در بعضی کشورها مانند حبشه، نوعی روغن استخراج می‌شود و یا از آن، در فرمول بعضی از گردهای حشره‌کش استفاده به عمل می‌آید. اگرچه مصرف تره‌تیزک از نظر درمانی، امروزه کمتر مورد توجه قرار دارد، با این همه به علت سرشار بودن از ویتامینهای آ، ب و ث همچنین مواد کانی فراوان مثل آهن، فسفر، ید، منیزیم، منگنز، مس، روی، آهک و گوگرد، هنوز به داشتن لقب سبزی تندرستی معروف و مورد توجه می‌باشد.

Ligustrum vulgare :Oleaceae برگ نو، مندارچه: تیره زیتون

درختچه‌ای است با ساقه‌های متعدد و پرشاخه به ارتفاع حد اکثر ۴ متر با برگهای تخم‌مرغی سرنیزه‌ای متقابل به رنگ سبز تیره و در شاخه‌های جوان به صورت متقابل متلاقی، بدون کرک و با لبه‌ای کامل. گلهای سفیدرنگ و کوچک خوشبوی آن در گل‌آذین گرزن- پانیکول انتهائی قرار گرفته‌اند. میوه شفت آبدار آن پس از رسیدن به رنگ سیاه درمی‌آید.

این درختچه در غالب نقاط معتدله و معتدله سرد، در خانه‌ها (به صورت پرچین)، باغها، باغچه‌ها، در پارکها و مناطق تفرجگاهی کشت گردیده به

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۲۴

اشکال گوناگون آن را آرایش می‌نمایند. در مناطق معتدله، نیمه خزان‌کننده بوده و در اغلب ماههای سال برگدار می‌باشد که با سبزی خود شادابی خاص می‌آفرینند.

این درختچه، بومی گیلان است و بیشتر در اطراف رشت، لاهیجان، انزلی و آستارا می‌روید.

Lilium ledebourii :Liliaceae سوسن چلچراغ: تیره لاله

گیاهی است پیازدار، پوشیده از فلسهای متعدد هم‌پوش برگی، فاقد پوشش پوستی با برگهای ساقه‌ای متعدد متناوب یا فراهم چرخه‌ای، سرنیزه‌ای نوک تیز. با ساقه‌ای به بلندی ۳۰ تا ۸۰ سانتیمتر و گلهای درشت و سفید یا سفید متمایل به زرد که بر روی گلبرگهای آن نقاط قهوه‌ای‌رنگ متعددی به چشم می‌خورد.

سوسن چلچراغ در ایران فقط در استان گیلان و در منطقه عمارلو و داماش می‌روید. سوسن چلچراغ گیاهی است بسیار زیبا و دارای ارزش زینتی قابل توجه.

Lonicera spp .:Caprifoliaceae پیچ امین الدوله: تیره بداغ

گیاهی است درختچه‌ای پرشاخه، بالارونده و پیچنده با برگهای متقابل به بلندی ۲ تا ۵ متر و گلهای سفید، سفید متمایل به زرد تا قرمزرنگ نامنظم دو لوبه با لوله‌ای بلند که به صورت دوتائی در محور برگها یا در انتهای شاخه‌ها قرار گرفته و دارای بوی بسیار خوش است.

گونه‌های چندی از این جنس در مناطق جنگلی شمال در بیشه‌زارها، حاشیه جاده‌ها و شیبهای تند حاشیه‌ای جاده‌های جنگلی رویش یافته و با گلهای سفید و خوشبوی خود جلب توجه می‌نمایند. به عنوان نمونه می‌توان از Lonicera iberica. L, nummulariifolia نام برد. معمولی‌ترین گونه آن‌که در غالب نقاط معتدله و معتدله سرد ایران کشت می‌شود و با نام پیچ امین الدوله و به غلط یاس شناخته می‌شودLonicera caprifolium است که با ساقه‌های فراوان پیچنده و بالارونده و گلهای بسیار معطر خود اغلب در حیاط منازل، پارکها و مناطق تفرجگاهی کشت می‌شود.

Leguminosae:. Lotus spp یونجه‌های زرد: تیره نخود

گیاهانی هستند چندساله علفی با ساقه‌ای برافراشته یا گسترده روی سطح زمین به ارتفاع حد اکثر ۴۰ سانتیمتر و با برگهای شانه‌ای پنج برگچه‌ای که دو برگچه آن در پای دمبرگ و در محل انشعاب از ساقه قرار گرفته و گوشواره‌مانند به نظر می‌رسد. گلهای زرد یا بنفش‌رنگ آنها معمولا به صورت توده‌ای چتری به تعداد یک تا چند عدد در محور برگها یا انتهای شاخه قرار گرفته‌اند. میوه نیام آنها به رنگ قهوه‌ای روشن است.
گونهLotus corniculatus با گلهای زرد شفاف خوشه‌ای و برگهای سبز تیره یا سبز روشن در چمن‌زارها، حاشیه مزارع و باغهای استان و گونهLotus gebelia با گلهای بنفش یا بنفش متمایل به سفید بیشتر در دره سفیدرود اطراف رودبار و منجیل در حاشیه جاده‌ها و مراتع دامنه‌ای رشد می‌نماید.

Solanaceae: Lycopersicum esculentum گوجه‌فرنگی (سورخه بادنجان، بادنجان فرنگی): تیره سیب زمینی

گیاهی است علفی یکساله با ساقه‌ای راست برافراشته یا خوابیده و گسترده روی سطح زمین با برگهای مرکب شانه‌ای فرد به رنگ سبز روشن تا تیره گلهای زردرنگ که به صورت منفرد یا گرزن چندتائی در محور برگها یا انتهای شاخه‌ها قرار گرفته‌اند. میوه سبز آن پس از رسیدن به رنگ قرمز در می‌آید.
گوجه‌فرنگی یکی از گیاهان زراعی معمولی ایران است و ارزش غذائی و داروئی آن بر کسی پوشیده نیست. گوجه‌فرنگی به صورت خام، پخته، ترشی، رب و ... در غذای روزمره ایرانیان دیده می‌شود و در استان گیلان نیز زراعت گوجه فرنگی بسیار رایج است. گوجه‌فرنگی خام سرشار از ویتامین ث می‌باشد و میوه آن خاصیّت قلیائی کردن خون را دارد و برای مبتلایان به سنگ کلیه و ورم مفاصل توصیه می‌گردد. افراد مبتلا به حساسیت (آلرژی) باید از خوردن آن پرهیز کنند.

Lythraceae: Lythrum salicaria

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌های بلند و پرشاخه به ارتفاع ۲۰ تا
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۲۵
۱۸۰ سانتیمتر. با برگهای تخم‌مرغی یا سرنیزه‌ای باریک و گلهای ارغوانی‌رنگ در گل‌آذین سنبله‌ای که در چرخه‌های ۳ تا ۸ تائی و در انتهای ساقه قرار گرفته‌اند.
این گیاه در مناطق مرطوب حاشیه رودها و نهرها و بستر رودها و مردابها و باتلاقها همراه گیاهانی هم‌چون نی و لوئی و تاج ریزی رشد می‌نماید.

در استان گیلان در اغلب نقاط مرطوب مثل مرداب انزلی و مرداب امیر کلایه می‌روید. خاصیت داروئی این گیاه در رفع اسهالهای ساده به تازگی شناخته شده است.

Magnolia spp :Magnoliaceae ماگنولیاها: تیره ماگنولیا

درخت یا درختچه‌هائی هستند همیشه سبز یا خزان‌کننده با برگهای متناوب و ساده بدون لوب و کامل که در جوانی به وسیله غلافی دربرگرفته شده‌اند.
گلهای آنها غالبا درشت و زیبا و به رنگهای سفید تا قرمز است.
ماگنولیای تابستانه M. grandiflora با برگهای چرمی و سبز روشن، زیبا و همیشه سبز در غالب نقاط ایران و در استان گیلان نیز در حیاط منازل، پارکها و تفرجگاهها کشت شده و گلهای سفید و درشت آن در فصل تابستان ظاهر می‌گردد.
ماگنولیای زمستانه M. soulangiana با برگهای خزان‌کننده و سبز و کرک‌دار خود دارای گلهای ارغوانی یا قرمز درشتی است که معمولا در فصل بهار، از اوائل فروردین تا اردیبهشت و قبل از پیدایش برگها ظاهر گشته و زیبائی خاصی دارند.
این درختچه در استان گیلان در حیاط منازل، پارکها و تفرجگاهها غرس می‌شود.

Malus orientalis :Rosaceae سیب: تیره گل سرخ

درخت یا درختچه‌ای است بدون خار و گاهی با شاخه‌های کم‌وبیش خاردار و برگهای خزان‌کننده به اشکال گوناگون بیضوی، تخم‌مرغی، واژ تخم‌مرغی یا شبه کروی، با گلهای سفید متمایل به صورتی در گل‌آذین دیهیم ۴ تا ۶ گلی. میوه آن سیب دارای لایه‌های متعدد غضروفی چندپره‌ای در مرکز است که دانه‌ها را دربر می‌گیرند.
درخت سیب در جنگلهای شمال کشور و در کنار نهرها و حاشیه جاده‌های جنگلی و مکانهایی که دارای نور بیشتر هستند گاه به صورت وحشی و خودرو می‌روید.
سیب میوه‌ای است شناخته شده که باغهای وسیعی از انواع اصلاح شده آن در ایران ایجاد شده و یکی از ارقام صادراتی کشور ما محسوب می‌گردد. در طب گیاهی از پوست و برگ درخت سیب و میوه آن برای درمان برخی از بیماریها استفاده می‌شود. از جمله پوست درخت سیب قابض و برگ آن مدر و آرام‌کننده است. میوه آن برای مبتلایان به بیماری قند بسیار مفید است و در رفع کم‌خونی و از بین بردن اسید اوریک و تصفیه خون نیز تأثیر قابل توجهی به جا می‌گذارد.

Malva sylvestris :Malvaceae پنیرک: تیره پنیرک

گیاهی است دو ساله یا چندساله با ساقه‌ای راست یا برافراشته و منشعب از پائین و برگهای کم‌وبیش دایره‌ای و ۵ تا ۷ لوبه با حاشیه‌ای کنگره‌ای.
گلهای قرمز یا صورتی‌رنگ آن گروهی و خوشه‌مانند در محور برگها یا در انتهای شاخه‌ها قرار دارند.
پنیرک به صورت علف هرز در مزارع، باغها، حاشیه جاده‌ها و مکانهای باز دارای نور کافی رشد کرده. در استان گیلان نیز در باغها، مزارع زراعی و حاشیه مزارع می‌روید.
جنبه‌های داروئی پنیرک برای اغلب مردم ایران شناخته شده است. از این گیاه برای درمان ناراحتیهای سینه، بیماریهای ناشی از

التهاب و تورم اعضاء، تحریکات اعضاء مختلف بدن مانند تحریکات دستگاه گوارش، مجاری ادرار، مجاری تنفسی، نزله‌های ششی و برونشها، سرفه، برونشیت، التهاب مخاطهای بدن به‌طور کلی، استفراغ و اخلاط خونی، ورم لوزتین، آنژینها، بیماریهای کلیه و مثانه، سرخک، مخملک و آبله و رفع یبوست اطفال و افراد مسن استفاده می‌شود. ریشه و برگ له شده پنیرک را به صورت پماد و مرهم برای درمان التهابهای سطحی بدن و جوشهای صورت و دانه‌های جلدی بکار می‌برند.
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۲۶

Medicago spp .:Leguminosae یونجه‌ها: تیره نخود

گیاهانی هستند یکساله یا چندساله، علفی با برگهای سه برگچه‌ای و غالبا دندانه‌دار با گلهای منفرد یا خوشه‌ای محوری به رنگهای زرد یا بنفش و میوه‌های نیام ناشکوفای مارپیچی و غالبا در گونه‌های یکساله، خاردار و راست یا هلالی و کوتاه در گونه‌های چندساله.
انواع یونجه‌ها نیز مانند شنبلیله و شبدر از گیاهان مدیترانه‌ای بوده در استانهای گیلان و مازندران دارای پراکنش قابل توجه می‌باشند و غالبا در مناطق دشتی ساحلی و در دره سفیدرود می‌رویند. از مهمترین انواع یونجه‌ها می‌توان گونه‌های زیر را نام برد:

Medicago minima/ Medicago rigidula

Medicago polymorpha/ Medicago radiata

گونه چندساله Medicago sativa یا یونجه معمولی یکی از گیاهان کاشته شده و علوفه‌ای مهم بوده و اغلب در مناطق روستایی مراتع ییلاقی کشت می‌گردد.

Melia azedarach :Meliaceae زیتون تلخ (شاله‌زیتون، شاله‌پستانه، شال‌سنجد، سنجد تلخ) تیره زیتون تلخ

درخت یا درختچه‌ای است به چوب معطر و ساقه‌ای برافراشته و راست، در بالا منشعب و پرشاخه به بلندی ۲ تا ۵ متر با برگهای متناوب مرکب شانه‌ای، گلهای معطر، منظم، نر و ماده و بنفش یا ارغوانی‌رنگ آن در گل‌آذین پانیکول محوری قرار گرفته‌اند. میوه‌های شفت گوشتی کروی آن پس از رسیدن به رنگ زرد درآمده و شبیه زیتون می‌باشد.
زیتون تلخ درختی است که در غالب نقاط استان گیلان در باغها، حاشیه جاده‌ها و جلگه‌های جنگلی دیده می‌شود و هنگام گل دادن شبیه چتری به رنگ بنفش زیبایی خاصی دارد.
اگرچه در طب سنتی ایران زیتون تلخ مصرف ویژه‌ای ندارد، اما می‌توان از پوست آن به عنوان مقوی، نیرودهنده، قابض، تب‌بر، ضد اسکوربوت و ضد کرم استفاده کرد. مصرف زیاد آن موجب مسمومیت می‌شود. پوست آن برای درمان بیماریهای مختلف ناشی از کمبود ویتامین ث و تبهای شدید و تب نوبه توصیه می‌گردد. برگ آن در استعمال خارجی بر روی محل دردناک روماتیسم اثر مسکن دارد.

Melilotus officinalis :Leguminosae اکلیل الملک: تیره نخود

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌ای منشعب و پرشاخه به ارتفاع ۴۰ تا ۲۵۰ سانتیمتر و برگهای سه برگچه‌ای و دمبرگ‌دار و

دندانه‌ای با گلهای زردرنگ خوشه‌ای طویل و میوه نیام ناشکوفای کوچک.
گیاه مذکور یکی از علفهای هرز مناطق مختلف ایران بوده، اغلب در حاشیه مزارع، باغها، کنار جاده‌ها و پیاده‌روها و مزارع آیش می‌روید. در استان گیلان نیز در دره سفیدرود، اطراف رودبار و منجیل، عمارلو و مناطق مختلف جلگه‌های پست ساحلی رشد می‌نماید.
برای مصارف داروئی سرشاخه‌های گلدار گیاه که حاوی کومارین، اسید ملیلوتیک، تاننها و مواد رنگی فلاونها هستند بکار می‌روند. این مواد نفوذپذیری مویرگها را کاهش داده و خون را رقیق می‌کنند، مصرف بیش از حد آنها مسمومیت داده ایجاد خونریزی، سردرد، سرگیجه و تهوع می‌نماید.
سرشاخه گلدار گیاه اثر آرام‌کننده، مدر و هضم‌کننده دارد.
دم‌کرده آن در رفع تحریکات عصبی، بی‌خوابیهای ناشی از بیماریهای مختلف، بیخوابیهای اطفال، احساس اضطراب و سرگیجه، دردهای عصبی، میگرن، دردهای روماتیسمی، عدم دفع ادرار، التهاب و ورم کلیه و مثانه، سوء هضم، قولنجهای کبدی و غیرو دارد. در استعمال خارجی به صورت مرهم و پماد برای رفع دردهای روماتیسمی، جمع شدن شیر در پستان و رفع جوشهای صورت بکار می‌رود.

Melissa officinalis :Labiatae فرنجمشگ (بارنگبو، بارنگبویه، بادر، بادرونه، ترنگان، ترنجان) تیره نعناع

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌ای راست و شاخه‌دار به بلندی ۲۸ تا ۹۵ سانتی‌متر و برگهای تخم‌مرغی پهن تا بیضوی قلبی‌شکل و دندانه‌دار.
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۲۷
چرخه‌های حاوی گلها متشکل از ۴ تا ۱۲ گل زرد کم‌رنگ سفیدشونده و گاهی دارای رگه‌های پنیرکی است.
فرنجمشگ گیاهی است بسیار معطر و خوش‌بو که در گیلان با نامهای محلی بارنگبو، بارنگبویه، بادر، عاشق‌تره، نازبوی، بادرونه، ترنگان و ترنجان شناخته می‌شود. در غالب نقاط استان به ویژه در جنگلهای تنک، بیشه‌زارها در شیبهای صخره‌ای، سنگلاخها، کنار نهرها و جاده‌ها می‌روید. خواص داروئی آن را اکثر مردم می‌شناسند. اخیرا در منابع و کتابهای داروئی از گیاه فوق- الذکر با نام بادرنجبویه یاد شده است که صحیح نیست و بادرنجبویه به Dracocephalum moldavica گفته می‌شود که گیاهی است کشت شده در ایران و در آذربایجان شرقی و غربی به مقیاس وسیع کشت می‌گردد و عرق آن به نام محلی عرق بادرشبی مصرف می‌گردد.
بادرنجبویه از گیاهان دارویی مهمی است که از زمان قدیم، مصارف درمانی زیادی داشته است. از بادرنجبویه عرقی می‌گیرند که به نام عرق بادرنجبویه معروف است و اگر محل گزش عقرب، مار، زنبور و یا حیوانات زهردار دیگر را با آن بشویند سودمند خواهد بود.
شیخ الرئیس ابو علی سینا در کتاب قانون، بادرنجبویه را در ردیف داروهای مقوی قلب قرار داده و آن را در علاج بیماریهای بلغمی و سودایی، مفید دانسته و از آن به عنوان گیاهی شادی‌آور، توان‌بخش قلب، علاج خفقان، داروی سکسکه و خوشبوکننده دهان یاد کرده، دکتر علی زرگری در کتاب «گیاهان داروئی» می‌نویسد:
«بادرنجبویه دارای اثر نیرودهنده، ضد تشنج، مقوّی معده، بادشکن و هضم‌کننده است. اسانس آن دارای خاصیّت ضد تشنج و

آرام‌کننده با اثری قاطع می‌باشد، مشروط بر آنکه به مقادیر کم و درمانی به کار رود. این اسانس رنگ زرد و بوی بسیار مطبوع شبیه به بوی لیمو دارد و در فراورده‌های داروئی مختلف مصرف می‌شود.» بادرنجبویه در منازل نواحی شمال ایران، بطور خودرو می‌روید و از آن برای رفع ناراحتیهای هضمی، نفخ، رفع استفراغ زنان باردار و سردردهای یکطرفه (میگرن) استفاده به عمل می‌آید. بادرنجبویه را به عربی «مفرّح القلب المحزون» گویند لذا برای رفع ناراحتیهای روحی از قبیل حزن، اندوه، نگرانی، افسردگی و کابوس بسیار مفید است. مؤلّف کتاب گیاه درمانی سنتی «گلستان شفا» می‌نویسد: بنا به نظر جمهور پزشکان اسلامی چون ابن سینا و حکیم مؤمن، مصرف بادرنجبویه، مقوی قلب و زیادکننده اعمال حیاتی بدن بوده، برای درمان خستگیهای روحی، بی‌حوصلگی، کج‌خلقیها، تندخوئیهای دختران جوان، عصبانیت، حالت مالیخولیائی، هیستری، طپش قلب، سرگیجه، سردردهای با منشأ عصبی، سنکپ (توقف ناگهانی قلب)، ضعف قلب، ضعف حافظه، احساس صداهای مبهم در گوش، درد دندان، تأخیر قاعدگی دختران و زنان ضعیف اثر شفابخش دارد. قسمت مورد استفاده این گیاه، سرشاخه‌های گلدار گیاه یا منحصرا برگهای بدون دمبرگ آن است.

جهت استفاده باید ۲ تا ۳ قاشق غذاخوری از گیاه خشک را در ۱/۵ لیوان آب جوش دم کرد یا جوشانید و صبح و ظهر و شب یک فنجان با کمی قند مانند چای میل کرد و این عمل را تا رفع ناراحتیهای خود ادامه داد.

Mentha aquatica :Labiatae پونه آبی، سوسنبر: تیره نعناع

گیاهی است چندساله، علفی، با بوی بسیار تند و غالبا به رنگ صورتی روشن و ساقه‌های رونده روی زمینی سبز یا ارغوانی‌رنگ و ساقه گل‌دهنده‌ای به بلندی حد اکثر ۹۰ سانتیمتر و برگهای تخم‌مرغی تا تخم‌مرغی- سرنیزه‌ای.

گیاه فوق الذکر در استان گیلان بیشتر در کنار آبراهه‌ها، حاشیه رودها، جویبارها و دره‌های جنگلی دارای آب دائمی و مناطق مرطوب حوالی مردابها و باتلاقها می‌روید. در فصل بهار قبل از رویش دیگر سبزیها گاهی سرشاخه‌های جوان آن مورد استفاده قرار می‌گیرد. خواص داروئی چندی به شرح زیر دارد: از دم کرده سرشاخه‌های آن برای رفع بی‌اشتهائی، ناراحتی معده، گاز شکم، اسهال و تشنجات و غیره استفاده می‌شود.

Mentha longifolia :Labiatae پونه، پودنه (پینه): تیره نعناع

گیاهی است علفی چندساله با کرکهای گوناگون و بوی تند و بسیار شدید با ساقه‌های زیرزمینی پوشیده از برگهای فلس‌مانند و ساقه گل‌دهنده‌ای به بلندی ۴۰ تا ۱۲۰ سانتیمتر. برگها بدون دمبرگ یا دارای دمبرگهای کوتاه، مستطیلی بیضوی تا مستطیلی- سرنیزه‌ای، گلها در گل آذین سنبله‌ای متشکل از چرخه‌های متراکم و نزدیک به هم قرار گرفته‌اند و رنگ آنها بیشتر بنفش یا سفید است. گیاه فوق الذکر معمولا در سراسر استان در مناطق مرطوب حاشیه جویبارها و مردابها و باتلاقهای دارای آب شیرین رشد می‌نماید و گاهی در فصل بهار که شاخه‌های آن جوان و دارای برگهای نازک و ظریف است به

عنوان سبزی خوردن مصرف می‌شود. عرق پونه نیز به عنوان گیاه داروئی برای عموم مردم شناخته شده است و برای درمان نفخ و دفع ناراحتیهای معده و درمان بی‌اشتهایی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Labiatae: Mentha pulegium خال‌واش، کوت‌کوتی: تیره نعناع

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌ای راست یا گسترده روی زمین به بلندی ۱۰ تا ۴۰ سانتیمتر و برگهای بیضوی باریک با قاعده‌ای باریک‌شونده تا شبه دایره‌ای و دمبرگ بسیار کوتاه. گلها به رنگ بنفش در چرخه‌های چندتائی بر روی محور گل‌آذین قرار گرفته و گل آذین شبه سنبله‌ای می‌باشد.

این گیاه که بوئی بسیار تند دارد در غالب نقاط استان در مناطق مرطوب رشد می‌نماید و با نامهای محلی خال‌واش یا کوت‌کوتی برای غالب مردم گیلان شناخته شده است و در فصل بهار به عنوان سبزی خوردن در بازار سبزی‌فروشها فروخته می‌شود. خال‌واش دارای خواص داروئی به شرح زیر است: بادشکن، محلل، صفرابر، خلط‌آور، ضد نزله و ضدعفونی‌کننده. برای درمان سیاه‌سرفه، آسم، هیستری، نفخ، نقرس بکار رفته و قاعده‌آور است. در رفع نزله‌های ششی مفید بوده و با مصرف آن سرفه آرام می‌گردد. چون اثر محرک صفرا دارد هضم را نیز آسان می‌کند.

Rosaceae: Mespilus germanica ازگیل (کونوس): تیره گل سرخ

درختچه‌ای است خاردار (بعضی از انواع کشت‌شده آن بدون خار) به بلندی ۲ تا ۳ متر و ساقه‌ای شاخه‌دار و به رنگ قهوه‌ای با برگهای سرنیزه‌ای تا واژ تخم‌مرغی، با لبه‌ای کامل یا دندانه‌ای ریز. گلهای آن سفید است و میوه‌ای قهوه‌ای‌رنگ و ترش‌مزه می‌دهد.

ازگیل در استان گیلان در غالب نقاط، در حاشیه جاده‌ها، باغها، مزارع، بیشه‌زارها، نهرها و رودخانه‌ها و جنگلهای متروکه رشد می‌نماید، انواع پیوندی و اصلاح شده آن نیز در بعضی نقاط همراه سایر درختان مثمر کشت می‌گردد و میوه آن در فصل پائیز در غالب میوه‌فروشیها فروخته می‌شود.

ازگیل را در شمال بیشتر به اسامی ترشه‌سر، کنس، کنوس، کندس، فطر و فطر می‌شناسند. در کتابهای طبی قدیم نام آن «زعرور کبیر» ثبت شده است.

میوه درخت ازگیل از نظر ترکیبات شیمیائی دارای مقداری تانن، قند، اسید مالیک و اسید سیتریک است. از جوشانده برگ ازگیل محلولی به دست می‌آید که برای درمان ورم مخاط گلو و انواع بیماریهای چرکی گلو به صورت غرغره استفاده می‌شود. میوه نارس ازگیل و شربتی که از برگ و میوه نارس آن تهیه می‌شود برای درمان ورم روده و جلوگیری از اسهالهای شدید مؤثر است. در قدیم غالبا درویشان از درخت ازگیل چوبدستی تهیه می‌کردند و معتقد بودند تماس این چوب با دست خواص فراوان دارد. طبق مندرجات کتاب خوردنیهای شفابخش یکی از پزشکان معاصر اروپائی معتقد است اگر زنان باردار گردنبندی از چوب ازگیل به گردن بیاویزند از سقط جنین مصون می‌مانند. برگ و ریشه درخت ازگیل را اگر خشک کرده به صورت گرد درآورند، سپس آنرا در شراب طبی گرم ریخته صبح ناشتا میل کنند تبهای مالاریائی را درمان خواهد کرد. میوه ازگیل به علت دارا بودن مقدار قابل توجهی ویتامین «ب» برای تقویت اعصاب مفید است؛ برای معالجه کم‌خونی، نقرس، دفع سنگ کلیه و دردهای استخوانی کمتر نیز مؤثر می‌باشد. جهت درمان این قبیل امراض بیشتر از هسته ازگیل استفاده می‌شود بدین طریق که هسته ازگیل را در آفتاب خشک می‌کنند، سپس آن را کوبیده به صورت گرد درمی‌آورند و با شراب سفید مخلوط می‌کنند. محلول به دست آمده را پس از بیست و چهار ساعت، صبح ناشتا می‌نوشند و درمان را دو تا سه هفته ادامه می‌دهند.

Moraceae: Morus alba توت، درخت توت (توته‌دار): تیره توت

درختی است یک پایه یا دو پایه با ساقه‌ای قطور و ارتفاعی تا ۳۰ متر با شاخه‌های بسیار و شیرابه‌ای شیری‌رنگ و برگهای تخم‌مرغی تا تخم‌مرغی پهن با نوکی تیز یا دراز و قاعده‌ای قلبی‌شکل و بدون تقسیم، یا لوب‌دار.
میوه توت کاملا شناخته شده است و به علت داشتن ساکارز توسط مبتلایان به بیماری قند مصرف می‌گردد؛ به عنوان خشکبار و آجیل نیز در غالب قنادیها و آجیل‌فروشیها بفروش می‌رسد. چوب توت به سبب مقاومت زیاد در برابر پوسیدگی دارای ارزش ویژه‌ای در صنایع کشتی‌سازی است. از سوی دیگر در گیلان اهمیت زیادی برای درخت توت قائل هستند زیرا این استان مرکز پرورش کرم ابریشم است و برگ درخت توت نیز غذای اصلی کرم ابریشم محسوب می‌شود، به همین جهت در اغلب شهرستانهای استان باغهای وسیعی از درختان توت دایر شده است. در ضمن درخت شاه‌توت Morus nigra نیز در غالب نقاط استان صرفا به علت میوه‌اش کشت می‌گردد و میوه سیاه‌رنگ و خوشمزه آن به مصرف تغذیه می‌رسد.
از نظر طب سنتی میوه توت، چه سفید و چه سیاه و چه خشک و چه تازه، ملیّن، مدرّ و مصلح خون است و خشکی دماغ را برطرف می‌کند. کبد و طحال
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۲۹
را تقویت می‌کند و همچنین مقوّی نیروی جسمی و جنسی است.
توت سفید به عقیده ابو علی سینا: «گرم و تر و توت ترش شامی (شاه توت)، مایل به سردی و رطوبت است.» همچنین توت سفید دارای کمی از ماده البومینوئید، مواد چربی، پکتین و سقّز است و سرشار از مواد قندی گلوکز، املاح معدنی، تانن و اسید سوکسینیک و ویتامینهای آ و ث می‌باشد.
میوه خشک توت سفید با این‌که شیرین است برای مبتلایان به مرض قند ضرری ندارد و مبتلایان به چاقی هم می‌توانند از آن استفاده نمایند. جوشانده پوست، ریشه و برگ درخت توت ادرار را زیاد می‌کند و شیره برگهای آن تب‌بر و التیام‌بخش زخمها و جراحات است.
به گفته ابن سینا: «اگر برگ توت را با برگ تاک و برگ انجیر سیاه در آب باران بپزند، موی را سیاه کند.» یعنی خضاب مؤثر و خوبی است.
آب ریشه درخت توت مسهلی قوی است، مخصوصا اگر اول شب آن را تیغ بزنند و تراویده‌های شب را جمع کنند. این آب جهت درد دندان و باز شدن پیله آن، همچنین باز شدن دمل مفید است. صمغ پوست درخت توت نیز همین خاصیت را دارد. مضمضه جوشانده برگ درخت یا جویدن صمغ آن، برای محکم کردن لثه مفید است و از کرم‌خوردگی دندان جلوگیری می‌کند. عصاره برگ توت ضد سم قوی است و ضماد میوه کال آن با سرکه جهت مداوای ترکیدگی و شکاف پوست بدن بکار می‌رود.
کاربرد داروئی میوه و برگ توت هم جایگاهی خاص در طب سنتی ایران دارد. پوست، ریشه و برگ درخت توت مدر هستند؛ شیره برگ آن تب‌بر و التیام‌دهنده و دافع کرم است و میوه‌اش اثر ملین دارد؛ در بیماریهای سینه از آن استفاده می‌شود، سرشار از ویتامین آ و ث است.

Haloragaceae: Myriophyllum spicatum

گیاهی است علفی چندساله و آبزی شناور یا غوطه‌ور در آب با ساقه‌های فراوان و غالبا به صورت توده‌ای و انبوه و کاملا سبزرنگ، با برگهای فراهم متشکل از ۳ تا ۶ قطعه شانه‌ای- درفشی.
این گیاه خاص مناطق رویشی دارای آب شیرین مانند حاشیه دریاچه‌ها، رودها و کانالهای آب با جریان ملایم می‌باشد.
در استان گیلان بیشتر در مرداب انزلی روئیده و پناهگاه مناسبی برای زندگی لاروماهیها و سایر آبزیان محسوب می‌گردد.

Myrtus Communis :Myrtaceae مورد: تیره مورد

درختچه‌ای است همیشه سبز با برگهای چرمی ساده و متقابل و معطر به ارتفاع حد اکثر ۱/۵ متر و پرشاخه و توده‌ای و بدون کرک و گلهای سفید و زیبای پرپرچم. و میوه‌های سته‌ای شبه کروی تا بیضوی پهن که به هنگام رسیدن سیاه‌رنگ می‌گردد.
مورد برای ایرانیان مظهر سبزی و شادابی است و در اکثر نقاط ایران رشد کرده حتی در بعضی از شهرها از جمله شیراز در حاشیه خیابانها کشت گردیده است. در استان گیلان در منطقه رودبار و منجیل در دره سفیدرود می‌روید. از نظر مصارف داروئی ضد عفونی‌کننده و دافع کرم است.
مورد مقوی معده، نیرودهنده و قابض است؛ میوه مورد برای درمان بیماریهای دستگاه تنفس و سرفه و مجاری ادرار بکار می‌رود. همچنین در موارد ضعف عمل دستگاه هضم، اسهال، ترشحات زنانگی و خونرویها مورد استفاده قرار می‌گیرد. اسانس مورد اثر ضدعفونی‌کننده، بندآورنده خون و آرام‌بخش دارد.

Nasturtium officinale :Cruciferae ره‌تیزک آبی، بولاغ‌اوتی، علف‌چشمه: تیره شب‌بو

گیاهی است علفی چندساله و آبزی با ساقه‌های رونده که در محل بندها ایجاد ریشه‌های فراوان می‌نماید. ساقه آن به بلندی حد اکثر ۹۰ سانتیمتر می‌رسد و برگهای شانه‌ای آن دارای ۳ تا ۷ جفت برگچه مستطیلی- بیضوی
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۳۰
جانبی و برگچه انتهائی شبه دایره‌ای و با دندانه‌های نامنظم است. تره‌تیزک آبی دارای طعم تند می‌باشد.
تره‌تیزك یکی از گیاهان داروئی است و معمولا در جریان آبهای شیرین و چشمه‌ها می‌روید. برای مصارف داروئی سرشاخه و برگ گیاه به صورت تازه مصرف می‌گردد و دارای خاصیت تصفیه‌کننده خون، نیرودهنده، مدر، اشتهاآور، مقوی معده و آرام‌کننده دردهای عصبی است. برای درمان بیماریهای ریه، سل، بیماریهای معده، یرقان، روماتیسم، نقرس، بیماریهای کلیه، طحال و کبد مورد استفاده قرار می‌گیرد. سرشاخه‌های تازه بولاغ اوتی سرشار از ویتامین آ، ث و ای است.

Nelumbium caspicum :Nymphaceae لاله مردابی، ثعله‌باقلی: تیره نیلوفر آبی

گیاهی است آبزی با ساقه‌های زیرزمینی غوطه‌ور و برگهای سپری‌شکل بزرگ به قطر ۲۰ تا ۵۰ سانتیمتر شناور یا هوائی، دم‌گلهای بلند آن حامل یک گل درشت با گلپوشهای خارجی گلبرگ‌آسای ریزان و درونی گلبرگ‌آسای متعدد به رنگ قرمز است و دانه‌های آن در میان طبقی (نهنجی) چوب‌پنبه‌ای قرار گرفته که پس از رسیدن سیاه‌رنگ می‌گردند.
شعله‌باقلی یکی از گیاهان زیبای استان گیلان (مرداب انزلی و مرداب امیرکلایه) است که در اوائل تابستان به گل نشسته و یکی از مناظر زیبا و دیدنی استان را بوجود می‌آورد. دانه‌های آن در حالت سبز و نارس گاهی توسط مردم بومی به عنوان

خوراکی مصرف می‌شود.

Nepeta cataria :Labiatae نوعی نعناع: تیره نعناع

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌ای راست به بلندی ۵۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر، در بخش فوقانی پرشاخه، برگهای تخم‌مرغی و گل‌آذین سنبله‌مانند، متشکل از گلهای بسیار زیاد متراکم سفیدرنگ.
گیاه فوق الذکر بیشتر در اراضی مرتعی و جنگلهای دارای نور فراوان استان رشد می‌کند.
اثرات داروئی آن شناخته شده نیست. می‌توان از جوشانده سرشاخه‌های آن برای مداوای ناراحتیهایی که ریشه عصبی دارد مثل میگرنها و غیره استفاده نمود زیرا گیاه اثر تسکین‌دهنده دارد. هم‌چنین جهاز هاضمه را تحریک و عادت ماهانه را تسهیل می‌نماید.

Nerium oleander :Apocynaceae خرزهره: تیره خرزهره

درختچه‌ای است با ساقه‌ای غالبا منشعب و پرشاخه از پائین، گاهی دارای ساقه‌ای مشخص به ارتفاع ۲ تا ۴ متر، شیرابه‌دار با برگهای چرمی همیشه سبز متقابل یا فراهم، اغلب فراهم سه‌تائی، بیضوی‌شکل باریک و نوک‌تیز.
گلهای سفید یا قرمز درشت و قیفی‌شکل آن در گل آذین محوری یا انتهائی گرزن قرار گرفته و میوه برگه آن حاوی دانه‌هائی است که دارای کرک فراوان می‌باشد.
خرزهره درختچه‌ای است که در غالب نقاط گرمسیری و معتدله ایران رشد می‌کند، ولی گونه فوق الذکر دارای گلهای پرپر بوده به صورت زینتی در پارکها، بلوارها، حاشیه خیابانها، حیاط منازل و گلدانها کشت می‌گردد.

Nicotina tabacum :Solanaceae تنباکو، توتون (پاپروس): تیره سیب‌زمینی

گیاهی است علفی یکساله، پوشیده از کرکهای چسبناک، با ساقه‌ای به ارتفاع حد اکثر ۱۵۰ سانتیمتر و برگهائی با دمبرگ بلند و پهنگی تخم‌مرغی- بیضوی بزرگ. جام گل بزرگ لوله‌ای، قیفی‌شکل زرد یا زرد متمایل به ارغوانی آن غالبا در انتهای شاخه‌ها در گل‌آذینی سنبله‌ای قرار گرفته و میوه کپسول آن ایجاد دانه‌های بسیار می‌نماید.
توتون در استان گیلان یکی از گیاهان زراعی است که در غالب نقاط جلگه‌ای زراعت شده و برگهای آن برای تهیه توتون و تنباکو به مصرف می‌رسد.
توتون دارای الکالوئید نیکوتین است و خواص داروئی چندانی ندارد. به صورت لوسیونهای مختلف جهت دفع حشرات بکار می‌رود. پماد حاصل از برگ توتون برای دفع کچلی، سودا، اولسرهای عفونی و دفع شپش سر بکار می‌رود.

Nymphaea alba :Nymphaceae نیلوفر آبی سفید: تیره نیلوفر آبی

گیاهی است آبزی و دائمی با برگهای بزرگ قلبی‌شکل شناور در سطح آب

و گلهای سفیدرنگ درشت که غالبا توسط کاسبرگهای سبزرنگ و سرنیزه‌ای‌شکل و غالبا ریزان دربرگرفته می‌شود.
این گیاه در غالب برکه‌ها و باتلاقهای استان گیلان در اطراف بندر انزلی رشت، لاهیجان، زیباکنار و مرداب امیرکلایه دیده می‌شود و اهمیت آن به علت زیبایی خاصی است که با گلهای شناور و سفیدرنگ و درشت خود ایجاد می‌نماید.
قسمتهای مختلف نیلوفر آبی مخصوصا ساقه‌های آن اثر قابض و نیرودهنده دارد. گلهای آن تا حدودی تخدیرکننده است. طب سنتی این گیاه را از داروهای مؤثر برای تسکین قوای جنسی می‌داند و شربتی را که از ریزوم و گل نیلوفر آبی تهیه شده باشد برای رفع اشتهای جنسی به ویژه در زنان تجویز می‌کند. این شربت در مداوای ناراحتیهای عصبی و بی‌خوابی نیز مؤثر است.
دم‌کرده گل نیلوفر آبی نیز دارای همین آثار است و جهت درمان بیماریها و ناراحتیهای ذکر شده مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Nuphar lutea :Nymphaceae نیلوفر آبی زرد: تیره نیلوفر آبی

گیاهی است آبزی و دائمی با برگهای بزرگ قلبی‌شکل شناور در سطح آب و گلهای زردرنگ و درشت که کاسبرگهای آن نیز به رنگ زرد بوده و با دم گل نسبتا بلندی از سطح آب بالاتر می‌ایستد. اهمیت آن بیشتر به علت زیبایی رنگ گلهای آن است.
این گیاه در غالب مناطق برکه‌ای و باتلاقی استان رویش دارد.

Nymphoides spp .:Gentianaceae تیره قنطوریون

گیاهانی هستند چندساله آبزی با ساقه‌های زیرزمینی شناور یا رونده و برگهای دمبرگدار یا بدون دمبرگ. غالبا شناور در آب با گلهای سفید یا زردرنگ کوچک با دمگل برافراشته، دسته‌ای و گروهی و به‌ندرت منفرد.
جنس فوق دارای گونه‌هایی به نامهایNymphoides peltata با گلهای زرد و برگهای متقابل وNymphoides indicum با گلهای سفید و برگهای منفرد می‌باشد که هردو گونه در استان گیلان در برکه‌ها، باتلاقها و استخرهای آب اطراف لاهیجان، رشت و بندر انزلی رشد می‌نمایند.

Ocimum basilicum :Labiatae ریحان: تیره نعناع

گیاهی است یکساله علفی با ساقه‌ای راست و پرشاخه به بلندی تا یک متر و برگهای تخم‌مرغی تا مستطیلی تقریبا بدون کرک یا دارای کرکهای غده‌ای منقوط و دمبرگ بلند و گلهای چرخه‌ای تا شش تایی سفید یا صورتی‌رنگ بر روی محور گل‌آذین.
گیاه فوق الذکر یکی از گیاهان زراعی گیلان بوده و در مزارع و باغها به عنوان سبزی خوردن کشت می‌گردد و نیز یکی از سبزیهایی است که معمولا در فصل تابستان در کنار هرسفره‌ای دیده می‌شود.
دم‌کرده سرشاخه‌های آن اثر ضد تشنج، نیرودهنده، مقوی معده و مدر دارد.
مصرف آن برای رفع سردردهای یکطرفه، سردردهای عصبی، تقویت عمل دستگاه هضم، از بین بردن نفخ، سرگیجه، دل‌پیچه، سرفه، آنژین و سیاه‌سرفه توصیه می‌گردد. ریحان اثر زیادکننده شیر دارد. دانه ریحان لعاب فراوان داشته و نرم‌کننده است و در رفع ورم کلیه و ترشحات زنانگی مورد مصرف قرار می‌گیرد، کلیه قسمتهای گیاه اثر مؤثر جهت دفع التهابهای نزله‌ای دستگاه مجاری ادرار دارد. اسانس ریحان در صنایع عطرسازی و ساخت بخور و در صنایع غذایی به عنوان ماده معطر بکار می‌رود.

Onagraceae: Oenothera biennis گل مغربی

گیاهی است دوساله با کرکهای پراکنده و ساقه‌ای راست به ارتفاع ۱۰ تا ۱۵۰ سانتی‌متر، برگهای سرنیزه‌ای متناوب و گلهای منظم سنبله‌ای برگدار در انتهای شاخه‌ها که با گلبرگهای زردرنگ شفاف خود زیبائی خاصی را به وجود می‌آورد. گلهای این گیاه غالبا در هوای تاریک و نیمه روشن باز و در نور شدید آفتاب بسته می‌شود، به همین علت آن را گل مغربی می‌نامند. این گیاه در استان گیلان بر روی شنهای ساحلی بین رشت و انزلی تا آستارا رویش می‌یابد و نوع اصلاح شده و پرورش یافته آن در مناطق معتدله و معتدله سرد در باغچه‌ها کشت می‌شود.

از دانه این گیاه روغنی به نام Onager به دست می‌آید که در درمان نارسائی تغذیه، مسمومیتهای ناشی از الکل، تصلب مغز و نخاع و همچنین رفع خشکی پوست مورد استفاده قرار می‌گیرد.

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۳۲

Oleaceae: Olea europaea زیتون: تیره زیتون

درختی است با تنه‌ای راست و برافراشته و تاجی پرشاخه و گسترده با برگهای چرمی همیشه سبز به ارتفاع تا ۱۰ متر و برگهای متقابل ساده، سرنیزه‌ای تا واژ تخم‌مرغی به رنگ سبز تیره و بدون کرک در سطح فوقانی و خاکستری یا نقره‌ای پوشیده از کرکهای شوره‌سری در سطح زیرین، گلهای معطر سفید یا سفید متمایل به زرد در گل‌آذین پانیکول در محور برگها یا انتهای شاخه‌ها و میوه سته‌ای گوشتی که به هنگام رسیدن سیاه‌رنگ می‌گردد و لیکن غالبا به صورت سبزرنگ مورد استفاده قرار می‌گیرد.

درخت زیتون ابتدا در آسیای صغیر (ترکیه) شناخته شد و اکنون در اکثر نقاطی که دارای آب و هوای مدیترانه‌ای هستند غرس می‌شود، ولی سرما را تا هشت درجه زیر صفر تحمل می‌کند. عده‌ای معتقدند وطن اصلی زیتون ایتالیاست و برخی نیز سوریه و سواحل مدیترانه غربی را زادگاه اصلی زیتون می‌دانند. روغن زیتون در سراسر جهان مورد استفاده است. میوه زیتون نیز به صورتهای مختلف مصرف خوراکی و درمانی دارد. می‌گویند درخت زیتون هزار سال عمر می‌کند و برخی نیز عمر این درخت را تا دو هزار سال می‌رسانند. این درخت بعد از چهار سال ثمر می‌دهد. رودبار گیلان مهمترین محل پرورش زیتون در ایران است به طوری که برای مشخص ساختن این محل از سایر نقاط که رودبار نام دارند آنرا رودبار زیتون می‌نامند.

روغن زیتون غیر از مصارف خوراکی مصرف داروئی نیز دارد و مخصوصا برای لینت مزاج در طب سنتی و طب جدید تجویز می‌شود. روغن زیتون به دو صورت خام و پخته مصرف می‌شود؛ خام آن را در انواع سالادها می‌ریزند و در برخی از نقاط مخصوصا مناطق پرورش درخت زیتون روغن آن را برای سرخ کردن مواد غذائی به کار می‌برند. روغن زیتون سرشار از ویتامین «آ» و املاح معدنی مخصوصا پتاسیم است.

در طب سنتی خواص بسیاری برای زیتون ذکر شده است.

در عصاره آبی برگهای زیتون ماده‌ای وجود دارد که موجب کاهش فشار خون می‌شود. پوست درخت زیتون نیز مصارف طبی دارد و مانند پوست درخت گنه‌گنه تب‌بر است. جویدن برگ زیتون برای درمان زخمهای دهان مؤثر است. از دم‌کرده شاخه و برگ و میوه و ریشه زیتون برای درمان سردرد و میگرن و سرگیجه استفاده می‌کنند. شستشوی دهان و لثه‌ها با آب و نمکی که زیتون در آن پرورده شده است برای استحکام لثه‌ها و دندان مفید می‌باشد.

صمغ درخت زیتون را در طب سنتی برای تقویت حافظه و درمان سرفه‌های مزمن تجویز می‌کردند. میوه زیتون را اگر با فشار معتدلی نرم کنند، اوّلین روغنی که از آن گرفته می‌شود موسوم به روغن فشار اوّل یا روغن بکر و دست نخورده می‌باشد که برای مصارف داروئی باید منحصرا از آن استفاده شود.
اگر میوه‌های زیتون را قبل از روغن‌گیری تخمیر کنند و سپس روغن آنرا بگیرند، روغنی که از آن بدست می‌آید موسوم به روغن تخمیر شده می‌باشد و طعم آن زیاد مطبوع نیست.
بالاخره اگر تفاله‌های زیتون را با آب جوش و داغ مخلوط کنند و فشار دهند، روغن پستی از آن بدست می‌آید که موسوم به روغن جهنّم می‌باشد و آن را در صابون‌سازی به کار می‌برند.
روغن زیتون داروی ضدّ سمّ است و خاصیّت آن در این مورد معروف می‌باشد. بدین ترتیب که وقتی خورده شود سموم را در خود حلّ کرده، به علاوه جدار روده و معده را اندود خواهد کرد تا سموم نتوانند به خون راه یابند. از خواص شگفت‌انگیز دیگر روغن زیتون این است که اگر صبح ناشتا خورده شود کمک به کبدهای تنبل می‌کند و کیسه صفرا را به فعّالیّت واداشته، از تولید و تکثیر میکروبها در امعاء جلوگیری می‌نماید. همچنین برای اشخاصی که از درد کبد می‌نالند داروی شفابخش ممتازی است.
به علاوه روغن زیتون در دفع سنگهای صفراوی، رفع یبوستهای مزمن، قولنجهای ناشی از نفریت (التهابات و ضایعات کلیوی) و مسمومیتهای ناشی از سرب مخصوصا برای کارگران چاپخانه‌ها که با حروف سربی سروکار دارند، بسیار مفید و مؤثّر است. [۳]

کتب طبی انتزاعی (فارسی) ؛ ج۳ ؛ ص۴۳۲
ز روغن زیتون برای درمان انسداد روده ناشی از یبوستهای مزمن، بیماریهائی که ایجاد التهاب در دستگاههای داخلی می‌نماید اثری مفید دارد؛ و بالاخره از روغن زیتون می‌توان در رفع آفتاب‌زدگی، گزش مار و حشرات استفاده به عمل آورد و حتی معتقدند که اگر به ملایمت بر روی پوست بدن مالیده شود در درمان استسقاء و آب آوردن انساج اثرات نیکو ظاهر می‌نماید.
در کتاب «قانون» آمده است:
«... همه نوع از روغن زیتون تن را توان بخشد. جنبش را زیاد کند.
پالاینده است ... روغن زیتون وحشی موی را نگه می‌دارد و نمی‌گذارد زود سفید شود امّا به شرطی که هرروز استعمال کنند. روغن زیتون نارسیده وحشی، در علاج قرحه تر، قرحه خشک، گری مفید است ... روغن زیتون شسته داروی درد پی و عرق النّسا (سیاتیک) است. کسانی که نقرس دارند با روغن زیتون کهنه جای نقرس را بیندایند نفع بینند ... روغن زیتون کال با معده سازگار است ... زهرخورده اگر روغن زیت را با آب گرم بخورد با اینکه دلش
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۳۳
بهم می‌خورد ولی از قوّت سمّ می‌کاهد ...».
در تاریخچه استفاده درمانی از روغن زیتون چنین مندرج است که مردمان قدیم برای حفظ سلامت خود، روغن زیتون را پس از خروج از حمّام به بدن خود می‌مالیدند و جنگجویان نیز قبل از زورآزمائی، بدنهای برهنه خود را به روغن زیتون آلوده می‌کردند. در زمان حاضر روغن زیتون در فورمول عدّه بسیاری از فرآورده‌های داروئی مانند پمادها و فرآورده‌های زیبائی وارد شده است.

پوست و برگ درخت زیتون، دارای طعم تلخ و اثر مدر، مقوّی، قابض، تب‌بر و کم‌کننده فشار خون است. دو خاصیّت اخیر بیشتر در برگ زیتون وجود دارد.
بررسیهای مارتزMartz در سال ۱۹۳۸ نشان داد که جوشانده برگ درخت زیتون اثر قاطع، در کم کردن فشار خون دارد و چون تأثیر آن در ۸۰ درصد از مبتلایان مثبت بوده، بدین جهت می‌توان از آن برای کم کردن فشار خون استفاده کرد.
میوه رسیده و یاقوتی‌رنگ زیتون، مقوّی معده و زهکش دستگاه گوارش است و اشتها را زیاد می‌کند. نیروی جنسی را تقویت می‌نماید. زیاده‌روی در خوردن میوه پرورده آن در آب نمک، باعث لاغری و بی‌خوابی می‌گردد. ضماد گوشت میوه رسیده زیتون از پوسته‌پوسته شدن و شوره سر جلوگیری می‌کند.
ضماد میوه نارس آن جهت سوختگی از آتش و مالیدن آن با پیه و آرد گندم جهت رفع سفیدی ناخن و بخور میوه مزبور با هسته جهت تنگی نفس و امراض ریوی سودمند می‌باشد.
علاوه بر آنچه ذکر گردید، آب میوه زیتون نیز جهت درمان داء الثّعلب (موخوره و گری) و داء الحیه (فلس‌فلس شدن پوست) اثری نیکو دارد.

Leguminosae: Onobrychis michauxii نوعی اسپرس: تیره نخود

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌های متعدد به بلندی ۳۰ تا ۷۰ سانتیمتر، برافراشته و راست با برگهای مرکب شانه‌ای ۴ تا ۹ جفت برگچه‌ای تخم‌مرغی یا بیضوی با گلهای سفید یا سفید متمایل به زرد خوشه‌ای پرگل محوری یا انتهائی و میوه‌های نیام شبه دایره‌ای کرکدار پوشیده از خارهای کوتاه و تیغالی.
اسپرس در ایران دارای گونه‌های متعدد بوده رایج‌ترین آنهاOnobrychis sativa است که با نام فارسی اسپرس به سبب خاصیت علوفه‌ای قابل توجه آن در غالب نقاط کشت می‌گردد. و لیکن گونه فوق الذکر یکی از گیاهانی است که در فصل بهار در دره سفیدرود در اطراف رستم‌آباد تا رودبار و منجیل و عمارلو به فراوانی دیده می‌شود و با گلهای سفید یا سفید متمایل به زرد خود زیبائی خاصی به منطقه می‌دهد.
گلهای اسپرس در فاصله ماههای اردیبهشت تا اوائل تیر ظاهر می‌شود و چون نوش فراوان دارد زنبور عسل را به سوی خود جلب می‌کند. دانه‌های آن خاصیت معرق دارد.

Labiatae: Origanum vulgare مرزنگوش: تیره نعناع

گیاهی است علفی چندساله به بلندی حد اکثر ۱۰۰ سانتیمتر و در بخش فوقانی پرشاخه، برگها دمبرگ‌دار یا تقریبا بدون دمبرگ، تخم‌مرغی، بیضوی تا گرد؛ پوشیده از کرکهای غده‌ای منقوط؛ گلها در چرخه‌های چندتائی بر روی محور گل‌آذین و یا اغلب گلها به صورت سنبله‌ای بر روی شاخه‌های متعدد قرار گرفته‌اند؛ رنگ گل اغلب سفید و گیاهی ارغوانی یا صورتی است.
گیاه فوق الذکر در استانهای گیلان و مازندران در مناطق جنگلی با نور فراوان در شیبهای صخره‌ای آهکی و غیر آهکی و بیشه‌زارها در حاشیه جاده‌های با شیب تند رویش می‌یابد. این گیاه خواص داروئی متعددی داشته در طب سنتی از آن استفاده‌های متعدد به عمل می‌آید. سرشاخه گلدار گیاه اثر نیرودهنده داشته و در ردیف مقویهای تلخ قرار دارد چون خاصیت

مدر، مقوی، مسکن اعصاب و قاعده‌آور و ملین دارد در بیماریهای مختلف توصیه می گردد.
مصرف دم‌کرده آن برای درمان سرفه، نزله‌های مزمن، آسم مرطوب، زردی، درد گلو، دردهای عصبی، آب آوردن انساج، تأخیر حالت قاعدگی، دردهای ماهانه زنان، ضدعفونی‌کننده، خلط‌آور و ضد تشنج به کار می‌رود. این گیاه در رابطه با بی‌اشتهائی، ناراحتیهای هاضمه یا صفراوی و اسهال مؤثر است.

Oxalis corniculata :Oxalidaceae شبدر ترشک (تورشه‌واش، زردگله): تیره شبدر ترشک

گیاهی است یکساله یا چندساله با ساقه‌های متعدد و برگهای سه برگچه‌ای، و برگچه‌های واژقلبی و عمیقا چالدار؛ گلهای زردرنگ آن به صورت منفرد یا چندتائی و چترمانند در محور برگها قرار گرفته و در حالت میوه برگشته است، میوه کپسول آن استوانه‌ای، کشیده و پوشیده از کرکهای متراکم می‌باشد.
گیاه فوق الذکر به صورت علف هرز در مناطق جلگه‌ای و باز استان گیلان در اطراف رشت، بندر انزلی، لاهیجان و آستارا به فراوانی می‌روید.
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۳۴

Paeonia wittmanniana :Paeoniaceae گل صدتومانی: تیره گل صدتومانی

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌ای منشعب به ارتفاع حد اکثر ۱ متر و برگهای قاعده‌ای متناوب دو بار سه‌تائی و برگهای فوقانی سه‌تائی یا دو بار سه‌تائی و گلهای عموما زرد یا کرم‌رنگ و درشت با پرچمهای زیاد و میوه چند برچه‌ای فولیکول که پس از شکوفائی زیبائی خاصی دارد.
گل صدتومانی یکی از گیاهان جنگلی شمال ایران بوده در استان گیلان در جنگلهای میان‌بند تا ارتفاعات مناطق مختلف از جمله اسالم- خلخال، لاهیجان- سیاهکل و دیلمان- فومن می‌روید.

Paliurus spina –christi :Rhamnaceae سیاه‌تلو (سیاتلی، سه‌بور، کرکت): تیره کنار

درختچه‌ای است خزان‌کننده خاردار با ساقه‌ای منشعب و شاخه‌دار و عموما سیاه‌رنگ به ارتفاع ۲ تا ۳ متر، با برگهای متناوب تخم‌مرغی به رنگ سبز روشن تا سبز تیره یا گوشواره‌ای خاردار، گلهای کوچک زرد رنگ در گل‌آذین گرزن تنک و میوه خشک و سخت آن کروی شکل فشرده و بالدار به رنگ زرد که پس از رسیدن قهوه‌ای روشن یا تیره‌رنگ می‌شود.
سیاه‌تلو درختچه‌ای است که در غالب نقاط خشک و جنگلهای مخروبه و بیشه‌زارها، دره‌های عمیق و مناطق متروکه و نقاط روشن و پرنور می‌روید و در استان گیلان در دره سفیدرود، در کنار جاده رشت- انزلی و آستارا و مناطق مخروبه جلگه‌ای دیده می‌شود.
این گیاه از قدیم الایام مورد شناسائی مردم بوده و از آن استفاده‌های درمانی به عمل می‌آمده است. در گذشته به عنوان قابض، مقوی، مدر و ضد نزله مصرف می‌شد و ریشه و برگ آن جهت درمان نزله و اسهال بکار می‌رفت.
میوه گیاه به طوری که در کتب علمی و داروئی جدید منعکس است، دارای اثر مدر و دفع‌کننده اوره اسید اوریک خون است و از آن می‌توان جهت کاهش کلسترول و فشار خون و رسوبهای ادراری نیز استفاده نمود. از پوست ساقه گونه‌ای از سیاه‌تلو،

در آمریکای شمالی به صورت چای استفاده می‌شود که به نام چای نیوجرسی شهرت دارد. به سیاه‌تلو در منطقه وسیعی از گیلان قره‌تیکان (خارسیاه) و در طوالش بورتیکان (خارزرد)، چنگل و سیه‌بور گفته می‌شود.

Papaveraceae: Papaver spp شقایقها، کوکنارها: تیره خشخاش

گیاهانی هستند یکساله، دوساله یا چندساله به ارتفاع ۱۰ تا ۹۰ سانتیمتر با برگهای شانه‌ای بریده یا شانه‌ای بخش و گلهای منفرد یا خوشه‌ای اغلب به رنگ قرمز و کاسبرگهای سریعا ریزان و میوه کپسول که حاوی دانه‌های بسیار زیاد می‌باشد. به‌طور کلی این دسته از گیاهان به صورت علف هرز در مزارع و باغها کنار جاده‌ها و پیاده‌روها می‌رویند.

اغلب سریع الرشد بوده در فصل بهار تا اواخر اردیبهشت و اوایل خرداد گل و میوه داده از بین می‌روند. گل آنها زیبائی خاصی داشته و اغلب مورد توجه مردم قرار می‌گیرد.

گونه‌های چندی از این جنس به نامهای Papaver Orientale, Papaver arenarium و Papaver tenuifolium در استان گیلان می‌رویند.

Utricaceae: Parietaria officinalis تیره گزنه

گیاهی است علفی چندساله به ارتفاع حد اکثر ۱۰۰ سانتیمتر و ساقه‌ای راست و گاهی در بخش فوقانی شاخه‌دار. برگهای تخم‌مرغی- سرنیزه‌ای تا تخم‌مرغی یا بیضوی و گلهای فاقد گلبرگهای رنگی که به صورت خوشه‌ای در محور برگها قرار گرفته‌اند.

این گیاه خاص استانهای گیلان و مازندران بوده و در مناطق جنگلی شمال در کف جنگل، کنار نهرها و گاهی در باغها به صورت علف هرز می‌روید.

گیاهی است داروئی و لیکن در تمام ایران کاملا ناشناخته می‌باشد و در هیچ یک از عطاریها و مغازه‌های فروش داروی سنتی دیده نمی‌شود. از دم‌کرده سرشاخه گیاه جهت دفع کلیه بیماریهای مجاری ادرار که دارای حالت التهابی باشد می‌توان استفاده نمود. همچنین برای درمان ورم کلیه، کمی دفع ادرار، ورم مثانه، آب آوردن انساج و استسقاء بکار می‌رود.

گونه دیگری از این گیاه با نام فارسی گوش موش Parietaria judaica با ساقه‌های انبوه و فشرده به هم غالبا در شکاف صخره‌ها و در ارتفاعات مراتع، در کنار جاده‌ها و مناطق دارای نور کافی می‌روید.

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۳۵

Hamamelidaceae: Parrotia persica انجیلی (هیزم‌دار، توئی، تویه، دمیرانجیلو، دمیرآغاجی، انجول، آسوندار): تیره انجیلی

درختچه یا درختی است خزان‌کننده با ساقه‌ای عموما قهوه‌ای تیره یا قهوه‌ای متمایل به قرمز به بلندی ۱۵ تا ۲۵ متر با تاجی گسترده و منشعب و تنه‌ای که گاهی از پائین چندشاخه بوده و به طرق گوناگون درهم تنیده و به هم گره می‌خورد و نقشهای زیبایی را می‌آفرینند. برگهای آن متناوب بیضوی و گلهای کوچک آن در گل‌آذینی سرسان و به تعداد ۲ تا ۶ عدد در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. میوه کپسول چوبی آن دارای دو دانه قهوه‌ای‌رنگ شفاف و بدون کرک می‌باشد.

انجیلی یکی از درختان جنگلی شمال ایران بوده در استانهای گیلان و مازندران در مناطق جنگلی متروکه می‌روید. چون آن فاقد ارزش صنعتی است و دارای سختی و سنگینی خاصی است به طوری که در نجاری قابل استفاده نیست و فقط برای تبدیل به زغال مناسب است.

Geraniaceae:. Pelargonium sp شمعدانیها: تیره شمعدانی

گیاهانی هستند چندساله علفی با ساقه‌های گوشتی، راست یا رونده و پیچان و گاهی چوبی با برگهای متقابل به اشکال گوناگون و با بوی خوش، گلهای زیبا و متنوع آن با رنگهای گوناگون سفید، صورتی، قرمز، بنفش و قرمز متمایل به بنفش عموما در گل‌آذین دیهیم و چتری‌شکل محوری یا انتهائی قرار گرفته‌اند.
شمعدانیها در ایران گیاهانی کاشته شده هستند و در غالب نقاط سرد و معتدله سرد در حیاط منازل، باغچه‌ها و گلدانها کشت و پرورش داده می‌شوند.
در استان گیلان انواع آن را به عنوان زینتی در باغچه‌ها و گلدانها نگهداری می کنند. تعداد گونه‌های شمعدانی در جهان از ۲۳۰ گونه متجاوز است و انواع دورگ و هیبرید آن نیز بسیار زیاد و متنوع است.
از معمولی‌ترین انواع آن در ایران می‌توان از شمعدانی پیچ Pelargonium zonale شمعدانی عطری Pelargonium graveolens و شمعدانی معمولی نام برد.

Rosaceae: Persica vulgaris هلو: تیره گل سرخ

درخت یا درختچه‌ای است با ساقه برافراشته و راست و غالبا پرشاخه به ارتفاع حد اکثر ۵ متر و شاخه‌های جوان بدون کرک با برگهای سرنیزه‌ای- بیضوی تا سرنیزه‌ای کشیده و گلهای ارغوانی تا قرمز، به‌ندرت سفیدرنگ، غالبا منفرد یا چندتائی در انتهای شاخه‌های کوچک و میوه شفت آبدار که عموما پوشیده از کرکهای فراوان بوده به اشکال کروی و تخم‌مرغی، به رنگهای خاکستری متمایل به زرد تا قرمزرنگ و با هسته‌ای قرمزرنگ با حفره‌های بسیار. ارزش اقتصادی میوه هلو بر کسی پوشیده نیست و جنبه‌های داروئی آن کاملا شناخته شده است.
هلو در اکثر نقاط ایران از جمله گیلان نیز کشت می گردد و یکی از میوه‌های پیش‌رس تابستانی محسوب می گردد.
پوست درخت هلو تب‌بر و ضد کرم بوده، گل آن مسهل و مدر است، میوه هلو ملیّن و نفاخ است. میوه آن برای بهداشت پوست مؤثّر می‌باشد.

Umbelliferae: Petroselinum crispum جعفری: تیره جعفری

گیاهی است دوساله بدون کرک با ساقه‌ای راست و به ارتفاع ۵۰ تا ۸۰ سانتی‌متر و برگهای شانه‌ای بدون کرک با قطعات واژ تخم‌مرغی- گوه‌ای تا سرنیزه‌ای- خطی با لوبهای عمیق و غالبا معطر.
گلهای زردرنگ این گیاه در گل‌آذینی چتری در انتهای شاخه‌ها قرار گرفته‌اند.
این گیاه در نقاط مختلف ایران کشت می‌شود. در استان گیلان نیز وارد زراعت شده و اغلب در باغچه‌ها و مزارع کشت می گردد و به عنوان یکی از سبزیهای خورشتی مصرف می گردد.

ریشه جعفری اثر مدر و اشتهاآور دارد. جوشانده ریشه و به‌طور کلی تمام قسمتهای گیاه در موارد آب آوردن انساج، خیز عمومی بدن، سنگ کلیه، اختلالات دستگاه هضم، نفخ، زردی، بیماریهای کبد، طحال، تنگی نفس، ترشحات زنانگی، قطع حالت قاعدگی در زنان جوان و بیماریهای جلدی مصرف می گردد. میوه جعفری خواصی شبیه ریشه آن دارد. له شده گیاه در رفع انسداد مجاری شیر، ضرب‌خوردگی و خون مردگی بکار می‌رود.

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۳۶

Phaseolus vulgaris :Leguminosae لوبیا: تیره نخود

گیاهی است علفی یکساله با ساقه‌ای برافراشته یا بالارونده و پیچان با برگچه‌های تخم‌مرغی تا تخم‌مرغی- دایره‌ای. نوک‌دراز. دارای گلهای سفید، صورتی یا ارغوانی پروانه‌آسای خوشه‌ای و میوه نیام با دانه‌های متعدد.

لوبیا یکی از گیاهان زراعی بوده، در غالب نقاط ایران به خصوص گیلان و مازندران کشت می گردد. و آن را به صور مختلف تازه با نام لوبیا سبز، کنسرو، دانه‌های رسیده و ... مصرف می کنند. میزان مواد غذائی و پروتئین موجود در لوبیا بسیار زیاد است. میوه سبز لوبیا، ساقه و دانه نارس آن اثر مدر و معالج بیماری قند دارد. از جوشانده نیام لوبیا می‌توان در موارد آب آوردن انساج، روماتیسم مزمن، سیاتیک، نقرس، بیماریهای کلیه و مثانه، ورم حاد و مزمن مفاصل و دانه‌های جلدی نیز استفاده کرد. در معالجه بیماریهای قلب و گردش خون، تیفوئید، آلبومینوری زنان باردار و در کلیه بیماریهای مزمن مجاری ادرار، حتی سنگ کلیه و نقرس نیز قابل استفاده می‌باشد.

Physalis alkekengi :Solanaceae عروسک پشت پرده، کاکنج: تیره سیب‌زمینی

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌های زیرزمینی خزنده و رونده و ساقه‌ای ساده یا شاخه‌دار راست به ارتفاع ۳۰ تا ۹۰ سانتیمتر با برگهای تخم- مرغی کامل دمبرگدار و گلهای سفید رنگ محوری و منفرد کوچک با میوه‌ای سته‌ای نارنجی قرمزرنگ شفاف که در پوسته‌ای مشبک و شفاف شبه کروی به رنگ قرمز یا نارنجی متمایل به قرمز دربرگرفته می‌شود و از رشد کاسبرگ به وجود می‌آید.

عروسک پشت پرده در ایران به ویژه در استانهای گیلان و مازندران و مناطق جنگلی و حاشیه رودها می‌روید و گاهی به صورت علف هرز در باغها و نهالستانهای دارای خاک نسبتا خوب دیده می‌شود.

کاکنج یا عروسک پشت پرده در طب سنتی دارای مصارف داروئی بوده و کاربردهای گوناگونی برای آن نوشته‌اند. میوه گیاه اثر مدر و ملیّن دارد؛ برگها و ساقه و کاسه گل آن در ردیف داروهای مقوی قلب و تصفیه‌کننده خون می‌باشد، مصرف آن را در رفع خیز عمومی بدن ناشی از آلبومینوری، بیماریهای سخت کلیه و مثانه، سنگ کلیه، استسقاء، نقرس و یرقان توصیه می‌نمایند. از ضماد برگ آن در استعمال خارجی به عنوان نرم‌کننده پوست و ناراحتیهای جلدی استفاده می‌شود.

قسمت مورد استفاده این گیاه، میوه آن است، ولی از برگها و دانه‌های آن نیز استفاده می‌توان کرد. میوه آن سرشار از ویتامین «ث» می‌باشد و تقریبا دو برابر لیمو ترش ویتامین «ث» دارد. علاوه بر آن، دارای جوهر لیمو و قندهای گوناگون نیز می‌باشد.

ابو علی سینا در خاصیت کاکنج در کتاب «قانون» می‌نویسد: «افشره آن در معالجه قرحه (زخم) و از میان بردن چرک و ریم گوش و نرم کردن سختیهای کهنه شده ناصور (ناسور) سودمند است.»

صاحب کتاب «قرا بادین کبیر» نیز ضمن تأئید نظرات ابو علی سینا به خاصیت مخدر این گیاه اشاره کرده می‌نویسد: کاکنج منوم در تخدیر، قوی‌تر از خشخاش منوم است و در جای دیگر آن را در اخراج صفرا و اقسام کرم معده مفید ذکر کرده و عصاره میوه این گیاه را در درمان بواسیر نافع دانسته است.
در برگهای کاکنج ماده تلخی وجود دارد و از میوه و کاسبرگهای آن یک ماده رنگین استخراج می‌کنند. همچنین میوه این گیاه، ملیّن، برگ و ساقه و کاسبرگهای آن مقوی و تصفیه‌کننده خون و از داروهای مؤثر برای ورم حاصل از پیدایش آلبومین در ادرار است. به اعتبار نوشته ابن سینا قرحه مجرای بول را مداوا می‌کند. علاوه بر آنچه ذکر گردید کاکنج در علاج برونشیت، ضعف نفس، تنگی نفس، یرقان، استسقاء و نقرس مفید می‌باشد، اما مصرف زیاد آن مرگ‌آور و کشنده است.

سرخاب کولی Phytolacca americana :Phytolaccaceae: تیره سرخاب کولی

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌ای دارای شاخه‌های فراوان و معمولاً قرمزرنگ به بلندی حد اکثر ۳ متر و برگهای دمبرگدار، سبزرنگ تخم‌مرغی- سرنیزه‌ای با رگبرگهای کاملا مشخص و گلهای فاقد گلبرگ سبز، صورتی یا ارغوانی شونده آن در خوشه‌های انتهائی قرار گرفته‌اند؛ میوه سته‌ای آبدار آن در ابتدا قرمز و پس از رسیدن سیاه‌رنگ می‌گردند.
سرخاب کولی یکی از علفهای هرز مناطق جلگه‌ای استان گیلان بوده و غالبا بر روی خاکهای دست دوم و جابجا شده رشد می‌نماید، از این گیاه برای رنگ‌آمیزی الیاف پارچه‌ها استفاده می‌شود.
سرخاب کولی اثرات سمی و خطرناکی داشته اندامهای مختلف آن در طب سنتی به میزان و مقیاس بسیار کم و بااحتیاط به کار می‌رود. میوه این گیاه اثر مسهلی و اعضاء مختلف آن مانند ریشه اثر قی‌آور دارد. مؤثرترین قسمت گیاه
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۳۷
ریشه آنست ولی برگ و میوه گیاه نیز مانند ریشه اثر قی‌آور دارد. از سرخاب کولی برای درمان سوء هاضمه، اسکوربوت، سیفلیس، دانه‌های جلدی مزمن، بواسیر و به خصوص روماتیسم مزمن استفاده می‌کنند. به علاوه این گیاه دارای کاربردهای متعدد دیگر است که مهمترین آنها خاصیت ضد کرم و «دیس منوره» (عسر الطمث) است که به آن قاعدگی دردناک هم می‌گویند، زیرا قاعدگی گاهی با درد شدید همراه می‌گردد.
مصرف ریشه گیاه سرخاب کولی یا هریک از قسمتهای دیگر این گیاه باعث مرگ اطفال و نیز موجب مسمومیت افراد بالغ می‌گردد. اثرات سمی آن، با عوارض گوارشی و کم شدن تنفس ملاحظه شده است. عصاره گیاه مزبور خاصیت سرطان‌زائی دارد. ازاین‌رو هنگام کار کردن با آن باید از دستکش استفاده کرد و به این جهت کاربرد این گیاه، از سوی بعضی متخصصان و اهل فن، چه به عنوان گیاه داروئی و چه به عنوان گیاه زینتی در گلدان، به‌طور جدی ممنوع و خطرناک اعلام گردیده است.
به سرخاب کولی در صومعه‌سرا و اطراف آن قرمز دانه گویند.

تره‌تیزک باغی (شاله جعفری) Pimpinella affinis :Umbelliferae: تیره جعفری

گیاهی است علفی دوساله یا چندساله با ساقه‌ای راست و پرشاخه در بخش فوقانی، به ارتفاع حد اکثر ۶۰ سانتیمتر و برگهای طوقه‌ای و قاعده‌ای با دمبرگ بلند و یک بار شانه‌ای با قطعات تخم‌مرغی- گرد و برگهای ساقه‌ای با قطعات کامل یا خطی و گلهای سفید این گیاه در گل‌آذینی چتری با شعاعهایی به تعداد ۱۵ تا ۲۵ عدد قرار گرفته‌اند.

گیاه فوق الذکر غالبا به صورت علف هرز در مزارع یا چمنزارها و باغها و بیشه‌زارها می‌روید.

Plantaginaceae: Plantago lanceolata کاردی: تیره بارهنگ

گیاهی است علفی چندساله به بلندی تا ۴۵ سانتیمتر و بدون ساقه، برگهای سرنیزه‌ای- تخم‌مرغی، سرنیزه‌ای یا سرنیزه‌ای باریک، کامل یا با دندانه‌های نامنظم بدون دمبرگ یا دمبرگدار، غالبا طوقه‌ای با رگبرگهای کاملا برجسته و موازی. در این گیاه ساقه گل‌دهنده وجود ندارد بلکه گل‌آذین سنبله‌ای آن‌که شبیه دم گربه می‌باشد بر روی دمگل بلندی که از میان برگهای طوقه‌ای بیرون می‌آید قرار دارد.
این گیاه به صورت علف هرز در غالب نقاط استان در کنار دریا، چمنزارها، زمینهای مرطوب، حاشیه نهرها، کنار جاده‌ها و مناطق رها شده می‌روید.
ریشه و برگ و دانه گیاه کاردی اثر قابض و تصفیه‌کننده خون دارد و در رفع ناراحتیهای آسم، ورم مخاط دهان و درد دندان و گوش مؤثر است.

Plantaginaceae: Plantago major بارهنگ (بارتنگ، جرغول، چرغول، خرغول و رماج): تیره بارهنگ

گیاهی است علفی به بلندی حد اکثر ۵۰ سانتیمتر، فاقد ساقه‌ای مشخص با برگهای طوقه‌ای بیضوی- تخم‌مرغی تا تخم‌مرغی- گرد. گل‌آذین سرسان و فاقد برگ آن به طول ۳ تا ۳۰ سانتیمتر دارای گلهای متعددی است که به صورت تنک نسبتا جدا از یکدیگر بر روی محور سنبله قرار گرفته‌اند.
گیاه فوق در اغلب مناطق استان در کنار نهرها و رودخانه‌ها، پیاده‌روها و مراتع و باغها دیده می‌شود و با نام فارسی بارهنگ کاملا شناخته شده است.
کاربردهای داروئی آن برای همگان شناخته شده است.
ریشه، برگ و دانه بارهنگ اثر قابض و نرم‌کننده دارد و از آنها به عنوان تصفیه‌کننده خون، آرام بخش و رفع تحریکات در نزله‌های مزمن برونشها، نزله‌های مجاری ادرار و دستگاه هضم، رفع ناراحتیهای آسم مرطوب، اسهالهای ساده، ورم مخاط دهان، درد دندان و درد گوش استفاده می‌شود، جوشانده گیاه کامل به عنوان یکی از بهترین داروها جهت نزله‌های مزمن ششی و برای دفع ناراحتیهای دستگاههای تنفسی کودکان مورد استفاده قرار می‌گیرد.
فرآورده‌های بارهنگ در رفع خونرویهای ریوی، وجود خون در اخلاط، بیماریهای کبدی، زردی و استفراغ و احساس سوزش در مری اثر قاطع دارد.
جوشانده دانه بارهنگ در رفع بیماریهای التهابی کلیه و مثانه مخصوصا وجود خون در ادرار مؤثر می‌باشد. اگر برگ تازه بارهنگ به مدت چند ساعت در آب جوشیده قرار گرفته و روی زخمهای باز گذاشته شود زخمها را از آلودگی حفاظت کرده به سرعت التیام می‌بخشد، بارهنگ داروی مناسبی برای درمان ناراحتیهای مجاری تنفسی است و در درمان سرفه، سیاه‌سرفه، گرفتگی صدا و ترشحات برونشها مؤثر است. قرار دادن برگ تازه و له‌شده بارهنگ
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۳۸
در محل گزیدگی زنبور عسل و پشه درد آن را تسکین می‌دهد.

Plantaginaceae: Plantago psyllium اسفرزه: تیره بارهنگ

گیاهی است علفی یکساله با ساقه‌ای راست و پرشاخه به ارتفاع حد اکثر ۳۵ سانتیمتر با برگهای متقابل غشائی یا کاغذی سرنیزه‌ای- خطی، گلهای کوچک بدون گلبرگ در گل‌آذین سنبله‌ای متراکم و پرگل با میوه کپسول حاوی یک یا دو دانه قهوه‌ای‌رنگ

اسفرزه به صورت علف هرز در مزارع و زمینها و تپه‌های شنی ساحلی رشد می‌نماید. گونه‌های چندی از Plantago یا اسفرزه به مصرف داروئی می‌رسند که علاوه بر گونه فوق الذکر می‌توان از P. ciliata و Plantagoovata هم نام برد که در دره سفیدرود، اطراف رستم‌آباد، منجیل، رودبار و شنهای ساحلی بین رشت و انزلی و اطراف بندر انزلی می‌روید.

از برگ گیاه در طب سنتی به عنوان التیام‌دهنده زخم و جراحات استفاده می‌شود. دانه گیاه اثر ملیّن دارد زیرا پس از جذب آب ورم کرده و به‌طور مکانیکی موجبات لینت و سهولت دفع را فراهم می‌کند. دانه گیاه برای رفع یبوستهای مقاوم، نزله‌های مزمن، دیسانتری، اسهالهای ساده، بیماریهای ناشی از التهاب کلیه و مثانه و خون‌ریزی ریه بکار می‌رود. در صنعت از لعاب دانه گیاه برای آهار پارچه استفاده می‌شود.

در استعمال خارجی لعاب دانه گیاه را برای درمان ورم چشم بکار می‌برند.

Platanaceae: Platanus orientalis چنار: تیره چنار

درختی است با تنه‌ای راست و ضخیم به بلندی حد اکثر ۳۰ متر و قطر ۲ متر دارای برگهای پنجه‌ای پهن و بزرگ و گلهای کپه‌ای، سرسان و آویزان. تنه چنار در انتها پرشاخه است.

این درخت در ایران دارای جنبه تقدس بوده، اغلب در کنار امامزاده‌ها، مساجد، قبرستانها کشت می‌گردد. بیشتر به صورت کشت شده در کنار جویبارها در دره‌های عمیق دارای خاکهای رسوبی و غنی، کنار رودها و خیابانها و پیاده‌روها کشت می‌گردد و ندرتا به صورت خودرو دیده می‌شود.

اگرچه چنار در استان گیلان به صورت خودرو و طبیعی دیده نمی‌شود، اما در سالهای اخیر در اغلب مناطق در کنار خیابانها کشت گردیده است.

چوب چنار در نجّاری، صنایع قالب‌سازی، مبل‌سازی، تهیه تخته و الوار مصرف دارد.

Liliaceae: Polygonatum polyanthemum شقاقل، مهر سلیمان: تیره لاله

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌های زیرزمینی افقی و خزنده و ضخیم و ساقه هوایی ساده به ارتفاع ۱۵ تا ۶۵ سانتیمتر با برگهای متناوب تخم‌مرغی پهن یا باریک یا بیضوی. گلهای سفیدرنگ آن در محور برگها به تعداد ۱ تا ۴ عدد با دم‌گلی بلند به صورت آویزان قرار گرفته و میوه‌های سته‌ای آن آبی متمایل به سیاه می‌باشد.

شقاقل در مناطق جنگلی یا بیشه‌زارها و مراتع ارتفاعات بالای استانهای شمالی ایران رشد کرده ریشه‌های ضخیم آن (ساقه‌های رونده) که دارای گره‌های بسیار است توسط مردم جمع‌آوری شده به مصرف تهیه مربا می‌رسد.

شقاقل مدر بوده و در معالجه بیماری قند (دیابت) مؤثر است.

Polygonaceae: .Polygonum spp علف هفت‌بندها: تیره علف هفت‌بند

گیاهانی هستند یکساله تا چندساله دائمی و گاهی درختچه‌ای و بالارونده که به سبب بندبند بودن ساقه آنها که عموما به وسیله گوشواره‌ای لوله‌ای دربرگرفته می‌شود به این نام شهرت یافته‌اند. عموما فاقد گلبرگ بوده و کاسه گل آنها در انتها رنگی شده شبیه گل به نظر می‌رسد، میوه فندقه‌ای آنها سه گوشه یا عدسی‌شکل بوده و توسط گلپوش پوشیده شده‌اند.

علفهای هفت‌بند از نظر نوع گل‌آذین و برگها به دو گروه تقسیم می‌شوند:

یک گروه دارای گلهای خوشه‌ای و انتهائی و برگهای پهن و عموما رطوبت- پسند و دیگر گروه دارای گلهای پراکنده و تنک که عموما در محور برگها قرار گرفته و برگهای کوچک و خشکی‌پسند دارند.

علف هفت‌بندها در استان گیلان دارای پراکنش و تنوع زیاد بوده از مشهورترین گونه‌های دارای برگهای پهن آن می‌توان Polygonum convolvulus را نام برد. که بالارونده و پیچنده است و اطراف بندر انزلی و در مناطق جلگه‌ای جنگلی با نور کافی می‌روید. گونه دیگری به نام Polygonum hydropiper در صورت تر بودن و باران خوردن پس از تماس با بدن ایجاد سوزش ملایمی می‌نماید و احتمالا آن را کره گزنه یا فلفل آبی گویند. گونه‌های دیگری از علفهای هفت‌بند به نامهای Polygonum lapathifolium و

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۳۹

Polygonum persicaria

عموما در مناطق مرطوب حاشیه باتلاقها، مردابها، نهرها، جویبارها و رودها می‌رویند. از علفهای هفت‌بند دارای برگهای کوچک اغلب خشکی‌پسند می‌توان به گونه‌های Polygonum aviculare و Polygonum hyrcanicum اشاره نمود.

گونه Polygonum baldschuanicum که حالت درختچه‌ای و پیچنده و بالا- رونده دارد به عنوان پرچین بر روی نرده‌ها و دیوارهای کنار باغها و باغچه‌ها کشت می‌گردد. بعضی از گونه‌های علف هفت‌بند دارای ارزش داروئی بوده و در طب سنتی مورد استفاده قرار می‌گیرند. از برگهای جوان Polygonum aviculare در فصل بهار به عنوان سبزی صحرائی استفاده می‌شود، سرشاخه‌های آن قابض و بندآورنده خون است و از آن برای متوقف کردن خونریزیهای داخلی و خارجی علیه ترشحات معده و اسهالهای سخت استفاده می‌شود. جوشانده این گیاه محرک دستگاههای ترشحی بدن بوده و برای کاهش ناراحتیهای کلیوی یا کبدی و دیگر اعضاء بکار می‌رود.

گونه‌ای که در تماس با بدن ایجاد سوزش ملایم می‌نماید و Polygonum hydropiper نام دارد دارای خواص زیادی است. خواص مزبور که ذیلا به آنها اشاره می‌شود در سایر گونه‌ها نیز کم‌وبیش وجود دارد.

در اعضای مختلف این گیاه یک ماده بندآورنده خون که حالت گلوکزیدی دارد توسط A .Steinberg در سال ۱۹۳۹ میلادی کشف گردید. علاوه بر آن ترکیبات دیگری نظیر یک ماده تلخ و غیر محلول در آب، یک الکالوئید بدون اثر درمانی، اسیدهای آلی مختلف و همچنین تانن، نیترات پتاسیم، گلوکز، اسانس و در ریشه گیاه یک اکسی‌متیل آنتراکینون نیز یافت می‌گردد.

گفته می‌شود احتمالا مردمان ماقبل تاریخ از آن به عنوان چاشنی اغذیه استفاده می‌کردند. دیوسکوریدوس در قرن اول

میلادی، ریشه این گیاه را عاری از اثر درمانی، ولی گرد برگ آن را قابل استفاده در اغذیه ذکر کرده است. وی برای برگهای تازه و دانه آن نیز اثر رفع خون‌مردگیها و آماسهای مقاوم به صورت قرار دادن بر روی عضو، قائل بوده است. جالینوس حکیم نظیر اختصاصات مزبور را برای این گیاه قائل بود. در قرون وسطی توجهی زیادتر از آنچه که ذکر شد به این گیاه نگردید فقط بعضی محققین مانند Paracels آن را در درمان سیفلیس مفید می‌دانستند. در سال ۱۸۵۸ میلادی و بعد از آن، دانشمندان مختلف مخصوصا روسها، ترکیب شیمیائی و تأثیر گیاه را در درمان بیماریها بررسی کرده موارد مختلف درمانی در آن یافته‌اند.

بررسیهای مکرر محققان نشان داد که این گیاه دارای اثر بندآورنده خون است و دارای خاصیت مدر، نیرودهنده، التیام‌دهنده و قرمزکننده پوست بدن نیز می‌باشد.

با مصرف ۳۰ تا ۴۰ قطره عصاره این گیاه (۳ مرتبه در روز) نتایج بسیار مفید در رفع اخلاط خونی، خونرویهای معدی، بواسیر، خونرویهای رحمی، همچنین خونرویهای ناشی از وجود فیبروم به‌دست آمده است. کامینسکایا A. Kaminskaia در سال ۱۹۱۴ میلادی توانست با مصرف آن، نتایج سریعی در جلوگیری از خونرویهای نامنظم زمان یائسگی، فیبروم و نظائر آن به دست آورد. دانشمندان دیگر عموما به این نتیجه رسیدند که مصرف آن نه تنها خونرویها را بند می‌آورد بلکه درد و ناراحتی را نیز آرام می‌کند. از این نظر متفقا مصرف آن را به جای Hydrastis توصیه کردند. دکتر لکلرک نیز اثر بندآورنده خون را در گیاه تأئید کرد، ولی آن را علت تنگ شدن مجاری عروق نیز دانست. این دانشمند نتایج مفیدی از آن در رفع بواسیر و واریس به دست آورد. در بعضی نواحی از این گیاه به علت دارا بودن اثر مدر، در مواردی که کلیه حالت التهاب و ورم نداشته باشد استفاده به عمل می‌آید. به علت دارا بودن اثر قرمزکننده پوست بدن نیز می‌توان از آن در رفع دردهای عصبی، رماتیسمی و درد کمر استفاده کرد. جوشانده غلیظ آن در آب، می‌تواند به صورت غرغره، در رفع آفت، آنژین، زخم مجرای بینی و غیر آنها نتایج شفابخش بدهد. اگر پنبه آلوده به شیر گیاه در حفره دندان قرار گیرد، درد دندان را در مراحل پیش نرفته، تسکین می‌دهد و عقیده کلی مردم نیز بر این است که اگر برگهای پخته‌شده آن حتی از خارج بر روی گونه گذاشته شود، همین اثر تسکین دهنده را ظاهر می‌سازد.

Salicaceae: Populus spp. تبریزیها، صنوبرها: تیره بید

درختانی هستند خزان‌کننده و سریع الرشد با ساقه‌های پرشاخه و تاجی چتری یا ساقه‌هائی عاری از شاخه و کاملا مخروطی‌شکل به بلندی ۱۰ تا ۳۰ متر با برگهای عموما قلبی‌شکل و بدون کرک.

این درختان عموما در مناطق پرآب و دارای آب تحت الارضی بالا رویش می‌یابند به طوری که در اغلب نقاط ایران در کنار رودها و جویبارها کشت می‌گردند و از نظر تأمین چوب برای کارخانه‌های کاغذسازی، کبریت‌سازی نئوپان و تهیه تخته و چوبهای ساختمانی اهمیت ویژه‌ای دارند.

در استان گیلان گونه‌های چندی از جمله: پده Populus euphratica ، تبریزی یا صنوبر Populus nigra و شالک Populus caspica رویش می‌یابند و به تازگی بر روی واریته‌ها و نژادهای گوناگون خارجی از جمله صنوبر لرزان Populus tremula و صنوبر آمریکائی Populus euramericana کارهای قابل توجهی انجام گرفته است.

Portulacaceae: Portulaca oleracea خرفه: تیره خرفه

گیاهی است یکساله گوشتی و افشان با ساقه‌ای برافراشته یا راست با ارتفاع ۵ تا ۲۰ سانتیمتر و برگهای متناوب در پائین و اغلب متراکم در بالا، بیضوی- واژ تخم‌مرغی‌شکل. گلهای کوچک و زردرنگ آن در گل‌آذین گرزن ۳ تا ۶ تائی و بدون دم گل و میوه آن کپسول شکوفای درپوشی (مجری) است که بذرهای متعددی دارد.
خرفه عموما به صورت علف هرز در مزارع زراعی و آیش رشد می‌نماید.
در استان گیلان نیز عموما یکی از علفهای هرز مزارع، باغچه‌های حیاط منازل، حاشیه پیاده‌روها و گاهی باغها می‌باشد. این گیاه دارای ارزش داروئی بوده و ساقه و برگ جوان آن گاهی برای تهیه ترشی بکار می‌رود و در گیلان در
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۴۰
اوائل بهار مردم آن را به صورت سبزی صحرائی می‌خورند.
خرفه دارای اثر مدر، ضد اسکوربوت، تب‌بر، تصفیه‌کننده خون و تسکین‌دهنده تشنگی است. در رفع التهابهای دستگاه گوارش و دفع ادرار به صورت خام یا پخته مصرف می‌گردد، برای دفع ترشی معده بسیار مفید است و در موارد اخلاط خونی، سرفه‌های مقاوم، بی‌خوابی و خونروی در فواصل قاعدگی مورد استفاده قرار می‌گیرد، قرار دادن برگهای له شده آن بر روی سوختگی و میخچه مؤثر است.

Potamogetonaceae:. Potamogeton spp بارهنگهای آبی: تیره بارهنگ آبی

گیاهانی هستند آبزی و با ساقه‌های رونده استوانه‌ای یا شبه استوانه‌ای و گاهی اوقات فشرده و تخت به طول یک متر یا بیشتر با برگهای شناور یا غوطه‌ور متناوب به اشکال گوناگون خطی و باریک، قاشقی، تخم‌مرغی یا بیضوی با دمبرگی بلند و در قاعده غلاف‌دار. گلهای کوچک آن به صورت سنبله‌ای بر روی دم گل‌آذینی بلند و محوری قرار گرفته‌اند.
بارهنگهای آبی در مناطق دارای آب راکد یا با جریان ملایم می‌رویند. در گیلان نیز گونه‌های چندی در مرداب انزلی و سایر برکه‌ها و آبگیرها می‌رویند که عبارتند از:

Potamogeton crispus/ Potamogeton Pectinatus

potamogeton lucens/ potamogeton Perfoliatus

Potamogeton nodosus

Potentilla reptans :Rosaceae تیره گل سرخ

گیاهی است چندساله، گسترده روی سطح زمین با ساقه‌های رونده و ساقه گل‌دهنده‌ای که تا یک متر می‌رسد، و برگهای آن پنجه‌ای و ۵ برگچه‌ای واژ- تخم‌مرغی تا واژ تخم‌مرغی کشیده به رنگ سبز روشن بوده و گلهای زردرنگ آن به صورت منفرد در محور برگها قرار گرفته‌اند.
این گیاه در گیلان بیشتر در کنار نهرها و مناطق سایه و مرطوب، کف جنگلها، کنار مردابها و در باغها و مزارع به صورت علف هرز دیده می‌شود.
انواع Potentilla spp . در اکثر نقاط ایران اعم از کوهستانی، صخره‌ای، جلگه‌ای و جنگلی و مرتعی پراکنده‌اند. در گیلان نیز گونه‌های چندی علاوه بر گونه فوق الذکر وجود دارند که اسامی علمی آنها بدین قرار است:

Potentilla adscharica/ Potentilla micrantha
Potentilla aucherana/ Potentilla pedata
Potentilla gilanica/ Potentilla petraea
Potentilla lignosa/ Potentilla supina
Potentilla meyeri

این گیاهان در مناطق کوهستانی و ارتفاعات مرتعی استان در اطراف ماسوله، رودبار، اسپیلی و ارتفاعات کوه دالک می‌رویند. از آنها برای تقویت عمل دستگاه هضم استفاده می‌شود، ریزوم، برگ و حتی کلیه قسمتهای گیاه به عنوان تصفیه‌کننده خون و درمان اسهال و درد گلو بکار می‌رود.

Primulaceae:. Primula spp پامچالها: تیره پامچال

گیاهانی هستند علفی چندساله و غالبا بدون ساقه با برگهای طوقه‌ای ساده و بدون بو با گلهائی به رنگهای مختلف سفید، زرد، قرمز تا بنفش که به صورت منفرد یا کپه‌ای و فراهم و غالبا چتری‌شکل در انتهای دم گلی بلند و فاقد برگ (گل‌آذین ساقه عریان) قرار گرفته‌اند.

پامچالها در مناطق مرطوب جنگلی دارای نور نسبتا فراوان می‌رویند و از گیاهان پیش‌رس و بهاره محسوب می‌گردند.

در گیلان در اواخر اسفند یا اوائل فروردین به فراوانی در کف جنگلها می‌رویند و زیبائی خاصی دارند. گونه‌های چندی از آنها در مناطق مختلف جنگلی استان پراکنش خاصی دارند که عبارتند از: Primula auriculata, Primula heterochroma و Primula macrocalyx.

انواع اصلاح‌شده آنها در باغچه‌ها و پارکها به عنوان گیاه زینتی کشت می‌شوند. برای ریشه و گل پامچال مصارف گوناگون در طب سنتی بیان شده است.

ریشه پامچال را به صورت جوشانده برای دفع کرم و گلهای آن را به عنوان داروئی مؤثر می‌توان برای درمان برونشیت، سرفه‌های مزمن و زکامهای مغزی به کار برد. دم‌کرده گل پامچال گریپ را درمان کرده ناراحتی برونشها را برطرف می‌سازد. همین دم‌کرده مقوّی و تب‌بر است. اطباء قدیم معتقد بودند کسانی که مبتلا به سردردهای شدید نیمه سر (میگرن) و دل به هم خوردگی می‌شوند اگر از آن مصرف کنند به زودی بهبودی محسوسی را در حال مزاجی خود احساس می‌نمایند. همچنین جوشانده گرد ریشه پامچال برای معالجه برونشیت، سیاه‌سرفه و سینه‌پهلو و امراض مجاری ادرار نافع است. برای درمان و معالجه ورم کوفتگی که در اثر ضربه‌ای به بدن وارد می‌شود و خون‌مردگی ایجاد می‌کند کمپرس جوشانده ریشه پامچال بسیار مفید است.

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۴۱

Leguminosae: Prosopis farcta جغجغک: تیره کهور

درختچه‌ای است خاردار با برگهای دوبارشانه‌ای و برگچه‌هائی مستطیلی- شکل و گلهای خوشه‌ای متراکم زردرنگ، دارای میوه نیام متورم ناشکوفای تخم‌مرغی تا مستطیلی خمیده به رنگ قهوه‌ای تیره.

جغجغک درختچه‌ای است که به صورت خودرو در اغلب نقاط ایران، در مزارع آیش، در کنار جاده‌ها و دامنه‌های کوهستانی می‌روید و در استان گیلان نیز در دره سفیدرود اطراف رودبار و منجیل و عمارلو دیده می‌شود.

Rosaceae:. Prunus spp گوجه‌ها، آلوچه‌ها: تیره گل سرخ

درختان یا درختچه‌هائی هستند خاردار یا بدون خار و خزان‌کننده با ساقه‌ای به ارتفاع حد اکثر ۵ متر و غالبا سیاه‌رنگ و برگهای تخم‌مرغی- سرنیزه‌ای یا واژ تخم‌مرغی یا بیضوی، دارای گوشواره‌های خاری یا انتهای شاخه‌هائی که به خار تبدیل شده است.

گوجه‌ها در استان گیلان به صورت خودرو و در جنگلهای تخریب‌یافته و بیشه‌زارها با نور کافی رشد می‌نمایند و یکی از گیاهان شهددار منطقه محسوب می‌شوند. به طوری که در فصل بهار مورد علاقه فراوان زنبور عسل می‌باشند.

میوه گوجه برای عموم شناخته شده است و غالبا به صورت تازه و رسیده و گاهی خشک آن مورد مصرف قرار می‌گیرد.

از گونه‌های مهم آن می‌توان از آلوچه یا گوجه خودروی جنگلی با نام سورخه‌آلوچه Prunus spinosa و Prunus divaricata و نوع اصلاح شده و کاشته شده در باغها با نام علمی Prunus domestica نام برد. ارزش داروئی و غذائی گوجه بر کسی پوشیده نیست.

Juglandaceae: Pterocarya fraxinifolia لرگ: تیره گردو

درختی است به ارتفاع حد اکثر ۲۵ متر و تنه‌ای که به قطر ۱/۸ متر نیز می‌رسد. پوست تنه دارای شیارهای عمیق بوده و در انتها دارای شاخ و برگ فراوان و تاجی تقریبا کروی- مخروطی است. برگهای گیاه شانه‌ای مرکب با برگچه‌های متقابل تخم‌مرغی- مستطیلی تا مستطیلی- سرنیزه‌ای نوک‌تیز است. میوه این درخت فندقه بالداری است که در طول خوشه‌ای به طول ۲۰ تا ۳۵ سانتیمتر قرار گرفته است.

لرگ یکی از درختان جنگلی مناطق گیلان و مازندران است که در مناطق جلگه‌ای و تا ارتفاع حدود ۵۰۰ متر از سطح دریا رویش می‌یابد. در استان گیلان در مناطق سیاهکل، اطراف رشت و لاهیجان، فومن و صومعه‌سرا تا آستارا دیده می‌شود.

Polygonaceae: Pteropyrum olivieri پرند: تیره علف هفت‌بند

درختچه‌ای است به بلندی حد اکثر یک متر و پرشاخه و شکننده و برگهای دسته‌ای و گروهی و تقریبا دائمی و کم‌وبیش گوشتی و شبه دایره‌ای تا واژ- تخم‌مرغی- قاشقی‌شکل و لبه‌ای تقریبا برگشته. گلپوش سفیدرنگ آن به صورت خوشه‌ای در انتهای شاخه‌ها قرار گرفته و میوه‌های بالدار قرمزرنگ آن‌که عموما غشائی و دو لوبه می‌باشند در فصل بهار و اوائل تابستان زیبائی خاصی به آن می‌دهد.

پرند در ایران دارای دو گونه P. aucheri و P. olivieri است که عموما در

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۴۲

بستر آبراهه‌های غیر دائمی و مناطق خشک دامنه‌ای کوهستانها رویش می‌یابند و گاهی نیز با نام غلط کاروان‌کش نامیده می‌شوند؛ و لیکن در استان گیلان فقط گونه P. olivieri در دره سفیدرود اطراف منجیل و رودبار و رستم‌آباد در دامنه‌های

کوهستانی منطقه دیده می‌شود.

Punica granatum :Punicaceae انار (تورشه‌انار، انار ترش): تیره انار

درخت یا درختچه‌ای است خزان‌کننده و خاردار، گاهی بدون خار به بلندی ۲ تا ۵ متر و برگهای چرمی متقابل، ساده، سرنیزه‌ای تا واژ تخم‌مرغی، بدون کرک و کامل و گلهای منفرد، انتهائی، نر و ماده و منظم، قرمز خونی به ندرت سفیدرنگ.
درختچه انار یکی از گیاهان خودروی منطقه خزری (گیلان و مازندران) بوده و غالبا در کنار جاده‌ها، بیشه‌زارها، شیبهای آهکی، تپه‌های شنی ساحلی دیده می‌شود. انار درختی است بسیار زیبا با گلهای قرمزرنگ و میوه لذیذ که دارای ارزش داروئی بسیار می‌باشد. رب انار ترش یکی از چاشنیهائی است که به‌همراه غذا مصرف می‌گردد. کلیه قسمتهای درخت انار تانن فراوان و اثر قابض نسبتا قوی دارد. پوست ریشه آن بهترین دافع کرم کدو و انگلهای دیگر می‌باشد.
گل انار به صورت دم‌کرده یا جوشانده برای رفع اسهالهای ساده، خونرویهای ساده، ترشحات ساده مواد مخاطی، ترشحات زنانگی و به صورت غرغره برای رفع ورم لوزه بکار می‌رود. برگ انار خشک یا تازه، تیزان مطبوعی می‌دهد که برای درمان ضعف اعمال معده، کمی اشتها، حالت تهوع، ضعف عمومی، کم‌خونی، کم‌خونی دختران جوان، دفع حالت خستگی عمومی، میگرن و حالت اسهالی مزمن مؤثر است. پوست انار نیز تانن بسیار دارد. آب انار اثر مدر و مفرح دارد؛ مصرف رقیق‌شده آن با آب در بیماریهای مجاری ادرار، بیماریهای التهاب دستگاههای مختلف بدن و عدم ترشح کافی صفرا توصیه می‌گردد.
مواد غذائی در انار کم است ولی سرشار از ویتامینهای آ، ب، ث و ای است و به قدری آهن و فلزات مفید دیگر دارد که هضم آن را سنگین می‌کند و بدین لحاظ نفّاخ به نظر می‌رسد که البته با سنگینی و نفخ سایر میوه‌ها فرق کلی دارد و به‌طور سریع پراکنده می‌شود. هضم آب انار به مراتب دشوارتر از خوردن دانه‌های انار با هسته می‌باشد. زیرا مغز هسته دانه‌های انار کمی ملیّن است و پوست سخت آن روده‌ها را پاک می‌کند. آب میوه انار دارای قند تانن و یک ماده مفید به نام مانانتین است که از دوستان کبد است و آن را پاک و در نتیجه رنگ رخساره را باز می‌کند. انار به رشد اطفال کمک می‌کند و اعصاب را تقویت می‌نماید. با داشتن ویتامین ب ۶ ضد استفراغ و درمان ویار زنان باردار است.
اگر زنی هنگام بارداری رب انار بخورد علاوه بر جلوگیری از ویار، به تقویت جنین و رشد آینده طفل هم کمک خواهد کرد.
انار خون‌ساز است و خون موجود در بدن را نیز تصفیه می‌کند.
انار بر ادرار می‌افزاید و غرایز جنسی را تقویت می‌کند. دانه‌های جنگلی انار که به ناردان معروف است، در معالجه اسهال شهرت فراوان دارد. خوردن آب انار شیرین برای درمان یرقان بسیار مفید است. پوست ساقه و پوست ریشه درخت انار مصارف صنعتی و درمانی دارند. پوست میوه انار در رنگرزی و چرم‌سازی از قدیم بکار می‌رفت و بهترین قالیهای ایران را با آن رنگ می‌کردند. مضمضمه و نگاهداشتن آب میوه ترش انار در دهان، برفک و جوشهای دهان را پاک و لثه‌ها را محکم می‌کند. انار ترش برای مبتلایان به زخم معده و روده زیان‌آور است.

Pyrus boissieriana :Rosaceae گلابی جنگلی، خنج، خوج: تیره گل سرخ

درخت یا درختچه‌ای است خاردار به بلندی حد اکثر ۵ متر و شاخه‌های فراوان بدون کرک و پرشاخه در بخش فوقانی با پوستی سیاه‌رنگ با شیارهای فراوان، برگهای تخم‌مرغی تا تخم‌مرغی- دایره‌ای. گلهای سفید رنگ در گل‌آذین دیهیم انتهائی

و پر گل. میوه‌های عموما کروی.

گلابیهای وحشی دارای چندین گونه است که در محدوده جنگلهای شمال و عموما در جنگلهای مخروبه، بیشه‌زارها، حاشیه مزارع و ارتفاعات بالا- رویش می‌یابند. در استان گیلان نیز گونه‌های دیگری از آن به نامهای P. grossheimii و P. hyrcanica در مناطق مختلف استان رشد می‌کنند.

انواع پرورش‌یافته گلابی دارای میوه‌های درشت و بسیار لذیذ هستند که عموما در فصل پائیز می‌رسند و در عداد میوه‌های مصرفی مردم نواحی مختلف کشورمان قرار دارند.

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۴۳

طبیب نامدار قرن ششم هجری، سید اسمعیل جرجانی در کتاب «الأغراض الطّبیّه» می‌نویسد: کمّثری یعنی امرود است در همه انواع، امرود قبضی است.

همچنین شیخ الرّئیس ابو علی سینا در خواص گلابی می‌گوید: «کمثری (گلابی) دارای گوهر خاکی و آبی است. همه انواع گلابی گیرندگی دارند و در ضماد بند آوردن مواد واردند؛ کمی زدایندگی دارند. به ویژه گلابی وحشی که بسیار خشکاننده است؛ دهانه زخمها را به هم جوش می‌دهد و خوب می‌کند.»

دکتر هانری لکلرک پزشک و غذاشناس عصر حاضر در اهمیّت گلابی و انتقاد از نظریّات پزشکان سلف می‌نویسد: «به نظر می‌رسد که در میوه گلابی طبیعت نیک نهاد، آب زمین را تقطیر کرده و با عملیات شیمیایی خیلی عجیب و حیرت‌انگیز، آن را به نوشابه‌ای تبدیل کرده است که خوردن آن گوارا و لذیذ و خوشمزه است، ولی معلوم نیست به چه علّتی پزشکان قرون وسطی برای گلابی خواص قبض‌کننده قائل بودند و عقیده داشتند که گلابی میوه‌ای است ثقیل، مانع شکم‌روی، سنگین و گس که موجب پیدایش میگرن و باد سینه می‌گردد.»

غذاشناسان عصر حاضر برخلاف قدما گلابی را میوه‌ای نرم‌کننده می‌دانند و معتقدند که بیشتر خاصیّت لینت‌دهنده‌ای دارد. گلابی، سرشار از ویتامین‌های آ، ب، ث، قند، مواد چربی و تانن است. گلابی میوه‌ای مغذی، ملیّن و مدرّ و از بین تمام میوه‌ها، تنها میوه‌ای است که در تابستان بکلّی عطش را فرومی‌نشاند و ضرب المثل فرانسوی که می‌گوید: «برای رفع عطش باید یک گلابی را نگه داشت» ناظر به همین معناست. قند موجود در گلابی برای اشخاص مبتلا به دیابت (مرض قند) بی‌ضرر و حتی مفید است. مصرف گلابی، به جهت دارا بودن تانن و املاح پتاسیم و حل کردن اسیداوریک برای مبتلایان به رماتیسم، نقرس و درد مفاصل تجویز می‌گردد. همچنین مبتلایان به فشار خون اگر بطور مرتّب گلابی بخورند خون آنها تصفیه شده، معالجه خواهند شد.

گلابی و جوشانده پوست آن ادرارآوری قوی است و دم‌کرده برگ درخت گلابی به همراه پوست سیب درختی جهت درمان سنگ کلیه و مثانه بسیار مفید و مؤثّر می‌باشد. کسانی که صاحب روده‌های علیل و تنبل هستند نباید گلابی را با پوست میل کنند، زیرا که تحریکات پوست گلابی در روده‌ها ایجاد زحمت می‌کند.

بلوطها: تیره بلوط Fagaceae.: Quercus spp

درختانی هستند خزان‌کننده (در ایران) و به‌ندرت درختچه‌ای که ارتفاع آنها به ۳۰ متر نیز می‌رسد. ساقه آنها دارای پوستی ضخیم و شیاردار و غالبا به رنگ قهوه‌ای یا قهوه‌ای متمایل به سیاه می‌باشد. تاج این درختان بسیار گسترده و بزرگ است.

برگهـا در بلوطهـای منـاطق شـمالي ايران معمولاً بيضوی يـا بيضوی متمايـل به دايره‌ای يا گاهی تخم‌مرغی شـكل با حاشـيه‌ای دندانه- اره‌ای درشت يا مواج است. ميوه‌های بلوط فندقه‌هائی مسـتطيلی يا استوانه است كه درون پياله‌ای كه در سطح خارجی توسط فلسهائی پوشيده شده است قرار گرفته‌اند.

مهمـترين گـونه‌هـای ايـن جنس در اسـتانهای گيلاـن و مازنـدران عبارتنـد از بلنـدمازو و اوری. بلنـدمازو Quercus castaneifolia بـا نامهـای محلی مازو، سـياه‌مازو، ايشـمبر، پالوط و مازی شـناخته می‌شود و عموما در جنگلهای جلگه‌ای و ارتفاعات پائين جنگلهای شـمال رشد می‌نمايد و چوب آن دارای ارزش فوق العاده‌ای در صـنايع نجاری، پاركت‌سازی، مبل و ميز و صـندلی، تراورس و غيره می‌باشد. اوری Quercus macranthera بيشتر در ارتفاعات بالای جنگلهای شـمال رشد می‌نمايد و در مقايسه با بلندمازو از ارزش صنعتی كمتری برخوردار است. از بلوطها فرآورده‌های فرعی بسياری از قبيل مازوج، جفت و غيره بدست می‌آيد.

Ranunculaceae.: Ranancuius spp آلاله‌ها: تيره آلاله

گياهـانی هسـتند يكسـاله يـا چنـدساله و غالبـا علفی خشـكی‌زی يـا آبزی بـا گـل- آذيـن پـانيكول و گلهـای منفرد زرد و يا سفيدرنگ. برگهای متناوب غالبا قاعده‌ای.

اين گيـاه در سـرزمين گيلاـن غالبـا به صـورت علف هرز در مزارع و باغهـا به فراوانی ديـده می‌شود و بـا گلهـای زردرنـگ و درخشان خود زيبائی خاصی داشته و به راحتی قابل تشخيص می‌باشد.

گونه‌های چنـدی از اين گياهان در مناطق مرطوب گيلان به ويژه در اطراف مرداب انزلی می‌روينـد كه اسامی علمی آنها بدين قرار است:

كتب طبی انتزاعی (فارسی) (كتاب گيلان)، ج۳، ص: ۴۴۴

Ranunculus ecicutarius/ Ranunculus ophioglossifoliu s

Ranunculus constantinoplita nus/ Ranunculus scleratus

Ranunculus lingua/ Ranunculus sericeus

Ranunculus muricatus/ Ranunculus tranchycarpus

گونه‌های مختلف آلاله اصولا سـمی هسـتند. مؤلف «گياهان داروئی» می‌نويسد: «اگر حيوانات آن را مخلوط با علوفه مصـرف نمايند، تورم دستگاه هاضمه، توأم با ناراحتيها و اختلالات اعمال گردش خون و دستگاه تنفسی در آنها پيش می‌آيد، به علاوه قوه بينائی آنها را كاهش می‌دهد. اگر گاو شيرده آن را بخورد، حجم شير روزانه‌اش كم می‌گردد.

تاريخچه مداوای بيماريها با اين گياه، به قرون گذشـته ارتباط دارد. در زمان قديم آن را برای ايجاد مسـموميت بكار می‌بردند. در مسـموميت از آن، عضـلات چهره، انقباضات غير ارادی خاص پيـدا می‌كنـد. به طوری كه مسـموم پس از مرگ قيافه‌اش به وضعی درمی‌آيد كه تقليد خنده را نشان می‌دهد ...

همچنين در سال ۱۷۹۸ ميلادی، دانشمندی به نام Gilbert و همكارانش، مصرف ۲ گرم شيره اين گياه را كه در يك ليتر آب رقيق شـده بود، در درمـان تنگی نفس، بيمـاری سـل، حـالت زردی، خنازير، اولسـرهای مثانه و غيره توصـيه نمودنـد. سابقا در

نواحی مالاریاخیز، برای رفع تبهای نوبه بکار می‌رفته است و برای این کار، له‌شده آلاله را بر روی مچ دست قرار می‌دادند. ضمنا این عمل را برای کسانی که پوست حساس داشتند و همچنین برای زنان و اطفال تجویز نمی‌کردند.»

این مداواها متعلق به دورانهای گذشته بوده و فقط در بین مردم رواج داشته است و امروزه با توجه به سمی بودن این گیاه، استفاده از آن به کلی متروک گردیده است.

ترب: تیره شب‌بو Raphanus raphanistrum :Cruciferae

گیاهی است یکساله یا دوساله علفی و پرشاخه با ساقه‌ای راست به بلندی ۱۵ تا ۷۰ سانتیمتر با برگهای طوقه‌ای ربابی‌شکل. گلهای آن به رنگهای گوناگون زرد، قرمز، زرد متمایل به قرمز، قرمز دارای رگه‌های قهوه‌ای، صورتی و سفید است. میوه آن عموما دانه تسبیحی‌شکل با نوکی سیخک‌مانند و بلند می‌باشد.

ترب یکی از علفهای هرز مزارع آیش، زمینهای زراعی و زمینهای شنی است. نوع کشت شده آن Raphanus sativa دارای غده‌ای قرمزرنگ بوده و یکی از سبزیهای خوراکی مشهور بشمار می‌آید که سرشار از ویتامین ث است.

انواع ترب به نامهای ترب سیاه، تربچه نقلی و ترب سفید در غالب نقاط ایران کشت می‌شود.

ترب اشتهاآور، نیرودهنده، خلط‌آور و مدر بوده در مداوای اسکوربوت مؤثر است.

شیره ترب سیاه برای دفع نزله‌های ششی، سیاه‌سرفه، بیماریهای کلیوی و مثانه، قولنجهای کبدی و روماتیسم مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سیاه‌آل: تیره کنار Rhamnus catarticus :Rhamnaceae

درخت یا درختچه کوچکی است به ارتفاع ۲ تا ۶ متر با ساقه‌ای برافراشته و راست با تاجی گسترده و پرشاخه و پوستی به رنگ سیاه متمایل به خاکستری با شاخه‌های متقابل خاردار. برگهای آن بیضوی پهن یا بیضوی- کشیده با نوکی تقریبا دراز است و میوه‌ای شفت دارد که پس از رسیدن سیاه رنگ می‌گردد. سیاه‌آل یکی از درختان جنگلی است و در جنگلهای گیلان به فراوانی وجود دارد. میوه سیاه‌آل ملین قوی است ولی در مقدار مصرف بایستی احتیاط را رعایت کرد زیرا این گیاه می‌تواند مخاط را آنقدر تحریک نماید تا خونریزی کند و همچنین تهوع‌آور است.

Rhamnus pallasii :Rhamanaceae

درختچه‌ای است به ارتفاع ۱ تا ۳ متر، خاردار با ساقه‌ای پرشاخه و منشعب با پوستی سیاه‌رنگ یا سیاه متمایل به قهوه‌ای دارای برگهای خزان‌کننده خطی- واژ سرنیزه‌ای و گلهای زردرنگ و انبوه با میوه‌ای شفت خشک شیاردار که دو قسمتی بنظر می‌رسد. درختچه فوق الذکر در غالب نقاط ایران به خصوص در بیشه‌زارهای مناطق جنگلی و ارتفاعات شمال ایران در شیبهای تند و مناطق صخره‌ای و گاهی در لابلای صخره‌ها می‌روید. در استان گیلان نیز در دره سفیدرود، اطراف ماسوله، دیلمان، اسپیلی و جنگلهای پراکنده و بیشه‌های آستارا و هشتپر دیده می‌شود.

سماق: تیره پسته Rhus coriaria :Anacardiaceae

درختچه‌ای است خزان‌کننده به ارتفاع ۰/۵ تا ۳ متر با پوستی قهوه‌ای- رنگ و منشعب و شاخه‌دار در بخش فوقانی و برگهای متناوب شانه‌ای با برگچه‌های دندانه‌دار سرنیزه‌ای تا بیضوی. گلهای سفید متمایل به سبز آن در گل‌آذینی پانیکول محوری یا انتهائی قرار گرفته و میوه‌های سته‌ای کروی و خشک آن پوشیده از کرکهای بلند می‌باشد.

سماق در مناطق مختلف ایران، در شیبهای تند دامنه‌های کوهستانی، در کناره دره‌های دارای شیبهای تند، حاشیه رودها و مناطق جنگلی می‌روید. در استان گیلان در دره سفیدرود و مناطق جنگلی و بیشه‌زارها دیده می‌شود.

پودر میوه آن به عنوان چاشنی به خصوص همراه کباب مصرف می‌گردد.

پوست آن حاوی مقدار زیادی تانن بوده به عنوان قابض قوی مصرف می‌شود و از این جهت در رفع خونرویها، اسهال، نزله‌ها، تبهای صفراوی، ترشحات زنانگی مورد استفاده قرار می‌گیرد. سماق در صنعت دباغی و رنگرزی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۴۵

Ribes orientale :Gossulariaceae گالش انگور، انگور فرنگی: تیره انگور فرنگی

درختچه‌ای است به ارتفاع حد اکثر ۲ متر با ساقه‌ای پرشاخه و منشعب در بالا، و برگهائی با پهنک دایره‌ای- کلیوی‌شکل ۳ تا ۵ لوبی و گلهای سفید یا قرمز کم‌رنگ که در گل‌آذینی خوشه‌ای محوری یا انتهائی قرار گرفته و میوه سته‌ای آن پس از رسیدن قرمزرنگ می‌شود.

گالش انگور در ارتفاعات کوهستانی و گاهی صخره‌ای مناطق مختلف استان گیلان روئیده و گونه‌هائی از آن نیز در باغها و منازل به صورت پرچین کشت شده و با نام انگور فرنگی شناخته می‌شود.

برگهای خشک شده انواع انگور فرنگی حاوی اسانس روغنی، تاننها، قندها، اسیدهای آلی، ویتامین ث و مواد ضدعفونی‌کننده گیاهی است و به عنوان مدر و معرق برای درمان ناراحتیهای مجاری ادرار و مثانه و روماتیسم و اسهال بکار می‌رود. میوه انواع انگور فرنگی سرشار از ویتامین ث، مجموع ویتامینهای ب، قندها، مواد رنگی و مواد ضدعفونی‌کننده است و روی سیستم اعصاب اثر خوبی داشته و مبادلات داخلی بدن را بهبود می‌بخشد و مقاومت بدن را در برابر عفونتها زیاد می‌نماید.

Rhynchocorys maxima :Scrophulariaceae بی‌بی کنه: تیره گل میمونی

گیاهی است علفی یکساله یا چندساله نیمه انگل با ساقه‌ای برافراشته به ارتفاع ۳۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر و چهار گوشه و منشعب و شاخه‌دار در بالا با برگهای متقابل دمبرگدار بیضوی یا تخم‌مرغی و گلهای نامنظم زردرنگ شبیه سرفیل. (گلبرگ پائینی پهن و بالائی کوتاه و زائده‌دار که شبیه خرطوم فیل به نظر می‌رسد).

گیاه مذکور در مناطق مرطوب، کنار نهرها، چمن‌زارها و بستر جنگلهای دارای نور کافی و فراوان و گاهی در مزارع و باغها دیده می‌شود.

در گیلان، اطراف بندر و مرداب انزلی، اطراف رشت، بین رشت و انزلی و حوالی اسالم و آستارا در جلگه‌های جنگلی می‌روید.

Robinia pseudoacacia :Leguminosae اقاقیا: تیره نخود

درختی است خزان‌کننده با ساقه‌ای راست و پوستی شیاردار سیاه‌رنگ و منشعب در بالا با برگهای شانه‌ای فرد و گوشواره‌های خاردار، گلهای پروانه‌آسای سفیدرنگ که در گل‌آذین خوشه‌ای تنک‌محوری و آویزان قرار گرفته و دارای عطر بسیار دل‌انگیزی است.

اقاقیا از درختانی است که در اغلب مناطق کشور ما به عنوان یکی از درختان مقاوم نسبت به خشکی در جنگلکاریها مورد استفاده قرار می‌گیرد و گاهی نیز در کنار خیابانها و پارکها و مکانهای تفرجگاهی کشت می‌شود. در استان گیلان نیز طی سالهای اخیر در پارکها و کنار خیابانها کشت شده است.

گلهای آن اثر داروئی قابل توجهی داشته گاهی نیز به عنوان ماده‌ای رنگی برای رنگ‌آمیزی ابریشم، پنبه و کاغذ بکار می‌رود.

چون نوش فراوان دارد زنبور عسل به آن رغبت فراوان نشان می‌دهد.

گلهای اقاقیا کمی آرام‌بخش، مقوّی، ملیّن و صفرابر می‌باشد. پوست درخت مزبور مخصوصا پوست ریشه آن به مقدار کم، مخلوط با قند، قدری ملیّن است، ولی اگر به مقدار زیاد صرف شود، موجب اسهال و استفراغ و مسمومیّت می‌شود. برگ درخت اقاقیا نیز صفرابر و ملیّن است و دم‌کرده گل و برگ آن سردردهای مزمن را تسکین می‌دهد، مخصوصا اگر منشأ سردرد مسمومیّت غذائی و سوءهاضمه باشد. از دم‌کرده ۱۵ تا ۲۰ گرم گلهای اقاقیا در یک لیتر شراب قرمز، برای کم‌خونی و درمان ترشحات زنانه نافع است.

Rosa canina :Rosaceae گل سگ: تیره گل سرخ

درختچه‌ای است برافراشته و گاهی بالارونده با ساقه‌های متعدد به ارتفاع ۱ تا ۵ متر با شاخه‌های اغلب خمیده و خارهای برگشته و نسبتا محکم و ضخیم و گاهی فاقد خار، دارای برگهای مرکب شانه‌ای با ۵ تا ۷ برگچه بیضوی باریک تا تخم‌مرغی پهن و گلهای منفرد یا خوشه‌ای ۵ تا ۱۵ تائی در کنار یکدیگر، به رنگ صورتی کم‌رنگ تا قرمز و گاهی سفید.

یکی از معمولی‌ترین رزهای ایران و استان گیلان بوده و در حاشیه رودها، مناطق صخره‌ای، بیشه‌زارها، در کنار نهرها و جاده‌های جنگلی و جنگلهای

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۴۶

تنک دارای نور نسبتا کافی رشد می‌نماید.

گل سرخها(Rosa spp.) در ایران به عنوان درختچه‌های زینتی جایگاهی خاص دارد. به جرئت می‌توان گفت که در مناطق معتدله و معتدله سرد، خانه و باغچه‌ای دیده نمی‌شود که حد اقل بوته‌ای رز در آن کشت نشده باشد. در استان گیلان به سبب ویژگیهای آب و هوا دوران گلدهی این درختچه طولانی بوده و گلهای آن درشتتر و زیباتر از سایر مناطق است. یکی از رزهای باارزش و بومی ایرانRosa damascena یا گل سرخ گلاب‌گیری است که دارای عطر و بوی دل‌انگیزی می‌باشد و از آن برای تهیه گلاب و عطر استفاده می‌شود.

میوه گل سگ یعنی قسمت گوشتدار و کوزه‌ای‌شکل آن به علت دارا بودن ویتامین ث ضد اسکوربوت، قابض و مدر بوده در رفع اسهالهای معمولی، اخلاط خونی، انقباض غیرارادی ماهیچه‌های معده، بیماریهای ناشی از التهاب و ورم کلیه بکار می‌رود و در دفع کرم اسکارید نیز مؤثر است.

Rubiaceae: Rubia tinctorum روناس: تیره روناس

گیاهی است چندساله و دائمی با ساقه‌های زیرزمینی فراوان و غالبا به رنگ قرمز و ساقه‌های هوائی رونده به بلندی حد اکثر ۵ متر و غالبا شاخه‌دار.
ساقه گیاه، علفی و چهارگوشه بوده و در محل گره‌ها دارای برگهای متعددی به صورت چرخه‌ای و فراهم به اشکال سرنیزه‌ای، مستطیلی- بیضوی تا تخم‌مرغی پهن با نوک سیخک‌مانند و نیش‌دار می‌باشد. روناس در گیلان به سبب کاربرد خاص آن در تهیه ماهی شور کاملا شناخته شده می‌باشد و بیشتر در حاشیه باغها، مزارع و شیبهای تند و حاشیه بیشه‌زارها و مناطق دارای نور کافی رشد و نمو می‌نماید. از ریشه روناس در صنعت به عنوان ماده رنگی استفاده می‌شود. مصارف داروئی مختلفی دارد که مهمترین آنها به شرح زیر است:
ریشه روناس مدر، صفرابر و به‌طور خفیف مقوی و قابض، اشتهاآور و قاعده‌آور است. از آن می‌توان در حبس البول و عدم دفع ادرار، ورم و احتقان کلیه، آلبومینوری وجود صفرا در خون و رفع یبوستهای سخت استفاده کرد. در تیره روناس جنسی به نام شیرپنیر Galium spp . دارای گونه‌های متعدد و فراوان است که در غالب نقاط ایران به خصوص در مناطق کوهستانی می‌رویند و Galium verum یکی از مهمترین علفهای هرز جنس مزبور بوده به نام فارسی شیرپنیر (پنجه‌واش) در طب سنتی مصرف می‌گردد. در استان گیلان بیشتر در حاشیه مزارع و مکانهای مرطوب ارتفاعات میان‌بند روئیده و با گلهای زردرنگ خود مشخص می‌شود. اغلب گونه‌های Galium دارای گلهای سفیدرنگ هستند و همگی آنها دارای برگهای فراهم و چرخه‌ای می‌باشند.
یکی از گونه‌های شیرپنیر که در مناطق مختلف جنگلی استانهای گیلان و مازندران می‌روید با نام علمی Galium hyrcanicum شناخته می‌شود.
شیرپنیر Galium verum از گیاهان داروئی است و خواصی به شرح زیر دارد: اعضای هوائی گیاه دارای خاصیت آرام‌کننده، مدر، قابض و ضد تشنج خفیف است و برای درمان حمله و صرع مورد استفاده قرار می‌گیرد. درد معده را تسکین داده و برای رفع بیماریهای کبدی، آب آوردن انساج، گواتر، اسکوربوت، عدم دفع ادرار و سنگ کلیه مؤثر است، در استعمال خارجی پماد آن روی خنازیر، سودا و بیماریهای جلدی مختلف بی‌تأثیر نیست.

Rosaceae: Rubus anatolicus تمشک درختی: تیره گل سرخ

درختچه‌ای است به بلندی ۱ تا ۲ متر پرشاخه و متراکم و ساقه‌ای معمولاً گوشه و شیاردار و پوشیده از کرکهای خاکستری‌رنگ و تیغ‌دار. برگهای پنجه‌ای ۵ یا ۳ برگچه‌ای، گل‌آذین پانیکول با گلهای صورتی‌رنگ متمایل به قرمز و گاهی سفید آن در انتهای شاخه‌ها قرار گرفته و میوه‌های آن نیز به‌حالت خوشه‌ای و به رنگ سبز است که به هنگام رسیدن قرمز متمایل به سیاه می‌شود.
این‌گونه تمشک در گیلان و بیشتر در مناطق دارای نور کافی در حاشیه جاده‌ها، دره‌ها، پیاده‌روها، بیشه‌زارهای روشن، کنار رودها و تپه‌های شنی تثبیت شده ساحلی و اراضی رها شده رشد و نمو می‌نماید.
تمشک در گیلان دارای گونه‌های چندی است که همگی حالت گسترده و خوابیده روی زمین و ساقه‌ای عموما خاردار و برگهای سبزرنگ و میوه‌های توتی‌شکل و سیاه‌رنگ دارند. از گونه‌های دیگر این جنس می‌توان:

Rubus caesius, Rubus hyrcanus, Rubus lanuginosus

را نام برد. میوه تمشک خوشمزه، مطبوع و نشاط‌آور است.

از نظر ترکیبات شیمیائی میوه تمشک دارای مواد زیر است: چربی، پروتئین، هیدراتهای کربن، فسفر، کلسیم، آهن، سدیم، پتاسیم، ویتامین آ، نیاسین، تیامین، رایبوفلاوین، مونوکلوزوئید و ویتامین ث.

تمشک میوه‌ای است که مواد غذائی آن کم است و چون مقدار کمی قند و مواد ازته دارد مصرف آن برای اشخاصی که دیابت یا روماتیسم دارند بی‌ضرر و حتی مفید است. از آنجا که ترشی تمشک کم است کسانی که سوء هاضمه

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۴۷

دارند می‌توانند از آن برای رفع کندی عمل گوارش استفاده کنند. همچنین از آنجا که قند موجود در این میوه از انواع لولوز می‌باشد، مصرف آن برای اشخاصی که مبتلا به بیماری قند می‌باشند بلامانع است.

تمشک، غده‌های مولّد عرق را که تعداد آنها تا ۲ میلیون برآورد شده و در تمام سطح پوست بدن پراکنده‌اند به فعالیت وامی‌دارد و ترشح عرق را زیاد می‌کند.

شربت تمشک مخلوط با آب در مورد تب، سرخک و مخملک، تجویز شده است. شربت سرکه تمشک که با آب مخلوط شود در مورد بیماریهائی که همراه با تب می‌آیند مصرف می‌شود. همچنین در مورد آنژین (گلودرد) آن را غرغره می‌کنند. تخم و دانه‌های تمشک در معالجه یبوست و خشکی مزاج به طور طبیعی بسیار مؤثّر است و سبب می‌شود که یبوست به کلّی رفع گردد.

شیخ الرئیس ابو علی سینا در کتاب «قانون در طب» چنین می‌نویسد:

«تمشک چندین نوع است: نوعی را علیق الکلب گویند که نسترن باشد.

نوع دیگری هست که علیق بدون کلب است و آن را در فارسی تمشک نامند.

همه اجزای علیق [قابض و خشکاننده است. در بیخ علیق لطافتی همراه گیرندگی موجود است و از این روی سنگ را خرد کند، زخمها را بهم آرد و در علاج قرحه سر [زخم سر] نافع است. برگ یا ثمر رسیده‌اش را بخایند زخم دهان را شفا دهد و لثه را استوار کند. از برآمدگی اطراف چشم [جلوگیری کند].» همچنین در کتاب نسخه‌های تندرستی آمده است که تمشک، خنک، تصفیه‌کننده خون، اشتهاآور، ادرارآور، ضد اسکوربوت (خونریزی لثه‌ها بر اثر فقدان ویتامین ث) و ملیّن می‌باشد و از این گذشته، در معالجه برونشیت، گاستریت (التهاب معده) و سوزش معده نیز بسیار مؤثّر و مفید است. آب تمشک که از فشردن میوه‌های رسیده تمشک به دست می‌آید جهت تهیّه شربت تمشک که به عنوان عامل معطّر و مطبوع در فراورده‌های داروئی، بخصوص محلولات اسیدی است به کار می‌رود. علاوه بر آنچه گفته شد، جوشانده برگ تمشک داروئی است که تا قرن چهاردهم میلادی در موقع وضع حمل و زایمان، در فرانسه به زنان حامله خورانده می‌شد و وضع حمل آنها به سهولت و آسانی انجام می‌گرفت. اکنون این دارو در انگلستان به مرحله آزمایش و تجربه گذاشته شده و صحّت آن در مراحل متعددی به ثبوت رسیده است.

ترشکها: تیره علف هفت‌بند Rumex spp .:Polygonaceae

گیاهانی هستند یکساله یا چندساله علفی با برگهای متناوب و گوشواره‌های لوله‌ای در محل بندها و عموما بندبند با گلهای

یک جنسی یا چند جنسی که به صورت چرخه‌ای و فراهم در محور برگها یا در انتهای ساقه قرار گرفته‌اند.
برگها عموما مستطیلی کشیده، سرنیزه‌ای و پیکانی شکل بوده، میوه آنها فندقه عموما بالدار و با حاشیه‌ای کامل یا شرابه‌ای یا مژه‌دار می‌باشند.
غالب گونه‌های ترشکها در مناطق مرطوب حاشیه جویبارها، باتلاقها، رودها و چمن‌زارها و مناطق کوهستانی مرطوب رشد می‌نمایند. شاید بتوان از Rumex conglomeratus به عنوان یکی از معمولی‌ترین گونه‌های ترشکها نام برد که با گلهای کوچک چرخه‌ای و فراوان و ساقه و برگ قرمزرنگش در فصل بهار و تابستان دارای گسترش و پراکنش زیادی در سراسر گیلان است.
از گونه‌های دیگر این جنس می‌توان:
Rumex acetocella/ Rumex scutatus
Rumex: dentatus/ Rumex tuberosus
را نام برد که دو گونه اول بیشتر در دره سفیدرود اطراف منجیل و رودبار و دو گونه آخر بیشتر در اطراف رشت و لاهیجان و انزلی پراکنش دارند.
برگ ترشکها عموما توسط مردم در اوائل بهار به عنوان سبزی آش مصرف می‌گردد. برگ ترشکها در نارسائی عمل دستگاه دفع ادرار مؤثر بوده و در مداوای بیماریهای التهابی، اسکوربوت، امتلاء معده، کمی اشتها، بواسیر، ورم لثه دندان و بیماریهای پوستی بکار می‌رود. در دفع یبوستهای مزمن، زردی و عوارض گواتر می‌توان از ترشک بهره جست.
ضماد مخلوط برگ پخته گیاه با آرد دانه کتان و پیه‌خوک، اثری مفید در رفع دانه‌ها و جوش صورت، سودا و بیماریهای پوستی دارد.

Ruscus hyrcanus :Liliaceae کوله‌خاس: تیره لاله

گیاهی است درختچه‌ای با ساقه‌های زیرزمینی فراوان و با ساقه هوایی ساده یا منشعب و پرشاخه و همیشه سبز با برگهای (ساقه‌های سبزرنگ و برگ نمای) چرمی و خشن با انتهایی خاردار و عموما تخم‌مرغی یا بیضوی- شکل. کوله‌خاس گلهای یک‌جنسی و میوه‌های سته‌ای قرمزرنگ دارد و از گیاهانی است که در جنگلهای شمال ایران عموما به همراه ممرزوراش و بر روی خاکهای آهکی در مناطق شیب‌دار یا در کنار پرتگاهها و بر روی خاک هوموس‌دار جنگلی می‌روید.
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۴۸

Sagittaria trifolia :Alismataceae تیرکمان آبی: تیره تیرکمان آبی

گیاهی است آبزی و رطوبت‌پسند با ساقه‌های زیرزمینی متعدد و ساقه هوایی برافراشته و راست به بلندی ۳۰ تا ۸۰ سانتیمتر با برگهای هوایی شناور یا غوطه‌ور در قاعده ساقه، با دمبرگی بلند و پهنکی پیکانی‌شکل و گلهای سفید و زیبا در طول محور ساقه در گل‌آذینی خوشه‌ای.
تیرکمان آبی یکی از گیاهان رطوبت‌پسند است که به صورت علف هرز در مزارع برنج و در کنار باتلاقها و مردابها و مناطق مرطوب معمولا- می‌روید. در نقاط مختلف گیلان به ویژه در بندر انزلی، اطراف رشت، لاهیجان، فومن و صومعه‌سرا و کلیه

مناطق مناسب کشت برنج می‌روید.

Salicaceae:. Salix spp بیدها: تیره بید

درختان یا درختچه‌هایی هستند خزان‌کننده به ارتفاع ۱۰ تا ۱۵ متر و برگهای متناوب خطی تا واژ تخم‌مرغی یا تخم‌مرغی و سرنیزه‌ای. گلها یک جنسی و به صورت سنبله‌ای دم گربه‌ای‌شکل نر یا ماده و جدای از یکدیگر و عموما واژگون و گاهی راست قرار گرفته‌اند.

بیدها عموما در مناطق مرطوب در کنار جویبارها، حاشیه رودها و نهرهای دارای آب دائمی رویش می‌یابند. این درختان از نظر چوب‌دهی ارزش چندانی نداشته و از تخته حاصل از آنها برای تهیه جعبه و توفال و از ساقه‌های راست آنها در تونل معادن استفاده می‌شود.

بیدها نقش به سزایی در تلطیف هوا دارند و سایه آنها از این نظر واجد اهمیت بوده مشهور است. پوست آنها ارزش داروئی قابل توجهی دارد و خاصیت تب‌بری آن بر کسی پوشیده نیست.

از تخمیر چوب آنها برای تهیه الکل استفاده می‌شود.

بیدها در گیلان و مازندران دارای گونه‌های متعددی است و مشهورترین آنها عبارتند از:

زردبید Salix acmophylla

بیدمشک Salix aegyptiaca

بید مجنون Salix babylonica

Salix elbursensis

Salix excelsa

بید مجنون یکی از درختان زیبای زینتی است که با شاخه‌های واژگون خود زیبایی خاصی داشته و اغلب در کنار خیابانها، پارکها و مناطق تفرجگاهی کشت می‌گردد.

بیدمشک نیز از درختانی است که به خاطر داشتن گلهای سنبله‌ای دم- گربه‌ای‌شکل خود و عطر و بوی خاص مورد توجه مردم می‌باشد و از آن عرقی تهیه می‌گردد که بسیار خوشبو بوده و اغلب به عنوان تب‌بر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Labiatae: Salvia glutinosa نوعی مریم گلی: تیره نعناع

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌ای راست و در بخش فوقانی پرشاخه به بلندی حد اکثر یک متر و پوشیده از کرکهای غده‌ای و برگهای ساده تخم- مرغی- سه گوشه. گل‌آذین متشکل از چرخه‌های ۴ تا ۶ گلی آن‌که به صورت تنک بر روی محور گل‌آذین قرار گرفته‌اند و دارای گلهای بسیار زیبای زردرنگ با نوارهای قهوه‌ای می‌باشد.

این گیاه خاص مناطق جنگلی گیلان و مازندران است و در اطراف جاده اسالم- خلخال و حاشیه جاده‌های جنگلی دارای نور نسبتا کافی رویش می‌یابد.

Labiatae: Salivia nemorosa

گیاهی است علفی و چندساله با ساقه‌های راست و پرشاخه به بلندی حد اکثر ۱۰۰ سانتیمتر و پوشیده از کرکهای زبر و برگهای ساده، مستطیلی- سرنیزه‌ای با قاعده‌ای قلبی.

چرخه‌های گل حاوی ۶ گل متراکم و نزدیک به‌هم با رنگ ارغوانی یا بنفش است که بر روی محور گل‌آذین قرار گرفته‌اند.

گیاه مذکور در گیلان بیشتر در داخل مزارع متروکه و باغها و حاشیه جنگلها و بیشه‌زارها می‌روید.

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۴۹

Sambucus ebulus :Caprifoliaceae پلم، آقطی (پلهم، پلهام، شوند): تیره پیچ امین الدوله

گیاهی است علفی چندساله با بوی بد، به ارتفاع حد اکثر ۲ متر و برگهای شانه‌ای بزرگ و متقابل با ۳ تا ۶ جفت برگچه سرنیزه‌ای بیضوی، گلهای سفید و گاهی سفید متمایل به صورتی آن در گل‌آذین انتهایی چتری‌شکل و طبق‌مانند قرار گرفته، میوه آن پس از رسیدن سیاه‌رنگ می‌شود.

پلم یکی از معمولی‌ترین گیاهان منطقه گیلان و مازندران بوده در اغلب نقاط، در حاشیه جاده‌ها، در بستر جنگلهای دارای نور فراوان، در مناطق جنگلی که قطع یکسره می‌شود و در حاشیه مزارع، باغها و در شیبهای تند کناره جاده‌های جنگلی می‌روید.

از مغز ساقه آقطی در آزمایشگاههای شعب مختلف علوم برای تهیه برش از اندامهای گوناگون استفاده می‌شود، پلم گیاهی است که برای چهارپایان سمی بوده، ولی در طب سنتی برای درمان بعضی از دردها توصیه شده است. در طب سنتی ایران به عنوان مدر، معرق، مسکن، ملیّن، معالج گریپ، کم‌کننده شدت سرفه، معالج روماتیسم، نقرس، حبس البول، بادسرخ، انواع بواسیر، زخمهای سوختگی، درد اعصاب، آب آوردگی شکم، استسقاء، گلودرد، عوارض رحم، جوش و کورک، ورم و خارش پوست، متوقف‌کننده کرم‌خوردگی دندان و معالج کچلی مورد استفاده قرار می‌گیرد. تمام اجزاء گیاه اعم از برگ، ریشه، گل و میوه آن مصرف دارویی دارند.

Satureja hortensis :Labiatae مرزه: تیره نعناع

گیاهی است یکساله با ساقه‌ای پرشاخه به بلندی حد اکثر ۳۵ سانتیمتر و برگهای خطی تا خطی- سرنیزه‌ای با نوک کند یا تیز و تقریبا بدون دمبرگ، گل‌آذین طویل و متشکل از چرخه‌های انبوه یا تنک با ۲ تا ۲۰ گل غالبا به هم فشرده و به رنگ بنفش، ارغوانی یا سفید می‌باشد.

مرزه یکی از سبزیهای کشت شده در استان می‌باشد که به عنوان سبزی خوردن و سبزی کوکو مصرف می‌گردد و دارای طعم و عطری بسیار مطبوع است.

از این جنس گونه‌ای دیگر به نام Saturya mutica در گیلان و در منطقه رودبار و منجیل در شیبهای تند کنار جاده‌ها می‌روید.

سرشاخه گلدار مرزه هنگامی که به گل می‌نشیند دارای عطر زیادی بوده و نیرودهنده، تسهیل‌کننده عمل هضم، مقوی معده، مدر و بادشکن است؛ به‌طور خفیف اثر قابض، ضد نزله و رفع اسهال و دفع کرم دارد؛ در صورت وجود ناراحتیهای معده- روده‌ای، به عنوان آرام‌کننده، علیه نفخ، گازها، اسهالها و انگلهای روده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Senecio vernalis :Compositae پیر گیاه: تیره کاسنی

گیاهی است علفی یکساله یا دو ساله با ساقه‌ای برافراشته و راست بدون شاخه یا منشعب و پرشاخه از پائین تا بالا به ارتفاع ۵ تا ۴۵ سانتیمتر به رنگ سبز یا ارغوانی‌شونده و پوشیده از کرکهای بلند پنبه‌ای یا بدون کرک با برگهای قاعده‌ای یا ساقه‌ای بدون دمبرگ، قاشقی- مستطیلی یا واژ سرنیزه‌ای و پوشیده از کرکهای بلند و پنبه‌ای، دارای گلهای مجتمع و کپه‌ای با گلچه‌های کناری زبانه‌ای و زردرنگ و گلهای میانی طبق لوله‌ای و زرد.

پیرگیاه یکی از علفهای هرز مشهور و مهم بهاره مناطق مختلف جلگه‌ای استان بوده و بیشتر بین رشت و انزلی، اطراف رشت، اطراف لاهیجان و بر روی تپه‌های شنی ساحلی بندر انزلی می‌روید. از گونه‌های دیگر یکساله این جنس می‌توانSenecio vulgaris و Senecio glaucus را نام برد که به فراوانی در فصل بهار همراه گونه فوق الذکر، در مناطق یاد شده می‌رویند. گونه‌ای چند ساله از جنس فوق به نامSenecio othonae خاص مناطق جنگلی شمال ایران بوده در جنگلهای استان گیلان رویش دارد.

Sesbania puniceae :Leguminosae تیره نخود

درختچه یا درختی است با ساقه‌ای راست و برافراشته و تاجی منشعب و شاخه‌دار با شاخه‌های استوانه‌ای و نازك با ارتفاع ۲ تا ۴ متر با برگهای مرکب شانه‌ای و برگچه‌های مستطیلی یا واژ تخم‌مرغی- مستطیلی به تعداد ۸ تا ۱۵ جفت و معمولا واژگون، با گلهای متعدد پروانه‌آسای قرمز تیره یا قرمز متمایل به نارنجی خوشه‌ای واژگون، با میوه نیام چهارگوشه بالدار.

گیاه مذکور یکی از گیاهان کاشته شده زیبای شمال ایران در استانهای گیلان و غرب مازندران است که به خاطر رنگ زیبای گل آن، کشت می‌شود.

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۵۰

این گیاه بومی مناطق معتدله آمریکای جنوبی است که به اروپا و از آنجا به ایران وارد شده است.

Sigesbeckia orientalis :Compositae علف ملکوتی: تیره کاسنی

گیاهی است علفی یکساله با ساقه‌ای برافراشته و راست و منشعب در بالا و پوشیده از کرکهای فشرده و غده‌دار با برگهای متقابل تخم‌مرغی- سرنیزه‌ای بدون دمبرگ تا تخم‌مرغی پهن با قاعده‌ای گوه‌ای‌شکل و دمبرگدار و گلهای کپه‌ای، با گلچه‌های زبانه‌ای کناری و لوله‌ای طبقی.

کلیه اجزاء این گیاه تصفیه‌کننده خون و مدر هستند و در مداوای بیماریهای مجاری ادرار و اولسرها و زخمهای غانغرایائی مؤثر می‌باشند. تنطور حاصل از گیاه مزبور را به نسبت مساوی با گلیسیرین مخلوط کرده برای درمان بیماریهای پوست و ناراحتیهای جلدی به‌کار می‌برند. این تنطور به‌ویژه در رفع بیماریهای پوستی که منشأ طفیلی و قارچ دارند مؤثر است. اگر تنطور آن از گیاه تازه تهیه شود اثر ضد عفونی‌کننده قوی دارد بطوری که با قرار دادن آن بر روی زخمهای آلوده، آنها را ضدعفونی کرده درمان می‌نماید. نام فارسی ندارد؛ فرانسوی‌ها آن را علف ملکوتیHerbe divine و علف چربHerbe grass می‌نامند.

گیـاه فوق الـذکر یکی از علفهـای هرز مزارع و باغهـا و جنگلهـای تنـک با نور فراوان می‌باشـد و در اسـتان گیلان در مزارع و باغهای اطراف رودبار، منجیل رشت، آستارا، اسالم، انزلی و لاهیجان رشد می‌نماید.

Silybum marianum :Compositae عکوب: تیره کاسنی

گیـاهی است علفی دو ساله یا چنـدساله با ساقه‌ای منفرد یا منشـعب و شاخه‌دار، در بالا به ارتفاع ۳۰ تا ۱۵۰ سانتیمتر و برگهای طوقه‌ای بدون کرک واژ تخم‌مرغی و دمبرگدار که در امتداد رگبرگها دارای رگه‌های سفیدرنگ و دندانه‌های شدیدا خاردار می‌باشـند. برگهـای ساقه‌ای اغلب تخم‌مرغی- سـرنیزه‌ای‌شـکل و گوشواره‌دار و ساقه آغوش بوده کوچکتر از برگهای طوقه‌ای می‌باشند.

گلهـای لـوله‌ای نر و مـاده قرمزرنـگ آنهـا به صـورت مجتمـع و کپه‌ای بزرگ که توسـط برگهـای تغییر شـکل یـافته‌ای به نـام برگه‌های خاردار احاطه شده‌اند قرار دارند.

گیـاه فوق الـذکر یکی از علفهـای هرز حاشـیه جاده‌ها و کنار نهر و جویبارها و مزارع آیش بوده در اسـتان گیلان نیز در غالب نقاط در کنار جاده‌های منجیل- رشت، رشت به طرف صومعه‌سرا و فومن و نیز حاشیه جاده‌های بین شهری دیده می‌شود. گیاه مـذکور دارای برگهـای تلـخ است و لیکن در کشورهـای اروپـائی اغلب به مصـرف تغـذیه می‌رسـد. جنبه‌های داروئی عکوب مخصوصا میوه آن در طب سنتی بسیار باارزش است. میوه این گیاه حاوی لیپیدها، آلبومینها، اسانسهای روغنی و فلاونوئیدهای مهم سـیلبین و سـیلی‌مارین بوده داروی مؤثری علیه ناراحتیهای کیسه صـفراست و در صورت آسـیب‌دیـدگی بافت کبـد آن را ترمیـم می‌کنـد. در پـائین آوردن فشـار خـون، درمـان سـردردهای یـک‌طرفـه (میگرن)، اختلالات جهـاز هاضـمه، فراخ شـدن سیاهرگها، دریاگرفتگی و عوارض ناشـی از مسافرت با ترن و اتومبیل تأثیر قابل توجهی دارد. پزشـکان سـنتی برگ و میوه این گیاه را مسـهل صـفرا دانسـته برای درمان دردهای مربوط به طحال و همچنین دفع سـنگهای صـفراوی و یبوستهای مزمن تجویز می‌کنند. مصـرف گیاه حتی به‌طور مداوم هیچگونه مسـمومیتی ایجاد نمی‌کند. از برگهای گیاه در تهیه سالاد و از ریشه آن در تهیه برخی غذاها و مرباها استفاده می‌شود.

ریشه و اعضای هوائی عکوب طعم تلخ و اثر اشتهاآور، مقوی و تب‌بر دارد. دانه گیاه دارای آمیدون، مواد آلبومینوئیدی و یک ماده روغنی می‌باشد و مصرف دانه له‌شده آن برای درمان بیماریهای مختلف توصیه شده است.

گیاه مزبور نام فارسی ندارد؛ به عربی آن را عکوب، شوک الدمن و شوک النصاری می‌خوانند.

Sisymbrium officinale :Cruciferae خاکشیر: تیره شب‌بو

گیاهی است علفی یکساله با ساقه‌ای منشـعب و پرشاخه به بلندی ۲۰ تا ۸۰ سانتیمتر با برگهای قاعـده‌ای دمبرگدار و طوقه‌ای و گلهای زردرنگ سنبله‌ای نسبتا طویل در انتهای شاخه‌ها و میوه‌های خرجین مخروطی‌شکل کوتاه به طول ۱۱ تا ۱۷ میلیمتر.

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۵۱

گیـاه فوق الـذکر معمولاـ در کنـار جـاده‌ها و پیاده‌روها و زمینهای متروکه می‌رویـد، در گیلان گیاهی تقریبا معمولی و همه‌جا پراکنـده بوده و در کنـار جـاده‌هـای جنگلی، حاشـیه مزارع، پیـاده‌روهـا و باغها رویش می‌یابـد و در فصل بهار یکی از گیاهان غالب مناطق مختلف استان گیلان است.

در ایران از این گونه استفاده داروئی نمی‌شود و گونه دیگری که به خاکشیر معروف است و نام لاتین آن Descurainia sophia است مورد استفاده قرار می گیرد. گیاه مذکور نیز علف هرز مزارع آیش، مزارع گندم، غلات و حاشیه مزارع و باغها است. دانه‌های خاکشیر بیشتر به عنوان خنک‌کننده با آب و یخ همراه شربتها مصرف گردیده و در فصل تابستان در برخی آب‌میوه‌فروشیها فروخته می‌شود، خاکشیر نیرودهنده، ضد اسکوربوت، مدر، خلط‌آور بوده و برای بهبود بیماریهای حنجره بکار می‌رود، جوشانده گیاه خاکشیر در رفع اسهالهای ساده، اخلاط خونی و درمان ترشحات زنانگی مفید است.

Smilax excelsa :Liliaceae از ملک (کامپوره، شنگیله، کفله‌بور، والی‌گیله): تیره لاله

درختچه‌ای است بالارونده با ساقه‌ای خاردار به طول حد اکثر ۲۰ متر با برگهای متناوب تخم‌مرغی پهن دایره‌ای تا شبه قلبی و دمبرگی بلند با دو زایده پیچک‌مانند. گلهای کوچک آن به تعداد ۲ تا ۱۴ عدد بر روی دمگل آذین بلندتر از دمبرگ به صورت محوری و چتری‌شکل قرار گرفته میوه‌های سته‌ای آن پس از رسیدن قرمزرنگ می گردد.

از ملک در مناطق جنگلی شمال، حاشیه جاده‌ها، جنگلهای مخروبه، بیشه‌زارها و مناطق دارای نور کافی رشد می‌نماید. در گیلان نیز در غالب نقاط جنگلی جلگه‌ای و مخروبه می‌روید.

ریشه این گیاه و گونه‌های دیگری از آن‌که در نواحی جنوبی مکزیک و کشورهای مجاور آمریکای مرکزی تا حوزه آمازون می‌رویند، تحت نام ریشه سالسپاری وارد بازار تجارت می‌شود.

قسمت مورد استفاده این گیاه ریشه آنهاست که به صورت عاری از ریزوم (اعضای زیرزمینی) و یا دارای ریزوم و حتی همراه با قسمتی از ساقه گیاه، در معرض استفاده‌های درمانی قرار می گیرد.

در گذشته به عنوان تصفیه‌کننده خون مصارف زیاد داشته است. طب سنتی آن را برای درمان بیماریهای جلدی، اگزما و داء الصدف توصیه می کند.

باید دانست که سالسپاریهای داروئی عموما فاقد تانن‌اند و فقط بعضی از انواع آنها مانند S .excelsa L. که در ایران می‌روید و S .prolifera Roxb. دارای ماده مذکور می‌باشند.

S. excelsa L

در منطقه وسیعی از گیلان می‌روید و به اسامی زیر موسوم است:

ملک و از ملکی در لاهیجان و رودسر، شنگیله در آستارا، کفله‌پور در گرکانرود، والی‌گیله در بندر انزلی، تمیس و کامپوره در اطراف رشت، کامپورک در صومعه‌سرا، شات‌دانه در دیلمان، کلکادانه در بعضی نواحی گیلان و بالیکا در درفک.

Solanum dulcamara :Solanaceae تاج‌ریزی پیچ: تیره سیب‌زمینی

گیاهی است بالارونده و پیچنده با ساقه‌ای چوبی، برگهائی دمبرگدار تخم‌مرغی تا تخم‌مرغی- سرنیزه‌ای و گلهای بنفش‌رنگ در گل‌آذین گرزن محوری یا انتهائی و میوه سته‌ای آبدار قرمزرنگ.

گیاه فوق الذکر یکی از درختچه‌هائی است که در غالب نقاط شمالی ایران در کنار دریاچه‌ها، مناطق مرطوب و باتلاقها، حاشیه و بستر رودها رشد می‌نماید. برای مثال در استان گیلان در روگاههای مرداب انزلی مانند نهنگ- روگا یا سایر مسیرهای رودخانه‌ای مرداب به طرف دریا از کنار روگاهها در میان نیها و سایر گیاهان همراه رشد می‌نماید.

از نظر طب سنتی تاج‌ریزی پیچ به‌طور ملایم اثر ملیّن، مدر، نیرودهنده، معرق، تصفیه‌کننده خون و کمی مخدر دارد. در مداوای بیماریهای جلدی مزمن مانند اگزما، خارش سودا و تب‌خال مؤثر است و برای رفع درد استخوان، ترشحات زنانگی، استسقاء، برونشیتهای مزمن، نزله مزمن، سیاه‌سرفه، آسم، نقرس، روماتیسم، زردی، آلبومینوری مورد استفاده قرار می‌گیرد. مصرف فرآورده‌های آن به میزان زیاد ایجاد مسمومیت می‌نماید.

Solanaceae: Solanum melongena بادنجان، بادمجان: تیره سیب‌زمینی

گیاهی است علفی یکساله با ساقه‌ای نسبتا ضخیم و راست و پرشاخه به

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۵۲

ارتفاع ۳۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر و برگهای دمبرگدار تخم‌مرغی بزرگ. گلهای نسبتا بزرگ، منفرد سفید یا سفید متمایل به بنفش با دم‌گلی بلند و خمیده به طرف پائین در محور برگها و میوه سته‌ای بزرگ به اشکال تخم‌مرغی، گلابی‌شکل، استوانه‌ای طویل و غیره ... به رنگ ارغوانی تیره یا بنفش تیره.

بادنجان یکی از گیاهان زراعی معروف است که در غالب نقاط ایران از جمله در گیلان در مزارع کشت می‌گردد و میوه آن (بادنجان) در غالب فصول سال به طرق گوناگون به مصرف تغذیه می‌رسد.

Solanaceae: Solanum nigrum سگ‌انگور: تیره سیب‌زمینی

گیاهی است علفی یکساله با ساقه‌ای راست به ارتفاع ۱۰ تا ۷۰ سانتیمتر، پرشاخه و برگهای تخم‌مرغی یا تخم‌مرغی- بیضوی و گلهای کوچک و سفیدرنگ در گل‌آذین خوشه گرزن با گلهای ۵ تا ۱۰ تایی و میوه سته آبدار سیاه‌رنگ که به تدریج پس از رسیدن نارنجی‌رنگ می‌گردد.

سگ‌انگور یکی از علفهای هرز حاشیه رودخانه، سواحل دریا، زمینهای مخروبه و مزارع زراعی می‌باشد که در غالب نقاط گیلان به خصوص در زمینهای زراعی و مناطق جنگلی دارای نور نسبتا کافی رشد می‌نماید.

اثرات دارویی آن در طب سنتی شناخته شده است، سگ‌انگور مخدر بوده به علت داشتن سولانین تسکین‌دهنده است. در استعمال خارجی، برگهای تازه و له‌شده آن بر روی اولسرهای دردناک، ترک نوک پستان و بواسیر اثر درمانی دارد.

جوشانده آن به صورت امولسیون و حمام موضعی بر روی ورمها و قسمتهای ملتهب و دردناک پوست قرار داده می‌شود، به علاوه در سوختگیها، کوبیدگی و بیماری جلدی ناراحت‌کننده اثر مسکن و شفابخش دارد. ضماد آن درد روماتیسم مفصلی حاد را تسکین می‌دهد.

Solanaceae: Solanum tuberosum سیب زمینی: تیره سیب زمینی

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌های زیرزمینی دارای غدد (سیب زمینی) فراوان در انتها و ساقه هوایی راست و پرشاخه به ارتفاع ۳۰ تا ۱۰۰ سانتیمتر عموما چهارگوشه و برگهای شانه‌ای فرد با ۳ تا ۴ جفت برگچه کامل تخم‌مرغی و برگچه‌های کوچکتری در میان آنها؛ دارای گلهای سفید یا متمایل به بنفش در گل‌آذین گرزن انتهایی، و میوه هوایی سته آبدار سبزرنگ با دانه‌های متعدد.

سیب زمینی بومی قاره آمریکا بوده در ایران گیاهی کشت شده است و اگر چه در گیلان جز در مناطق کوهستانی و در روستاهای دوردست که از رطوبت دریا به دورند کشت نمی‌شود و لیکن انواع آن به نامهای سیب‌زمینی استانبولی، پشندی، آلفا و ... به صورت روزمره در غذای مردم دیده می‌شود و در غالب سبزی‌فروشیها و مغازه‌ها عرضه می‌گردد. اعضاء سبز گیاه مانند برگ و ساقه به علت داشتن سولانین اثر مخدر و آرام‌کننده دارد و دردهای عصبی روماتیسمی، نزله‌های مزمن ششی، سرفه‌های خشک، اسهالهای همراه با حالات تحریکی را معالجه می‌نماید. غده سیب‌زمینی ضد اسکوربوت و نرم- کننده می‌باشد و مصرف آن برای مبتلایان به بیماری قند توصیه می‌شود، سیب زمینی تازه یا رنده شده بر روی سوختگیهای سطحی بدن اثر تسکین دهنده دارد.

Sparganiaceae: Sparganium neglectum توروف: تیره اسپارگانیاسه

گیاهی است علفی چندساله و رطوبت‌پسند و پایابی یا آبزی، یکپایه با ساقه‌های زیرزمینی نسبتا ضخیم و پراکنده و ساقه هوایی راست و برافراشته منشعب و شاخه‌دار در بخش فوقانی به ارتفاع ۲۵ تا ۱۲۰ سانتیمتر و برگهای دو ردیفی بلند و راست و ناوی‌شکل و سه‌گوشه‌ای و در قاعده غلاف‌دار که گاهی از ساقه بلندتر می‌باشند.

گلهای سفید در انتها قهوه‌ای یا سیاه‌رنگ آن به صورت مجتمع و کپه‌ای کروی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند و کپه‌های حاوی گلهای ماده غالبا در پائین و گلهای نر در بالا، حول محور گل‌آذین منشعب و شاخه‌دار دیده می‌شوند.

گیاه مذکور در ایران در غالب نقاط معتدله در کنار برکه‌های آب و چشمه‌سارهای آب شیرین، باتلاقها و مردابهای دارای عمق کم می‌روید. در گیلان در مرداب انزلی، آبگیرها و برکه‌های اطراف رشت، فومن و صومعه‌سرا، گاهی در کنار نهرهای موقت حاشیه جاده‌های بین شهری در فصل بهار دیده می‌شود.

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۵۳

Leguminosae: Spartium junceum طاووسی: تیره نخود

درختچه‌ای است راست و پرشاخه با ساقه‌ای شیاردار و شاخه‌های سازوییی‌شکل و برگهای کم و کوچک و غالبا ریزان ساده و بیضوی باریک به طوری که گیاه عموما بدون برگ به نظر می‌رسیده شاخه‌های سبزرنگ آن بیشتر جلب توجه می‌نماید.

گلهای پروانه‌آسای زرد طلایی آن، عموما در خوشه‌های ۵ تا ۲۰ گلی در انتهای شاخه‌ها قرار گرفته‌اند.

طاووسی در ایران عموما به عنوان گیاهی زینتی کاشته می‌شود و در استان گیلان به خصوص در شهرهای بزرگ رشت، لاهیجان و فومن در پارکها، حاشیه خیابانها و گاهی حیاط منازل کشت می‌شود.

Chenopodiaceae: Spinacia oleracea اسفناج: تیره چغندر

گیاهی است دوپایه و یکساله با برگهای غالبا طوقه‌ای متناوب و دمبرگ بلند و پهنک غالبا دلتایی یا پیکانی و گل‌آذین گرزن- پانیکول انتهایی و میوه‌ای خاردار.

اسفناج یکی از گیاهان کاشته شده مناطق مختلف کشور و در ردیف سبزیهای خوراکی است که سرشار از ویتامینهای آ. ب. ث و د و مواد کانی و املاح مختلف نظیر آهن و فسفات می‌باشد. اسفناج مصارف دارویی فراوانی دارد که برای اغلب مردم

شناخته شده است. انواع وحشی آن گاهی در مزارع به صورت علف هرز دیده می‌شود.
اسفناج از نظر غذایی اهمیت زیادی دارد و به علت داشتن آهن، فسفات و کلروفیل برای مبتلایان به کم‌خونی بسیار مفید بوده، سهولت دفع مواد از روده بزرگ را میسر می‌سازد.
مؤلف کتاب «گیاهان دارویی» می‌نویسد: از نظر ترکیبات شیمیایی اسفناج تازه دارای ۹۳ درصد آب، مواد البومینوئیدی، مواد چرب، مواد قندی، کلروفیل، لسیتین، سکرتین، ید، فسفر، آهن، ارسنیک، املاح پتاسیم و کلسیم، مخصوصا اکسالاتهاست. اسفناج را از نظر ترکیب شیمیایی و تأثیری که در بدن می‌گذارد، می‌توان شبیهoxalis (ترشک) ها دانست. اسفناج به جهت دارا بودن آهن نیز در میان سبزیها بی‌همتاست. از این نظر گویچه‌های قرمز خون را زیاد می‌کند و بهترین غذا برای زنان باردار و اشخاص کم‌خون می‌باشد.
همچنین به جهت داشتن منیزیم تا حدودی جلوی پیشرفت سرطان را می‌گیرد، محرک کلیه‌ها بوده، کار و فعالیت آنها را زیاد می‌کند.
اسفناج به علت دارا بودن سکرتین که در سال ۱۹۲۴ میلادی وسیله دبرفDobreff کشف شد، اثر نیرودهنده بر روی ترشحات معده، روده، لوزالمعده دارد. ترشحات صفرا را افزایش می‌دهد و حرکات دودی‌شکل روده را تقویت می‌کند. با آن‌که غذاهای ساده‌ای که با اسفناج تهیه می‌شود زیاد لذت‌بخش نیست مع هذا مصرف آن در تغذیه کودکان و به عنوان غذای کامل دوره نقاهت، کم‌خونی دختران جوان، بیماریهای حاد، بیماریهای مقاوم پوست، اسکوربوت و همچنین به عنوان تقویت اعصاب برای کسانی که کارهای فکری دارند توصیه شده است.
مصرف اسفناج پخته، در طب سنتی برای رفع سرفه‌های خشک، آسم، گرفتگی صدا، یبوست، قولنجهای کبدی، رماتیسم، نقرس و کمی ترشحات شیر معمول است. در موارد کمبود ویتامینهای بدن، مصرف شیره تازه اسفناج، مؤثرتر از اسفناج پخته ذکر شده است. علاوه بر آن در گذشته از اسفناج نوعی شراب تهیه می‌گردید که در خونرویها به منظور رفع کم‌خونی افراد مبتلا- به این بیماری به کار می‌رفت. برای این کار نیز از ۴ قسمت شراب و یک قسمت شیره برگهای پخته اسفناج استفاده می‌شود.
علاوه بر آنچه که ذکر گردید، ضماد خام اسفناج جهت مداوای ورمها و گزیدگی زنبور و باز کردن دمل نافع است. مالیدن پخته این سبزی مخلوط با سفیدآب جهت جوشهای جلدی نیز نتیجه‌بخش می‌باشد. تخم اسفناج جهت درد کبد، درد دل و درد سر مفید است. اسفناج لثه‌ها را سفت می‌کند و از تباهی و فساد دندان به علت دارا بودن آهن می‌کاهد. اگر پارچه پشمی را با آب اسفناج بشوئید، شفاف و براق می‌شود.
بیماران مبتلا به ورم مفاصل و سنگهای کیسه صفرا نباید اسفناج را زیاد مصرف کنند. زیرا وجود اکسالات موجود در اسفناج برای این قبیل بیماران
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۵۴
مضر است و باعث تشدید کسالت آنان می‌گردد.

Stachys byzantina :Labiatae گوش‌بره: تیره نعناع

گیاهی است علفی چندساله، با شاخه‌های عقیم به همراه ساقه باروری به بلندی حد اکثر یک متر و غالبا ساده و ندرتا دارای

شاخه‌های تنک. در بخش فوقانی پوشیده از کرکهای پنبه‌ای- بلند یا کرکهای هلوئی- پتوئی و برگهای قاعده‌ای قاشقی- مستطیلی تا سرنیزه‌ای پهن و پوشیده از کرکهای پتوئی- ابریشمی تا تار عنکبوتی. چرخه‌های گلدار متشکل از ۱۵ تا ۲۰ گل عموما تنک در طول محور گل‌آذین و چرخه‌های انتهایی متراکم و نزدیک به هم به رنگ قرمز صورتی.

گیاه فوق الذکر که بیشتر در استانهای گیلان و مازندران رویش داشته در مناطق دارای نور کافی می‌روید، هیچگونه ارزش علوفه‌ای نداشته و عموما به صورت گیاهی مهاجم و بدخوراک جلوه می‌نماید و در گیلان بیشتر در مراتع دارای نور کافی و مخروبه رویش می‌یابد.

گونه‌های چندی از این جنس در مناطق مختلف گیلان می‌رویند که عبارتند از:

Stachys fruticulosa، Stachys persica

Stachys inflata، Stachys pubescens

Stachys lavandulifolia، Stachys spectabilis

در مناطق مختلف استان گیلان رویش می‌یابند.

گونه Stachys lavandulifolia با نام فارسی چای کوهی به عنوان بادشکن در طب سنتی مصرف می‌گردد.

تیره میخک: Caryophyllaceae Stellaria media دانه قناری، سبزه‌واش

گیاهی است یکساله علفی گسترده روی سطح زمین یا به‌ندرت راست و برافراشته با برگهای قاعده‌ای متقابل قلبی‌شکل یا تخم‌مرغی و برگهای بالایی اغلب بزرگتر از برگهای پائینی. گلهای سفیدرنگ ۵ گلبرگی آن‌که به علت داشتن بریدگی عمیق ۱۰ تایی بنظر می‌رسند در گل آذین متراکم و چترمانند و گاهی تنک و پراکنده قرار گرفته‌اند.

گیاه فوق الذکر از نظر شکل اندامها بسیار متنوع است و تقریبا علف هرزی بشمار می‌آید که در همه‌جا مخصوصا در مزارع، باغچه‌ها، پیاده‌روها و گلدانها می‌روید.

تیره زیتون: Oleaceae Syringa persica یاس بنفش

درختچه‌ای است با ساقه‌ای خاکستری رنگ به ارتفاع حد اکثر ۳ متر و خزان‌کننده با برگهای متقابل ساده تخم‌مرغی یا سرنیزه‌ای و گلهای بنفش یا سفید یا بنفش متمایل به قرمز خوشه‌ای و بسیار معطر و میوه کپسول با دانه‌های بالدار.

یاس بنفش درختچه‌ای است که در غالب نقاط ایران در پارکها، حیاط منازل و باغچه‌ها کشت می‌گردد. در گیلان در بلوارها و حیاط منازل و پارکها کشت می‌شود. عطر یاس بنفش بسیار مشهور و دل‌انگیز است.

تیره تمیس: Dioscoraceae Tamus communis تمیس، رزک

گیاهی است علفی چندساله پیچان و بالارونده با غده زیرزمینی به قطر ۲۰ سانتیمتر یا بیشتر، سیاه‌رنگ با ساقه‌ای نازک به طول حد اکثر ۴ متر، کم شاخه، شیاردار، بدون کرک با برگهائی متناوب تخم‌مرغی، قلبی‌شکل به رنگ سبز روشن. گلهای آن کوچک، زردرنگ و یک جنسی است. گلهای نر و ماده از یکدیگر جدا و غالبا به صورت خوشه‌ای یا سنبله‌ای محوری قرار گرفته‌اند.

میوه سته‌ای شبه کروی و سبزرنگ آن پس از رسیدن قرمز می‌شود.
تمیس از گیاهانی است که در استانهای شمالی ایران در مناطق جنگلی و بیشه‌زارها می‌روید. در استان گیلان نیز در جنگلهای اسالم، شفارود، فومن و ماسوله، اطراف لاهیجان و رشت و ارتفاعات مرتعی مشجر اطراف عمارلو و دیلمان می‌روید.

Compositae: Tanacetum parthenium بابونه گاوی: تیره کاسنی

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌های متعدد و پرشاخه به ارتفاع ۲۰ تا ۶۰ سانتیمتر با برگهای مرکب به رنگ سبز که دمبرگهائی بلند دارند.
کاپیتولهای گیاه دارای دو نوع گل است: گلچه‌های کناری زبانه‌ای به رنگ سفید و به تعداد ۱۰ تا ۲۰ عدد و گلهای لوله‌ای به رنگ زرد با تعداد زیاد در ناحیه وسط (بر روی صفحه طبق).
بابونه گاوی گیاهی است که در اغلب نقاط معتدله و معتدله سرد ایران بر روی دیواره‌های سنگی دارای رطوبت، در چمن‌زارهای مرطوب، مناطق مخروبه، حاشیه رودخانه‌ها و گاهی در مناطق جنگلی بر روی لبه‌ها و دیواره‌های سنگی می‌روید.
در گیلان نیز در کناره رودخانه‌های جنگلی، در مناطق کوهستانی دارای جریانهای آب و بر روی دیواره‌های سنگی با شیب تند می‌روید.
گلهای بابونه گاوی نیز گاهی به مصرف داروئی در طب سنتی می‌رسد.

Labiatae: Teucrium hyrcanicum تیره نعناع

گیاهی است چندساله علفی با ساقه‌ای راست به ارتفاع ۳۵ تا ۷۵ سانتیمتر و کرک‌آلود، دارای برگهای دمبرگ‌دار تخم‌مرغی-سرنیزه‌ای و گل‌آذین
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۵۵
خوشه‌ای سنبله‌مانند و متراکم و گلهای قرمز- صورتی.
گیاه مذکور خاص منطقه رویشی هیرکانی حوزه دریای خزر می‌باشد و در حاشیه جاده و کنار آبراهه‌ها و مناطق دارای نور نسبتا فراوان رویش می‌یابد.

Labiatae: Teucrium polium مریم نخودی: تیره نعناع

گیاهی است علفی چندساله با قاعده‌ای خشبی، به ارتفاع ۱۰ تا ۴۰ سانتیمتر، گسترده روی زمین یا راست و برافراشته با کرکهای سفید متمایل به خاکستری یا کرکهای پتوئی- پنبه‌ای یا فردار. برگهای مستطیلی‌شکل تا واژ تخم‌مرغی باریک یا خطی، معمولا پوشیده از کرکهای پتوئی. گل‌آذین کپه‌ای و سرسان با گلهای سفیدرنگ. گیاه فوق الذکر در گیلان بیشتر در مناطق رودبار و ارتفاعات بالای کوهستانی و مناطق مرتعی رویش می‌یابد و ارزش داروئی آن بر اغلب مردم شناخته شده است. سرشاخه گلدار گیاه اثر مقوی، نیرودهنده و ضد تشنج دارد و اگر گرد آن وارد بینی شود مخاط بینی را تحریک و ایجاد عطسه می‌نماید. مصرف آن در رفع سردرد، ضعف عمل دستگاه تغذیه، بیماریهای دستگاههای تناسلی و میزراه، تأخیر یا عدم وقوع قاعدگی به علت ضعف تأثیر به سزائی دارد.

Labiatae:. Thymus spp آویشنها: تیره نعناع

گیاهانی هستند علفی چندساله و با قاعده خشبی و به صورت پشته‌ای یا گسترده بر روی زمین با ساقه‌های متعدد به بلندی حد اکثر ۲۵ سانتیمتر و برگهای کامل (ساره) تخت (پهن) و حاشیه برگشته بدون دمبرگ یا دمبرگدار.

آویشنها در مناطق مختلف گیلان به خصوص مراتع ییلاقی و مناطق کوهستانی رویش می‌یابند. عامل مؤثر در شناخت این گیاهان عطر فراوان و دل‌انگیز آنها است. آویشنها با گلهای ارغوانی، صورتی، سفید یا کرم رنگ خود به مناطق کوهستانی و شیبهای تند ارتفاعات مرتعی زیبائی خاصی می‌بخشند.

گونه‌های چندی از این جنس در گیلان می‌رویند که عبارتند از:

Thymus fallax/ Thymus pubescens

Thymus fedtschenkoi/ Thymus transcaucasica

Thymus Kotschyanus

کلیه گونه‌های مزبور با نام آویشن شناخته می‌شوند.

آویشنها در ایران به عنوان داروهای گیاهی کاملا شناخته شده‌اند و عموما بادشکن، مقوی معده، خلط‌آور، ضد تشنج و مدر و قاعده‌آور می‌باشند. دم- کرده سرشاخه‌های گلدار آنها را در رفع اسپاسمها و حالات تشنجی دستگاه تنفس و درمان گریپ، سیاه‌سرفه، آسم مرطوب، نزله‌های مزمن بکار می‌برند و خاصیت مقوی، نیرودهنده، ضد عفونی‌کننده، تنظیم دستگاه گردش خون و مراکز عصبی و ضربان قلب دارند.

Thymus Serpoyllum سوسنبر کوهی: تیره نعناع

سوسنبر کوهی گیاهی است پایا به ارتفاع ۱۰ تا ۲۰ سانتیمتر با برگهای کوچک و رگبرگهای مشخص، با شاخه‌های خیلی کوتاه و اغلب پوشیده از کرک. دارای گلهای سفید کوچک به صورت مجتمع و خوشه‌ای. این گیاه در برخی از نقاط گیلان به ویژه در ارتفاعات منجیل می‌روید.

سوسنبر کوهی یکی از اقسام سوسنبر است که از نظر خواص درمانی شبیه سایر اقسام سوسنبر می‌باشد. مقوی قلب، نیروبخش، مقوی معده و بادشکن است.

طب سنتی از این گیاه برای درمان ضعف معده، اختلالات هاضمه، دل‌بهم‌خوردگی، انواع قولنج و اسهال استفاده می‌کند و خواص درمانی مختلفی برای آن قائل است از قبیل: ادرارآور، معرق، بازکننده عادت ماهانه، ضد کرم، ضد عفونی‌کننده.

زیاده‌روی در خوردن سوسنبر برای زنان باردار مضر است، زیرا امکان دارد موجبات سقط جنین را فراهم سازد.

Tiliaceae: Tilia platyphyllos subsp .caucasica نرمدار، نمدار، زیزفون: تیره نمدار

درختی است به ارتفاع ۳۵ تا ۴۰ متر با تنه‌ای راست و ضخیم به قطر حد اکثر یک متر با پوستی به رنگ خاکستری تیره و شیاردار و تاجی گسترده و پرشاخه و برگهائی تخم‌مرغی‌شکل با قاعده‌ای قلبی یا قلبی مورب یا بریده مورب و دمبرگی بلند. گلهای گرزنی آن بر روی برگه‌ای زبانه‌ای‌شکل بدون کرک به رنگ زرد متمایل به سبز به طول حد اکثر ۹ سانتیمتر قرار

گرفته و میوه‌های شبه کروی یا گلابی‌شکل آن پوشیده از کرکهای مخملی یا پتوئی است.
نمدار یکی از گونه‌های جنگلی شمال ایران است که عموما در دشتها و جلگه‌های جنگلی تا ارتفاعات میان‌بند رشد می‌نماید و چوب آن ارزش صنعتی زیادی ندارد. گل‌آذین آن دارای خاصیت دارویی بوده در طب سنتی به مصرف می‌رسد و امروزه گونه‌های اروپائی آن نیز به خاطر استفاده‌های داروئی گاهی در ایران کشت می‌شود.
برگ و گل انواع مفید گونه‌های نمدار (زیزفون) در طب سنتی به عنوان ضد تشنج، آرام‌کننده و نرم‌کننده مورد استفاده قرار می‌گیرد. اثر ضد تشنج آنها نیز مربوط به اسانسی است که در گلهای این درخت وجود دارد و بوئی ملایم و مخصوص از آنها استشمام می‌گردد.
نوع مفید و داروئی این درخت که در جنگلهای بین کهدم و رستم‌آباد و همچنین سفیدرود می‌روید Tilia platyphyllos نام دارد که در طب سنتی به فراوانی در درمان سرماخوردگی، سردرد، سوء هاضمه و ناراحتیهای عصبی به کار می‌رود. نمدار حاوی گلوکزیدهای فلاونوئیدی است، ولی عاری از مشتقات گزانتین است. گرچه این گیاه از نظر پزشکی مدرن مصرفی ندارد،
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۵۶
ولی می‌توان دم‌کرده آن را به عنوان یک نوشیدنی عاری از کافئین به کار برد.
قابل یادآوری است که در کتاب «مفردات پزشکی و گیاهان داروئی» برگ و گل انواع مختلف گونه‌های نمدار در طب سنتی در درمان سرماخوردگی سردرد، سوء هاضمه و ناراحتیهای عصبی بکار می‌رود، در صورتی که در کتاب «گیاهان داروئی» فقط برای گونه مفید این درخت، خواص درمانی ذکر شده است.

Umbelliferae: Torilis arvensis ماستونک: تیره چتریان

گیاهی است علفی یکساله به بلندی حد اکثر ۱۰۰ سانتیمتر و پرشاخه، با برگهای گوناگون مرکب یک تا دو بار شانه‌ای. دارای گلهای سفید یا سفید متمایل به صورتی در گل‌آذین چتری با شعاعهای ۲ تا ۱۲ تائی و میوه تخم‌مرغی‌شکل و پوشیده از خارهای راست یا خمیده.
این گیاه یکی از علفهای هرز گیلان بوده در غالب نقاط در حاشیه جاده‌ها، پیاده‌روها، مزارع و باغها و شیبهای تند حاشیه‌ای جاده‌های جنگلی و زمینهای زراعی متروکه می‌روید و به سبب داشتن خار، میوه‌اش به لباس و پوست حیوانات اهلی می‌چسبد.
از گونه‌های دیگر آن Torilis heterophylla نیز در غالب نقاط استان دارای پراکنش و گسترش می‌باشد.

Trapaceae: Trapa natans : سرکوله‌خیز، سرکنجه‌خیز: تیره سرکوله‌خیز

گیاهی است علفی یکساله با برگهای شناور و غوطه‌ور در آب، برگهای غوطه‌ور آن خطی و باریک و برگهای شناور آن، که بیشتر جلب توجه می‌نماید، به صورت لوزی و با دمبرگهایی دارای تورم دوکی‌شکل می‌باشد. گلهای آن سفیدرنگ و میوه‌اش چوبی همراه با زوائد سخت و خاردار است.
سرکوله‌خیز خاص مناطق باتلاقی با آب راکد یا با جریان ملایم و نسبتا کم- عمق می‌باشد و در مرداب انزلی که یکی از رویشگاههای این گیاه است به صورت متراکم و نزدیک به‌هم روئیده محیط مناسبی را برای تخم‌گذاری پرندگان مهاجر به

وجود می‌آورد. میوه این گیاه گاهی توسط افراد بومی برای تغذیه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تیره قیچ: Zygophyllaceae خارخسک: Tribulus terrestris

گیاهی است علفی یکساله، گسترده روی سطح زمین با ساقه‌ای به طول ۱۵ تا ۸۰ سانتیمتر و شاخه‌های جوان و برگهای پوشیده از کرکهای نقره‌ای و برگهای مرکب شانه‌ای زوج با ۱۰ تا ۱۶ برگچه و برگچه‌های تخم‌مرغی یا بیضوی که غالبا دارای قاعده نامتقارن به صورت متقابل هستند. گلهای منفرد زردرنگ آن در محور برگها قرار گرفته‌اند. میوه آن مرکب از ۵ برچه به هم پیوسته است که هر برچه حاوی ۲ شاخ بلند خارمانند و شاخکهای کوتاهتر خاری و کرکهای فراوان و گاهی نیز بدون کرک می‌باشد.

خارخسک که یکی از علفهای هرز مزارع آیش و مناطق شنی است در گیلان بر روی شنهای ساحلی بین رشت و انزلی و اطراف انزلی گسترش داشته دارای خواص داروئی فراوان است. خواص داروئی قسمتهای مختلف این گیاه به ویژه قابض بودن آن در طب سنتی ایران کاملا شناخته شده است.

تیره نخود: Leguminosae شبدرها: Trifolium spp.

گیاهانی هستند یکساله یا چندساله علفی با ساقه‌ای برافراشته یا عموما

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۵۷

گسترده روی سطح زمین و اغلب دارای بوی کومارین و برگهای ۳ برگچه‌ای و گلهایی به رنگ سفید، زرد، ارغوانی یا قرمز، در گل‌آذینی کپه‌ای و سرسان و یا خوشه‌ای کوتاه در انتهای شاخه‌ها و یا محور برگها و میوه‌های نیام کوتاه و ناشکوفای یک یا دو دانه‌ای کوتاهتر از کاسه گل.

شبدرها گیاهانی عموما رطوبت‌پسند بوده، اغلب در چمنزارها و مناطق دارای نور کافی رشد می‌نمایند. گونه‌های شبدر دارای ارزش علوفه‌ای قابل توجه هستند و گونه‌های اصلاح شده‌ای نیز از این جنس در مزارع کشت می‌گردد.

گونه‌هایی از این گیاه که در گیلان می‌رویند عبارتند از:

Trifolium angustifolium/ Trifolium micranthum

Trifolium arvense/ Trifolium ochroleucum

Trifolium campestre/ Trifolium physodes

Trifolium carescens/ Trifolium pratense

Trifolium chusii/ Trifolium repens

Trifolium fragiferum/ Trifolium resupinatum

Trifolium glomeratum/ Trifolium scabrum

Trifolium grandiflorum/ Trifolium striatum

Trifolium hybridum/ Trifolium subterraneum

Trifolium lappaceum/ Trifolium tumens

این استان در ضمن رویشگاه مناسبی برای بسیاری از گیاهان تیره نخودLeguminosae که اکثرا طالب آب و هوای مدیترانه‌ای و رطوبت‌پسند هستند می‌باشد.
در طب سنتی ایران مصارف چندانی برای شبدرها وجود ندارد و لیکن غنچه‌های گل شبدرها محتوی تاننها، گلوکزیدها، اسیدهای آلی و مواد رنگی می‌باشند. و برای مداوای برونشیت، گرفتگی صدا، سرفه، اسهال و همچنین در ترکیبات خلط‌آور و مقوی معده استفاده می‌شوند. شبدرها دارای شهد بسیار بوده و عسل‌دهنده مهمی هستند.
قسمت مورد استفاده شبدر قرمز که آن را شبدر کوهی نیز می‌گویند، گل و شکوفه‌های خشک‌شده آن می‌باشد که بوی خوشی دارند. این شبدرها فقط در زمینهای قوی به عمل می‌آید. دارای ترکیبات شیمیایی زیاد و قابل توجه است که عبارتند از: مواد سفیده‌ای، روغن، قند و املاح معدنی مانند کلسیم، منیزیم، پتاس، سرب، فسفر، گوگرد، سیلیس، سدیم، آهن، آلومینیوم، منگنز، روی، مس، نیکل و کوبالت. برگهای شبدر قرمز کلسیم بیشتری دارد که پس از رسیدن فسفر آن کم می‌شود. همچنین دارای ویتامینهای ب ۱ و ای و ویتامین کا می‌باشد. خاصیت برجسته گیاه مزبور این است که از انفارکتوس (سکته قلبی) جلوگیری می‌کند. در رنگرزی نیز از مواد رنگی آن جهت رنگ کردن پشم و پنبه استفاده می‌کنند. جوشانده شربت و عصاره شکوفه گلهای شبدر قرمز ضد تشنج و خلط‌آور است و برای درمان سیاه‌سرفه و برونشیت مورد استفاده قرار می‌گیرد. از عصاره گیاه نیز می‌توان به صورت ضماد جهت التیام زخمها بهره‌مند شد.
ابو علی سینا در خواص شبدر و گونه‌های مختلف آن می‌نویسد: «شبدر گیاهی است که ۳ نوع دارد: بیابانی، کاشتنی، مصری. تخم آن را نان کنند و می‌خورند ... افشره شبدر کاشتنی که با عسل باشد قرحه (زخم) را تنقیه کند.
روغنش داروی درد مفاصل است ... افشره‌اش را به بینی کشند عطسه آورد و برای بیماران صرع بسیار سودمند است ... اگر با عسل باشد سفیدی چشم و تم چشم (آفتی که در چشم پیدا شود مانند پرده) را چاره کند. هرنوع از شبدر و به ویژه شبدر بیابانی درد دنده‌ها را که از بلغم باشد دوا کند. خناق و درد گلو آرد و در این حالت علاجش گشنیز و کاسنی و کاهو است که آسیبش را دفع کنند ...
روغنش در سرآغاز استسقاء داروی خوبی است ... شبدر بیابانی با شربت تخم پنیرک بستانی (ملوخیه) داروی درد مثانه است. روغن شبدر علاج درد بیضه‌ها و زهدان است. شبدر بیابانی قی و اسهال را درمان کند و شکم را بند آورد.
شبدر و تخمش شهوت‌انگیز است ...».
علاوه بر آنچه که ذکر شد، در کتاب «گیاهان دارویی» از یک گونه شبدر دیگر با نام فارسی «شبدر زرد» یاد گردیده که خودرو و دارای خواص درمانی بدین شرح است:
... سرشاخه گلدار آن، اثر آرام‌کننده دارد، رافع بیماریهای عادی سینه، مدر و هضم‌کننده است. دم‌کرده آن جهت رفع تحریکات عصبی، بی‌خوابیهای منشأ بیماریهای مختلف، بی‌خوابیهای اطفال، احساس اضطراب و سرگیجه، دردهای عصبی، میگرن، دردهای رماتیسمی، عدم دفع ادرار، التهاب و ورم کلیه و مثانه، سوء هضم، قولنجهای کبدی و نظائر آنها بین مردم مصرف دارد. به
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۵۸
علاوه طبق بررسیهای جدید، دارای اثر ضد انعقاد خون، درمان حالات مالیخولیائی، رفع اختلالات زمان یائسگی و کم‌کننده فشار خون شریانی است.
شبدر زرد به علت دارا بودن مقدار کم کومارین، اثر ضد انعقاد دارد و در نوع نیمه حاد بیماری فلبیت (لخته شدن خون) اثر

درمانی دارد.

Trigonella spp .:Leguminosae شنبلیله‌ها: تیره نخود

گیاهانی هستند علفی یکساله یا چندساله با برگهای ۳ برگچه‌ای و غالبا دارای بوی کومارین با ساقه‌هائی اغلب کوتاه به ارتفاع ۲۵ تا ۴۰ سانتیمتر با گلهای منفرد محوری یا انتهائی به رنگهای زرد یا بنفش و میوه‌های نیام غالبا طویل و خطی. شنبلیله‌ها دارای گسترش و پراکنش قابل توجهی در مناطق دارای آب و هوای مدیترانه‌ای هستند. در گیلان نمونه‌های وحشی آن به صورت خودرو به جز یکی از دو گونه مثل Trigonella carpoceras که بر روی شنهای ساحلی بین رشت و انزلی و تا آستارا می‌روید دارای پراکنش زیادی نمی‌باشند و لیکن شنبلیله خوراکی Trigonella foenum -gRAECUM از سبزیهائی است که برای آش و خورش در غالب نقاط ایران کشت می‌شود و در گیلان نیز در سبزی‌فروشیها عرضه می‌شود و مردم نیز در باغچه‌ها و باغها آن را می‌کارند.

برگ شنبلیله حاوی ترکیبات کلسیم و آهن و چند نوع ویتامین می‌باشد.

دانه شنبلیله و دم‌کرده آن برای درمان تحریکات جلدی، سل استخوانی، بیماریهای ناشی از کم‌اشتهائی، سرفه و قند خون مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ همچنین در ترمیم قوای از دست رفته و تحریک غدد شیری مادران مؤثر بوده برای هضم غذا بکار می‌رود. از جوشانده شنبلیله در مداوای ترک‌خوردگی نوک پستان زنان و بواسیر استفاده می‌شود و همین مایع به صورت غرغره جهت معالجه ورم لوزه و درد گلو و به عنوان تنقیه در تخفیف التهاب و ورم معده و روده و اسهالهای ساده مؤثر است.

تخم شنبلیله دارای فسفاتهای آلی، لستین و نوکلئوآلبومین است مصرف آن در مورد نقرس، دیابت، راشیتیسم، کم‌خونی، خنازیر، لنفاتیسم و لاغری مصرف می‌گردد. ریموند دکستریت در کتاب «معالجه گیاهی» درباره خواص شنبلیله می‌نویسد: تخم شنبلیله غده لوز المعده را تقویت نموده اختلالات حاصله از کم‌غذائی را درمان می‌کند.

ابو علی سینا نیز در اهمیت درمانی شنبلیله بر روی ورم و جوش تأکید دارد و می‌نویسد: «... حلبه (شنبلیله) ... ورمهای بلغمی و سخت را می‌گدازد. آرد شنبلیله ورمهای گرم پدید و ناپدید را شفا دهد به شرطی که التهاب نکرده باشند و تا اندازه‌ای سخت باشند. ورمهای اندرونی را نرم می‌نماید و می‌رساند ...

آب‌پز شنبلیله نقطه سرخ چشم را برطرف کند. بر چشم مالند مواد غلیظ را که سبب آماس چشم می‌شوند از بین ببرد ... در علاج آماس و درد و به هم آمدن زهدان در آب‌پزش بنشینند فایده ببینند ... روغنش آماس پیزی (مقعد) را فرو نشاند ...».

دانه‌های این گیاه به سبب دارا بودن ویتامین آ و د، همانند روغن ماهی است. در مداوای شبکوری و نرمی استخوان مؤثر است. خوردن برگ و بذر آن برای کسانی که در جاهای مرطوب و کم‌آفتاب به سر می‌برند غذای بسیار مفیدی است. شنبلیله به علت داشتن مواد آهنی لازم، فسفر و هورمونهای گیاهی کافی، در ردیف یکی از مفیدترین سبزیها جا دارد.

Tripleurospermum disciforme :Compositae بابونه کاذب: تیره کاسنی

گیاهی است علفی دوساله یا چندساله، توده‌ای یا راست به ارتفاع ۵ تا ۷۰ سانتیمتر با ساقه‌های یک تا چندتائی پرشاخه و منشعب یا بدون شاخه و برگهای ۲ تا ۱ بار شانه‌ای بخش دارای بریدگیهای نخی‌شکل و باریک و با انتهائی سیخک‌مانند. گل‌آذین دیهیم تنک حامل کپه‌های (کلاپرک) ناجور گل که بر روی دم‌گلهای (دم‌کپه‌های) بلند و نامساوی قرار گرفته‌اند.

این گیاه در مناطق معتدله و معتدله سرد ایران به ویژه در نواحی مرطوب، چمن‌زارها، حاشیه مزارع و باغها و بستر رودها، مزارع غلات، مزارع یونجه و شبدر می‌روید و با گلهای لوله‌ای کوچک زردرنگ که به صورت مجتمع در کنار یکدیگر بر روی صفحه‌ای طبق‌مانند قرار گرفته‌اند مشخص می‌شود. در گیلان نیز در غالب مراتع ییلاقی اطراف رودبار و منجیل، عمارلو، دیلمان، اسپیلی، ماسوله و گردنه حیران می‌روید.

از این نظر آن را بابونه کاذب می‌نامیم که در اغلب نقاط ایران مردم آن را به جای بابونه اصلی که Matricaria chamomilla است مصرف می‌کنند و در عطاریها نیز امروزه این گیاه را به عنوان بابونه می‌فروشند، درحالی‌که Matricaria chamomilla یعنی بابونه اصلی در ایران بیشتر در مناطق جنوبی به خصوص استان خوزستان در میان مزارع گندم و مزارع غلات و بقولات می‌روید و گلهای آن ناجورشکل بوده بر روی یک کپه (کلاپرک) مخروطی- شکل دارای گلهای کناری زبانه‌ای سفیدرنگ و گلهای لوله‌ای زردرنگ بسیار کوچک می‌باشد. ارزش داروئی بابونه برای عموم مردم شناخته شده است.

بابونه گیاهی است مقوی، ضد درد و تشنج، نیروبخش، تب‌بر و کرم‌کش، مدر، مقوی معده، بادشکن، اشتهاآور، هضم‌کننده غذا، صفرابر، قاعده‌آور و التیام‌دهنده است و اثر ضدعفونی‌کنندگی ضعیف دارد. مصرف اسانس بابونه گلبولهای سفید خون را زیاد می‌کند. اگر به شیر نوزادان مقدار کمی دم‌کرده گل بابونه اضافه شود دل‌پیچه‌های ناشی از نفخ و حالات تشنجی کودک را برطرف می‌نماید. برای درمان بیماریهای معده و سوء هاضمه مصرف می‌شود.

در استعمال خارج ضماد و لوسیون و حمام فرآورده‌های آن اثر قاطع در ضدعفونی زخمهای عمیق، فیستولها، زخم انگشتان، اولسر زانو، رفع التهاب ورم چشم و مخاط دهان، حلق و لثه‌ها دارد. جوشانده گل گیاه برای طلائی- کردن موهای بور و بور کردن موهای بلوطی بکار می‌رود و موها را شفاف می‌سازد.

در طب سنتی گرد گلهای بابونه برای درمان اگزماهای مرطوب و دردناک و زخمهای کچلی به صورت پاشیدن گرد بر روی عضو استفاده می‌شود.

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۵۹

Typha latifolia :Typhaceae لوئی، گرز (گرزمال، کرفو، قو، قوی آتش‌زنه): تیره لوئی

گیاهی است آبزی یا رطوبت‌پسند و پایابی، چندساله و یکپایه با ساقه‌های زیرزمینی خزنده و ساقه هوائی راست و ضخیم و توپر چوب‌پنبه‌ای و در قاعده بنه‌دار به بلندی حد اکثر ۲/۵ متر، با برگهای اغلب قاعده‌ای دو ردیفی و راست در قاعده غلاف‌دار و خطی یا تسمه‌ای‌شکل با مغز حاوی لایه‌ها و حفرات هوادار که گاهی از طول ساقه بلندتر می‌باشند.

گلهای نر و ماده آنها در سنبله‌ای متراکم و معمولا با فاصله از یکدیگر بر روی محور مرکزی گل‌آذین قرار گرفته، سنبله نر معمولاـ نازکتر و کوتاهتر بوده در بالای سنبله ماده قرار می‌گیرد. میوه آن دارای کرکهای فراوانی است که در پراکنش و گسترش آنها کمک مؤثری می‌نمایند.

لوئی در ایران عموما در کنار دریاچه‌ها، باتلاقها، نهرها و کانالها و جویبارهای دائمی می‌روید. در گیلان در مرداب انزلی، آبگیرهای مناطق مختلف و گاهی نیز در حاشیه مزارع برنج و نهرهای هدایت‌کننده آب به مزارع برنج دیده می‌شود.

از گونه‌های دیگر آن نیز Typha minima است که رویشگاهی شبیه آنچه گفته شد دارد و لیکن خود گیاه از نظر ارتفاع و

اندازه سنبله‌ها کوچکتر می‌باشد. دانه‌های گرده لوئی در قسمتهائی از ایران مورد استفاده غذائی قرار گرفته در سالهای گذشته میوه‌های کرکدار آن برای عایق کردن خزینه حمامها به همراه سفیده تخم‌مرغ و آهک به کار می‌رفته و امروزه گاهی در صنعت کاغذسازی از آن استفاده می‌شود. به خواص داروئی ریشه آن نیز در طب سنتی اشاره شده است.
در گذشته با جویدن ساقه زیرزمینی آن بوی سیر و پیاز را زائل می‌کردند و معتقد بودند که دندانها را سفید کرده مانع خونریزی لثه می‌شود. همچنین از گرد کوبیده آن برای درمان زخمها و جراحات و بند آوردن خونریزی استفاده می‌کردند.

Ulmaceae: .Ulmus spp نارونها: تیره نارون

درختان یا درختچه‌هائی هستند خزان‌کننده با تنه‌ای راست و برافراشته و در انتها پرشاخه به ارتفاع ۲ تا ۲۵ متر با برگهای متناوب و قاعده‌ای نابرابر و نامتقارن و کناره‌ای دندانه‌اره‌ای یا دندانه‌دار و به‌ندرت کامل، میوه نارونها فندقه بالدار بوده و عموما قبل از رشد و نمو برگها ظاهر می‌گردند و پس از رسیدن توسط باد به سرعت پراکنده می‌شوند که عامل مؤثری در زادآوری و تولیدمثل است.
نارونها در استان گیلان خاص مناطق جنگلی بوده و در جنگلهای ارتفاعات بالا در جوامع راشستان و بلوطها دیده می‌شوند. مشهورترین آنها عبارتند از: ملجUlmus glabra و اوجاUlmus carpinifolia که جزء چوبهای صنعتی و بسیار باارزش هستند و اغلب جهت روکش در صنایع مبل‌سازی و کارهای ظریفه از آنها استفاده می‌شود.
نارون چتریUlmus x densea امروزه در غالب نقاط ایران در کنار خیابانها و پارکها و تفرجگاهها کشت می‌گردد که با تاج چتری خود زیبائی خاصی دارد. پوست نارونها از نظر مصارف درمانی دارای اثرات مقوی، معرق، مدر، التیام‌دهنده، نرم‌کننده و قابض بوده ضعف دستگاه هضم، نزله مخاطهای بدن و خونرویها را درمان می‌کند. جوشانده پوست نارون در مداوای بیماریهای مختلف از جمله اسهالهای ساده، عوارض نقرس و روماتیسم، بیماریهای ناشی از کمی ادرار، سودا، بروز دانه‌ها و زخمهای ناشی از بیماریهای نقرس و خنازیر، تبهای نوبه، آب آوردن انساج، نقرس و بی‌خوابی ناشی از آن مؤثر است.

Urticaceae: Urtica dioica گزنه، گزنه دوپایه: تیره گزنه

گیاهی است علفی چندساله با ساقه‌ای راست و برافراشته و غالبا پرشاخه به ارتفاع حد اکثر ۱۵۰ سانتیمتر با ریشه‌های فراوان و برگهای تخم‌مرغی پهن نوک‌دراز و لبه‌ای با دندانه تند. گزنه دوپایه، به‌ندرت یک پایه می‌باشد و گلهای نر و ماده آن به صورت سنبله‌ای- خوشه‌مانند در کنار یکدیگر و در محور برگها و ساقه قرار گرفته‌اند.
از مشخصات کلی و عمومی این گیاه داشتن کرکهای گزنده است که در اثر تماس با دستها و بدن انسان به خاطر داشتن اسید فرمیک سوزندگی خاصی ایجاد می‌کند و به همین علت آن را گزنه نامیده‌اند.
گزنه یکی از گیاهان جهان وطنی است که در غالب نقاط جهان دیده می‌شود. در گیلان بیشتر در کنار جاده‌ها، پیاده‌روها، نهرهای دارای جریان دائمی آب، مناطق مرطوب با نور نسبتا کافی و در بیشه‌زارهای جنگلی رویش می‌یابد.
در ضمن گونهUrtica urens گزنه دیگری است که یکساله بوده و در گیلان در اطراف بندر انزلی و بر روی شنهای ساحلی رویش دارد. گزنه در طب

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۶۰
سنتی دارای مصارف گوناگون است.

برای رفع سرماخوردگی مخلوط دانه گزنه با عسل، خلط‌آور و معالج بیماریهای سینه می‌باشد. جوشانده برگ گزنه اثر مدر، ملیّن، قاعده‌آور داشته و له شده برگ تازه آن در رفع ناراحتیهای گزش مار و درمان زخمهای غانغاریائی، اولسرها، تومورها و زخمهای چرکین بکار می‌رود.

از سرشاخه‌ها و یا برگ گزنه برای مداوای مجاری ادرار، دستگاه تنفسی، کاتاره معده- روده‌ای و به عنوان کمک‌درمانی در مداوای دیابت استفاده می‌شود. دانه گزنه جهت رفع درد معده، آنژین، اخلاط خونی، سرطان و بیماریهای مربوط به طحال مصرف می‌گردد. شیره تازه گیاه جهت دفع درد مفاصل در استعمال خارجی به کار می‌رود و اثر تنگ‌کننده مجاری عروق داشته و در رفع خونرویهای رحمی و خونروی در فواصل قاعدگی همراه با هموفیلی، خون آمدن بینی و دفع اخلاط خونی اثرات شفابخش دارد. گیاه در تقویت اعمال هضم، ازدیاد ادرار، دفع نزله، بند آوردن خون، علاج بیماری قند و ازدیاد ترشح شیر و باز کردن قاعدگی اثر مفید دارد. گزنه دارای اثر قاطع در مداوای بیماریهای پوست می‌باشد.

صابونی: تیره میخک Vaccaria pyramidata :Caryophyllaceae

گیاهی است علفی یکساله با ساقه‌ای راست به ارتفاع ۱۵ تا ۶۰ سانتیمتر، با برگهای متقابل قلبی- سرنیزه‌ای و گلهای صورتی و صورتی متمایل به سفید در گل‌آذین پرگل پانیکول با شاخه‌های زیاد و میوه کپسول حاوی بذرهای فراوان. صابونی یکی از علفهای هرز مزارع غلات محسوب شده در گیلان نیز بیشتر در مزارع گندم دیم منطقه در ارتفاعات رودبار و منجیل و عمارلو و اسپیلی دیلمان دیده می‌شود که با گلهای صورتی رنگ خود زیبائی خاصی به مزارع می‌دهد.

قره‌قات: تیره قره‌قات Vaccinium arctostaphylos :Ericaceae

درختچه‌ای است خزان‌کننده به ارتفاع ۱ تا ۲ متر با ساقه‌ای گرد و کمی کرکدار همراه برگهای تقریبا بدون دمبرگ بیضوی- سرنیزه‌ای و گلهای صورتی رنگ که هنگام باز شدن سفید می‌شود. قره‌قات دارای میوه سته‌ای آبدار به رنگ سیاه یا ارغوانی متمایل به سیاه است.

این درختچه فقط در جنگلهای شمال ایران در غرب مازندران و گیلان می‌روید در استان گیلان بیشتر در جنگلهای راش و گاهی در بیشه‌زارهای کوهستانی در دره اسالم به خلخال و دره سفیدرود و اطراف منجیل و رودبار می‌روید. میوه آن نیز قره‌قات نام دارد و دارای ارزش داروئی قابل توجهی در طب سنتی می‌باشد.

برگ و میوه قره‌قات حاوی تاننها، اسیدهای آلی و گلوکوکینینها است که قند خون را پائین می‌آورد و از آنها برای درمان دیابت و کاتاره‌های معده- روده‌ای یا ورمهای مثانه استفاده می‌کنند.

Vallisneria spiralis :Hydrocharitaceae

گیاهی است چندساله، دو پایه، غوطه‌ور در آب با ساقه‌ای کوتاه و رونده، دارای برگهای متناوب و با قاعده‌ای غلاف‌دار و تسمه‌ای و چمنی‌شکل به طول حد اکثر ۷۰ سانتیمتر، گلهای این گیاه بر روی دمگل بلندی قرار دارند که مانند فنر پیچیده به

نظر می‌رسند و هنگام لقاح و باروری در سطح آب قرار می‌گیرند.

این گیاه خاص مناطق مردابی با آب نیمه عمیق بوده و در گیلان در رودهای منتهی به مرداب انزلی می‌روید و با ساقه‌های فنری‌شکل و برگهای تسمه‌ای سبز و نسبتا بلند خود زیبائی خاصی دارد.

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۶۱

گل ماهورها: تیره گل میمونی Scrophulariaceae: Verbascum spp.

گیاهانی هستند یکساله، دو ساله یا چند ساله، علفی گاهی با قاعده‌ای چوبی و ساقه‌ای از پائین منشعب یا بدون شاخه یا در بالا منشعب و پرشاخه با برگهای متناوب ساده یا لوب‌دار و غالبا طوقه‌ای و انبوه و برگهای ساقه‌ای تنک.

عموما برگها و ساقه گیاه پوشیده از کرکهای مخملی متراکم غده‌دار یا بدون غده بوده گاهی برگها بدون کرک می‌باشند.

گلهای این گیاه غالبا زردرنگ و ندرتا بنفش یا ارغوانی و گاهی سفیدرنگ هستند و در گل‌آذین محوری یا انتهائی خوشه، سنبله یا پانیکول- مانند قرار گرفته‌اند.

گل ماهورها عموما در ایران در مناطق استپی، دامنه‌های کوهستانی، دشتهای خشک و مناطق جنگلی و بیشه‌زارها می‌رویند و گاهی نیز به عنوان گونه‌های مهاجم در مراتع دیده می‌شوند.

در استان گیلان گونه‌های چندی از آنها از جمله:

Verbascum punalense

Verbascum stachydiforme

در مناطق جنگلی و گونه‌های:[۴]

Verbascum blattaria

Verbascum orientale

کتب طبی انتزاعی (فارسی) ؛ ج۳ ؛ ص۴۶۱

Verbascum thapsus

در مناطق دشتی و جلگه‌ای می‌رویند. اثرات داروئی بعضی از گونه‌های آن در طب سنتی شناخته شده است.

خواص درمانی این گونه‌ها که ذیلا شرح داده می‌شود کم‌وبیش شبیه یکدیگر است:

دم‌کرده گلهای ماهور مسکّن، ملیّن و ادرارآور است. از ناراحتیهای سینه تنگی نفس، برونشیت و آسم می‌کاهد.

در استعمال خارجی اگر برگهای گل ماهور با شیر پخته شود، له‌شده آن به صورت ضماد بر روی کورک، سودا و انواع زخمهای جلدی تأثیر مفیدی می‌گذارد. در مداوای امراض مزبور مصرف خوراکی جوشانده برگ گل ماهور با شیر نیز بسیار مؤثر است. اطبای قدیم مقدار مصرف این جوشانده را ۳ لیوان معمولی در روز تعیین کرده بودند.

شاه‌پسند: تیره شاه‌پسند Verbenaceae: Verbena officinalis

گیاهی است علفی چند ساله با ساقه‌ای چهارگوشه و راست، در بالا منشعب و شاخه‌دار به ارتفاع ۶۰ تا ۸۰ سانتیمتر و برگهای

مستطیلی یا مستطیلی- سرنیزه‌ای با دندانه‌های بزرگ یا بریده بریده یا شانه‌ای بریده- ربابی‌شکل، دارای گلهای کوچک بنفش‌رنگ در گل‌آذین سنبله‌ای انتهائی.
شاه‌پسند به صورت علف هرز در اغلب نقاط ایران و در گیلان بیشتر در مناطق مرطوب حاشیه باغها و مزارع می‌روید. در طب سنتی ایران جایگاهی ندارد و لیکن می‌توان از سرشاخه‌های گلدار گیاه که حاوی گلوکزیدهای (وربنالین و وربنین)، تاننها، اسانس روغنی، مواد لزج، ساپونین و نمکهای معدنی می‌باشد، به شکل دم‌کرده یا خیسانده برای تحریک اشتها و ترشح عصاره‌های معدی و به عنوان قابض استفاده نمود. این گیاه محرک بسیار خوبی برای مبادلات متابولیکی داخلی است و همچنین علیه خستگیهای عصبی، بی‌خوابی و میگرن و رفع ناراحتیهای کلیوی و کبدی بکار می‌رود.
امروزه در اکثر مناطق معتدله و معتدله گرم ایران جنسی به نام شاه‌پسند زینتی Lantana spp . کشت می‌شود که با گلهای محوری با انتهائی دیهیم‌مانند خود به رنگهای متنوع سفید، سفید متمایل به صورتی و صورتی یا بنفش زیبائی خاصی دارد. در گیلان نیز عموما آن را در پارکها، بلوارها، حیاط منازل و سازمانهای دولتی می‌کارند.

Scrophulariaceae:. Veronica spp سیزابها: تیره گل میمونی

گیاهانی هستند علفی یکساله یا چندساله با ساقه‌ای برافراشته یا گسترده روی سطح زمین به بلندی ۵ تا ۸۰ سانتیمتر با برگهای متقابل بدون تقسیم یا منقسم با بریدگی، دارای گلهای منفرد یا چندتائی انتهائی یا خوشه‌ای یا سنبله‌ای محوری و غالبا منفرد محوری به رنگهای آبی، ارغوانی، قرمز، سفید یا سفید متمایل به آبی و چرخه‌ای‌شکل با چهار گلبرگ مشخص و دو پرچم بلند و میوه کپسول دو حجره‌ای با دانه‌های متعدد.
سیزابها در ایران دارای گسترش وسیعی بوده در غالب نقاط دشتی، جلگه‌ای، کوهستانی، ارتفاعات بالا و قلل کوهها می‌رویند. یکی از معمولی‌ترین سیزابها گونه Veronica persica می‌باشد که به صورت علف هرز در مزارع، باغها، باغچه‌ها، گلدانها، مزارع آیش، بیشه‌زارها، کف جنگلها، کنار جاده‌های جنگلی و مناطق مختلف استان گیلان می‌روید.
به علاوه در گیلان گونه‌های چندی از این جنس به نامهای زیر می‌رویند:

Veronica anagalis- squatica/ Veronica gentianoides

Veronica arvensis/ Veronica persica

Veronica ceratocarpa/ Veronica polita

Veronica crista- galli/ Veronica serpyllifolia

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۶۲

کلیه گونه‌های مزبور با گلهای آبی‌رنگ با دو پرچم برافراشته و میوه‌های کپسول دو قسمتی مشخص می‌شوند. مصارف داروئی بعضی از گونه‌های آن در طب سنتی ایران شناخته شده است.
در گیلان گونه Veronica persica به فراوانی می‌روید.
طعم سیزاب تند و تلخ و از خواص آن، این است که مقوی، هضم‌کننده، خلط‌آور و به‌طور خفیف مدر است و در مورد اختلالات کبدی و عفونتهای ریوی، میگرن، سوء هضم، نفخ معده و غلظت خون و ادرار به کار می‌آید و مبتلایان به نزله‌های ریوی مزمن، سل، برونشیت، تنبلی دستگاه گوارش، نقرس، روماتیسم، سنگ کلیه و کیسه صفرا و یرقان هستند، می‌توانند از

آن استفاده کنند.
در استعمال خارجی، سیزاب در شفای جرب، ناراحتی لثه، درد گلو، نافع و مؤثر است و زخمها را نیز می‌توان با آن ضدعفونی، پاک و معالجه کرد.

Viburnum opulus :Caprifoliaceae بداغ: تیره بداغ

درختچه‌ای است با تنه‌ای راست، از پائین منشعب و دارای شاخه‌های متعدد خاکستری‌رنگ به ارتفاع حد اکثر ۳ متر و برگهای پنجه‌ای ۳ تا ۵ لوبه صاف سبزرنگ که در فصل پائیز قرمز می‌شوند. گلهای سفیدرنگ و زیبای آن در گل‌آذینی دیهیم کروی قرار گرفته‌اند. مشخصه مهم این درختچه علاوه بر گلها، جوانه لخت و عاری از فلس آن است.
بداغ در مناطق جنگلی شمال ایران در بیشه‌زارها و جنگلهای ارسباران رشد و نمو می‌نماید و لیکن انواع زینتی آن امروزه در اکثر پارکها، بلوارها، حیاط منازل و باغچه‌ها کشت می‌گردد و با گلهای سفید و کروی خود زیبائی خاصی دارد به خصوص که یکی از درختچه‌های بهار گل و پیش‌رس می‌باشد.

Vicia spp .:Leguminosae ماشکها: تیره نخود

گیاهانی هستند علفی یکساله، دو ساله یا چند ساله با ساقه‌های اغلب بالارونده و برگهای شانه‌ای فرد منتهی به پیچک یا سیخک کوتاه و به‌ندرت شانه‌ای زوج با برگچه‌ای یک تا چند جفتی و غالبا بیش از پنج جفت و گلهای منفرد یا خوشه‌ای محوری یا انتهائی به رنگهای، بنفش، بنفش متمایل به سفید، قرمز و گاهی زرد یا دو رنگ مخلوط.
ماشکها عموما به جز چند گونه کشت شده باقلاVicia faba و ماش Vicia sativa همگی علف هرز مزارع، مزارع آیش، مراتع، بیشه‌زارها و مناطق روشن جنگلی هستند و در نقاط مختلف گیلان گونه‌های چندی از این جنس به نامهای زیر در مناطق مختلف می‌رویند.

Vicia cracca/ Vicia hirta/ Vicia tetrasperma

Vicia crocea/ Vicia lathyroides/ Vicia variabilis

Vicia hirsuta/ Vicia narbonensis/ Vicia villosa

باقلا دارای ارزش غذائی بسیار، ولی دیرهضم می‌باشد. گل باقلا اثر مدر و ضد تشنج دارد و دم‌کرده آن برای درمان سنگ کلیه و در قولنجهای کلیوی بکار می‌رود.
دانه ماش علاوه بر آن‌که در موارد تبهای دانه‌ای مانند آبله و سرخک بکار می‌رود در استعمال خارجی نیز ضماد آرد آن برای دفع التهابهای سطحی بدن مورد استفاده قرار می‌گیرد.

Vinca herbacea :Apocynaceae پیچ تلگرافی (گل تلگرافی، پروانش): تیره خرزهره

گیاهی است علفی چندساله و همیشه سبز با ساقه‌ای گسترده روی زمین و عموما رونده که گاهی در انتها ایجاد ریشه نابجا می‌نماید. این گیاه برگهائی متقابل، علفی بیضوی باریک، سرنیزه‌ای تا تخم‌مرغی دارد و گلهای آن آبی کم رنگ یا آبی متمایل به بنفش و قیفی‌شکل در محور برگها یا انتهای شاخه‌هاست. پیچ تلگرافی دارای میوه‌های برگه با دانه‌های متعدد

می‌باشد.
در ایران در استانهای گیلان و مازندران و آذربایجان در اراضی مرتعی، بیشه‌زارهای دارای نور فراوان، جنگلهای مخروبه، مزارع دیم و اراضی رها شده رشد می‌نماید.
نوعی از آن به نام پیچ تلگرافی Vinca major به عنوان زمین‌پوش با تراکم زیاد در باغچه‌های منازل، گلدانهای دیواری، کشت می‌شود.
در حال حاضر نوع پرورش‌یافته Vinca tricolor با نام فارسی بنفشه سه‌رنگ یکی از گیاهان زینتی است که در اواخر زمستان و اوائل بهار در غالب باغچه‌های کنار خیابانها و پارکها و حیاط خانه‌ها کشت می‌شود و با رنگهای سفید، بنفش، آبی و قرمز زیبائی خاصی می‌آفرینند.
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۶۳

Viola odorata :Violaceae بنفشه معطر: تیره بنفشه

گیاهی است علفی چندساله، فاقد ساقه مشخص به بلندی ۳ تا ۱۲ سانتیمتر با ساقه‌های خزنده سطحی که در انتها ایجاد ریشه می‌نماید و برگهای تخم- مرغی دایره‌ای، نوک‌تیز و با قاعده‌ای قلبی عموما طوقه‌ای با دمبرگی بلند.
بنفشه دارای گلهای معطر بنفش‌رنگ و زیباست. در استان گیلان در کف جنگلهای دارای نور کافی و حاشیه جاده‌ها و شیبهای تند حاشیه جاده‌های جنگلی رشد می‌نماید و مخصوصا در اوایل فصل بهار با گلهای معطر و زیبای خود جلوه‌ای خاص به مناطق جنگلی می‌بخشد.
شاید بتوان گفت که زادگاه و خاستگاه اغلب گونه‌های بنفشه ایران استانهای گیلان و مازندران است. از انواع آن می‌توان گونه‌های زیر را نام برد:
Viola arvensis/ Viola modesta/ Viola occulta
Viola tricolor/ Viola witminiana
در حال حاضر نوع پرورش‌یافته Viola tricolor با نام فارسی بنفشه سه رنگ یکی از گیاهان زینتی است که در اواخر زمستان و اوائل بهار در غالب باغچه‌های کنار خیابانها و پارکها و حیاط خانه‌ها کشت می‌شود و با رنگهای سفید، بنفش، آبی و قرمز زیبائی خاصی می‌آفرینند.
از نظر ترکیبات شیمیائی، بنفشه معطر دارای موسیلاژ و اسید سالیسیلیک است و برگ آن مقدار کمی آنتوسیانین دارد.
استفاده درمانی از بنفشه معطر در ایران مربوط به قرون وسطی است درحالی‌که برخی از کشورها مانند یونان در قرون اولیه میلادی با خواص این گیاه آشنایی داشتند و برای مداوای بیماریهای گوناگون از آن استفاده می‌کردند.
در طب سنّتی ایران از دم‌کرده گل بنفشه به صورت خالص یا مخلوط آن با ختمی و پنیرک و شقایق برای درمان بیماریهای سینه و گلو- از قبیل برونشیت، گریپ، آنژین و امراض مشابه- استفاده می‌شود. همچنین برای معالجه التهاب دستگاه گوارش، کلیه، مثانه و بیماریهای مخملک، سرخک و تبهای دانه‌ای دم‌کرده گل بنفشه معطر توصیه شده است. از گل بنفشه معطر، شیری به دست می‌آید که اثر ملیّن دارد و برای درمان سیاه‌سرفه، زکام، گریپ، بیماریهای سینه و گلو مورد استفاده قرار می‌گیرد. برگ بنفشه معطر نیز دارای شیری است که اثر مسهلی دارد. ریشه بنفشه نیز تهوع‌آور است. در گذشته، به کسانی که

در اثر خوردن تریاک، مسموم می‌شدند یا به قصد مسموم ساختن خود، تریاک مصرف کرده بودند جوشانده ریشه بنفشه می‌خوراندند. این دارو مخاط جهاز هاضمه را تحریک می‌کرد و باعث تهوع می‌شد و شخص مسموم را نجات می‌داد.
گرد ریشه بنفشه معطر نیز به مقدار ۲ تا ۴ گرم اثر تهوع‌آور قوی دارد. این گرد را با آب قند مخلوط و میل می‌کنند. از دانه‌های بنفشه معطر نیز به عنوان داروی ملین مخصوصا برای اطفال استفاده می‌شود.
مصرف دم‌کرده گل بنفشه با مخلوطی از گل گاوزبان، عنّاب و لیمو عمانی به اعصاب آرامش می‌بخشد.

Loranthaceae: Viscum album داروش (داره واش)

گیاهی است نیمه انگلی و همیشه سبز، درختچه‌ای، دو شاخه‌ای و برگهای متقابل و رگبرگهای موازی و گل‌آذین گرزن. گلها در این گیاه به صورت دسته‌ای ۳ تا ۵ تائی هستند و میوه آن نیز سته چسبناک گرد یا گلابی‌شکل و به رنگ سفید می‌باشد.
این گیاه به علت داشتن سبزینه قادر به ساختن بخشی از مواد غذائی مورد نیاز خود است؛ شیره خام جذب شده توسط گیاه مادر را به شیره پرورده تبدیل کرده و کمک مؤثری نیز برای تهیه مواد غذائی آلی به گیاه همزیست خود می‌نماید.
دارواش در غالب نقاط جنگلی استان گیلان و گاهی نیز بر روی درختان مثمر و کشت شده دیده می‌شود و لیکن غالبا بر روی درختانی می‌روید که ضعیف و در حال نابود شدن می‌باشند.
در جنگلهای شمال بر روی درختان گلابی، سیب، بادام، گوجه، کلهو، ممرز، انجیلی، نرمدار و بعضی از درختچه‌ها و گیاهان دیگر دیده می‌شود.

Vitaceae: Vitis vinifera انگور: تیره انگور

درختچه‌ای است بالارونده و پیچان، با ساقه‌ای عموما قهوه‌ای رنگ و پوستی رشته رشته که به مرور زمان از ساقه جدا شده و طول آن گاهی تا ۳۰ متر می‌رسد. معمولا در کنار آن پیچکی قرار دارد که به بالا رفتن گیاه کمک مؤثری
کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۶۴
می‌نماید، انگور دارای برگهای خزان‌کننده با دمبرگی بلند و پنجه‌ای‌شکل با لوبهای دندانه‌دار و گاهی نوک‌تیز، گلهای سفید متمایل به سبز در خوشه‌ای بزرگ و محوری قرار گرفته و میوه سته‌ای آبدار و بسیار خوشمزه به رنگهای مختلف سبز، سبز متمایل به زرد، سیاه، قرمز، و غیره است.
درخت مو در اغلب نقاط معتدله و معتدله سرد ایران وجود دارد. طی سالهای اخیر نوعی انگور خارجی که دارای برگهای ضخیم چرمی و بسیار سرسبز و زیباست در غالب نقاط استان گیلان کشت شده است که احتمالا نوع آن Vitis labrusca می‌باشد. در ضمن گونه‌ای انگور وحشی به نام Vitis sylvestris در مناطق مختلف جنگلی شمال به صورت خودرو می‌روید که تشخیص آن از نوع کاشته شده Vitis vinifera کار ساده‌ای نیست.
انگور از میوه‌های بسیار باارزش اقتصادی است که به صورتهای گوناگون (تازه، خشک، سرکه، شیره و غیره) مصرف می‌شود.
قسمت مورد استفاده درخت انگور یا مو، برگ، شیره گیاهی و میوه آن است.
انگور دارای مقدار زیادی پتاس و فلزات دیگری مثل منیزیم، آهن، منگنز، کلر، ید، ارسنیک، فسفر، سیلیس و همچنین دارای مقدار زیادی قند، تانن، اسید تارتاریک و عوامل زنده‌ای مانند دیاستازها و فرمانها می‌باشد. اگر به این ترکیبات مفید

ویتامینهای آ، ب، ث، د و مواد آکتیو اضافه گردد و عوامل مؤثر و مفیدی که در برگ، شیره و دانه انگور است مورد توجه قرار گیرد ملاحظه می‌شود که این میوه مجموعه‌ای از عناصر مفید و سودبخش را، از جهات گوناگون غذائی و درمانی دربر دارد.

انگور بیش از سایر میوه‌ها ویتامین دارد و بیش از همه خوراکیها دارای ارزش غذائی می‌باشد. قند انگور به‌طور مستقیم و سهولت وارد خون می‌شود و در عضلات و کبد ذخیره می‌گردد. درحالی‌که سایر قندها اول باید به قندی چون قند انگور تبدیل شوند و بعد وارد خون گردند. انگور ترشی خون و مایعات بدن را کم می‌کند و از ابتلاء به امراض گوناگون، حتی وحشتناکترین آنها که سرطان می‌باشد جلوگیری می‌نماید. انگور تنها میوه‌ای است که وقتی خشک شود هیچ‌یک از خواص خود را از دست نمی‌دهد، بلکه ارزش غذائی آن بالا می‌رود، به طوری که یک دانه کشمش خیلی بیشتر از یک حبه انگور قوت دارد، زیرا دیاستازهای موجود در روی پوست به تدریج سلولز پوست را تبدیل به قند می‌کند و نیز به همین علّت است که هیچ معده‌ای از خوردن مویز ناراحت نمی‌شود.

آب تازه انگور از نظر ترکیبات غذائی شباهت زیادی به شیر مادر دارد. این نوشابه گوارا دارای مقداری قند، تانن، تارتارات، دوپتاس، فسفات دوپتاس، مالات دوپتاس، مواد صمغی، مواد سفیده‌ای، کلسیم، منیزیم و عناصر دیگر است. برای کم‌خونی، زیادی اوره، زیادی چربی خون و امراض قلبی سودمند بوده، بادشکن نیز می‌باشد.

در اثر خوردن انگور معده کاملا تخلیه می‌شود. ادرار زیاد می‌گردد و ترشحات فضولات معده از بین می‌رود. انگور از امراض زیر جلوگیری می‌کند: ترش کردن و تخامه نمودن غذا، سوءهاضمه، خونریزی معده، پیدا شدن سنگ در کلیه و مثانه، مسمومیّت جیوه و سرب، بعضی از امراض جلدی، برخی از حالات سل و باد مفاصل. برای مداوای بیماریهای رماتیسم، امراض شریانی و وریدی، نقرس، فشار خون و زیاد شدن اوره در خون مؤثر است.

انگور محرّک اعمال کبدی است و چنانچه آب آن را همراه با شیر خشک به اطفال شیرخوار بدهید، از عوارض شیر خشک روی کبد آنها جلوگیری می‌کند.

برگ انگور دارای تانن، بی‌تارتارات دوپتاس، نشاسته، اسید مالیک، یک نوع صمغ، قند اکزالات دوپتاس، گچ و چند ترکیب شیمیائی مخصوص به خود است. این ترکیبات اختصاصی، در برگهائی که فصل پائیز چیده شوند، زیادتر است. طعم برگ انگور کمی گس و ترش است. در طب سنتی به عنوان مقوی معده، درمان اسهال مزمن و خون‌دماغ مصرف می‌شود. دم‌کرده ۳۵ گرم آن در یک لیتر آب، در امراض اسهال، حبس البول و یرقان توصیه می‌شود. همچنین شستشو با آب دم‌کرده برگ انگور ورم پلک را فرومی‌نشاند.

در موقعی که درخت انگور را هرس می‌کنند، آبی از سرشاخه‌های آن بیرون می‌آید که به «اشک مو» معروف است. این مایع که بی‌رنگ و زلال می‌باشد در گذشته برای درمان امراض جلدی زیاد بکار می‌رفت، ولی در طب امروز بیشتر برای معالجه چشم درد، به صورت کمپرس و برای التیام تمام زخمها و نیز دفع سنگ کلیه و مثانه بکار می‌رود. مبتلایان به سنگ مثانه و کلیه هرروز صبح ناشتا باید یک قاشق از این اشک را بنوشند.

صاحب کتاب «صیدنه» می‌گوید:

«... صمغ درخت انگور سنگ گرده (کلیه) و مثانه را بشکند و ببرد و آبی که در فصل بهار از او ترشح کند صفرا را بنشاند و تیزی فساد او را رفع کند و شکوفه آن معده را تسکین دهد.»

پوست انگور کمی دیرهضم و مولّد باد است و هسته دانه‌های انگور دارای تانن بوده و قابض است و تولید گاز می‌کند. علاوه

بر آنچه گفته شد میوه نارس

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۶۵

انگور که غوره نام دارد نیز از خواص درمانی قابل اهمّیتی برخوردار است.

آب غوره معالـج مرض قنـد، نقرس، روماتیسم و قاعـده‌آور است. برخلاف آنچه که تاکنون در بسیاری از کتب ذکر گردیـده انگور معالـج دیابت (مرض قند) نیز می‌باشد. پروفسور کاپو که در این مورد مطالعاتی مؤثر و عملی دارد در کتاب رژیم انگور ... چنین می‌نویسد: «بسیاری از اشخاص به اشتباه فکر می‌کنند که قند انگور یا میوه‌های شیرین دیگر ایجاد مرض قند می‌کنند. زیرا دیابت با انگور معالجه می‌شود و انگوری را که برای معالجه دیابت بایـد مصـرف کنید نباید زیاد رسـیده و شـیرین باشد و می‌توان آن را با میوه‌های دیگر مانند پرتقال، آلو، خربزه، سیب، گلابی و آلبالو ترکیب کرد.»

پروفسور کاپو در جای دیگر کتاب خود نیز به نکات جالب دیگر درباره انگور اشاره کرده و تحت عنوان ناسازگاری شیمیائی غـذاها بـا انگـور چنین نوشـته است: علت نفـخ شـکم و بالاـ آوردن غـذا و ترش کردن آن، در اثر اختلاـط نامنـاسب غـذاها با یکدیگر حاصل می‌شود. برای جلوگیری از این ناسازگاری باید بدانید انگور با چه غذاهائی می‌سازد.

انگور را نبایـد با غـذاهائی درهم آمیخت که در موقع تجزیه یا تغییر شـکل احتیاج به ترشح معده و کبد دارد ... غذاهائی مانند سبزیهای خوراکی، شیر، گوشت و ماهی، هندوانه و انواع چربیها با انگور سازگاری ندارند.

لازم به یادآوری است که پروفسور کاپو انگور را درمان اغلب بیماریهای مهم چون درد و ورم معـده، قرحه اثنی عشـر، اسـهال خونی، مرض هموفیلی، بیمـاری کیسه صـفرا، کولیت، امراض قلبی، بیمـاری کلیه، سـرطان معـده، سـل، نقرس، امراض عصبی، سوزاک و سفلیس، بیماری چاقی، بیماری لاغری و بسیاری از بیماریهای دیگر و حتی مرض قند می‌داند و در کتاب معروف و مشـهور خویش (رژیم انگور- پرتقال- لیمو)، طرق مختلف معالجه این بیماریها را نشان داده است. نیز ناگفته نماند که درخت انگور در اکثر مناطق گیلان (به اسـتثنای رودبار و برخی مناطق دیگر) عموما در پای درختان تنومند و دیرپائی چونPlanere (آزاددار) وOrme (اوجا، نارون) که در بعضـی از مناطق گیلان به ترتیب سغ (سـخ) و سـمت (سـیمت) نامیده می‌شود غرس می‌گردد که معمولاـ هرس نمی‌شود. لـذا درختـان انگور در این منطقه از ایران تـا ارتفـاع ۲۰ الی ۲۵ متر در لابلـای شاخه‌های درختان مزبور بالا می‌روند و تناور و ثمربخش می‌شوند.

انگور صفحات گیلان به استثنای مناطقی که قبلا یاد شد، ترش و شیرین و بسیار خوشمزه است که اصطلاحا به این نوع میوه‌ها ملس و میخوش گویند و علت آن نیز ناشی از ازدیادPH خاک این مناطق است که در اصطلاح غیر علمی می‌توان گفت بیش از اندازه لازم، ترش و اسیدی می‌باشد.

نخل بادبزنی: تیره نخل Washingtonia filifera :Palmae

درختی است به بلنـدی ۱۲ تا ۲۵ متر بـا سـاقه‌ای منفرد و ضـخیم که در اثر تراکم دائمی و اتصـال دمبرگهـا به یکـدیگر ایجـاد گردیده، با برگهائی دارای دمبرگ بلند و دائمی (بسـیار مقاوم و پایا) که به صورت سـربه‌زیر و برگشـته، بخش فوقانی ساقه را می‌پوشاند. لبه‌های دمبرگ پوشـیده از دندانه‌های خاردار با پهنکی بسـیار پهن به عرض ۱ تا ۲ متر که دارای چینهائی به تعـداد ۵۰ تا ۶۰ عدد بوده منتهی به زوائدی نخی‌شکل می‌گردد.

نخل بادبزنی یکی از گیاهان زینتی است که در مناطق معتـدله گرم و گرمسـیری کشت می‌گردد و با برگهای بزرگ و همیشـه

سبز خود زیبائی خاصی دارد. در گیلان در بلوارها، منازل، پارکها و باغچه‌های سازمانهای دولتی ... کشت شده است.

Leguminosae: Wisteria sinensis گلیسین: تیره نخود

درختچه‌ای است خزان‌کننده و بالارونده با ساقه‌های پیچان و برگهای شانه‌ای فرد متناوب، با ۱۱ تا ۱۳ برگچه مستطیلی‌شکل بدون کرک و گلهای خوشه‌ای محوری یا انتهائی بنفش‌رنگ آویزان و میوه‌ای نیام پوشیده از کرکهای مخملی کوتاه.

این درختچه که با ساقه‌های رونده و پیچنده خود گاهی به ارتفاع بیش از ۲۰ متر از درختان بالا می‌رود. عموما به عنوان گیاه زینتی کشت می‌شود و بر روی سایه‌بانها آلاچیقها و چهارچوبهای از پیش ساخته شده افتاده و گلهای واژگون آن از سقف سایه‌بان هم‌چون لوسترهای بنفش‌رنگ آویزان می‌شود و زیبائی خاصی می‌آفرینند. در ایران گاهی آن را به غلط اقاقیای بنفش گویند.

گلیسین از جمله گیاهان زینتی منازل در شهرها و روستاهاست.

Compositae: Xanthium strumarium تیره کاسنی

گیاهی است علفی یکساله با ساقه‌ای ضخیم و بدون شاخه در پائین و منشعب و پرشاخه در بالا به ارتفاع ۱۵ تا ۸۰ سانتیمتر بدون خار و برگهای متقابل یا متناوب دمبرگدار، تخم‌مرغی- گوه‌ای یا گاهی ۳ تا ۵ لوبه و لبه‌ای کنگره‌ای. گلهای کپه‌ای آن به صورت خوشه‌ای در محور برگها یا در انتهای شاخه‌ها قرار گرفته و برگه‌های اطراف میوه دارای خارهای گوناگون از نظر شکل و اندازه می‌باشند.

گیاه مذکور یکی از علفهای هرز مزارع پنبه، حاشیه جاده‌ها و باغها و مناطق مخروبه و متروکه و شنهای ساحلی و مناطق سنگلاخی و شنی است. در استان گیلان بیشتر در اطراف رشت، رودبار، لاهیجان، انزلی تا آستارا می‌روید. گونه دیگری از آن نیز به نام Xanthium spinosum با برگهای خاردار زردرنگ و میوه‌های خاردار به صورت علف هرز در مناطق مختلف استان می‌روید.

قسمتهای مختلف این گیاه برای دفع کرم استفاده می‌شود. جوشانده میوه آن برای درمان مالاریا مؤثر است. عصاره ریشه آن در معالجه زخم، جوشهای پوست بدن و آبسه‌ها مؤثر است.

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۶۶

Liliaceae: Yucca gloriosa زنگوله‌ای: تیره لاله

گیاهی است چندساله پرشاخه با ساقه‌ای چوبی به ارتفاع ۵۰ تا ۱۵۰ سانتیمتر، با برگهای تخت. برگهای قاعده‌ای اغلب خمیده و برگشته و برگهای سرنیزه‌ای یا خطی- سرنیزه‌ای به رنگ سبز تیره یا روشن با لبه‌ای کامل یا دندانه‌دار و بدون کرک می‌باشند. گلها زرد کم‌رنگ یا کرم با رگه‌های سبز در گل‌آذین پانیکول باریک به طول حد اکثر یک متر با شاخه‌های برافراشته و غالبا پوشیده از کرکهای غده‌ای قرار گرفته‌اند.

گیاه زنگوله‌ای در ایران در غالب نقاط معتدله و معتدله سرد به عنوان گیاهی زینتی کشت می‌شود. در گیلان نیز در پارکها،

بلوارها، حیاط منازل و سازمانهای دولتی کشت شده و با گلهای درشت و زنگوله‌ای و سفید یا سفید متمایل به زرد خود زیبائی خاصی دارد.

Ulmaceae: Zelkova carpinifolia آزاد (آزاددار): تیره نارون

درخت یا درختچه‌ای است با پوست صاف و خاکستری‌رنگ و برگهای متناوب خزان‌کننده و ساقه‌ای به بلندی حد اکثر ۳۵ متر و چتری متراکم و پرشاخه در بخش فوقانی، با شاخه‌های جوان کرک‌دار و برگهائی با پهنک تخم‌مرغی تا مستطیلی و با اندازه‌های گوناگون.
درخت آزاد به علت داشتن چوب باارزش در شمال ایران یعنی رویشگاه واقعی آن در ایران رو به انقراض و نابودی نهاده است. در گیلان بیشتر در دشتهای جلگه‌ای و با ارتفاع کم همراه بلوط رویش می‌یابد.

rhamnaceae: Ziziphus jujuba عناب (عونتاب، سنجلان، اون‌ناف، سنجد جیلان): تیره کنار

درخت یا درختچه‌ای است خزان‌کننده با پوست قهوه‌ای شیاردار با تاجی گسترده و منشعب و پرشاخه و برگهای تخم‌مرغی بدون کرک و نسبتا ضخیم و چرمی با دمبرگی کوتاه به رنگ سبز روشن با گلهای زرد کوچک در گل‌آذینی گرزن متراکم و انبوه و میوه‌ای شفت نسبتا خشک به رنگ قرمز تیره، شبیه سنجد.
عنّاب در گیلان قبلا به‌فراوانی وجود داشت و اکنون در حیاط منازل و باغها به خاطر میوه آن‌که خوراکی و دارای ارزش داروئی بسیار است بندرت کشت می‌شود.
عنّاب فشار خون را کم و سینه و گلو را نرم می‌کند، همچنین خون را صاف و پاک می‌سازد. عناب کمی نفّاخ و دیرهضم است و اگر آن را در گلاب خیسانده مصرف کنند هضم آن آسانتر می‌گردد. زیاده‌روی در خوردن عناب سبب نفخ و بزرگ شدن شکم می‌شود و شهوت را کم و غرایز جنسی را ضعیف می‌سازد. خوردن سائیده عناب با هسته، جهت زخم معده و روده مفید است. عناب داروی کبد و مثانه و کلیه بوده آنها را زهکشی می‌کند. جوشانده عناب با عرق کاسنی یا سکنجبین برای امراض وبا و حصبه و مطبّقه مفید است. مقدار خوراک عنّاب تا ۵۰ عدد است. نوشیدن ۵ روز، متوالی، هرروز نیم لیتر (نیم رطل) آب جوشانده برگ عناب جهت دفع خارش بدن بسیار نافع است.
پاشیدن برگ خشک کوبیده عناب جهت درمان زخمهای خوره‌ای و بدخیم مفید است. خواه این زخمها در دهان باشد خواه در عضوی دیگر و چون پوست درخت عناب را سائیده به تنهائی یا به نسبت مساوی با سفیداب مخلوط کرده و در داخل زخمهای چرکی پر کنند آنها را درمان می‌کند. خوردن پودر چوب این گیاه جهت درمان دل‌پیچه، خارش و جرب مفید است، صمغ درخت عناب به تنهائی و یا با ادویه مناسب جهت امراض چشمی و با سرکه جهت جوشهای جلدی سودمند است.

Filicales سرخسها

از نظر گیاهشناسی سرخسها جزء گیاهان اولیه بوده و از نظر تکاملی جزء پتریدوسپرمها محسوب می‌گردند. هیچیک از آنها دانه و میوه به صورت رایج در سایر گیاهان نداشته توسط اسپر تکثیر و تولید مثل می‌نمایند. این گیاهان اغلب سایه‌پسند و رطوبت‌دوست بوده و در مناطق جنگلی و مرطوب پراکنش و گسترش زیادی دارند. شاید کسی نباشد که تا به حال با سرخسها

آشنا نباشد زیرا سرخسها بسیار زیاد بوده دارای قدرت تولید مثل زیاد می‌باشند. اخیرا در گل‌فروشیها گونه‌های خاصی از این گروه گیاهان با نام فرانسوی Faugere به فروش می‌رسند. استان گیلان نیز از نظر اقلیمی جزء مناطقی است که برای رشد و نمو این گروه از گیاهان مناسب می‌باشد و متجاوز از ۲۰ گونه سرخس در آن رشد و نمو می‌نمایند که به چند گونه مشهور و شناخته شده‌تر آنها به شرح زیر اشاره می‌شود.

Adiantum capillus –veneris :Adianthaceae پر سیاوش (سیالک)

گیاهی است ریزوم‌دار که توسط فلسهای قهوه‌ای‌رنگی پوشیده شده است بلندی آن به ۱۰ تا ۴۰ سانتیمتر می‌رسد و برگهای آن مرکب دوبار شانه‌ای با دمبرگهای کاملا سیاه‌رنگ شفاف و فاقد هرگونه کرک بوده و زیبائی خاصی به گیاه می‌دهد که به همین دلیل آن را به موی ونوس تشبیه کرده‌اند.

این گیاه بیشتر در مناطق صخره‌ای مرطوب با نور نسبتا زیاد و نیز بر روی دیوارهای قدیمی و کهنه و صخره‌های کوه می‌روید. برگهای کوچک و میخی- شکل آن دارای بوئی ضعیف و طعمی گس و ناپسند دارد. معلوم شده است که دارای موسیلاژ (لعاب نباتی) و قند، تانن، اسید گالیک و یک ماده تلخ به نام کاپیلارین Capillarine و کمی اسانس است.

ابو علی سینا در کتاب «قانون» می‌نویسد: این گیاه، خاصیتی گدازنده و

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۶۷

بازدارنده دارد و در آن قوتی است که از سیلان مواد ناسازگار به سوی شکم و معده جلوگیری می‌کند. خاکستر این گیاه مخلوط با سرکه و روغن زیتون در علاج داء الثعلب و داء الحیه (گری و مرضی که در سر پدید می‌آید و موی سر را زائل می‌سازد) مفید است. اگر با روغن آس (مورد) و شراب آمیخته شود موی را بلند نموده از ریختن آن جلوگیری می‌کند. به علاوه برگهای پرسیاوشان معالج قرحه‌های درونی و خنازیر و زخمهای پلید و مرطوب می‌باشد. در پاک نمودن شش و تسکین سرفه بسیار نافع است. درد طحال را تسکین می‌دهد و برای یرقان مفید است. مدر و قاعده‌آور است و سنگ کلیه را خرد می‌کند.

همچنین از خونرویهای بینی و یا دهان (نزیف) جلوگیری می‌نماید.

دم‌کرده پر سیاوشان اگر با عسل مخلوط شود گریپ و نزله‌های ششی و برونشیت و ذات الریه را درمان می‌کند. اطبای پیشین از آن به عنوان خلط‌آور، نرم‌کننده و معرق استفاده می‌کردند. در نقاط مختلف گیلان مخصوصا اطراف رشت و پیربازار به فراوانی می‌روید.

Asplenium adianthum –nigrum :Aspleniaceae سرخس سیاه

گیاهی است به حالت توده‌ای به ارتفاع حد اکثر ۲۵ سانتیمتر و عموما با برگهای دوبار شانه‌ای که دمبرگ آن از پهنک کوتاه‌تر بوده و در بخش فوقانی سبزرنگ و در بخش تحتانی کاملا سیاه‌رنگ و در قاعده متورم می‌باشد. این گیاه معمولا در جنگلهای تاریک هم روی زمین و هم در شکاف صخره‌ها می‌روید. کلیه قسمتهای سرخس سیاه مدر و ملین است و برای رفع سکسکه و کاهش التهاب مورد استفاده قرار می‌گیرد. جوشانده برگهای گیاه خلط‌آور است و برای درمان ناراحتیهای سینه و عقب‌افتادگی عادت ماهانه استفاده می‌شود.

Athyrium filix –foemina :Athyriaceae سرخس ماده

یکی از سرخسهای بلند ایران است که به ارتفاع ۱۵۰ سانتیمتر می‌رسد و طول برگ آن نیز بسیار بزرگ می‌باشد. بخش یقه‌ای گیاه توسط برگهای سالهای قبل و در بخش فوقانی توسط فلس سیاه‌رنگ پوشیده شده است. گیاه فوق الذکر بیشتر در مناطق جنگلی استان گیلان و مازندران به خصوص در مناطقی که عملیات بهره‌برداری و قطع جنگل در آن انجام گرفته به سرعت جایگزین سایر گیاهان می گردد.

Dryopteris filix –mas :Aspidiaceae سرخس نر

گیاهی است به بلندی حد اکثر ۱۰۰ سانتیمتر که برگهای آن عموما در فصل زمستان خشك شده و دمبرگ آن به ۱/۲ طول پهنك می‌رسد. پهنك برگ تخم مرغی نوك‌تیز بوده و دوبار شانه‌ای است. این سرخس به‌طور معمول در جنگلهای شمال ایران رویش می‌یابد.

Matheucia struthiopteris :Athyriaceae سرخس غول

گیاهی است به بلندی حد اکثر ۱۸۰ سانتیمتر و یکی از مشخص‌ترین سرخسهای ایران است. بلندی برگهای آن ممکن است به اندازه قد یك انسان معمولی و با پهنای حدود ۴۰ سانتیمتر برسد. تعدادی از برگهای این گیاه که حامل اسپرها می‌باشند تقریبا به رنگ سیاه بوده عامل خوبی جهت شناسائی این گونه محسوب می‌شوند. این برگها کوچکتر و باریکتر از برگهای دیگر بوده و وسط آنها قرار گرفته‌اند. سرخس غول بیشتر در جنگلهای متراکم و تاریك رویش می‌یابد.

Ophioglossum vulgatum :Ophioglossaceae مار زبان

سرخس بسیار کوچکی است که طول برگهای آن به ۳ تا ۱۵ سانتیمتر می‌رسد و دارای قسمت بارور و مجزائی است که حامل هاگها می‌باشد. برگها دارای دو قسمت بارور و عقیم‌اند و قسمت بارور مانند سنبله‌ای توسط پهنك برگ احاطه گردیده و شبیه زبان مار به نظر می‌رسد. کلیه قسمتهای این گیاه اثر التیام‌دهنده دارد. جوشانده آن برای درمان آنژین بکار می‌رود. برگهای آن اثر مقوی دارد و خونریزی را متوقف می‌سازد.

Phyllitis scolopendrium :Aspleniaceae زنگی‌دارو

این سرخس با برگهای ۱۵ تا ۵۰ سانتیمتری خود که به صورت صفحه‌ای کامل و مستطیلی‌شکل می‌باشد از مشخص‌ترین سرخسهائی است که به آسانی شناخته می‌شود. محل رویش آن زمینهای کف جنگلهای تاریك یا شكاف صخره‌ها است و گاهی در طب عوام و سنتی از آن استفاده می‌شود. زنگی‌دارو مدر و قابض است. در طب سنتی برای درمان بیماریهای کبدی و مثانه و نزله ششی و اسهال و اخلاط خونی مورد استفاده قرار می گرفته است.

Polypodium vulgare :Polypodiaceae بسفایج

دارای برگهائی به بلندی ۱۰ تا ۳۰ سانتیمتر می‌باشد. این سرخس در ایران اغلب به صورت اپی‌فیت روی ساقه درختان پوشیده از خزه می‌روید؛ گاهی در شکاف صخره‌های مناطق جنگلی نیز می‌توان آن را دید. ریزوم این گیاه ملیّن، خلط‌آور و صفرابر است. در طب سنتی از آن جهت مداوای سرفه‌های مزمن،

کتب طبی انتزاعی (فارسی) (کتاب گیلان)، ج۳، ص: ۴۶۸

گریپهای کهنه، برونشیت، یرقان، اختلالات کبدی و طحال و نیز دفع کرمهای روده استفاده می‌شود.

Pteridaceae: Pteris cretica سرخس پنجه‌ای

از سرخسهای معمولی جنگلهای شمال ایران است که ارتفاع آن به ۷۰ سانتیمتر می‌رسد. تعدادی از برگهای این گیاه بارور بوده و دارای ارتفاع بلندتر و تقسیمات شانه‌ای باریکتر از برگهائی است که عقیم می‌باشند. از علائم مشخصه این سرخس وجود اسپرهائی است که به صورت خطی در حاشیه برگ قرار داشته و به وسیله لبه برگ روی آنها پوشیده شده است.

Hypolepidaceae: Pteridium aquilinum سرخس عقابی یا کرف یا چماز

این سرخس با ارتفاع حد اکثر ۲ متر و برگهائی که بیشتر به صورت شانه‌ای درآمده‌اند از معمولی‌ترین سرخسهای شمال ایران است که در حقیقت به صور علف هرز در مزارع مشاهده می‌شود. سرخس عقابی در حاشیه جنگلها و کنار جاده‌ها اغلب همراه آقطی می‌روید و از برگهای آن به عنوان سایه در خزانه‌های برنج و گاهی نیز برای بسته‌بندی محصولات کشاورزی بر روی جعبه‌های میوه استفاده می‌شود. مصارف داروئی این گیاه در طب سنتی شناخته شده است و از آن استفاده‌هائی به عمل می‌آید. ریزوم سرخس نر بهترین دارو برای دفع کرمهای کبد، معده و روده مخصوصا کرم کدو و کرمهای دراز معده است.

Salviniaceae: Salvinia natans سرخس شناور

این سرخس دارای برگهائی کوچک و سبز است که به حالت شناور بر روی آب در مناطق باتلاقی، آبراهه‌ها و کشتزارهای برنج دیده می‌شود، بیشترین رویشگاه این سرخس در گیلان در مرداب انزلی و برنجزارهاست.

Equisetaceae: Equisetum spp. دم اسب (بندک واش)

گیاهانی هستند سایه‌پسند و رطوبت‌دوست که عموما در کنار جویبارها و آبراهه‌های جنگلهای مناطق مختلف گیلان رویش می‌یابند. این گیاهان نیز مانند سرخسها فاقد گل و میوه مشخص موجود در سایر گیاهان عالی بوده و توسط اسپر تولید مثل می‌نمایند. دارای دو نوع ساقه بارور و عقیم است. ساقه بارور آن عموما سبزرنگ نبوده و قبل از ساقه عقیم سبزرنگ ظاهر می‌گردند.

آنچه که بیشتر در طبیعت مشاهده می‌گردد ساقه سبزرنگ و عقیم این گیاهان می‌باشد. بلندی ساقه عقیم آنها تا ۸۰ سانتیمتر می‌رسد که دارای شیارهای فراوان به تعداد ۱۹ عدد می‌باشد. ساقه آنها بندبند است به طوری که برگهای عموما ساقه‌مانند آنها از محل گره‌ها خارج شده به صورت فراهم و چرخه‌ای و عموما بندبند در اطراف گره‌ها قرار می‌گیرند.

گونه‌های چندی از دم‌اسبیان در گیلان پراکنده‌اند که با نام محلی بندک واش شناخته می‌شوند. از معمول‌ترین آنها می‌توان گونه‌های Equisetum ramosissimum و Equisetum arvense را نام برد. دم اسب بندآورنده خون، ترمیم‌کننده انساج و تأمین‌کننده عناصر معدنی بدن و ادرارآوری قوی است. در درمان بیماری سل بکار می‌رود. جوشانده دم اسب ترشحات ادرار را افزایش داده در معالجه استسقاء و آب آوردن انساج تأثیر زیادی دارد. همچنین برای تقویت و معالجه بیماریهائی نظیر ورم مثانه، سنگ کلیه، دردهای مجاری ادرار، قولنجهای کلیوی، اخلاط خونی، بواسیر، زخمهای واریس، زیادی اسید معده و وجود قند در ادرار مورد استفاده قرار می گیرد

[۵]

---

[۱] جمعی از نویسندگان، کتب طبی انتزاعی (فارسی)، ۸جلد، چاپ: اول.

[۲] (۱). سته‌ای به معنی آبدار و گوشتی.

[۳] جمعی از نویسندگان، کتب طبی انتزاعی (فارسی)، ۸جلد، چاپ: اول.

[۴] جمعی از نویسندگان، کتب طبی انتزاعی (فارسی)، ۸جلد، چاپ: اول.

[۵] جمعی از نویسندگان، کتب طبی انتزاعی (فارسی)، ۸جلد، چاپ: اول.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبِیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و

عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام –: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».